



پوهنتون اسلام
پوهنځي شرعيات وفتون
پروگرامه مسټري فقه وفتون



سازت اسلامي افغانستان
وزارت كصليات عالي
معاونت مسور علمي

دلایل اثبات دعوی جنایی از دیدگاه فقه و
قوانین افغانستان
(رساله مسټري)

محصلة: كاشه موهب "وسټري"

استاد رهنا: وزير محمد "سجدي"

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۱۰ هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



امارت اسلامي افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

دلایل اثبات دعوی جنایی از دیدگاه فقه و قوانین افغانستان (رساله ماستری)

محصله: کامله موحد "یوسفزی"
استاد رهنما: وزیر محمد "سعیدی"

1399 هجری شمسی

الله
البرهان



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دبپارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترمه کامله بنت عبدالرحمن ID: SH-MSF-97-367 محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: دلایل اثبات دعوی جنایی از دیدگاه فقه و قوانین افغانستان به روز ۱۳۰۰/۰۳/۱۴ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد یونس ابراهیمی	عضو هیات	
۲	دکتور مومن حلیمی	عضو هیات	
۳	استاد وزیر محمد سعیدی	استاد رهنما و رئیس جلسه	



معاون علمی



امر بورد ماستری

اهداء

حاصل آموخته هایم را از بحر بی کران علم چون یک قطره ،منحیث صدقه جاریه به نام الله متعال و به ارواح سرور کاینات حضرت محمد مسطفی صلی الله علیه ووالدین مرحومم جنت فردوس نصیب شان میفرستم .

آنچه آموختم از رحمت الله متعال ،دعای نیک والدین وتشویق حمایت برادران گرانقدر بوده است .
شکر گزار الله متعال هستم که برایم علم دین را عطاء فرمود و اظهار سپاس از اساتید بزرگوار که درین زمینه ما را کمک وهمکاری نمودند.

سپاس گزاری

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين وعلى آله واصحابه و من تبعهم باحسان الى يوم الدين اما بعد :

سپاس بی پایان پرودگار جهان درود و سلام به رهبر بشریت جناب پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم اهل بیت و جمله یاران راستین و تقدیر از نعمت های بی پایان الهی که شامل حال بنده می باشد و از آن جمله تکمیل پروگرام دوره ماستری است و این همه از فضل کرم الله متعال و دعای نیک والدین گرامی است .

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید {من لم يشكر الناس لم يشكر الله} با استفاده از این فرصت از تمامی اساتید جلیل القدر بویژه از استاد وزیر محمد سعیدی که بنده را اخلاصمندانه همکاری نموده اند اظهار امتنان و قدردانی مینمایم در اخیر اظهار تشکری از وزارت تحصیلات عالی کشور بویژه از رهبری پوهنتون سلام که زمینه تحصیل را برای فرزندان کشور مهیا ساخته و با برخورد نیک در فضای اخلاق عالی اسلامی استقبال نموده و فرصت و فضای مناسبی را در اختیار محصلین قرار داده اند از تک تک ایشان جهان سپاس الله متعال موفقیت مزید و سعادت دارین را نصیب حال هر یک ایشان گرداند.

آمین یارب العالمین

خلاصه بحث

اگر به تاریخ جرم و به تعقیب آن جزا در میان نسل انسان ها نظر نمایم این امر را درک خواهیم کرد که همزمان با خلقت انسان جرم هم خلق گردیده است و کیفر بوجود آمده است همچنان برای اثبات جرم باید دلایل مخصوصی وجود داشته باشد که عبارتند از اقرار ، سند ، شهادت ، علم قاضی ، قسامت که البته مورد آخر فقط مخصوص اثبات قتل و ضرب و جرح است.

اصل سوال این جاست که آیا محکمه مربوط حکم را که صادر نموده واقعاً عادلانه است یاخیر ؟ در این باره باید گفت که اگر اجرات پولیس و سارنوال قانونی بوده ودر اجرات ایشان شخصی سویء استفاده سهل انگاری پیش برد قضیه خلاف حقیقت و سایر تخطی صورت نگرفته باشد دقیقاً که حکم محکمه عادلانه است و اگر در نزد ارگان های دیگر بررسی کننده اعمال پولیس و سارنوالی و محاکم تخطی های ارگان پولیس و سارنوال مربوط پنهان بماند و طوری وانمود شود هر آنچه که در کشف و تحقیق صورت گرفته دقیق و درست است و با آن هم خلاف حقیقت باشد محکمه مربوط حکم مبنی بر مجرم بودن وی را با در نظر داشت دوسیه که در مورد اتهام است صادر مینماید بناً در مورد حکم این محکمه باید گفت که عادلانه است یا غیر عادلانه ؟ باز هم برمیگردیم به هر آنچه در دوسیه شخصی مستقیم است یعنی محکمه حکم خود را از درک اجرات پولیسی و سارنوالی که صورت گرفته ودر دوسیه وی گذاشته صادر مینماید مثال شخصیکه واقعاً مجرم است براءت میدهد ویا شخص غیر مجرم تلقی نموده و حکم جزایی آن صادر مینماید ناگفته نباید گذاشت که این چنین واقعات احتمالات بسیار اندک را دارد اما پولیس و سارنوال باید معیارهای قبول شده بی طرفی و اصل براءت زمه را در نظر داشته و قانون مندی حرکت نماید و در حد اعظمی کوشش به این نماید که حقیقت و واقعیت را جستجو کند تا اینکه کشف و تحقیق به شکل درست آن صورت بگیرد چونکه موضوع بحث مادرین رساله اثبات دعوا با پیشرفت سریع علوم و تکنالوجی و ابزار جدید کشف جرم است در کنار دلایل اثبات جرم کلاسیک را اقرار و شهادت به تسریع در کشور های مختلف معمول شد و جرم یابی به عنوان یک علم در کشف و تشخیص و شناخت پدیده های جرم اند و حفظ آثار و دلایل مادی جرم از فقط سرعت توام با دقت در رسیدگی های جزایی و افزایش میدهد بلکه از بروز اشتباهات قضایی و بی اعتبار ساختن دستگاهای عدالت کشور به نحو قابل توجه ممانعت به عمل میآید امروز در کشور های شرقی جهان مجرمین را از تکنیک های مختلف تعقیب می کنند و مدارک جرم به اندازه واقع و روشن تهیه میگردد که محکمه به آسانی با استفاده از آن وبا اعتماد کامل حکم خود را صادر مینماید روش های علمی کشف جرایم که در این آثار مورد استفاده قرار گرفته اکثراً به علوم برداشت نشان انگشت و وسایل علوم چون عکاسی یا لنتیک و سایر علوم استوار میباشد زیرا امروزه مدارک و آثار که پولیس ارایه میدهد از سند جرم توسط وسایل عمومی جمع آوری میگردد و به عنوان دلایل مستند علیه مجرم به کار میرود وبا این ترتیب انکار و اعتراف مستقیم تاثیر زیادی در تکمیل دوسیه و یا حکم محاکم دارند.

فهرست مطالب

عناوین	صفحه
اهدا.....	الف
سیاسگزاری.....	ب.....
خلاصه بحث.....	ج.....
فهرست مطالب.....	ه- ح.....
مقدمه	1
اهمیت موضوع	2
سبب اختیار موضوع.....	3.....
سوالات تحقیق.....	3.....
پیشنه تحقیق.....	4.....
روش تحقیق.....	4.....
اهداف تحقیق.....	4.....
پلان تحقیق.....	6.....
مشکلات تحقیق.....	6.....

فصل اول

مبحث اول: تعریف دعوا در لغت و اصطلاح	9
مطلب اول: ارکان دعوا	9
مطلب دوم: تداعی.....	11.....
مطلب سوم: انواع جنایات.....	16
مبحث دوم: اقرار در جنایات	17
مطلب اول: تعریف اقرار در لغت و اصطلاح	17.....

18.....	مطلب دوم: دلایل مشروعیت اقرار
20	مطلب سوم: ارکان و انواع اقرار
23	مطلب چهارم: اقرار از دیدگاه قانون
24	مبحث سوم: اثبات جرم توسط شهادت
24	مطلب اول: شهادت در لغت و اصطلاح
30	مطلب دوم: اهمیت و مشروعیت شهادت
40	مطلب سوم: موارد پذیرش شهادت غیر مسلمان
43	مطلب چهارم: ارکان شهادت
4.....	مطلب پنجم: شهادت از دیدگاه قانون
46	مطلب ششم: تحمل شهادت
51	مطلب هفتم: شرایط شهادت
66	مبحث چهارم: قسامت و نکول
66	مطلب اول: تعریف قسامت در لغت و اصطلاح
67	مطلب دوم: دلایل مشروعیت قسامت
69	مطلب سوم: شروط قسامت
70.....	مطلب پنجم: تعریف نکول در لغت و اصطلاح
72.....	مطلب ششم: حکم نکول
75.....	مطلب هفتم: موارد تحقیق نکول و اقسام نکول
76.....	مطلب هشتم: احراز نکول
79	مطلب نهم: نکول از سوگند

فصل دوم

88.....	مبحث اول: قرائن و دلایل استثنایی
88.....	مطلب اول: تعریف قرائن در لغت و اصطلاح
89	مطلب دوم: شروط قرینه
90	مطلب سوم: اقسام قرینه
92	مطلب چهارم: ادله فقهی جواز به کارگیری راه های علمی
97	مطلب پنجم: ارزیابی
105	مبحث دوم: صحنه جرم و جمع اوری مدارک جرم
105.....	مطلب اول: نحوه حفظ و نتایج صحنه جرم
109.....	مطلب دوم: روش عکاسی از صحنه جرم
111.....	مطلب سوم: عکس برداری از صحنه جرم
121	مطلب چهارم: باز سازی صحنه جرم
122	مطلب پنجم: شرایط بررسی صحنه جرم
124	مطلب ششم: نحوه بررسی صحنه جرم
126.....	مبحث سوم: آثار مادی صحنه جرم
126	مطلب اول: آثار و ابزار
128	مطلب دوم: بسته بندی آثار و ابزار
131	مطلب سوم: آثار مادی صحنه جرم
142.....	مطلب چهارم: رنگ مشهود در صحنه جرم به عنوان دلیل
148.....	مطلب پنجم: لکه ها و ذرات غیر حیاتی
150	مطلب پنجم: دلایل مادی مربوط به سلاح

156	مبحث چهارم : کشف جرایم بوسیله آثار و بقایای انسانی
156	مطلب اول: نقش پل پاه و عراده جات
161	مطلب دوم: جستجو و حفظ نقش پل پا
162	مطلب سوم: آثار و عراده جات
167	مطلب چهارم: آزمایش موها ناخن ها
168	مطلب پنجم: آزمایش DNA
183	مطلب ششم: امتحان لکه ها و بقایای انسانی و DNA

فصل سوم

تحقیق جرایم

187	مبحث اول: تحقیق جرایم
189	مطلب اول: مرحله تحقیق جرایم
190	مطلب دوم: آغاز تحقیق جرایم
191	مطلب سوم: استنتاج در تحقیق
194	مطلب چهارم: تحقیق منحيث وظيفه خارنوال ختم آن
196	مطلب پنجم: مکلفیت های خارنوال هنگام نظارت بر قانونیت
203	مبحث دوم: کشف جرم
204	مطلب اول: اهمیت و آغاز کشف جرایم
205	مطلب دوم: کشف جرم توسط پولیس
206	مطلب سوم: چگونگی کشف در محل واقعه
208	مطلب چهارم: نقش جمع آوری دلایل، مدارک و اشیا
209	مطلب پنجم: مدارک اثباتیه غیر بیولوژیکی در کشف جرایم
211	مطلب ششم: اثر نشان انگشتان برای دریافت جرم
211	مطلب هفتم: آثار و علائم پا پوش
213	مبحث سوم: مدارک اثباتیه بیولوژیکی در کشف جرایم

213	مطلب اول: آثار و علائم دندان ها
214	مطلب دوم: کشف ولکه های خون
214	مطلب سوم: موی به عنوان ادله مادی
215	مبحث چهارم: مشاهده حالات روانی متهم
220	مطلب اول: تعریف هویت
222	مطلب دوم: شباهت خطوط انگشتان در وراثت
223	مطلب سوم: آثار انگشتان روی اجسام
223	مطلب چهارم: طریقه گرفتن نشان انگشتان
231	مبحث پنجم: بررسی محل واقعه
231	مطلب اول: بررسی منزل
232	مطلب دوم: بررسی اشیا و اجناس
233	مطلب سوم: ترتیب و تنظیم وقت و محل اجرا
240	مبحث ششم: نتیجه گیری
241	پیشنهادات
242	فهرست آیات قرآن کریم
244	فهرست احادیث نبوی و آثار
247	فهرست منابع و مأخذ
251	فهرست اعلام
253	Conclusion
	Cover page

مقدمه

الحمد لله الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله والصلوة والسلام على حبيبه المصطفى محمد بن عبدالله الذي بلغ الرسالة وأدى الأمانة ونصح الأمة وجاهد في الله حق جهاده وعلى آله واصحابه اجمعين.

اگر به تاریخ جرم و به تعقیب آن جزاء در میان انسان ها نظر کنیم. این امر را درک خواهیم نمود که همزمان با خلقت انسان جرم، و به تعقیب آن کیفر بوجود آمده است اولین جنایت وحشتناک در جهان طبیعت اتفاق افتاد، وقابیل به هولناک ترین جرم ها دست زد، برادرش هابیل را به قتل رساند. جرم و جنایت در میان انسانها مانند حلقه های زنجیری یکی پس از دیگری رخ داد انسان مادامیکه در روی زمین است از جرم و جنایت در میان انسانها و به تعقیب آن از مجازات و کیفر جدا نخواهد بود و بخاطر اثبات بعضی طرق وجود دارد که دین، مقدس اسلام به آن اشاره نموده اند فلسفه آمدن همه شرایع الهی براساس نظر به خلقت استوار بوده و جهان اعم از طبیعت و ماواری طبیعت سراسر مخلوق خداوند یکتا می باشد و خداوند دارای صفاتی مانند حکمت رحمت، ربوبیت بوده و اتصاف او تعالی صفات مذکور ایجاب آن را می کند که خداوند تمام مخلوقات را به سوی حق و سعادت هدایت و رهنمایی نموده و نیازمندی های آنها را مرفوع ساخته و منافع و مصالح آنها را تامین نماید. سلسله تشریحات الهی بواسطه شریعت اسلامی که خداوند متعال آنرا بر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم پیامبر آخر زمان نازل کرد خاتمه یافت احکام و قوانین شریعت اسلامی عام بوده و تمام عرصه های زندگی بشر اعم از زندگی فردی فامیلی و اجتماعی احتوا مینماید. همچنان با پیشرفت سریع علوم و تکنالوژی از اواخر قرن نوزدهم و پیدایش مکتب تحقیق ایتالیایی استفاده از ابزار های جدید کشف جرم در کنار دلایل اثبات جرم کلاسیک (اقرار و شهادت) به تدریج در کشورهای مختلف معمول شد و جرم یابی به عنوان یک علم در کشف، تشخیص و شناخت پدیده های مجرمانه و حفظ آثار و دلایل مادی جرم نه فقط سرعت توأم با دقت در رسیده گی های جزایی را افزایش میدهد بلکه از بروز اشتباهات قضایی و بی اعتبار ساختن دستگاه عدالت کشور به نحو قابل توجه ممانعت به عمل می آورد. امروز در کشورهای متمدنی جهان مجرمین را از تکنیکهای مختلف تعقیب میکنند و مدارک جرم با اندازه واضح و روشن تهیه میگردد که محکمه به آسانی با استفاده از آن و با اعتماد کامل حکم خود را صادر مینماید.

روشهای علمی کشف جرایم که در این اثر مورد استفاده قرار گرفته اکثراً بر علوم برداشت نشان انگشت و سایر علوم چون عکاسی، بالیستک و سایر علوم تجربی استوار میباشد. زیرا امروزه مدارک و آثاری که پولیس ارایه میدهد از صحنه جرم توسط وسایل علمی جمع آوری میگردد و در لابراتوار مخصوص این آثار مخفی و کوچک هم باشد آشکار میگردد و به عنوان دلایل مستندی علیه مجرم بکار میرود و با این ترتیب این کار و اعتراف متهم تاثیر زیادی در تکمیل دوسیه و یا حکم محاکم دارند.

در اخیر با سپاس گذاری و شکران نعمت پروردگار متعال که توفیق و انگیزه تحصیل دانش و تحقیق مسائل شرعی را عنایت فرمود، پس از شکران الهی از فامیل محترم خویش سپاس گذار هستم که مثل همیشه زمینه تحصیل را برای بنده فراهم ساخت، و همچنان باتشکر فراوان از اداره پوهنتون سلام جهت فراهم آوری زمینه تحصیل، سپس بصورت عام از تمام اساتید این پوهنتون و به طور خاص از جناب استاد بزرگوار (استاد وزیر محمد سعیدی) که با وجود مصروفیت زیاد و اوقات دشوار بنده را به پیشانی باز در هر نوع مشکل تخنیکی تیزس یاری و همکاری نموده جهان سپاس، و همچنان از دوستان و هم قطارانیکه در جمع، ترتیب و تنظیم این رساله با بنده همکاری نمودند سپاس گذار هستم.

اهمیت موضوع

بحث که انتخاب نموده ام دارای اهمیت خاصی است که دین مقدس اسلام بخاطر اثبات آن بعضی طریقه های خاصی را اشاره کرده است. تا ازین طریق انسان ها بتواند به مشکلات که دامنگیر شان میشود به وجه احسن عبور نمایند .

راه های علمی اثبات دلایل جنایی که در اثر پیشرفت علوم در اختیار قانون قرار گرفته یک نوع کارشناسی است که به ابعاد و جنبه های غیر حقوقی پرونده ها می پردازد و قاضی رسیدگی کننده به دلیل فقدان معلومات تخصصی در ابعاد یاد شده ناگزیر از استفاده از آنها است ازین رو معلوم است با قاعده سنجیده شده به اعتبار آنها از نظر فقه اسلامی استدلال شود.

فقه اسلامی حجت است و اگر حجت و مفید نباشد لغویت قاعده یاد شده که از قواعد مسلم عقلی است لازم می آید و یکی از عرصه های که نیازمند نظر کارشناسی است رسیدگی کیفری است و قضاوت در رجوع به کارشناسی در مورد پرونده ایجاب می کند قطعاً مشمول قاعده فوق هستند.

در اسلام مجازات نمون مطلوبیت نفسی ندارد ولی از بابت ضرورت و به منظور اصلاح مجرم و بازداشتن مجرمان از ارتکاب جرم و تامین امنیت شهروندان مورد اجرا می گذارند در حقیقت مجازات همچون داوری تلخ وسیله ای است که توسط آن اهداف مهمتر تامین می گردد. بنابراین هرگاه اهداف یاد شده اقتضا کند از مجازات استفاده می شود. هر چند موجبات آن راه های عقلی اثبات جرم باشد راه های یاد شده نیز چنان که گذشت در اثبات جرم و محکومیت متهم و در نهایت اجرای مجازات به کار گرفته نمی شود بلکه از آنها در تبریئه متهمان به ویژه بیگناهان استفاده می شود که با هدف اسلام نیز سازگار است.

یکی از مباحث بسیار مهم و دلچسپ تحقیقاتی جنایی است که بدون شک مستلزم فهم و دانشی عمیق و همه جانبه می باشد ولی باید دانست که یک سیستم معین و ثابت از لحاظ تکنیک و تکنیکی استنتاج وجود ندارد که مورد تمام کتگوری های مجرمین باشد از طرف هم باید متذکر شد این که فکر استفاده از چال و نیرنگ های مختلف موفقیت های خوبی بدست می دهد و در کشف جنایات موثر است یک راه نادرست و فکر باطل خواهد بود.

باید متذکر شد که هدف اصلی دلایل اثبات جرم جنایی حفظ نظم و اجرای عدالت جزایی است که جرم پدیده ای مناقض نظم عمومی و متصل آن است با اجرای قواعد جزایی تلاش می شود که نظم از دست رفته اعاده شود و شرایط امن جایگزین نا امنی از جرم گردد. همچنین ضمانت اجراهای

جزایی برای اجرای عدالت کیفری و ایجاد توازن میان مجرم مجنی علیه و دولت به کار گرفته می‌شود و اصل به آن است که نوعی عدالت واقعی با مفروض جزایی را مورد اجرای گذارد.

علاوه بر اهداف فوق تسلی خاطر مجنی علیه و اولیای او حمایت از ارزش‌های والای فرهنگی، اجتماعی و غیره نیز اهداف دیگر حقوق جنایی می‌باشد تامین و تحقیق این اهداف در قالب وقایع اجرای قواعد و مقررات جنایی صورت می‌گیرد.

سبب اختیار موضوع

1: بررسی همه جانبه جرم جنایات که اگر به تاریخ جرم و به تعقیب آن جزا در میان انسان ها نظر نمایم درک خواهیم کرد که همزمان با خلقت انسان جرم و به تعقیب آن کیفر بوجود آمده است بناً خواستم در این زمینه معلومات کسب نمایم و این موضوع را به حیث پایان نامه بحث خویش انتخاب نمایم

2: خواستم درباره اثبات دعوی جرم جنایات کشف و تحقیق جرایم معلومات مزید جمع آوری نموده و این موضوع را بصورت فشرده بررسی همه جانبه نمایم.

3: کشف جرم مرحله است که قضیه را برای تحقیق روشن می‌سازد و مرحله ابتدایی برای رسیده گی جرم است در واقع کشف است که خرنوال را مکلف به بررسی همه جانبه قضیه می‌سازد. روی این اساس کشف برای تحقیق و اتخاذ تصامیم خرنوالی و محاکم دارای اهمیت و هدفی ویژه برخوردار است .

سوالات تحقیق:

الف: سوال اصلی

- 1: بررسی همه جانبه اثبات دعوی جنایی کشف جرایم، مدارک جرمی در پرتو رهنمود های شرعی که حق مظلوم از ظالم به وجه احسن گرفته میشود چگونه می‌باشد؟
- 2: آیا جرایم توسط دلایل و قرائن به اثبات میرسد یاخیر؟

ب: سوالات فرعی:

- 1: مسئولین جنایی جرم را چگونه بررسی می نمایند؟

2: آیا جرم از آثار علایم شناخته میشود یا خیر؟

3: دین مقدس اسلام در باره جرم جرایم چی دستورات داده است؟

پیشینه تحقیق

دلایل اثبات دعوا موضوع جدید در دین مقدس اسلام نیست، و نه علما و دانشمندان مذاهب اسلامی از بیان این موضوع سکوت اختیار نموده از کنار این مطلب به سادگی عبور کرده اند بلکه علما مذاهب اسلامی به صورت کل در ادوار مختلف راجع به این نافذہ ابراز رأی نموده این موضوع را بست داده اند. علما به زبان های مختلف در موردی اثبات دعوا نوشته اند اما آنچه در یک رساله تحقیقی مهم است همانا توضیح موضوع به بی طرفی است.

1 اکثر مطالب راجع به بحث اثبات دعوا در متن کتب دینی گنجانیده شده به صورت مستقل در این مورد نوشته ای در زمان فقهای قدیم وجود ندارد

2 طوریکه دیده میشود موضوع رساله دعوای جنایی است بنا بر این سبب درین رساله موضوعات جنایی و طب عدلی گنجانیده شده است

روش تحقیق

روش نگارش در این رساله کتابخانه ای بوده بنده در ترتیب این بحث از منابع معتبر دینی، قرآن کریم، احادیث نبوی فقه، آرای، فقه های مذاهب اسلامی، کتب علما، مصادر دین و همچنان قوانین نافذہ کشور عزیزما افغانستان با استفاده از کتابخانه های مشهور، کتابخانه عامه، کتابخانه دارالقرآن، کتابخانه پوهنتون کابل و کتابخانه پوهنتون سلام اخذ گردیده.

همچنان قابل یادآوری است که در ترجمه آیات قرآن کریم به عنوان منبع عمومی در بیشترین موارد از ترجمه محدث بزرگ شاه ولی الله دهلوی استفاده نموده.

اهداف تحقیق

یکی از مهمترین اهداف پایان نامه نویس شرح مسایل طبیعی یا ابداعی بشر میباشد شرح به منظور آشنایی با آن مساله صورت میگیرد. پدیده مورد نظر چگونه تشکیل شده است و چی سیستم دارد؟ چگونه کار میکند؟ در این گونه سوالات منجمله سوالات هستند که عموماً در شرح یک پدیده مطرح میگردد پیش بینی آینده پدیده های نیز از اهداف برخی تحقیقات که شامل پایان نامه و طرح پژوهش هستند.

یکی از اهداف تحقیقات علمی دانشجویان که شامل پایان نامه نویس می‌گردد و در سطح وسیع تر طرح های پژوهش یافتن یک راه حل برای مسایل موجود میباشد این تحقیقات برای حل برخی مشکلات موجود در زیست محیط ، علم ، روابط میباشد اگر نتیجه تحقیق پاسخی مثبت یا منفی به یک پدیده موجود نباشد در این صورت تحقیق بی نتیجه و بدرد نخور خواهد بود به عنوان مثال یافته های یک سری تحقیق در مسایل آموزشی باید به بهبود عملکرد مربیان بینجامد تا نتیجه مناسب و در خود تحقیق از آن استخراج شده باشد توجه داشته باشیم که در تحقیق همواره به نتیجه کاربرد منجر نمیشود یک سلسله تحقیق درازمدت باید سر انجام به نتایج کاربردی است باید کاربردی دست یابد باید یادآور شده که هدف بنده در رابطه به نوشتن این رساله این بود که معلومات مزید در باره اثبات جرم کشف جرم و صحنه جرم را تحت مطالعه عمیق قرار داده و به این مسله دسترسی تا حد امکان پیدا کنم و به کمک الله متعال قطره را از دریایی علم استخراج نموده و در ریشه قلم در آورده و به عنوان یک پایان نامه تقدیم مینمایم .

مشکلات تحقیق و محدودیت های تحقیق

یافته های یک مطالعه نشان میدهد که مهمترین مشکلات در گرد آوردن انجام یک پایان نامه مشکل در انتخاب موضوع تسلط اندک به حوزه روش تحقیق و مشکلات فردی یک دانشجوی میباشد همچنان مشکلات اساس مطرح شده در انتخاب موضوع تسلط ناکافی به حوزه روش تحقیق انقطاع مباحث نظری از مباحث علمی مشکلات فردی دانشجویان مشکلات اساتید و ساختاری و قوانین دانشگاه و مشکلات سازمانها و نهاد ها زیربند بوده مشکل عمده که دانشجویان به آن مواجه استند انتخاب موضوع پژوهش است چراکه دانشجویان به دلیل بی تجربه گی ادراک و تصور دقیق از موضوع و کار میخوانند انجام بدهند ندارند عوامل موثر در ایجاد این مشکل شامل موارد زیر است:

- 1 . مهارت نداشتن به نوشتن تحقیق
- 2 . آشنانایی ناکافی به جغرافیایی نفرای رشته خود
- 3 . تسلط نداشتن به موضوع
- 4 . تناسب ناچیز موضوع با علایق و توانایی
- 5 . نامناسب بودن موضوع پایاننامه یا توانمندی اساتید
- 6 . دیر انتخاب کردن موضوع
- 7 . تسلط نداشتن بر مهارت های نگارش علمی

8. مشکل نگرفتن مهارت کارهای تیمی و گروهی بنده ترتیب و تنظیم این پایان نامه به مشکلات گوناگون مواجه شده که مشکل عمده دوران کرونا و قرنطین که هیچگونه نهادهای علمی و مراکز تحصیلی به روی ما گشوده نبوده و دسترسی نداشتن مراجع ؛ مواد و کتب که از آن استفاده صورت میگرفت بنابر سعی و تلاش خستگی ناپذیر خداوند متعال (ج) بنده را کمک نموده تا این رساله را به تمام برسانم و از بحر علم قطره هدیه باشد برای کسانی که درین عرصه قدم برداشته اند و مصروف تحصیل و آموزش هستند .

پلان تحقیق

این رساله دارای یک بخش کلیات و مفاهیم بوده از سه فصل تشکیل گردیده و هر مبحث آن دارای توازن منطقی سنجیده میباشد و همچنان این پلان تحقیقی دارای مقدمه مناسب ، پیشگفتار نتیجه گیری جامع کامل موجود میباشد تمامی صفحات کار تحقیقی دارای پاورقی ها پی نوشته های متعدد که حکایت از سطح و حجم تحقیق انبوه بوده و کار تحقیقی دارای تحلیل ها و استدلالات بوده و صرفاً به نقل اطلاعات نمیباشد و کلیات مفاهیم مندرج در پلان بیش از یک سوم بدنه اصلی کار تحقیق را تشکیل میدهد در پلان کار تحقیقی تعداد و حجم بخش ها یا فصل ها متعادل بوده و یکسان سازی تقریبی رعایت گردیده .

باید تذکر شوم که بنده این رساله را در سه فصل یا بخش ترتیب و تنظیم نموده که هر بخش دارای موضوعات مهم و قابل استفاده برای کسانی که در امور حقوقی و قضایی مصروف فعالیت میباشد که متشکل از اثبات دلایل جنایی در پرتو قرآن و حدیث میباشد فصل اول دارای پنج مبحث و بیست مطلب که در مجموع کلا در موارد ، اقرار ، شهادت ، قسامت به رشته تحریر آورده ام .

همچنان فصل دوم در رابطه به صحنه جرم است که با جرایم نقش بسزای دارند از اهمیت خاص برخوردار است که متشکل از سه مبحث و پانزده مطلب را در بر میگیرد که حاوی از صحنه جرم آثار مادی جرم کشف جرایم بوسیله آثار و بقایای انسانی میباشد.

همچنان فصل سوم که متشکل از سه مبحث و پانزده مطلب مهم و دلچسپ بوده که به ترتیب به رشته تحریر آورده ام که یک معلق خوب معلوماتی برای معلمین فقه و قانون و حقوق خواهد بود . و این بخش شامل تحقیق جرایم که اساساً یکی از اسباب نهایتاً مهم در عرصه یک قضیه که ثارنوال را به حقیقت نزدیک مسازد . همان کشف و به تحقیق است که به ترتیب و تنظیم سنجیده شده در یک فصل گنجانیده ام و موضوعات مهم آن قرار ذیل است :

در قدم اول بحث تحقیق جرایم همراه با جزییات و کلیات آن ذکر گردیده بعداً کشف جرم همراه مشتقات آن میباشد.

قابل یادآوریست که اثبات دعوی در امور حقوقی و کیفری جهت اثبات ادعای و احقاق حق در آیین دادرسی مدنی و کیفری مشخص شده است .

اثبات دعوی: مجموعه از وسایل است که برای اثبات دعوی در مراجع قضایی مورد استفاده قرار میگیرد و این ادله اثبات در دعوی حقوقی و کیفری متفاوت است.

دلایل اثبات دعوی: یکی از وسیله جرم یابی از شیوه های علمی کشف جرایم شناسایی مجرم تشخیص مجرم از غیر مجرم تفکیک پدیده جرم از غیرجرم بحث میکند و در مقام تغذیه علمی مراجع قضایی و پولیس هستند که از روان ارتکاب جرح تا مرحله صدور حکم به منظور کشف و اثبات علمی جرم مورد استفاده قرار میگیرد و در این علوم از شیوه های و تکنیک های علمی برای کشف جرم و تشخیص وقایع مجرماند از غیر مجرماند استفاده میشود مانند طب عدلی پولیس علمی ، روانشناسی جنایی ، تن یابی ، علم انگشت نگاری بطور مثال طب عدلی از مجموعه اطلاعات طبی بحث میکند و وقایع جرمی را از غیر جرمی تفکیک میکند.

فصل اول

دلایل اثبات دعوا

مبحث اول: اثبات دعوا

مبحث اول متشکل از چهار مبحث میباشد که مبحث اول متشکل از اثبات دعوا که حاوی مطالب زیر میباشد .

مطلب اول: تعریف دعوا، ارکان دعوا، المدعی، المدعی علیه میباشد.

مبحث دوم: اقرار در جنایات

مبحث دوم از چهار مطلب تشکیل گردیده حاوی مطالب فوق میباشد.

مطلب اول: تعریف اقرار در لغت واصطلاح

مطلب دوم: دلایل مشروعیت اقرار

مطلب سوم: ارکان وانواع اقرار

مطلب چهارم: اقرار از دیدگاه قانون

فصل اول

دلایل اثبات دعوا

مبحث اول : اثبات دعوا

مطلب اول: تعریف دعوا در لغت واصطلاح:

دعوا عبارت است از اینکه فردی که مدعی حقی علیه دیگری است نزد حاکم شرع (قاضی) آن را از او مطالبه کند؛ خواه آن را برای خود مطالبه کند یا برای موکل و یا مولی علیه خویش؛ اعم از اینکه حق مورد ادعا عین خارجی مشخص باشد، مانند زمین معین، و یا غیر آن مانند دین، حق خیار، شفعه، فرزندی، زوجیت و جنایت¹

اصطلاحات قانون اصول محاکمات مدنی در ماده 5 دعوا را چنین تعریف کرده (دعوا خواستن حق است از غیر در پیشگاه محکمه)²

و شرعاً: (اخبار بحق الانسان علی غیره عندالحاکم) اخبار بحق به نفع خویش بالای غیر در حضور حاکم³

همچنان دعوا در شریعت عبارت از قول است که توسط آن انسان حق خود را بالای غیر برای نفس خود مطالبه میکند⁴.

ارکان دعوا

به اقامه کننده دعوا «مدعی» یا «خواهان»، به طرف مقابل که دعوا علیه او اقامه شده «مدعی علیه» یا «خوانده» و به حق مورد ادعا «مدعی به» یا «خواستته» گویند؛ بنابر این، ارکان دعوا سه چیز خواهد بود: مدعی، مدعی علیه و مدعی به.

¹ فرهنگ فقه، سید محمود هاشمی، ج 3 ص 628 سال 1382، دایره المعارف فقه اسلامی، محل طبع قم

² اصطلاحات قانون اصول محاکمات مدنی ج 2 ص 8

³ داد محمد نذیر، حقوق جزای اختصاصی اسلام، ج پنجم، سال 1391

⁴ الاختیار لتعلیل المختار، امام الفقیر المحدث عبدالله بن محمود الموصیلی، سال 1430 محل طبع دمشق

تعریف اول

مدعی و احکام آن:

مدعی بنابه تعریف برخی علما عبارت است از کسی که اگر از ادعای خود صرف نظر کند، کسی با او کاری ندارد، و دعوا کأن لم یکن تلقی می‌گردد. مقابل آن منکر (جاحد) است؛ یعنی کسی که اگر طرف مقابلش سکوت کند و دست از خصومت بردارد، سکوت از او پذیرفته است و رها می‌شود و در غیر این صورت، سکوت از او پذیرفته نیست و باید در برابر مدعی پاسخگو باشد.⁵

تعریف دوم

بنابر تعریف دیگر، مدعی کسی است که گفته‌اش خلاف اصل است و یا کسی است که ادعای امری پنهان را دارد که ظاهر شرع خلاف آن است، مانند آنکه فردی علیه دیگری مدعی طلبی یا مدعی مالکیت مالی باشد که در دست دیگری و تحت تصرف او است. در این جا، سخن مدعی خلاف اصل و ظاهر است؛ چون اصل در مثال اول، برائت ذمه آن فرد از بدهی است؛ چنان که ظاهر در مثال دوم مالکیت او نسبت بمالی است که تحت تصرف دارد.⁶

همچنان ماده 6 اصول محاکمات مدنی مدعی مدعی علیه چنین تعریف کرده است: شخصی که حق را می‌خواهد مدعی و شخصی که حق از او خواسته میشود مدعی علیه است ولی مدعی مدعی علیه در قضا چنین تعریف شده است.⁷

المدعی: (من لایجبر علی الخصومه) یعنی مدعی کسی است که بر دعوایش واداریا جبر کرده نمیشود.

المدعی علیه: (من یجبر علی الخصومه) یعنی مدعی علیه کسی است که بر دعوایش وادار کرده میشود. پس فرق مدعی مدعی علیه بر این است که مدعی هر زمانیکه دعوایش را ترک کرد میشود، ولی مدعی علیه نمیتواند که دعوی را ترک کند.

بررسی این تعاریف: برخی، به لحاظ عدم جامعیت و مانعیت تعاریف یاد شده، آنها را تعریف به خواص و لوازم دانسته‌اند نه تعریف به مفهوم، و رجوع به عرف را جهت یافتن مفهوم مدعی و

⁵ الروضته البهیجه، زید الدین الجمعی العاملی ج 2 ص 76 بیروت دارالعلوم الاسلامی سال 1397

⁶ العروه الوثقی (تکمله) محمد کاظم یزدی، ج دوم ص 38، سال 1395

⁷ ماده شش اصول محاکمات مدنی افغانستان

منکر لازم دانسته و گفته‌اند: به نظر عرف مدّعی کسی است که انشاء دعوا منوط به او است؛ خواه انشاء برای اثبات حقی باشد- مانند ادّعی ملکیت مالی برای خود- یا برای برون رفت از حقی علیه خود- مانند ادّعی باز پس دادن امانت از سوی امین

مطلب دوم: تداعی

عنوان مدّعی گاه تنها بر یک طرف دعوا صادق است و بر طرف مقابل تنها عنوان منکر صادق می‌باشد، و گاهی بر هر دو طرف صدق می‌کند، مانند آنکه مالک ساختمان با شخصی در اجاره بخشی از ساختمان در برابر مبلغی معین اتفاق نظر داشته باشد، لیکن قبل از تحویل مورد اجاره به مستأجر، بین آن دو برسر تعیین مورد اجاره اختلاف بیفتد و مستأجر ادعا کند که بخش غربی ساختمان را اجاره کرده است؛ اما مالک ادعا کند که قسمت شرقی آن را اجاره داده است. در این صورت، هر یک از آن دو، در یک زمان مدّعی و دیگری منکر است. بدین معنا که مالک ادعا می‌کند اجاره بر بخش شرقی واقع شده نه غربی و مستأجر ادعا می‌کند اجاره بر بخش غربی واقع شده نه شرقی. فقها این دو را «متداعیان» و دعوای آنان را «تداعی» می‌نامند.

شرایط پذیرش دعوا

شنیدن و پذیرش ادعای مدّعی توسط قاضی منوط به شرایطی است. برخی از این شرایط؛ شرایط مدّعی، برخی دیگر، شرایط مدّعی علیه و برخی، شرایط مدّعی به اند:

شرایط مدّعی

1. بلوغ و عقل در مدّعی شرط است بنابر این، دعوای کودک و دیوانه شنیده نمی‌شود.

برخی گفته‌اند: بعضی دعوای نابالغ ممیز شنیده می‌شود، مانند ادعای وی علیه شخصی که او را زده یا مالش را به غارت برده است.

۲. رشید بودن مدّعی. بنابر این، دعوای سفیه، در صورتی که مستلزم تصرف در مال باشد پذیرفته نیست؛ هرچند در غیر موارد استلزام تصرف، پذیرفته است⁸

⁸ مهذب الاحکام، سید عبدالاعلی، ج 27 ص 1382 محل طبع قم

۳. وجود ارتباط بین مدّعی و دعوا؛ بدین معنا که مدّعی یا برای خود طرح دعوا کند یا برای کسانی که با او مرتبند، همچون موکل و مولی علیه (کسی که مدّعی، ولی او است) مانند آنکه مدّعی، پدر یا وصی یا قیم و یا حاکم شرع باشد.

چنان که گاه مدّعی به جهت حسبه (امور حسبی) می‌تواند اقامه دعوا کند، مانند اینکه شخصی علیه میّتی که وارث نابالغ دارد، مدّعی طلبی باشد و فردی اجنبی می‌داند که میت بدهی مدّعی را پرداخت کرده است؛ شهود نیز بر آن دارد. در چنین صورتی، اجنبی می‌تواند نزد قاضی بر برائت ذمه میّت اقامه دعوا کند.⁹

۴. در شرط بودن جزم در دعوا اختلاف است. شرط بودن آن به مشهور نسبت داده شده است. بنابر اشتراط، چنانچه مدّعی بگوید: گمان می‌کنم یا احتمال می‌دهم چنین باشد، دعواش پذیرفته نیست. برخی، بین مواردی که اطلاع بر آنها مشکل است، همچون قتل و سرقت، و مواردی که چنین نیست، تفصیل داده، در موارد نخست، گمان و احتمال را نیز مسموع دانسته‌اند. برخی معیار در شنیدن دعوا را صدق عرفی آن دانسته‌اند؛ بدین معنا که بر هر موردی که از نظر عرف دعوا و نزاع صادق باشد، دعوا پذیرفته است، هرچند جزم نباشد بلکه در حدّ ظن یا احتمال باشد.¹⁰

همچنان اصول محاکمات مدنی چنین بیان کرده: ماده (۶) اصول محاکمات مدنی مدعی و مدعی علیه را چنین تعریف کرده است: [شخصیکه حق را می‌خواهد مدعی و شخصی که حق از او خواسته میشود مدعی علیه است] ولی مدعی و مدعی علیه در قضاء چنین تعریف شده: < المدعی = من لا یجبر علی الخصومه یعنی مدعی کسی است که بر دعواش واداریا جبر کرده نمیشود. < المدعی علیه = من یجبر علی الخصومه یعنی مدعی علیه کسی است که بر دعواش وادار کرده میشود. پس فرق مدعی و مدعی علیه بر این است که مدعی هر زمانیکه دعواش را ترک کرد ترک میشود، ولی مدعی علیه نمیتواند که دعوی ترک کند

شرایط مدّعی علیه

۱. بلوغ و عقل در مدّعی علیه. بنابر این، در صورتی که مدّعی علیه نابالغ یا دیوانه باشد مدّعی می‌تواند در برابر ولی آنان اقامه دعوا کند.

۲. مدّعی علیه معلوم و معین باشد.

⁹ فقه، اهل بیت علیهم السلام، سید محمود هاشمی ج سوم، ص 628 سال 1381، محل طبع قم
¹⁰ العروه الوثقی تکمله، سید محمد کاظم یزدی ج دوم، ص 39، سال 1919 محل طبع قم

بنابر این، چنانچه مدّعی، علیه یکی از دو نفر - باتردید - اقامه دعوا کند - مانند اینکه بگوید: من از حسن یا حسین فلان مبلغ طلب دارم - دعوایش پذیرفته نیست.

برخی، آن را مسموع دانسته و گفته‌اند: فایده شنیدن چنین دعوایی - در فرضی که آن دو اقرار کنند که یکی نامعین از ما به مدّعی بدهکاریم - این است که اگر برائت ذمه یکی از آن دو - هرچند به سبب اقرار دیگری - معلوم گردد، حق ثابت می‌شود. حضور مدّعی علیه شرط شنیدن دعوا نیست و دعوا علیه غایب نیز شنیده می‌شود.

شرایط مدّعی به

مورد ادّعا (مدّعی به) بنابر قول برخی، به لحاظ جنس، نوع، وصف و مقدار معلوم باشد. در پذیرش ادّعای مجهول اختلاف است. برخی، بین ادعایی که مطلقاً مجهول است - مانند اینکه ادعا کند من از مدّعی علیه چیزی طلب دارم - و ادعایی که مجهول مطلق نیست - مثل آنکه مدّعی باشد من از مدّعی علیه لباس یا مرکبی طلب دارم - فرق گذاشته و گفته‌اند ادعا در صورت دوم پذیرفته است به خلاف صورت نخست.

«بار اثبات دلیل» قاعده بسیار معروفی است که در دادرسی های جهان و نظام های حقوقی معتبر از جمله نظام اسلام و رومی - ژرمن اجراء می شود. این قاعده در حقوق فرانسه در ماده 1315 قانون مدنی که قلمرو عام دارد تصریح شده است. در حقوق اسلام نیز آنچه که در فقه مشهور و مورد عمل رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بود قاعده فقهی «البینه علی المدعی والیمین علی من أنکر» می باشد که بر پایه قاعده «بار اثبات دلیل» هرکس مدعی حقی است باید ادعای خود را اثبات نماید؛ تفاوتی نمی نماید که خواهان یا خوانده دعوا باشد. بنابراین فراهم آوردن و ارائه دلیل بر عهده مدعی و یا به تعبیر دیگر «بار اثبات دلیل بر دوش مدعی است».

مطلب سوم: شرایط دعوا

وظیفه مدّعی

از قواعد مورد اتفاق در باب قضا این است که بینه بر مدّعی و قسم بر منکر است. بنابر این، بر شخصی که علیه دیگری ادعای طلبی یا جنایتی دارد، واجب است بر ادعای خود اقامه بینه کند؛ زیرا اصل، برائت ذمه طرف مقابل است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. البته معنای اینکه بینه بر مدّعی است، این نیست که بینه از منکر به هیچ وجه پذیرفته نیست؛ چون در برخی موارد بینه از منکر نیز پذیرفته می‌شود و آن در جایی است که انکار دعوا به اثبات چیزی دیگر منجر گردد،

مانند اینکه زنی ادعا کند فلان مرد همسر شرعی او است؛ لیکن مرد انکار می‌کند و بر اینکه زن همسر شرعی مردی دیگر است اقامه بینه می‌نماید¹¹.

عکس العمل مدعی علیه

پس از اقامه دعوا و تمامیت آن، قاضی از مدعی علیه مطالبه پاسخ می‌کند. عکس العمل وی از چهار صورت خارج نیست؛ زیرا یا سکوت می‌کند و پاسخ نمی‌دهد و یا پاسخ می‌دهد. در صورت دوم، مفاد پاسخ یا نفی علم به مورد دعوا است و می‌گوید: نمی‌دانم، یا انکار آن و یا اقرار به آن است.

1: نفی علم : اگر پاسخ مدعی علیه نفی علم باشد و اینکه نمی‌دانم این ادعا حق است یا باطل، قاضی از مدعی می‌پرسد:

مدعی علیه را در ادعای خود مبنی بر جهل به واقعه تصدیق می‌کنید یا تکذیب؟ در صورت تصدیق، دعوی او تنها با وجود بینه پذیرفته می‌شود. همچنین است اگر مدعی بگوید: نمی‌دانم آیا مدعی علیه واقعا نمی‌داند یا خود را به نادانی زده است. لیکن اگر مدعی بگوید وی خود را به نادانی زده است و گرنه واقعیت را می‌داند، می‌تواند مدعی علیه را بر نفی علم سوگند دهد. در این صورت اگر مدعی علیه از قسم خوردن و نیز برگرداندن قسم به مدعی خود داری کند، حکم علیه او صادر می‌شود و اگر قسم بخورد، حکم علیه او صادر نمی‌شود، لیکن با قسم او دعوا ساقط نمی‌گردد؛ بلکه به طور موقت پرونده بسته می‌شود تا زمانی که مدعی بتواند بر ادعای خود بینه اقامه کند، که در این صورت وی می‌تواند دوباره اقامه دعوا نماید¹².

انکار

اگر پاسخ مدعی علیه در برابر مدعی، انکار دعوا باشد، مدعی باید بر ادعای خود بینه اقامه کند و بر اساس بینه به نفع او حکم می‌شود، و در صورت نداشتن بینه، مدعی علیه با درخواست مدعی بر عدم صحّت ادعای وی، قسم می‌خورد و در نتیجه، دعوا ساقط می‌گردد و مدعی نمی‌تواند دوباره حق خود را مطالبه کند و یا حتی از مدعی علیه تقاضا نماید. البته در صورت دروغ بودن قسم مدعی علیه، ذمه وی بری نخواهد شد. و چنانچه مدعی علیه از قسم خوردن نکول کند، با درخواست قاضی، مدعی قسم می‌خورد و دعوایش تثبیت می‌گردد. اگر او هم از قسم خوردن نکول کند،

¹¹ الفقه، سید محمد شیرازی، ج ۱۰، ص ۴۳۳
¹² الدروس الشرعیة، ج سوم، ص ۸۳

دعایش ساقط می‌شود. بر قاضی واجب است در فرض انکار مدعی علیه و جهل مدعی، مدعی را از وظیفه و حق خود در این مرحله (اقامه بینه و در صورت نداشتن بینه، سوگند دادن طرف مقابل) مطلع سازد و در این صورت، چنانچه از قاضی بخواهد مدعی علیه را قسم دهد، او را قسم می‌دهد و بر قاضی جایز نیست، بدون درخواست مدعی، مدعی علیه را سوگند دهد. چنان که قبل از درخواست مدعی، قسم خوردن منکر صحیح نیست و اثری ندارد¹³

بر این اساس، برخی مؤلفان با توجه به استناد جنایت به حیوان در این منابع، جنایت را نه از مقوله جرم بلکه نوعی اتلاف دانسته‌اند، ولی فقها در مورد ایجاد زیان‌های مالی، به جای واژه جنایت، بیشتر از واژگانی چون غصب، نهب، سرقت و اتلاف استفاده کرده‌اند.

همچنان در قانون مدنی افغانستان از جنایات چنین تذکر به عمل آمده

جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد، از زمره جرایم علیه نفوس مردم محسوب می‌شود که در صورت گستردگی، می‌تواند حسب شرایطی موجد عنوان مجرمانه «افساد فی الارض» باشد؛ (ماده ۲۸۶ ق. م. ۱۳۹۲۱).

ماده ۲۸۹

جنایات بر نفس، عضو و منفعت به سه قسم عمدی، شبه عمدی، و خطای محض است.

ماده ۲۹۰

جنایات در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً کاری موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن شود، خواه نشود.

ب: هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ: هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نا متعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد¹⁴

¹³ الدروس الشرعية، ج سوم، ص ۸۵
¹⁴ قانون مدنی افغانستان

ت: هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می شود:

الف: هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده و یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد، نباشد.

ب: هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتاروی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ: هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده و یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

ماده ۲۹۲

جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می شود:

الف: در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب: به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ: جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید¹⁵

مطلب ششم: انواع جنایات

ماده ۲۸۹ (ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲) جنایت بر نفس، و منفعت (مثل حس بینایی که منفعت چشمان است)، بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.

ماده ۲۹۰ (ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲) جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می شود:

الف: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود. (در این فرض قصد جنایت وجود دارد ولو اینکه عمل نوعاً جنایت بار نباشد).

¹⁵ قانون مدنی افغانستان

ب: هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بود که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود.

پ: هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افرامتعرف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعرف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی و زمانی آگاه و متوجه باشد¹⁶

مبحث دوم: اقرار در جنایات

مطلب اول: تعریف اقرار در لغت و اصطلاح

اقرار کلمه عربی بوده و در لغت به معنای اعتراف کردن به حق کسی را در مکان ابقاء کردن سخن را به روشنی به زبان آوردن و چیزی را در کاری استوار کردن آمده است.

همچنان اقرار در لغت به معنی بروز دادن، مقرر آمدن، اشکار گفتن، بر پا داشتن میباشد¹⁷

در فرهنگ عمید اقرار با گفتن یا نوشتن، کاری یا امری را پذیرفتن، اعتراف کردن به امری به سوی دیگر و به زیان خود، اعتراف، بروز دادن، آمده است¹⁸

اقرار در فرهنگ محاوره عرب زبان ها به معنی ثبات کردن، ساکن نمودن است مانند اینکه بگوی آن چیز قرار گرفت یعنی ثابت شد و ساکن گذاشت، آن چیز را ثابت کردم و ساکن نمودم¹⁹

اقرار به حق عبارت از اعتراف به آن است زیرا که نظر به ظاهر سخن مقرر حق را ثابت میکند اقرار در اصطلاح عبارت از خبر جزی کسی در باره اثبات یا نفی حقی به دوش وی است این تعریف را آگاه میکنی از کتب فقی استنباط کرده است. اقرار از منظر شریعت عبارت از با خبر ساختن کسی نسبت به حقی و این خبر به سابق مربوط میشود یعنی مقرر به سود کسی درباره حقی اعتراف دارد که مربوط به پیش از اقرار است و حکایت از آن میکند که مقرر خیلی قبل به این

¹⁶ قانون مدنی افغانستان

¹⁷ فرهنگ عمید

¹⁸ فرهنگ عمید

¹⁹ محمد طوسی بن حسن، تهذیب الاحکام، ج 6 ص 99، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، 1413

مدیون مقر بوده است. اقرار در شریعت اعتراف را گویند؛ که از اقرار کننده ثابت صادر شده باشد که توسط آن یک حق ظاهر میشود و قلب مقلبه هو به آن تسکین پیدا میکند.

انواع اقرار:

1: اول اقرار ابتدایی یا شرعی: که قبل از تحقیق و بازجویی از سوی متهم صورت میگیرد و مقر خودش داو طلب میگردد تا به حضور مرجع رسیدگی یا خصم خود برود و اعتراف کند.

2: دوم اقرار تحصیلی: که ناشی از تحقیق و بازجویی میباشد یعنی دستاورد تحقیق فنی و تخصصی است این نوع از اقرار دوا طلبانه نیست و از آغاز توجه اتهام یا ادعا به وی در مقام اعتراف نبوده است²⁰

مطلب دوم: دلایل مشروعیت اقرار

مشروعیت اقرار به عنوان دلیل اثبات حقوق به عنوان قرآن کریم، سنت نبوی، و اجماع ثابت شده است:

قرآن کریم: خداوند جل جلاله میفرماید:

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا
وَأَنمَعْتُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾²¹

ترجمه: و آنگاه که گرفت خدای تعالی پیمان پیغمبران را که آنچه دادم شما را از کتاب و علم باز بیاید به شما پیغمبری باور کننده آنچه با شماست یقینا ایمان آرید باو و یقینا یاری دهید او را، فرمود خدا آیا اقرار کردید و گرفتید بر این کار عهد مرا گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشد و من با شما از گواهانم.²²

همچنان الله جل جلاله در باره اقرار میفرماید:

1 تفسیر کابلی ج 1 ص 87.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ﴾²³ [النساء: 135]
ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زبان خودتان.

1- سنت نبوی صلی الله علیه وسلم:

سنت نبوی صلی الله علیه وسلم نیز تصدیق کننده اقرار به عنوان دلیل برای اثبات جرایم و حقوق است از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که ماعز و همچنان غامدیه هنگامی که به ارتکاب جرم زنا اعتراف کردند او صلی الله علیه وسلم به آنها حد جرم زنا را تطبیق کرد.

(عن ابن عباس، رضی الله عنهما، قال: لما اتى ماعز بن مالک النبی صلی الله علیه وسلم قال: له لعلک قبلت، او غمزت، او نظرت قال، لا یا رسول الله قال انکتها لایکنی قال فعند ذلک امر بـ²⁴ ترجمه)

ترجمه: عباس رضی الله عنه گفت، هنگامیکه ماعز بن مالک نزد نبی صلی الله علیه وسلم آمد، پیامبر صلی علیه وسلم برایش گفت: شاید بوسه کرده باشی، شاید چندی کنده باشی و بسویش دیده باشی، گفت نخیر یا رسول الله، گفت زنا کردی؟

اجماع علمای امت اسلامی:

مجتهدین امت اسلامی پیرامون اینکه اقرار در اثبات تمام جرایم اعم از جرایم حدود، جرایم قصاص و همچنان اثبات حقوق مالی و غیر مالی دلیل است اجماع نمود اند چون اقرار تهمت و شک را از اقرار کننده نفی می کند از جانب دیگر اینکه انسان عاقل علیه خود به نحوی دروغ نمی گوید که متضرر شود. بناً اگر شخص مبنی بر اینکه بر او حقی است اقرار می کند معلوم میشود که وی در اقرار خود نفس خود را به کیفر میرساند. اقرار متهم بر علیه خودش هیچگاه دروغ بوده نمیتواند. لذا اقرار دلیل برای اثبات حقوق و جرم پنداشته میشود.

مطلب سوم: ارکان و انواع اقرار

اقرار دارای چهار رکن اساسی میباشد.

2. سوره النساء آیه 135.

3. تفسیر کابلی ج 1 ص 144

4- صحیح البخاری مؤلف ابو عبدالله محمد ابن اسماعیل بخاری سال طبع 1385. کتاب بدء الوحی ج 8 ص 207 شماره حدیث 6824.

- 1- مقرر
- 2- مقرر له
- 3- مقرر به
- 4- صیغه اقرار

هریک از ارکان فوق دارای شروطی میباشد.

شروط مقرر: (اقرار کننده) برای اینکه اقرار مقرر به عنوان یکی از دلایل اثبات حقوق پذیرفته شود.

فقه‌های اسلامی به وجود یک سلسله شروط تاکید کرده اند که عبارت اند از:

الف: اقرار کننده باید بالغ باشد. اقرار طفل درست نیست ولی اقرار صغیر ممیز ماذون در اموری که برایش اجازه داده شده صحت دارد

ب: اقرار کننده باید مختار باشد، اقرار شخص مکره صحت ندارد زیرا خداوند جل جلاله میفرماید:

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النحل: 106].

ترجمه: هر کس پس از ایمان آوردن خود به خدا کفر ورزد (عذاب سخت خواهد داشت) مگر آن کس که مجبور شده ولی قلبش به ایمان مطمئن باشد لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا به آنان است و بر ایشان عذاب بزرگ است.

خداوند جل جلاله اقرار به اجبار را در این آیه معتبر ندانسته است زیرا ساقط کننده کفر خوانده است.

ج: اقرار کننده باید عاقل باشد اقرار شخص در حالت بی هوشی یا جنون درست نیست و یا در اثر نوشیدن دوايي که نمیداند مسکر است و یا نوشیدن شراب به طور جبر عقل خود را از دست میدهد اقرار چنین شخص مدار اعتبار نیست.

اگر عقل کسی در جنون، اغماء یا خواب زایل شود به اتفاق تمام فقها اقرار وی صحت ندارد. و دلیل برای اثبات حق شده نمیتواند اما اگر بعد از به هوش آمدن از حالت دیوانگی یا اغماء یا بعد از بیدار شدن از خواب اقرار خود را دوباره تغییر دهد اقرار وی درست است.

اما اگر کسی عقل خود را به طور نامشروع در اثر خوردن ادویه یا نوشیدن چیز های مسکر زایل سازد از نظر امام ابوحنیفه اقرار وی درست است زیرا اقرار انسان مست در حقوق الله جل جلاله خالص وسیله اثبات شده نمیتواند ولی در حق بنده و یا حقوق مشترک درست میباشد اما اگر کسی عقل خود را در صورت ضرورت با نوشیدن چیز های مسکر و یا خوردن ادویه زایل سازد اقرار درست نیست مگر آنکه بعد از به هوش آمدن از حالت مستی اقرار خود را دوباره اعاده نماید در آن صورت اقرار درست خواهد بود.

اما از نظر امام شافعی اگر کسی بدون ضرورت با استفاده از خوردن ادویه زایل کننده عقل یا با استفاده از نوشیدن ماده مسکر درحالیکه میدانند که آن ماده مسکر است عقل خود را زایل میسازد اقرار وی درست است زیرا وی آگاهی کامل و بدون ضرورت عقل خود را زایل ساخته است پس باید زجر نتیجه آن را نیز متحمل گردد تا در آینده به ارتکاب چنین عمل دست نزند اما اگر بنا بر ضرورتی ادویه زایل کننده عقل را بخورد یا در اثر جهالت ماده مسکر را بنوشد درین حالت اقرار وی نخواهد بود مگر آنکه بعد از به هوش آمدن از حالت مستی اقرار خود را دوباره اعاده نماید پس در آن صورت اقرار وی درست خواهد بود.

اقرار باید رشید باشد هرگاه اقرار مربوط به حق مالی و غیر مالی انسان مانند ازدواج باشد علاوه شروط سه گانه فوق باید اقرار کننده رشید نیز باشد یعنی اقرار کننده دارای اهلیت تصرف باشد بنابراین اقرار سفیه به دین و یا اتلاف مال غیر.... درست نخواهد بود.

اقرار کننده باید در اقرار متهم نباشد ازین سبب از نظر فقهای مالکی اقرار در مورد شخص که باوی قرابت و یا دوستی دارد صحت ندارد.

اقرار کننده باید مجبور علیه نباشد. بناً اقرار مجبور علیه نباشد صغیر غیر ممیز، سفیه و مجنون صحت ندارد.

شروط مقرر به (شخص که به نفع او اقرار صورت میگیرد) قرار ذیل شرح میگردد:

الف: مقرب به سزاوار استحقاق اقرار کننده باشد لذا اگر شخص به نفع حیوانی اقرار او جایز است.

ب: مقرب به اقرار مقرر را تکذیب نکند اگر شخص حقی را برای شخص دیگر اقرار کند و مقرله اقرار انرا تکذیب نماید اقرار او صحت ندارد.

ج: کسی که به نفع او اقرار صورت میگیرد باید شخص مشخص باشد بنا اگر شخص مقرله مشخص نبود اقرار مقر به هیچ عنوان وسیله اثبات حق نخواهد بود.

شروط مقربیه (حق مورد اقرار) ذیلاً بیان گردد است.

الف: مقربیه مملوک مقر نباشد به طور مثال کسی اقرار کند که موتر من از فلان شخص است این اقرار به هیچ عنوان صحت ندارد زیرا خانه مذکور از ملکیت خود مقر میباشد مقربیه در ملک مقر است چنین اقرار که برای غیر حق نفع میرساند صحت ندارد.

ب: مقربیه باید در نزد مقر باشد بناً اگر شخص حقی را که از غیر است برای کسی دیگر اقرار کند اقرار او جایز نیست.

ج: مقربیه باید چیزی باشد که تسلیم دادن آن به مقرله لازم باشد.

د: مقربیه باید معلوم باشد در صورتیکه مقربیه مجهول باشد اقرار درست نیست و در صورتیکه مقربیه فی الجمله معلوم باشد اقرار صحت دارد مثلاً اقرار برای یکی از دو نفر معین²⁵

شروط صیغه: اقرار باید بواسطه الفاظ یا عباراتی که مفهوم التزامی را برساند بیان شود خواه این الفاظ به شکل صریحی باشد و یا به شکل کتبی.

انواع اقرار:

اقرار به اعتبارات مختلف دسته بندی شده است.

1- تقسیم اقرار به اعتبار صورت آن: بنا برین اقرار به اعتبار صورت دو نوع است.

الف: **اقرار صریحی:** عبارت است از اینکه مقر به طور واضح حق غیر را به ضرر خود اعتراف نماید چنین اقرار در محکمه ثابت کننده دعوی بوده و قاضی به جز اینکه به نفع مقرله حکم کند دیگر هیچ دلیلی ندارد.

ب: **اقرار ضمنی:** عبارت از اقرار است که شخص مقابل از جملات و الفاظ متهم به عنوان اقرار چیزی برداشت کند گرچه این اقرار مانند اقرار صریحی قوی و ثابت کننده نیست اما زمانی که اقرار ضمنی تشخیص گردد و آثار مساوی بر آنها مرتکب شود پس ثابت کننده حق خواهد بود.

2 تقسیم اقرار به اعتبار مقربیه:

الف: **اقرار به حق:** عبارت از آنست که اقرار کننده در مواردی غیر از نسب اعتراف کند این نوع اقرار باید روشن و واضح باشد اگر اقرار کننده مورد اقرار را مجهول و مبهم بیان کند قاضی او را به تعیین و روشن ساختن آن ملزم میسازد.

ب: **اقرار به نسب:** عبارت از اینکه شخص روابط خویشاوندی را در نظر گرفته و مبنی بر آن بین مقر و مقرله اقرار نماید درین نوع اقرار شخص که نسبتش اقرار شده اگر بزرگ است باید نسب را

²⁵ عبدالحمید شورابی، الاثبات الجنایی فی ضوء القضاء والفقہ، ج 3 ص 28 اسکندریه، مشاه المعارف، بیجا بیتا.

تصدیق کند و اگر صغیر است باید نسب او بلا منازع باشد یعنی شخص دیگر مدعی نسب او نباشد بعد از اقرار و رعایت تمام شروط شخص مقررله در نسب به مقرر می پیوندد این بدین معنی است که اگر اقرار کننده اعتراف را قبول کرد هر دو از یکدیگر ارث می برند در صورتیکه مقررله منکر شود اقرار کننده از او ارث نمی برد²⁶

3 تقسیم اقرار به اعتبار تقید و عدم آن: این نوع اقرار به نوبه خود به سه نوع است:

الف: اقرار ساده: اقرار مقید عبارت از اینکه اقرار کننده در حال قبول کردن ادعای طرف مقابل قید و یا وصفی را بر اقرار خود علاوه کند که آثار حقوقی مورد ادعاء را دگرگون می سازد مانند اینشخص موثر را که پیش شخص دیگری دارد طلب می کند مدیون به وجود آن موثر اقرار می کند اما می گوید که داین آن را به او هدیه کرده است. ج: اقرار مرکب: اقرار مرکب عبارت از اینکه اعتراف کننده ادعای طرف مقابل را قسمی که وجود دارد قبول میکند اما موضوعیکه به نفع خود اوست و با اصل اقرار فاصله دارد به آن اضافه می کند.²⁷

مطلب چهارم: اقرار از دیدگاه قانون

اقرار در صطلاح قانون مدنی کشور چنین تعریف شده است (اقرار عبارت است از اعتراف خصم نسبت به حق غیر بالای خودش در محکمه) از این تعریف چنین معلوم میشود که اقرار ایجاد کننده و یا لغا کننده حق نیست، بلکه وسیله اعلام حق میباشد. و نشان دهنده دین اقرار کننده است که بر عهده داشته و فعلاً آنرا می پذیرد. و همچنان این تعریف بیان گر شخص وجود حقی را به زیان و ضرر خود و نفع دیگری اعلان کند.²⁸

اقرار در قضایای مدنی به طور اجمالی کافی است اما در قضایای جنایی چون جرم قتل و یا جنایت بر اعضاء و یا بر جنین در بطن مادر اقرار به طور اجمالی کافی نیست بلکه باید به طور تفصیلی باشد چنانچه اقرار به جرم قتل و یا جنایت از نظر فقهای حنفی عبارت است از اینکه شخص عاقل، بالغ و مختار در پیشگاه محکمه به ارتکاب جرم قتل و یا جنایت بر اعضاء یا به جنین به طور اجمالی نه بلکه به طور تفصیلی اعتراف نماید.

چون (عذاب وجدان) موجب میشود تا مقرر به اعتراف دراید او برای نجات از ربح چون و ربح درون زبان به اقرار باز میکند و بدین باور است که با اقرار کردن به آرمش میدهد و از عذاب روح میدهد یعنی او تحت فشار روحی از سر احساس، بر پایه پندار، تن به اقرار سپرده است انگیزه او عقل نبوه است، البته این مطلب ناظر به اغلب اکثر است و بیشتر از همه اما به شدت عذاب قتل نیست و هر چند که در مواردی اعتراف بر پایه عقل استوار است و از انسان متعادل صادر میشود. برای اقرار کردن هیچ ثوابی منظور نیست، قصد قربت هم در آن شرط نشده و لذا عبارت به حساب نمی آید. از جانب دیگر کتمان گناه نیست²⁹

²⁶ عبدالحمید شورابی الاثبات الجنایی فی ضوء القضاء والفقہ، ج 3 ص 30 اسکندریه، مشاه المعارف

²⁷ عبدالقادر عوده، التشریح الجنایی الاسلامی لمقارنا بالقانون الوضی، ج 1 ص 80 بیروت،

²⁸ قانون مدنی افغانستان

²⁹ فقه جامع بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت شیخ کامل محمد عویضه سال طبع 1390 هجری شمسی ج 4 ص 17.

شهادت:

مبحث سوم: اثبات جرم توسط شهادت

مطلب اول: شهادت در لغت و اصطلاح

شهادت کلمه عربی بوده که در اصل مصدر شهد و جمع آن شهادت می باشد و نیز مشاهده از کلمه شهد اخذ شده است که در لغت معانی متعددی را افاده می کند شهادت یعنی اخبار از آنچه که دیده است و بیان کردن آنچه که پیروانش علم دارد.

شهادت در لغت به معنای خبر قطعی³⁰ و اعلام، حضور و آگاهی³¹

و در اصطلاح به معنی خبر دادن از علم مخبر به ثبوت امری یا نفی کردن آن که غیر شهادت دهنده را نفع غیر خودش برای ثابت کردن آن نزد حاکم الزام میکند می باشند³²

زور در لغت به معنای کذب، گواهی دروغ و شهادت بر خلاف واقع آمده است³³.

و نیز گفته شده که شهادت زور، شهادت دروغ را گویند که دارای دو مصداق است³⁴.

اول: کسی که عالماً عامداً بر خلاف واقع گواهی دهد.

دوم: کسی که با جهل به مشهود به خود را عالم به آن نشان داده و اقدام به ادای شهادت کند³⁵.

جوهری می گوید شهادت به معنی خبر قطعی است و مشاهده به معنی معاینه است و شهادت از شهود گرفته شده که به معنی حضور است زیرا شاهد چیزی مشاهده کرد که از دیگران از شهود گرفته شده

که به معنی حضور است زیرا شاهد چیزی مشاهده کرد که از دیگران غایب است و بنا به قولی مرجوح، به معنی خبر دادن درست از آن چیز است که دیده یا شنیده است³⁶.

﴿وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِّنكُمْ﴾ [الطلاق: 2].

ترجمه: و گواه گیرد دو کس صاحب تقوی را از قوم خود³⁷.

شهادت بالای شهادت:

شهادت بالای شهادت جایز است و یا خیر؟ اگر جایز است صورت آن چگونه است؟ شهادت را که گواه متحمل میشود دوگونه است.

³⁰ ابن منظر ج 3 ص 288.

³¹ ابن فارس ج 3 ص 221.

³² الحلی ج 4 ص 505

³³ زبیدی، پی تا ج 11 ص 461

³⁴ فیروز آبادی مجدالدین، احیا التراث اللغوی ج 2 (الوجب ص 161).

³⁵ جعفر لنگوردی دایره المعارف عمومی حقوق موسوم الفاروق ج 2 ص 841-842. سال 1385

³⁶ فقه جامع بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت، شیخ کامل عویضه، ص 52 ج 2 سال 1390 هجری شمسی

³⁷ تفسیر کابلی ج 2 ص 826.

اول: آنچه حکم آنرا خودش ثابت میکند، مانند خرید و فروش، اجازه نکاح، اقرار، عصبه و حکم حاکم، اگر گواه این چیزها را دید و یا شنید، جایز است که بر آن گواهی دهد اگر چه بر آن گواهی داده نشده باشد، و میگوید گواهی میدهم که او فروخت و چنین میگوید همراه گواه ساخت³⁸.

آنچه که حکم آنرا خودش ثابت نمی کند و آن گواهی بالای گواهی است. اگر گواه شنید و گواه دیگر بر چیزی گواهی میدهد برایش جایز نیست که بالای گواهی او گواهی دهد، مگر در صورتیکه او را گواه بگرداند. همچنان اگر شنید که گواهی بالای گواهی بر گواه میشود برای شنونده جایز نیست که در آن مسئله گواهی دهد و گواهی بالای گواهی در همه حقوقی جایز است که به شبهه ساقط نمی شود و در حدود و قصاص گرفته نمی شود. و گواهی دو شاهد جایز است و شهادت یک گواه بالای شهادت یک گواه جایز نیست.

گواه گرفتن چگونه است:

آنست که شاهد اصل به شاهد فرع میگویند: بطور مثال: «گواهی میدهم که فلان بالای فلان در نزد من چنین اقرار کرده و مرا شاهد خود گردانید و تو بر شهادت من شهادت بده و اگر نگفت که «مرا شاهد خود گردانید» جایز است.

و شاهد فرع میخواست گواهی دهد، چگونه میگوید؟

فرع در وقت اداء میگوید: گواهی میدهم که فلان در نزد من چنین اقرار نموده و برایم گفت شهادت به چنین چیزی شهادت بده و من آن گواهی میدهم.

سؤال: آیا بخاطر قبول شهادت فرع، شرطی وجود دارد؟ جواب: گواهی شاهدان فرع پذیرفته نمی شود، مگر در حالی پذیرفته می شود که:

اول: شاهدان اصل وفات یافته باشند.

دوم: شاهدان اصل فاصله سه روز و یا بیشتر از آن غایب باشند.

سوم: به مریضی مبتلا شده باشند که در مجلس حاکم حضور یافته نتوانند.

سؤال: حکم تعدیل شاهدان اصل به شان فرع چیست؟

جواب: اگر شهود فرع، شهود اصل را تعدیل کردند، جایز است اگر شاهدان اصل در تعیین شدن خاموش شدند، نیز جایز است و قاضی حالت ایشانرا نگاه میکند.

سؤال: شاهدان فرع میخواستند گواهی دهند، ولی شاهدان اصل گرفتن آنها را انکار کردند آیا در اینصورت شهادت شاهدان فرع پذیرفته می شود؟

جواب: گواهی شاهدان فرع پذیرفته نمیشود.³⁹

³⁸ فقه جامع بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت و جماعت ج 2 ص 568

³⁹ فقه جامع بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت و جماعت ج 2 ص 560، 568، 6الوجیز در اصول فقه، مولف دکتور عبدالکریم زیدان، ج 3 ص 339 سال طبع -1386،

معنی اصطلاحی شهادت در فقه:

فقهای کرام تعریفاتی را پیرامون شهادت بیان داشته اند: که از مجموعه آن چهار تعریف مذاهب مشهور اهل سنت را تذکر داده و سپس به تعریف راجح اشاره خواهیم کرد.

تعریف فقهای احناف:

شهادت عبارت است از اخبار صادق در مجلس حکم بلفظ شهادت «اشهد»⁴⁰. بدین معنی که شاهد از یک موضوع به لفظ شهادت بحضور قاضی و در حال وجود طرفین دعوی خبر دهد و بگوید: به اثباتحق این شخص بر ذمه آن شخص دیگری گواهی می دهم شاهد را مخبر «خبر دهنده» و مشهود له را «مخبرله» «کسیکه خبرب مفاداوست». و مشهود علیه را مخبر علی «کسیکه خبر ضرر اوست» مشهود به او حق را مخبر به «آنچه که آن شهادت داده شده است» «هی فی اللغه عباره عن اخبار بصحه عن مشاهده و عیان العنایه»⁴¹

تعریف فقهای مالکی:

شهادت عبارت از اخبار «شخص شاهد» حاکم از روی علم تا فیصله کند حاکم به مقتضای آن.⁴² شرح تعریف واژه «اخبار حاکم» از اضافت مصدر به مفعول آن است قید «روی علم» یعنی اخباریکه ناشی از علم باشد نه از روی گمان و تردید ..

تعریف فقهای شافعی:

شهادت به معنی اخبار از چیزی است لفظ خاص.⁴³

تعریف فقهای حنبلی:

شهادت عبارت از اخبار به آنچه که می داند شاهد بلفظ خاص چون «شهدت او اشهد».⁴⁴ تعریفی را که فقهای شافعی و حنبلی از شهادت ارائه می دارند یا همدیگر خیلی قریب است⁴⁵

40 نعمان بن ثابت بن زوطا مشهور به ابو حنیفه (80-150 ه ق) پایه گذار مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت است ابو حنیفه از حماد بن ابی سلیمان و از ابراهیم نخعی و علقمه بن قیس شاگرد عبد الله بن مسعود، علم فقه و حدیث را اخذ و تلقی نمود شافعی و مالکی به کمالات او معترف بوده اند.

41 الوجیز در اصول فقه ج 2 ص 337.

42 الوجیز در اصول فقه ج 2 ص 164.

43 الوجیز در اصول فقه ج 2 ص 292.

44 فقه بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت و جماعه ج 7 ص 11، 337، ج 3 ص 94

45 ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل فقیه در سال 780 م و 164 ق در بغداد زاده شد پدر و مادرش ساکنان مروه بود سفرهای زیاد کرده بود و در سال 855 م 241 ق در بغداد در گذشت فقه حنبلی یکی از فرق اربعه سنت پس از مرگ وی به وسیله شاگردانش ایجاد شد.

مناقشه و ترجیح:

بهترین تعاریف همان تصریفست که سالم از هر نوع نقیصه باشد به این معنی که تعریف، جامع و در گیرنده همه افراد معرف و مانع از دخول افراد غیر در آن باشد، هنگامی که به تعاریف سه گانه «مالیکها، شافعیها و حنبلی ها» نظر اندازیم در می یابیم که همه این تعاریف ها در مضمون یکی است اگر چه تعریف مالکی ها نسبت به تعریف شافعی ها و حنبلی ها برتری دارد زیرا قید «اخبار حاکم» مشعر است که شهادت مراد اعتبار نیست مگر اینکه در حضور قاضی و حاکم اداء گردد که دو تعریف دیگر از آن مزیت برخوردار نیست و نیز در تعریف شافعیها و حنبلی ها آمده «اخبار بایست بلفظ خاص باشد» که احتمال دارد در حضور حاکم یا نزد غیر او باشد در لغت عبارته از اخبار صبح چیز دیده شده میباشد.

و از طرف دیگر تعاریف سه گانه فوق نیز مانع از دخول هیچ نوع اخبار صدق غیر شهادت نمیشود بلکه اخبار صدق و کذب را شامل می شود زیرا در این تعاریف قید دیده نمی شود که دلالت کند به اخراج اخبار کاذبه همین است که تعاریف سه گانه دلالت نمی کند بر مقصود شخص معرف، زیرا حکم بناء می شود بر صدق شاهد نه بر کذبش، بخاطریکه کذب حکم را فاسد می گرداند.

امام تعریف فقهای احناف با وجود اینکه از انتقادات که بر تعاریف مذاهب ثلاثه وارد شده سالم بوده مگر نظر به گفته شیخ محمد بن حسین الصوری الحنفی اگر در تعریف شهادت لفظ «لاثبات حق» یعنی جهت اثبات حق علاوه می شد بهتر خواهد بود زیرا اگر این قید علاوه نشود، احتمال می رود که در تعریف شهادت بعضی اقوال مانند: قول قایل که در محضر قاضی بگوید «اشهد برویه کذا» یعنی شهادت می دهم بدین موتری و امثال آن که در عرف رائج است داخل شود.⁴⁶

تعریف راجح:

اما تعریف راجح به نظر بنده همان تعریف احناف است که صاحب البحرالرائق ابن عابدین و صاحب تنویر الابصار آنرا اختیار کرده اند و قرار ذیل است:

الشهادة: «هی اخبار صادق لا ثبات حق فی مجلس الحكم بلفظه الشهاده».⁴⁷

یعنی شهادت عبارت از اخبار صادق جهت حق در مجلس بلفظ شهادت «اشهد» و چنانچه در فوق تذکر دادیم دلیل رجحان آن از یک طرف سالم بودن این تعریف از انتقادات و از جانب دیگر جامع و مانع بودن آنست که افراد خود را شامل میشود و از دخول غیر مانع میشود.

⁴⁶. فقه بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت و جماعت، شیخ کامل عویضه، ج 3 ص 94، سال 1390 هجری شمسی
⁴⁷. فقه بانوان از دیدگاه مذاهب اهل سنت و جماعه ج 3 ص 339.

شرح تعریف: واژه «اخبار» در این تعریف جنس است که شامل شود انواع مختلف اخبار را اعم از صادق باشد و یا کاذب و قید «صادق» فصل است که بیرون میکند از تعریف فوق اخبار کاذبه را «الاثبات حق» قیدی است که جهت بیان کردن هدف و غرض از این اخبار آورده شده است و از این تعریف خارج میشود سائر اخباریکه روی اغراض دیگر گفته میشود «بلفظه الشهاده» قید دیگری است که آورده جهت خارج ساختن اخباریکه اداء می شود بدون لفظ شهادت مثل الفاظ متیقن هستم و می دانم و یا دیدم و غیره و این قول آنها که می گویند نفی مجلس الحکم» قیدی است که خارج می سازد اخبار دیگر را در غیر از مجلس قضاء صورت میگرد. 48

معنی اصطلاحی شهادت در قانون:

قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان با اقتباس از فقه اسلامی در فقره اول ماده (321) شهادت شهود را قرار ذیل به معرفی گرفته است «شهادت شهود عبارت است از اخبار به حق در مجلس قضاء به لفظ اشهد». 49

قابل تذکر است تعریفی را که در قانون اصول محاکمات مدنی ارائه شده در واقع با تعریفی که فقهاء از شهادت ارائه نموده اند کدام فرق بارز و قابل ملاحظه ای در بین آنها دیده نمی شود بلکه در حقیقت مؤید و مکمل یکدیگر می باشند. 50

تعریف حقوقی شهادت:

حقوقدانان نیز تعاریف متعددی برای شهادت ارائه کرده اند برخی بر این عقیده اند که شهادت عبارت است از اخبار ناخواسته از تخصص اصالتاً به استناد علم شخص بر امری جزئی نه بر فعل خود بلکه به نفع غیر بدون ضرری بر خویشتن و به قصد شرکت در احقاق حق با صورت دادن وظیفه شرعی.

برخی دیگر نیز بر این نظر اند که شهادت عبارت از انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی واجد شرایط که آنان را دیده و شنیده به قاضی محکمه علیه یکی از اصحاب دعوی به نفع دیگری با ادای سوگند و التزام با راستگویی، برخی دیگر نیز بر این عقیده اند که شهادت عبارت از اخبار به لفظ اشهد در مجلس قضا به حضور خصمین راجح به حق برای شخص معین علیه شخص معین دیگری. 51

شرایط شهادت: طبق دستور ماده 321 فقره دوم ق 10 م.م.

48. اخبار راست ثبات نیست به حق در مجلس قاضی به لفظ شهادت ج 2 ص 339.

49. جریده رسمی فقره 1 ماده 321.

50. قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان فقره اول ماده 321.

51. کتاب حقوق و جایب شرح قانون مدنی افغانستان ص 856.

محکمه مکلف است شرایط شهادت شهود را اکیداً رعایت کند اما اینکه این شرایط چه است ق. م و ق. ام. م سکونت اختیار نموده اند اما طبق فقه شهادت اصلاً دارای دو شرط است شرط تحمل و شرط اداء که هر یک را ذیلاً بالتزریب مورد تحلیل قرار می دهیم.⁵²

شرایط تحمل شهادت:

طبق فقه شرایط تحمل شهادت قرار ذیل است:

اول: اینکه شاهد وقت تحمل شهادت عاقل باشد بنابر این تحمل شهادت صبی و مجنون صحیح نیست. زیرا تحمل شهادت عبارت از فهم و ضبط حادثه است فهم و ضبط حادثه ممکن نیست، مگر از طریق عقل.

دوم: اینکه به نظر امام ابو حنیفه شاهد بینا باشد بنا بر این تحمل شهادت نابینا صحیح نیست.

سوم: اینکه تحمل از روی عمل و مشاهده مشهود به شهادت باشد که از طریق شنیدن از غیر ماده 1686 مجله الاحکام در این مورد حکم می نماید که لازم است شهود مشهود به، را بالذات مشاهده کنند و به همین گونه ادای شهادت نمایند، بنا بر این شهود جایز نیست تا براساس سمع ادای شهادت کنند یعنی شاهد بگوید من شهادت می دهم بر اینکه مردم این چنین می گفتند اما اگر ادای شهادت نماید که این زمین وقف است با این شخص وفات یافته است به این ترتیب که من از شخص قابل اعتمادی شنیده ام بعضی گفت من بر این دلیل شهادت می دهم که از آدم قابل اعتمادی این طور شنیده ام شهادتش مقبول است این چنین شهادتی در مورد ولایت وقف و موت بر اساس سمع مقبول است گرچه این خصوصیات را به چشم ندیده باشد و سنش برای معاینه مشهود مساعد نباشد همچنین اگر نگفت که از مردم نشنیده ام بلکه این طور ادای شهادت داد که ما به چشم سر این موضوع را ندیده ام این در شرایط تحمل بلوغ، اسلام، عدالت شرط نیست بنابر این در صورتی که شاهد در وقت تحمل صبی عاقل، کافر و فاسق باشد اما، زمان ادای شهادت صبی بالغ، کافر، مسلمان، و فاسق توبه نماید.⁵³

شرایط اداء:

برخی از شرایط اداء؛ مربوط به شاهد، برخی مربوط به شهادت مربوط به مشهود و برخی نیز مربوط به نصاب شهادت میگردد. که هر یک را ذیلاً بالتزریب مورد مطالعه قرار می دهیم.⁵⁴

⁵² شرایط شهادت ماده 321 فقره دوم ص 10. م. م. ص 860.

⁵³ شرایط تحمل شهادت ماده 1686 ج 1 ص 860.

⁵⁴ حقوق وجایب ماده 321 فقره سوم ا. م. م.

شرایط شاهد:

در شهادت شرط است که شاهد واجد اهلیت شهادت باشند اهلیت شهادت مستلزم وجود شرایط ذیل در شاهد است:

- الف: بلوغ
- ب: عاقل
- ج: بینایی
- د: اسلام و عادل بودن
- ح: داشتن حافظه نیکو و ضبط مطلب
- ط: عدم تهمت
- ی: عدم محدود بودن به قذف.⁵⁵

مطلب دوم: اهمیت و مشروعیت شهادت

نقش شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی بسیار برجسته است و سرنوشت جا، مال، ناموس افراد را تعیین میکند. طبق ق. ا. م.م.

شهادت بعد از سند در درجه دوم قرار دارد. بنا بر این شهادت از نظر اثبات افراد سوگند و قراین قوی است زیرا ماده 321 فقره سوم ا. م.م در مورد قوت اثبات شهادتی تصریح می نماید که شهادت از نظر قوت اثباتیه بعد از سند به درجه دوم قرار دارد.

ماده 1676 مجله الاحکام نیز در این مورد میگوید: «بینه حجت قوی است».⁵⁶

مشروعیت شهادت:

شهادت که بعنوان وسیله از وسایل اثبات به شمار می رود نظر به کتاب، سنت اجماع امت امر مشروع و جائز بوده است که دلایل مشروعیت آن از منابع فوق قرار ذیل تذکر داده شود.

دلیل مشروعیت شهادت از قرآنکریم:

اول: خداوند جل جلاله می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ

⁵⁵ حقوق و جایب ماده 321 فقره سوم ا. م.م.
⁵⁶ مجلت الاحکام ماده 1676 ص 861.

الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهَاً أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمَلَّ هُوَ فَلْيُمَلِّ وَلِيَّهُ بِالْعَدْلِ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَأَمْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَوُا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [البقرة: 282] 57.

ترجمه: و دو نفر از مردان خود را به گواهی گیرید. اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از میان کسانی گواه کنید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند «این دو زنی به همراه یکدیگر باید شاهد قرار گیرند» تا اگر یکی انحراف پیدا کرد دیگری بدو آوری کند و چون گواهان را به گواهی خوانند باید که از این کار خود داری نوزند (بازهم) کسانی را به گواهی گیرید و نویسند و گواه نباید که زیان ببیند و نباید که زیان برسانند و اگر چنین کنید از فرمان خدا بیرون رفته اید «و بر حکم او شوریده اید» و از خدا بترسید «و اوامر و نواهی او را پیش چشم دارید» «آنچه را که به نفع شما یا به زیان شما است» به شما می آموزد و خداوند به آنچه می کنید آگاه است. 58

وجه دلالت:

آیه مبارکه فوق دلیل واضحی است مبنی بر اقامه شهود در اثنای معاملات داد و ستدهای ایکه بین افراد اجتماع صورت می گیرد تا باشد که تعهدات و عقودیکه انجام می شود محفوظ مانده و از ضیاع حقوق مردم جلوگیری بعمل آید و اگر شهادت از جمله امور مشروع و روا جهت اثبات حق در برابر قضاء نمی بود هیچ گاهی خداوند حکیم و توانا به اقامه شهود امر نمی فرمودند بناء امر شارع حکیم خود دلیل صریح مشروعیت آن است.

دوم: در جای دیگر چنین حکم می کند:

﴿وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ﴾ [الطلاق: 2].

ترجمه: و بر (نگاهداری و یا جدایی) آنان دو مرد عادل از میان خود تان گواه کنید.

57. سوره البقره آیه 282.

58. تفسیر کابلی ج 1 ص 68.

تا اگر در آینده اختلافی روی دهد هیچ یک از شوهر و همسر نتوانند واقعیت را انکار کنند) و گواهی دادن را برای خدا اداء کنید (وانگیزه شهادت محض رضای خدا باشد و از هیچ کدام جانبداری ننمائید).⁵⁹

وجه دلالت:

در این لفظ «اشهدوا» و نیز لفظ «اقیموا الشهاده» از جمله صغیه های امر است که دلالت میکند به مشروعیت اقامه شهود و ادای شهادت. و اگر شهادت مشروعیت نمی داشت، شارع حکیم مردم را مامور به اقامه شهود و ادای شهادت نمی گیرد.

سوم: به همین ترتیب در محل دیگری ارشاد می فرماید:

﴿فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِأَلَلِّهِ حَسِيبًا﴾ [النساء: 6].⁶⁰

ترجمه: و هنگام که اموالشان را به خودشان (بعد از بلوغ) باز پس دادید بر آنان شاهد بگیرید و (اگر چه علاوه از گوهان خدا گواه است و) کافی است خدا حسابرس و مراقب باشد.

وجه دلالت:

در این آیت خداوند جل جلاله اولیاء یتیمان را مامور گردانیده است تا جهت حفظ حقوق و منافع آنها و نیز به خاطر قطع منازعات احتمالی که در اثر انکار از قبض و تسلیم بوجود می آید در هنگام تسلیمی اموال برای یتیمان بعد از رسیدن به مرحله بلوغ و سن قانونی شاهد بگیرند که این امر خود دلیل اشکارا برای مشروعیت شهادت بشمار می رود. می بینیم که در آیات فوق اقامه شهود جهت اثبات حقوق و تایید معاملات و ترس انکار خواسته شده است از همین رو گفته میشود که شهادت حجت و دلیلی است در محضر قضاء.

دلیل مشروعیت شهادت از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم:

⁵⁹. شرح مجله الاحکام ج 1 ص 337.
⁶⁰ عبدالقادر عوده، التشریح الجنایی الاسلامی لمقارینا بالقانون الوضعی، بیروت موسسه الرساله، الطبعة الثالث عشر، 1415 ق. سوره نساء آیه 6

در بسیار از احادیث به اثبات رسیده که از مدعی تقاضای شاهد را برای ثبوت ادعای شان کرده است خصوصاً در صورت انکار و انزاع بین طرفین دعوی و بیان داشته است که شهادت اساس حکم بشمار می رود که در این مقام به بعضی از آنها را به عنوان حجت پیشکش خواهیم کرد.

از اشعث بن قیس رضی الله عنه روایت است که گفت: «کانت بینی و بین رجل خصومه فی بئر فاختصمنا الی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقال رسول الله شاهدک او یمینه»⁶¹.

ترجمه: اشعث رضی الله عنه میگوید: بین من و مردی دیگری خصومت و انزاع در مورد چیزی بود، دعوی «خصومت» خویش را به رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش کردیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم برایم گفت: یا شاهدتت را پیش کن «در صورتی که شاهد نداشته باشید» تومی توانی، سوگند بدهی او را. در این حدیث شریف به صراحت دیده میشود که رسول الله صلی الله علیه وسلم از شخص مدعی جهت ادعای وی طلب شهادت را به عنوان حجت و دلیل برای از بین بردن منازعه و خصومت میکند.

حتی که در روایت دیگری به لفظ «الک بینه؟» آمده است «آیا تو را شاهدیست تا اثبات ادعایت را کنی» که این خود دلیل واضح بر ثبوت مدعی است. از علقمه بن وائل از پدرش روایت نموده که گفته است:

«عن علقمه بن وائل عن ابيه قال جاء رجل من حضرموت ورجل من كنده الی النبی صلی الله علیه وسلم فقال الحضرمی یا رسول الله ان هذا قد غلبنی علی ارض لی کانت لابی فقال الکندی هی ارضی فی یدی ازرها لیس له فیها حق فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم للحضرمی الک بینه قال لا قال فلک یمینه»⁶².

ترجمه: مردی از قبیله حضرموت و مرد دیگری از قبیله کنده نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند، مرد حضرمی گفت ای رسول الله صلی الله علیه وسلم این شخص غلبه کرد مرا بر زمینم که از پدرم بود «از من گفت زمینی را که از پدرم رسید بود» مرد کندی گفت این زمین خودم است و در دستم است می کارمش که او را هیچ حقی در آن نیست پس رسول الله صلی الله علیه وسلم برای مرد حضرمی گفت آیا تو را شاهد است؟ حضر می گفت نخیر! رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت فقط ترا است که او را سوگند بدهی در این روایت نیز هوید است که رسول الله صلی الله

سوره النساء آیه 6 ،

⁶¹. صحیح البخاری باب اذا اختلف الراهن و المرتهن ج 8 ص 335 شماره حدیث 2332.

⁶². صحیح مسلم باب من اقتطع حق مسلم بيمين ج 1 ص 337 شماره حدیث 199.

علیه وسلم طلب شهادت نموده مدعی را به این جمله که می فرماید: «الک بینه» به پیش کردن شهود ارشاد مینماید.

و به همین ترتیب در می یابیم که وی در مورد شهادت پرسیده میشود خطاب به سائل می گوید:

«هل ترى الشمس؟» قال: نعم: قال نعلی مثلها اودع»⁶³

ترجمه: آیا آفتاب را می بینی؟ گفت: بلی رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: زمانی که مانند: آفتاب قضیه ای را دیدی پس شهادت بده و یا ترک شهادت کنی در نظر داشت احادیث فوق گفته می توانیم که شهادت شرعاً امر مشروع و جائز بوده و وسیله از وسائل اثبات در برابر قضاء می باشد و نیز شهادت را در لابلای ارشادات نبوی دریافتیم که به نام بینه نیز یاد کرده است زیرا که شهادت در حقیقت حق را بیان میدارد.

دلیل اجماع: امت مسلمه در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم بدینسو بر مشروعیت شهادت اتفاق نظر دارند و آنرا به حدیث حجت و دلیلی از دلایل شرعی می دانند و همین قسم شهادت را به حدیث و وسیله از وسائل اثبات در عرصه قضاء پذیرفته و هیچ کسی را سراغ نداریم که از آن انکار کرده باشد حتی که ابن قدامه در مورد چنین بیان می دارد «ان اهل العلم اجمعوا علی هذا»⁶⁴.

ترجمه: علماء و دانشمندان اجماع دارند بر اینکه شهادت یک از وسائل اثبات است.

امام ترمذی میگوید: «والعمل علیه عند اهل العلم من اصحاب النبی صلی الله علیه وسلم و من بعدهم»⁶⁵.

ترجمه: علمای اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم همین طور عمل میکردند «که شهادت را به حدیث وسیله ای از وسایل اثبات می پذیرفتند».

دلیل عقلی: شهادت در اصل یک ضرورت مبرم و انکار ناپذیر برای قیام حیات اجتماعی بشر بشمار می رود. زیرا زمانی که به مراودات، روابط فامیلی، معاملات، تصرفات حقوقی نظر افکنیم در می یابیم که همه اینها نیازمند گواهی بخاطر اثبات آنهاست و گر نه حقوقی ضایع شده عزت و آبرو مردم مرود تعرض اشخاص او باش و لا ابالی قرار خواهد گرفت و خونریزی های بوقوع خواهد پیوست که مقام انسانیت انسانها را زیر سوال برده و قیامت را بر مخلوق خداوند جل جلاله

⁶³ الوجیز در اصول فقه ج 2 ص 343.

⁶⁴ الوجیز در اصول فقه ج 2 ص 343.

⁶⁵ سنن الترمذی مولف محمد عیسی ترمذی سال طبع 1428 هجری قمری باب فی تحریم الصلاه و تحلیلها ج 2 ص 3 شماره حدیث 238.

بر پا خواهند کرد روی همین ملحوظ شهادت مشروع گردانیده شد تا باشد که اموال محفوظ، حقوق ثابت و نفسهای مردم مصون مانده و امور قضایی برای قضات جهت رد حقوق به صاحبان اصلی و مستحقین اش سهل و اسان گردد در غیر آن زندگی بشر به چالشهای بزرگی مواجه خواهد شد.

حجیت شهادت

با در نظر داشت مواد فوق قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان و قانون مدنی گفته می توانیم که شهادت شهود به حیث حجت اصل از اصول قضائی در عرضه وسائل اثبات بوده و مورد اعتبار است.

دلیل از قرآن کریم:

خداوند جل جلاله می فرماید: ﴿وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا﴾ [البقرة: 282]. 45

ترجمه: و چون گواهان را به گواهی خوانند یابد که از این کار خود داری نوزند.

مفسرین در تفسیر آیت متذکره اختلاف نظر دارند که خلاصه آن سه قول است و قرار اتی تذکر داده میشود:

اول: اینکه معنی آیت فوق ارتباط دارد به کسی که خواسته میشود از وی جهت حمل شهادت بناءً نباید انکار کند از رفتن به آنجا برای تحمل شهادت تا اینکه شاهد و گواه باشد بر کتابت و بر حقوق اشخاص. و اطلاق شهداء در این جا مجازی بوده به اعتبار آینده.

دوم: معنی آیت متذکره مربوط به اشخاص است که حمل شهادت را کرده اند و برای ادای شهادت از ایشان تقاضا صورت میگرد تا بنفع صاحب شهادت خویش را اداء نماید بناءً شاهد نباید انکار کند از رفتن جهت ادای شهادت در صورتیکه از وی طلب میشود.

سوم: معنی آیت فوق عام است هر که دو حالت را در بر می گیرد اعم از اینکه تقاضا برای حمل شهادت شده باشد از وی و یا اینکه حمل شهادت را کرده و از وی تقاضا میشود برای ادای ابن عربی در تفسیر احکام القرآن میگوید:

«والصحيح عندي ان المراد هاهنا حالة التحمل للشهادة لان حالة الاداء مبينه بقوله تعالى:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: 183]⁶⁶ یعنی: نظر صحیح و راجح نزد این است که در این آیت مراد حالت شهادت است اگرچه محمد مصطفی الزحیلی معنی عام آن را ترجیح داده است و کتاب خود چنین تصریح نموده است: «والراجح أن الایه الکریمه تحتمل المعنین معاً و هو قول الحسن البصری و ذکره الطبری». یعنی قول راجح اینست که آیت احتمال هر دو معنی را دارد و این قول الحسن بصری است پروردگار عالم می فرماید:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: 183].⁶⁷

در این آیت خداوند جل جلاله مردم را از کتمان شهادت نهی کرده است. ونهی از کتمان شهادت در صورتی تحقق می پذیرد که نقیض آنرا اداء کند و نقیض کتمان شهادت طبقاً ادای شهادت است زیرا اصل منطقی چنین است که ارتفاع نقیض در ان واحد امکان پذیر نیست اگر یکی آن موجود میباشد دیگر آن وجود نمی داشته باشد زیرا چنانچه ارتفاع نقیض محال میباشد و همینطور اجتماع آن نیز محال است پس در صورتیکه کتمان شهادت منهی عنه باشد اعلان آن ثابت است و ثبوت اعلان بمعنی ادای شهادت می باشد لذا گفته می توانیم که واجب است ادای شهادت اما وجوب کفائی ولی در صورت شاهد در قرار داشته باشد که جز او کس دیگری برای ادای شهادت نباشد در این حالت حکم ادای شهادت به مرحله وجوب عینی می رسید زیرا شهادت ثابت وی بناءً تخلف از ادای شهادت به منزله تخلف از ادای فریضه است چون تخلف از ادای نماز، روزه و غیره حتی که بعضی از فقها عقیده دارند که در صورتی که این اشخاص رضا رغبت خویش ادای نکنند یابست که مجبور ساخته شوند تا باشد که از ضیاع حق جلوگیری بعمل آید.⁶⁸

دلیل از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم:

از عبدالرحمن بن ابی بکره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «عن عبدالرحمن بن ابی بکره عن ابیه رضی الله عنه قال قال النبی صلی الله علیه وسلم الا انبئکم باکبر الکبائر ثلاثا قالوا بلی یا رسول الله قال الاشراک بالله و عقوق الوالدین و جلس و کان متکنا فقال الا و قول الزور قال فما زال یکررها حتی قلنا لیته سکت».⁶⁹

⁶⁶ . سوره البقره 183. سوره بقره آیه 183

⁶⁷ محمد رضا مظفر، المنطق، ج 1، ص 58 بیروت دارالمتعارف للمطبوعات ، بیجا، 1402

⁶⁸ . اساسات حقوق اسلام ص 27.

⁶⁹ . صحیح البخاری باب ما قیل فی اشهاد الزور ج 9 ص 136 شماره حدیث 2460.

ترجمه: آیا شما را آگاه نسازم، بر سه گناهی از گناه‌های کبیره گفتند بلی! ای رسول الله صلی الله علیه وسلم «ما را آگاه بساز» رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: شرک آوردن با الله جل جلاله نافرمانی از والدین «روای میگوید» در حالیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم تکیه زده بودند، بر جای خود نشست و سپس فرمود: سخن دری (راوی میگوید) که رسول الله صلی الله علیه وسلم تکرار کرد (این جمله را و قول الزور) تا اینکه گفتیم (ای کاش که رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت کنند).

و همچنان در حدیث دیگری که از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: «ذکر رسول الله صلی الله علیه وسلم الکبائر او سل عن الکبائر فقال الشریک بالله وقتل النفس و عقوق الوالدین فقال الا انبئکم با کبر الکبائر قال قول الزور او قال شهادة الزور قال شعبه و اکثر ظنی انه قال شهادة الزور».⁷⁰

دلیل مشروعیت شهادت از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم:

از رسول الله صلی الله علیه وسلم در بسیار از احادیث به اثبات رسیده که از مدعی تقاضای شاهد را برای ثبوت ادعای شان کرده است خصوصاً در صورت انکار و نزاع بین طرفین دعوی و بیان داشته است که شهادت اساس حکم بشمار می رود که در این مقام به بعضی از آنها را به عنوان حجت پیشکش خواهیم کرد:

از اشعث بن قیس رضی الله عنه روایت است که گفت: «کان بینی و بین رجل خصومه فی شیء، فاخصمنا الی رسول الله - صلی الله علیه وسلم- فقال شاهداک او یمینه».⁷¹

ترجمه: اشعث بن قیس رضی الله عنه میگوید: بین من و مردی دیگری خصومت و نزاع در مورد چیزی بود، دعوی «خصومت» خویش را به رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش کردیم رسول الله صلی الله علیه وسلم برایم گفت: یا شاهدتت را پیش کن «و در صورتی که شاهد نداشته باشید» تو می دانی، سوگند بدهی او را.

در این حدیث شریف به صراحت دیده می شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم از شخص مدعی جهت اثبات ادعای وی طلب شهادت را به عنوان حجت و دلیل برای از بین بردن منازعه و

⁷⁰. صحیح البخاری حقوق الوالدین من الکبائر ج 18 ص 373 شماره حدیث 5520.
⁷¹. صحیح بخاری باب حدث عثمان بن ابی ج 9 ص 474 شماره حدیث 2670.

خصوصیت میکند. حتی که در روایت دیگری به لفظ «الک بینه» آمده است «آیا تو را شاهدیست تا اثبات ادعایت را کنی» که این خود دلیل واضح بر ثبوت مدعی است.

«عن علقمه بن وائل عن ابيه قال جاء رجل من حضر موت و رجل من كنده الى النبي صلى الله عليه وسلم فقال الحضرمي يا رسول الله ان هذا قد غلبني على ارضي كانت لابي فقال الكندي هي ارضي في يدي ازرعها ليس له فيها حق فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم للحضرمي الك بينه قال لا قال فلک يمینه».⁷²

ترجمه: مردی از قبیله حضر موت و مرد دیگری از قبیله کنده نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند مرد حضرموت می گفت: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم این شخص غلبه کرد مرا بر زمینم که از پدرم بود «از من گرفت زمینی را که از پدر برایم رسیده بود» مرد کنندی گفت: این زمین خودم است و در دستم است می کارمش که او را هیچ حقی در آن نیست. پس رسول الله برای مرد حضرموت می گفت: آیا تو را شاهد است؟ حضر می گفت نخیر: رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: فقط ترا است که او را سوگند بدهی.

در این روایت نیز هوید است که رسول الله صلی الله علیه وسلم طلب شهادت نموده و مدعی را به این جمله که می فرماید: «الک بینه» به پیش کردن شهود ارشاد مینماید.

و به همین ترتیب در می یابیم که وی در مورد شهادت پرسیده میشود خطاب به سائل می گوید: «هل ترى الشمس؟» قال نعم. قال: «على مثلها فاشهد اودع».⁷³

آیا آفتاب را می بینی؟ گفت: بلی! رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: زمانی که مانند آفتاب قضاة ای را دیدی پس شهادت بده و یا ترک شهادت کن یا در نظر داشت احادیث فوق گفته می توانیم که شهادت شرعاً امر مشروع و جائز بوده و وسیله از وسائل اثبات در برابر قضاء می باشد و نیز شهادت را در لابلای ارشادات نبوی دریافتیم که به نام بینه نیز کرده است زیرا که شهادت در حقیقت حق را بیان میدارد.

اجماع امت:

امت مسلمة از زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم بدینسو بر مشروعیت شهادت اتفاق نظر دارند و آنرا بحیث حجت و دلیلی از دلالتی شرعی می دانند و همین قسم شهادت را به حیث دلیل و وسیله از

⁷² صحیح مسلم باب من اقتطع حق مسلم بيمين ج 1 ص 337 شماره حدیث 199.
⁷³ صحیح مسلم ص 363.

وسائل اثبات در عرصه قضاء پذیرفته و هیچ کسی را سراغ نداریم که از آن انکار کرده باشد حتی که این قدامه در مورد چنین بیان می دارد: «ان اهل العلم اجمعوا علی هذا».⁷⁴

علماء و دانشمندان اجماع دارند بر اینکه شهادت یم وسیله اثبات است.

امام ترمذی می گوید: «والعمل علی هذا عند بعض اهل العلم من اصحاب النبی- صلی الله علیه وسلم- و غیرهم».⁷⁵

ترجمه: علمای اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم همین طور عمل میکردند «شهادت را به حیث وسیله ای از وسائل اثبات می پذیرفتند».

تعریف اجماع:

اجماع در لغت به معنی عزم و تصمیم بر یک چیز است مانند این حدیث که می فرماید: «لا صیام لمن لم یجمع الصیام من الیل»⁷⁶

ترجمه: کسی که شب تصمیم به انجام روزه نگیرد و نیت آن را نکند روزه اش صحیح نیست. وقتی گفته می شود: «اجمع فلان علی الامر» بدین معناست که بر آن عزم کرده و بدان تصمیم گرفته است از دیگر معانی آن اتفاق است مانند این آیه که می فرماید:

﴿أَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ﴾ [یونس: 71]⁷⁷

نیز گفته می شود: «اجمع القوم علی کذا» یعنی قوم، با قاصمیت و عزم و تصمیم بر فلان کار توافق کرد.

حصول اجماع: با ایم معنی، فقط از طرف بیشتر از یک نفر متصور است، بر خلاف معنی اول، که حصول آن از یک نفر هم صحیح و متصور است.

و در اصطلاح اصولیون، اتفاق نظر مجتدین امت اسلامی در عصری از عصرها بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر یک حکم شرعی است.⁷⁸

⁷⁴. کتاب الوجیز در اصول فقه ج 1 ص 184.

⁷⁵. سنن الترمذی باب ماجاء فی قتل الحیه ج 2 ص 180 شماره حدیث 391.

⁷⁶. سنن الترمذی باب ماجاء لاصیام لمن لم ج 3 ص 243 شماره حدیث 734.

⁷⁷. سوره یونس آیه 71.

⁷⁸. کتاب الوجیز در اصول فقه ج 3 ص 175-176.

مطلب سوم: موارد پذیرش شهادت غیر مسلمان

مورد اول: گواهی غیر مسلمان برای غیر مسلمان: از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله گواهی ذمی ها بریکدیگر و همچنان گواهی حربی ها بر یکدیگر جایز است زیرا پیغمبر صلی الله علیه وسلم گواهی برخی از مسیحیان را برای بعضی دیگر آنها اجازه داده است و دیگر اینکه آنها بر خود و اولاد خود اهلیت ولایت دارند پس بر خود اهلیت شهادت نیز دارند.⁷⁹

از نظر ابن تیمیه ابن قیم الجوزیه و در یک روایت غیر مشهور از امام احمد بخاطر تحقیق عمومی و عدالت اجتماعی شهادت غیر مسلمان برای غیر مسلمان دیگر جایز میباشد.⁸⁰

مورد دوم: گواهی غیر مسلمان برای مسلمان برای مسلمان در باره وصیت در اثنای سفر از نظر امام احمد از شخص مسلمانی در سفر وصیت کند و بمیرد و به جز از شاهدن غیر مسلمان دیگر کسی حضور نداشته باشید در این حالت گواهی غیر مسلمانان پذیرفته خواهد شد.

زیرا الله جل جلاله میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهْدَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصْبَحْتُمْ مَصِيبَةَ الْمَوْتِ﴾ [المائدة: 106].

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که یکی از شما را نشانه های مرگ در رسیده باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت به شهادت میان خود فرا خوانیده یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ شما را فرا خواند. و شاهد مسلمان نبود دو تن از غیر همکیشان خود را به شهادت خود را به شهادت بطلبید.

امام فقهای حنفی مالکی شافعی میگویند که شهادت غیر مسلمان برای مسلمان در این حالت جایز نیست زیرا هنگامیکه شهادت غیر مسلمان در امور دیگر جائز نباشد پس وصیت نیز مانند شهادت فاسق جائز نخواهد بود برای آنکه گواهی فاسق در هیچ موردی جواز ندارد پس شهادت کافر به طریق اولی قاب قبول نخواهد بود و در ارتباط به تاویل آیت فوق جمهور فقهاء اختلاف نموده اند بدین معنی که برخی از آنها میگویند که منظور از عبارت «او احران من غیر کم» کافران نبوده

⁷⁹ حقوق جزای اختصاصی اسلام ج 2 ص 202-204. 46، ج 2، ص 202-204.

⁸⁰ احمد بن عبدالحلیم بن تیمه حرانی معروف به ابن تیمه رضی الله عنه (10 ربيع الاول 20_661 ذیقعدہ 728) عالم بی بدیل الهیات حدیث و فقه فیلسوف و اختر شناس بود او را با القابی چون شیخ اسلام، مفسر، رجالی، مفتی و ادیب یاد میکردند.

بلکه قبایل و عشایر دیگر میباشند بعض دیگری از آنها به این نظر اند که شهادت در این آیت به معنای یمین میباشد.⁸¹

مورد سوم: گواهی غیر مسلمان برای مسلمان در حالت ضرورت از نظر امام ابن تیمیه و امام ابن قیم الجوزیه از آنجا که شهادت غیر مسلمان برای مسلمان بنابر ضرورت در وصیت جایز است بنا بر آن شهادت غیر مسلمان برای مسلمان در هر موضوع و در تمام حالات ضرورت نیز جایز می باشد.

امام مالک تنها شهادت طبیب غیر مسلمان را برای مسلمان جایز میدانند ولی سایر فقهاء شهادت غیر مسلمان را برای مسلمان جایز نمیدانند.⁸²

سیر تاریخی شهادت

تاریخ نمایانگر آن است که شهادت در گذشته دور بسیار با اهمیت تلقی می شده و شاید این اولین طریقه اثبات دعوی بوده چنانچه در شریعت یهود هیچ عقدی و قرار دادی بدون حضور شاهد معتبر نبوده و جهت اثبات هر دعوی مدنی شهادت شاهدهی را می جستند در حقوق روم قدیم و باستان اولاً تعدد شاهد و عینی بودن آن برای اثبات امور لازم بوده است در ایران کهن و باستان حتی شهادت برادر و زن بدون توجه به درجه قرابت قابل استماع بوده کمیت و کیفیت شهود نسبت به دعاوی وضع متفاوتی داشت مثلاً امری که در بیابان و صحراء واقع می شد به شهادت یک نفر کافی بود در حالی که امور دیگری مثلاً دوازده شاهد لازم داشت در دین مقدس اسلام هم در امور مدنی هم در امور جزایی و هم در تنظیم اسناد شهادت دلیل معتبر و مؤثر است وضع شهادت در تمام کشور های امروزی به عنوان دلیل پذیرفته شده منتهی حدود استفاده از آن و درجه اعتبار آن متفاوت است در اجتماعانی که افراد به اصول اخلاقی و مذاهبی پای بند نباشند استفاده از شهادت می تواند اثرات سویی ببار آورد و باعث تفریق حقوقی شود بالعکس در جوامعی که افراد مقید راستگویی هستند و ادای شهادت درست را تکلیف خود می شناسند می تواند در احیا حقوقی مؤثر واقع شود با وجود این شهادت متکی بر حواس شخص و حافظه اوست هر گونه خطای حراس و نقصان حافظه می تواند به وضع شهادت لطمه وارد آورد بهمین جهت هم برای شاهد و هم برای شهادت و هم برای شهادت شرایط و ضوابط سنگین و دقیقی پیش بینی شده و هرکجا شرایط را سخت تر و دقیق تر قرار داده اند ارزش شهادت را بالای برده و برای آن اعتبار زیادی تری قایل گردیده اند در غیر قابل اعتماد

⁸¹. حقوق جزای اختصاصی اسلام ج 2 ص 339.

⁸². حقوق جزای اختصاصی اسلام ج 2 ص 54.

بودن شهادت نیز فراوان شده تا آنجا در بسیاری از کشورها ارزش شهادت را متزلزل و محدود کرده اند می گویند به شهادت شهود نمی شود اعتماد کرد شاهد قادر نیست تمام حقایق را منتقل کند غالب شهود در اظهارات خود صادق نیستند در مواردی دست به آزمایش و تجربه زده اند و جمعی را به نمایش فلم دعوت کرده و بعد خواسته اند که مشاهدات خود را بنویسند نتیجه این بوده که هر نفر داستان فلمه را مطابق ذوق و سلیقه خود شرح داده و با اصل موضوع انطباق نداشته است پس از یک ماه از همان افراد خواسته اند تا بار دیگر مشاهدات خود را در مورد همان فلم بنویسند نوشته این بار افراد نه بار موضوع فلم منطبق بوده و نه با اظهارات قبلی آنها برابری داشته است از همین تجربه نتیجه گرفته اند که هیچوقت نمی شود به شهادت عینی گواه اعتماد کرد حتی که در یک ضرب المثل آلمانی در همین رابطه می گویند: «هیچ چیز به اندازه یک گواه و شاهد عینی غیر قابل اعتماد نمی باشد» و آنها می گویند قضات تحقیق و خرنوالان پیش از همه متوجه این نکته اند که اظهارات شاهد غالباً مغایر با حقیقت امر است در حالی که عمدی هم در ادای شهادت دروغ ندارند و می گویند مشکل ترین کار برای یک شاهد بیان صحیح موضوع می باشد بخصوص برای اشخاص عادی خیلی مشکل است که جریان یک امری را که ناظر بوده اند کماحقه شرح دهنده اغلب به علم و جهل و عدم اطلاع از معانی کلمات دچار اشتباه می شوند همین مطلب چه بسا موضوعی را قلب کند و حقیقت را ابهام گذارد اما آنچه که قبلاً گفتیم فقط می تواند راهگشای این مشکل باشد که عبارت است از وضع شرایط هم برای شاهد و هم برای شهادت می باشد و به هر پیمانه که شرایط و ضوابط سنگین و دقیقی پیش بینی شده باشد به همان اندازه در ثبوت موضوع به شکل دقیق آن صورت میگرد و هر کجا شرایط را سخت تر و دقیق تر داده اند ارزش شهادت را بالا برده و برای آن اعتبار زیادتری قابل گردیده اند.⁸³

مطلب چهارم: ارکان شهادت

در مورد ارکان شهادت دو دیدگاه وجود دارد که ذیلاً بیان می گردد:

دیدگاه اول: که در واقع نظر حنفی ها بوده میگویند: رکن شهادت عبارت از لفظ «اشهد» که

متضمن معنی مشاهده، قسم و اخبار برای حال می باشد است.⁸⁴

اول: شاهد.

دوم: مشهود له.

⁸³. مجله الاحکام العدلیه ص 195-197.

⁸⁴ مجله الاحکام قواعد کلیه ص 83.

سوم: مشهود علیه.

چهارم: مشهود به.

پنجم: صیغه.⁸⁵

قابل تذکر است که لفظ شهادت در این مورد از اهمیت بسزای بخور دار است روی همین ملحوظ دیده می شود که همیشه علماء و دانشمندان مذاهب فقهی به آن توجه کرده و تاکید می ورزند حتی که سوالی مطرح میشود که آیا ادای گواهی به لفظ شهادت ضروریست که بدون آن با دیگر الفاظ ادای آن صورت گرفته نتواند؟ یا اینکه ضروری نیست بلکه به هر لفظ که باشد ادای شود قابل پذیرش قرار خواهد گرفت در جواب باید گفت که فقهاء در این مسئله به دو گروه تقسیم شده اند همچنان باید متذکر شده که مبنی اختلاف بین جمهور و بین دیدگاه احناف بر می گردد به تعریف رکن.

از نظر فقهاء احناف رکن عبارت است از اجزای داخلی یک شی که وجود آن شیء موقوف بر وجود آن می باشد ولی جمهور فقهاء معتقداند که رکن شیء عبارت از هر آنچه است که وجود شیء موقوف به آنست اعم از اینکه اجزای داخلی باشد یا خارجی لذا گفته می توانیم که اختلاف بین جمهور فقهاء و بین فقهای احناف یک اختلاف لفظی بوده نه ذاتی و جوهری.

گروه اول: که عبارت از جمهور فقهاء اند «حنفی ها، شافعی ها، حنبلی ها» میگویند که در اثنای ادای شهادت اخبار شاهد با بست به لفظ شهادت و به صیغه مضارع «اشهد» صورت گیرد نه با سائر الفاظ⁸⁶ حتی که در مجله الاحکام العدلیه آمده است «اگر شاهد نگفت که شهادت می دهم بلکه گفت در فلان مورد چنین می دانم و یا در آن مورد چنین خبر دارم که ادای شهادت نکرده است.⁸⁷

زیرا چنانچه صاحب المصباح المنیر می گوید از دیر زمانه ها بدینسو بر زبان سلف و خلف امت جاریست که ادای شهادت شاهد منحصر بلفظ شهادت است و اگر بدیگر الفاظ مثل من می دانم «انا علم» متیقن هستم «اتیقن» و نزد من ثابت است و امثال آنها که افاده تحقیق را می کند شهادت پنداشته نمی شود تا اینکه نگوید! شهادت می دهم.

⁸⁵ . مجله الاحکام قواعد کلیه ص 568.

⁸⁶ . مجله الاحکام قواعد کلیه ص 568.

⁸⁷ . جریده رسمی قانون افغانستان ماده 1689.

و این چیز است که موافق به کتاب و سنت بوده و نیز مثل اجماع بر تعیین این لفظ می باشد نه غیر آن.⁸⁸

دیدگاه دوم: که در حقیقت دیدگاه فقهای مالکی و اهل ظواهر و روایتی از امام احمد می باشد معتقد اند که بر شاهد لازمی نیست که در اثناى ادای شهادت از لفظ خاص و مشخص استفاده نماید بلکه به هر لفظ کلمه که ممکن باشد اعم از اینکه لفظ شهادت باشد یا لفظ یقین و یا هم سائر الفاظ که هدف را برساند ادای شهادت بنماید جائز و قابل قبول است و این دیدگاه مورد تایید امام ابن تیمیه و ابن قیم جوزی قرار گرفته است و به همین ترتیب ابن قیم از امام احمد بن حنبل روایت سومى را نیز نقل کرده می گوید:

امام موصوف قائل به فرق بین شهادت بر افعال و شهادت بر اقوال شده است بدین معنی که وی لفظ شهادت را شرط می داند در صورتیکه شهادت بر افعال باشد ولی شرط نمی داند آن را در صورتیکه شهادت بر اقوال باشد.⁸⁹

مطلب پنجم: مشروعیت شهادت از دیدگاه قانون:

شهادت عبارت از گواهی دادن و نقل حادثه است رخ داده و شاهد آنرا دیده یا شنیده است از نظر قانون امر مشروع و قابل قبول بوده و می باشد شاهد در ادای شهادت خویش به احداث کدام امری نو و جدید نمی پردازد و تنها به نقل و تصدیق واقعه و رخ داد های پیشین اقدام میکند از همین رو در قوانین کشور به حیث حجت و دلیل ثبوت حکم پنداشته می شود اصول محاکمات مدنی کشور در فصل پانزدهم خود به حجت بودن شهادت حکم نموده و احکام شرایط و مسایل مربوط به اسباب حکم را به بحث و بررسی گرفته است در این فصل تحت عنوان اسباب حکم «وسائل ثبوت».

در ماده (272) چنین حکم میکند (وسائل ثبوت که اسباب حکم را تشکیل می دهند قرار ذیل است:

- 1- اقرار.
- 2- بینه (اسناد، شهود، قرائن قاطعه و مستنبطه).
- 3- یمین (سوگند).
- 4- نکول (انکار از سوگند).

و نیز در ماده 282 این قانون در مورد مدارک اثباتیه بدین شرح حکم می نماید.

⁸⁸ کتاب الوجیز اصول فقه ج 3 ص 273.
⁸⁹ اصول محاکمات مدنی، ماده 282 سن اهل ظواهر

مدارک اثباتیه قرار ذیل است.

- 1- اسناد.
- 2- شهادت شهود.
- 3- قرائن.

و در فقره سوم ماده 321 این قانون آمده است «شهادت از نظر قوت اثباتیه بعد از سند به درجه دوم قرار دارد». و نیز قانون اصول محاکمات مدنی از مواد (321-337) و قانون مدنی افغانستان در باب پنجم: اثبات حق، فصل پنجم مواد (1025-1030) خود را به بحث شهادت و احکام مربوط به آن اختصاص داده است چنانچه در فقره اول ماده 1029 آمده است «اثبات به شهادت شهود در آنچه اثبات آن به سند تحریری لازم باشد جواز دارد، بشرطی که مبداء ثبوت تحریری موجود شود». و در ماده 1030 این قانون آمده است «اثبات به شهادت شهود در آنچه اثبات آن به سند تحریر لازم باشد در موارد ذیل جواز دارد:

اول: در صورتی که اسباب مادی یا معنوی مانع حصول سند تحریری شود.

دوم: در صورتی که سند تحریری به اسباب خارج از اراده دائن مفقود گردد.

اما شهادت در اثبات جرایم جنائی در قدم نخست قرار دارد چنانچه در قانون اجراءات مؤقت در فقره سوم ماده 37 چنین آمده است⁹⁰:

وسائل و مدارک اثباتیه اساسی قرار ذیل است:

اول: شهود.

دوم: مقاله شود.

سوم: شناسائی متهم طور بالمواجه در صنف «لاین ا

چهارم: تفتیش محل.

پنجم: تلاشی.

ششم: ضبط اشیاء.

هفتم: ارزیابی و معاینات تخصصی.

هشتم: استنطاق.

مطلب ششم: تحمل در شهادت

به قول مشهور تحمل شهادت - به معنای شاهد و گواه رخدادی بودن- بر کسی که شرایط و شایستگی آن را دارد با درخواست مشهود له (ذی نفع در شهادت) یا مشهود علیه (کسی که شهادت

⁹⁰ قانون اساسی افغانستان ماده 91 ص 282.

به زیان او است) در صورت عدم بیم ضرر، واجب است. برخی حکم به استحباب کرده و ترک آن را مکروه دانسته اند. بنابر قول به وجوب، در اینکه واجب عینی است یا کفایی اختلاف است.

احکام شهادت

تحمل شهادت شاهد یا با درخواست مشهودله است و یا بدون درخواست وی. در صورت نخست، ادای شهادت واجب کفایی است و در صورت دوم، چنانچه ترک شهادت موجب ضایع شدن حق مشهودله نگردد، در وجوب آن اختلاف است⁹¹.

حرمت کتمان شهادت

کتمان شهادت از گناهان بزرگ استو در قرآن کریم از آن با صراحت، نهی و قلب کتمان کننده گنهکار شمرده شده است، مگر آنکه شهادت دادن برای شهادت دهنده یا کسی دیگر که سزاوار ضرر نیست، زیان آور باشد که در این صورت ترک آن جایز است. احکام شهادت در عقود و ایقاعات تحمل شهادت شرط صحت هیچ یک از عقود و ایقاعات نیست، مگر در طلاق و ظهار. البته در برخی موارد مستحب است، مانند ازدواج دائم، رجوع در عده، خرید و فروش و دین. در مواردی نیز حرام است، مانند شاهد بودن بر عقد ازدواج در حال احرام.

شرایط شاهد

پذیرش شهادت شاهد نزد قاضی منوط به برخورداری وی از شرایط زیر است:

بلوغ

بدون تردید شهادت نابالغ غیر ممیز (ناتوان از تشخیص خوب و بد) صحیح و پذیرفته نیست. همچنین شهادت نابالغ ممیز در غیر قتل و جراحت؛ هرچند قبول شهادت نابالغ ده ساله ممیز حتی در غیر قتل و جراحت، از بعضی نقل شده است؛ لیکن قائلی برای آن شناخته نشده است⁹².

اختلاف اقوال در قبول شهادت نابالغ ممیز

به قول مشهور، شهادت نابالغ ممیز در قتل و جراحت به اجمال پذیرفته است؛ هرچند در تفصیل و شرایط آن دیدگاهها مختلف است. اختلاف نخست این است که آیا قبول شهادت اختصاص به قتل

⁹¹ اصول فقه ج 2 ، ص 55 بیروت ،

⁹² دارلمتعارف للمطبوعات ، الطبعة الرابعة ، 1403

دارد یا شامل جراحتهای نیز می‌شود و یا به عکس، مختص به جراحت است و شامل قتل نمی‌شود؛ سه قول مطرح است.

اختلاف دوم این است که آیا پذیرش شهادت گواهان به آنچه میان خود آنان واقع شده اختصاص دارد؟ برخی، قائل به آن شده‌اند. بنابر این، شهادت نابالغان علیه بالغان پذیرفته نیست و در صورت شهادت بر نابالغان نیز تنها دیه ثابت می‌شود نه قصاص.

سومین اختلاف در شرایط پذیرش شهادت نابالغ است. این شرایط عبارتند از:

الف. ده ساله یا بیشتر بودن. گروهی از فقها آن را شرط پذیرش شهادت نابالغ دانسته‌اند. بر اساس این دیدگاه، شهادت کودک ممیز کوچک تر از ده سال پذیرفته نیست. در مقابل، گروهی آن را شرط ندانسته‌اند.

ب. ترتیب اثر دادن به نخستین کلام نابالغ. بنابر این، اگر پس از آن سخنی مخالف سخن نخست بگوید، پذیرفته نمی‌شود. بسیاری این شرط را ذکر کرده‌اند.

ج. پراکنده نشدن قبل از شهادت دادن. جمعی از فقیهان قبول شهادت نابالغان را به پراکنده نشدن آنان پس از مشاهده رخداد و قبل از شهادت دادن، مشروط کرده‌اند. بنابر این، چنانچه کودکانی که شاهد حادثه بوده‌اند، پیش از شهادت از یکدیگر جدا شوند و سپس شهادت دهند، شهادتشان پذیرفته نیست. بنابر قول به عدم اشتراط آن، پراکندگی قبل از شهادت موجب بطلان شهادت نخواهد شد.

د. اجتماع بر امری مباح. بدین معنا که نابالغان جهت کاری که انجام دادن آن بر بالغان روا است گردهم آمده باشند. بر اساس این شرط اگر بر کاری حرام گردهم آمده باشند، شهادتشان پذیرفته نخواهد بود. بنابر شرط نبودن آن، شهادت کودکان پذیرفته است؛ هرچند بر امری حرام اجتماع کرده باشند.

ه. مذکر بودن. بر حسب ظاهر، خلاقی در شرط بودن آن نیست. بنابر این، شهادت دختران نابالغ پذیرفته نیست⁹³

عقل

شهادت دیوانه، حتی ادواری در زمان دیوانگی صحیح نیست؛ لیکن در زمان سلامت بعد از بررسی حال وی توسط قاضی و روشن شدن وضعیت هوشیاری و حضور ذهن او، صحیح است. همچنین

⁹³ فتحی بهنسی، احمد نظریه اثبات فقه الجنایی الاسلامی، ج 4 ص 85 القا، دار الشروق الطبعه الخامسه، 1409 ق

است شهادت کسی که فراموشی، زیاد بر او چیره می‌شود، پس از آنکه حاکم شرع، حال او را نسبت به آنچه شهادت می‌دهد با دقت بررسی کرده و مطمئن شود که در آنچه وی شهادت داده، غفلتی عارض نشده است؛ هر چند منشأ آن آشکار و علنی بودن مورد شهادت باشد؛ به گونه‌ای که امکان اشتباه و سهو در آن راه نداشته باشد.

ایمان

از شرایط صحت شهادت، مؤمن بودن شاهد است. ایمان شاهد با علم قاضی یا بینه و یا اقرار خود شاهد ثابت می‌گردد. بنابر این، شهادت اعم از مسلمان و کافر- علیه مسلمان یا غیر مسلمان پذیرفته نیست، مگر شهادت کافر ذمی که تنها درباره وصیت مسلمان- به شرط عدم وجود مسلمان عادل- صحیح است؛ هر چند در اینکه غریب بودن وصیت کننده در پذیرش شهادت کافر ذمی شرط است یا نه، اختلاف می‌باشد. به قول مشهور، شهادت ذمی علیه ذمی‌ای دیگر نیز صحیح نیست.

عدالت

بنابر این، شهادت فاسق پذیرفته نیست. عدالت با ارتکاب گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره زایل می‌شود. به قول مشهور، ارتکاب گناه صغیره- بدون اصرار بر آن- مانع پذیرش شهادت نیست؛ چنان که ترک مستحبات موجب زوال عدالت نخواهد بود، مگر آنکه به مرز بی‌اعتنایی و استخفاف به آنها برسد. هر چند برخی در زیان رسانیدن آن به عدالت شخص اشکال کرده‌اند.

متهم نبودن

مراد از آن مطلق تهمت نیست؛ بلکه تهمت خاص است که تفصیل آن به شرح ذیل می‌باشد.

جلب منفعت برای شاهد

بنابر این، شهادت شخص برای شریک خود بر مال شراکتی، طلبکار برای محجور بر مال متعلق طلب او، مالک برده برای برده و به قول مشهور، شهادت وصی و وکیل نسبت به آنچه بر آن ولایت دارند، پذیرفته نیست.

دفع ضرر از شاهد

بر این اساس، شهادت عاقله بر عدم عدالت شهود جنایت و شهادت وصی و وکیل بر عدم عدالت شهود مدعی که علیه وصیت کننده و موکل طرح دعوا کرده است، پذیرفته نخواهد بود.

دشمنی دنیوی

خواه دشمنی دنیوی به حدی برسد که موجب فسق و زوال عدالت گردد یا به این حد نرسد، مگر آنکه شاهد به نفع دشمن شهادت دهد یا منشأ دشمنی دین باشد. بنابر این، شهادت مسلمان علیه کافر صحیح است برخی گفته اند: تحقق دشمنی دنیوی به این است که از ناراحتی یکی، دیگری خوشحال و از خوشحالی او ناراحت گردد یا اینکه دو طرف به یکدیگر نسبت ناروا، همچون زنا بدهند. به قول مشهور، گواهی دادن برخی اعضای کاروان به نفع برخی دیگر علیه راهزنان قافله به انگیزه دشمنی دنیوی پذیرفته نیست؛ لیکن به گفته برخی، چنانچه از شاهدان چیزی به سرقت نرفته باشد یا در صورت سرقت متعرض آن نشوند، شهادتشان پذیرفته است.

تبرع به شهادت :

مراد از آن پیشی گرفتن به ادای شهادت قبل از درخواست حاکم است که از اسباب تهمت به شمار می‌رود و موجب پذیرفته نشدن شهادت می‌شود. البته به قول مشهور، عدم پذیرش شهادت تبرعی اختصاص به حقوق الناس دارد.

خویشاوندی:

خویشاوندی؛ اعم از نسبی و سببی، هر چند نزدیک باشد، مانند پدر و برادر از اسباب تهمت به شمار نمی‌رود؛ از این رو، شهادت خویشاوندان به نفع یا زیان یکدیگر پذیرفته است؛ لیکن به قول مشهور، شهادت فرزند علیه پدر پذیرفته نیست⁹⁴

بنابر قول مشهور، شهادت شوهر، علیه یا له همسرش صحیح است و نیازی به ضمیمه شاهد دیگر نیست؛ لیکن در صحت عکس آن بدون ضمیمه شاهی دیگر اختلاف است.

دوستی

دوستی هر چند استوار و صمیمی باشد از اسباب تهمت به شمار نمی‌رود؛ از این رو، شهادت دوست علیه یا له دوست خود پذیرفته است.

گدایی: گدایی در صورتی که شغل فرد باشد از اسباب تهمت است و مانع قبول شهادت گدا می‌شود؛ لیکن اگر مقطعی و از روی ضرورت باشد، به تصریح گروهی، مانع پذیرش شهادت نیست.

⁹⁴ ابوحسان محمد، احکام الجرمه والعقوبته فی الشریعه، الزرقاء مکتبه المنار، الطبعة الاولى، ص 140-

مهمان بودن

مهمان کسی بودن از اسباب تهمت به شمار نمی‌آید و در نتیجه شهادت او علیه یا له میزبان پذیرفته است.

اجیر بودن

در اینکه اجیر بودن از اسباب تهمت است و در نتیجه شهادت اجیر به نفع یا ضرر کارفرما پذیرفته نیست یا از اسباب آن به شمار نمی‌رود، اختلاف است. مشهور متأخران قائل به قول دوم‌اند. قول نخست از اکثر قدما نقل شده است.

پاکی ولادت

به قول مشهور، شهادت زنا زاده مطلقاً پذیرفته نیست.

برخی قدما گفته‌اند: در صورتی که موضوع دعوا ناچیز و کم ارزش باشد، شهادت او پذیرفته می‌شود⁹⁵

مطلب هفتم: شرایط شهادت

همسویی شهادت با دعوا

از شرایط قبول شهادت، مطابقت داشتن شهادت با ادعای مدعی است. بنابر این، اگر کلیت یا جزئیات شهادت با دعوی مدعی مطابقت نداشته باشد، پذیرفته نخواهد شد، مانند اینکه مدعی ادعا کند: از طرف مقابل بابت کالایی که به او فروخته صد هزار تومان طلبکار است؛ لیکن گواهان به صد هزار تومان طلبکاری وی بابت اجاره خانه گواهی دهند.

⁹⁵ ابوحسان محمد، احکام الجرمه والعقوبته فی الشریعه، الزرقاء مکتبه المنار، الطبعة الاولى، ص 142-

وحدت مفاد هر دو شهادت

شرط دیگر شهادت آن است که مفاد شهادت هر دو شاهد یکی باشد؛ هر چند با الفاظ متفاوت، مانند اینکه یکی شهادت دهد فلانی مال شهادت را از دیگری غصب کرده و دومی شهادت دهد آن را به ستم از دیگری گرفته است. چون مفاد هر دو شهادت یکی است، پذیرفته و غصب ثابت می‌شود..

عدم تکاذب

در قبول شهادت شرط است که شاهدان یکدیگر را تکذیب نکنند و توافق مفاد دو شهادت باهم ممکن باشد. بنا بر این، چنانچه یکی به قتل زید در پنج شنبه یا در خیابان و دیگری به قتل او در جمعه یا در خانه شهادت دهد، پذیرفته نخواهد شد. البته تکاذب در فرضی تحقق می‌یابد که حادثه قابل تکرار نباشد، مانند قتل. بنا بر این، در صورت امکان تکرار آن، تکاذب محقق نمی‌شود، لیکن ثبوت مدعی مدعی متوقف بر شهادت شاهدهی دیگر یا قسم در موارد ثبوت دعوا با یک شاهد و قسم است، مانند اینکه یکی به سرقت مالی معین در روز پنج شنبه و دیگری در روز جمعه شهادت دهد، با امکان سرقت آن در دو بار (بازگرداندن بعد از سرقت اول و سرقت دوباره آن در روز جمعه).

ورود دو شهادت بر یک فعل

شرط پذیرش دو شهادت آن است که موضوع هر دو یک فعل باشد. بنا بر این اگر موضوع یکی فعلی و دیگری، فعلی دیگر باشد- مانند اینکه یکی به بیع و دیگری به اقرار به بیع شهادت دهد- چیزی ثابت نمی‌گردد⁹⁶.

شهادت ندادن بر نفی محض

بنا بر این، اگر کسی شهادت دهد که زید از عمرو قرض نگرفته، شهادتش پذیرفته نیست؛ مگر در دو مورد: یکی شهادت به اعسار، به شرط آگاهی شاهد از موقعیت مُعسر به دلیل معاشرت داشتن با وی و دومی شهادت به نبود وارث برای میت به شرط یاد شده!

⁹⁶ ابوحسان محمد، احکام الجرمه والعقوبته فی الشریعه، الزرقاء مکتبه المنار، الطبعة الاولى، ص 144

شهادت دادن از روی علم و یقین نه ظن

مستند شهادت

سخن از مستند شهادت یا به شهادت شاهد بر می‌گردد که در چه صورتی عنوان شاهد بر آن صادق است و به این عنوان می‌تواند شهادت دهد و یا به حاکم شرع که چه نوع شهادتی می‌تواند مستند حکم وی گردد.

مستند شهادت برای شاهد

مستندات شهادت که شاهد با استناد به آنها می‌تواند شهادت دهد، عبارتند از:

علم قطعی

به نظر بسیاری از فقها، علمی که بر پایه آن شهادت داده می‌شود، باید از راه حواس ظاهر حاصل گردد. بنابر این، در شهادت بر افعال، از قبیل غصب، سرقت، قتل، ولادت و زنا، مشاهده آنها توسط شاهد، و در شهادت بر گفتار، همچون عقود، ایقاعات و قذف، شنیدن اقوال توسط شاهد، شرط پذیرش شهادت او است. آیا علم قطعی به دست آمده از غیر راه حواس، مانند تواتر یا خبری که قراین قطعی بر درستی آن وجود دارد، می‌تواند مستند شهادت شاهد قرار گیرد و او بر اساس آن شهادت دهد یا نه؟ مسئله اختلافی است. بنابر قول نخست، آیا باید علم از راههای عادی، همچون تواتر به دست آید یا علم قطعی مطلقاً می‌تواند مستند شهادت قرار گیرد، هرچند از راههای غیر عادی، چون جفر و رمل حاصل شده باشد؟ به تصریح برخی، جواز شهادت بر پایه علم حاصل از راه غیر عادی محل اشکال است⁹⁷

استفاضه

از استفاضه به شیاع و تسامع نیز تعبیر می‌شود. مراد از آن، مشهور بودن امری همچون نسب (فلانی فرزند یا پدر فلانی) و وقف (فلان ملک وقف است) میان مردم می‌باشد. فقها استفاضه را از مستندات شهادت- که شاهد بر پایه آن می‌تواند شهادت دهد- بر مرده‌اند؛ لیکن در استفاضه، دیدگاهها از دو جهت مختلف است: یکی از جهت اموری که با استفاضه ثابت و شهادت مبتنی بر آن پذیرفته

⁹⁷ ابوالقاسم پاینده، نهجالفصاحه، بیجا، انتشارات جاویدان، ج 4 ص 29، 1344ق

می‌شود و دیگری از جهت اعتبار علم حاصل از استفاضه در جواز شهادت به آن دیدگاهها از جهت نخست:

۱. نسب؛ برخی با استفاضه تنها نسب را قابل اثبات دانسته و شهادت مبتنی بر آن را پذیرفته‌اند.

۲. نسب، به اضافه مرگ و ملک مطلق

۳. نسب، ملک مطلق، وقف و زوجیت

۴. چهار مورد پیشین به اضافه ولاء و عتق به قولی،

یا عتق، ولایت قاضی و مرگ با حذف زوجیت به قولی دیگر

۵. همان به استثنای ولاء به اضافه مرگ و ولایت برای قاضی

۶. همان به اضافه ولاء

۷. همان به استثنای ولایت قاضی و به اضافه بردگی و عدالت

۸. هر موردی که غالباً مشاهده در آن امکان پذیر نباشد. بنابر این قول، مورد استفاضه به اموری خاص منحصر نیست.

بر جواز شهادت به نسب بر پایه استفاضه ادعای اجماع شده است؛ چنان که قول پنجم مشهور میان فقها است. البته بنابر قول به کفایت علم حاصل از غیر راه حواس ظاهری، همچون تواتر و استفاضه، استفاضه علم آور حجت است.

و شخص می‌تواند بر اساس آن شهادت دهد. در این صورت حجیت استفاضه منحصر به مواردی خاص یا به صورت عدم امکان غالبی مشاهده در موردی، نخواهد بود⁹⁸

دیدگاهها از جهت دوم: در اینکه جواز شهادت بر پایه استفاضه مشروط به علم آور بودن آن است یا افاده ظن نزدیک به علم (اطمینان عرفی و عادی) و یا حتی افاده مطلق ظن کفایت می‌کند، سه دیدگاه وجود دارد.

⁹⁸ محمود اخوندی، آیین دادرسی کیفری ج 1 ص 35 تهران چاپ سوم 1368

کیفیت شهادت بر پایه استفاضه:

شاهدی که به استناد استفاضه بر ملکیت شهادت می‌دهد، نمی‌تواند به سبب آن شهادت دهد، مگر اینکه سبب نیز از اموری باشد که با استفاضه ثابت می‌شود، مانند ارث؛ از این رو، اگر کسی با استفاضه بشنود که فلان خانه ملک زید است که از پدرش به ارث برده، می‌تواند به ملکیت زید و نیز سبب ملکیت؛ یعنی ارث شهادت دهد؛ اما اگر مفاد استفاضه این باشد که زید این ملک را خریده است، تنها می‌تواند به ملکیت او شهادت دهد؛ زیرا بیع با استفاضه ثابت نمی‌شود. در چنین صورتی، اگر علاوه بر ملکیت به خریدن آن شهادت دهد، شهادت او تنها درباره ملکیت پذیرفته می‌شود.

تصرف مالکانه

هرگاه کسی در ملکی تصرف مالکانه داشته باشد، مانند آنکه آن را بسازد یا خراب کند، بدون آنکه کسی مزاحم و متعرض او شود، بنابر قول مشهور دیگری می‌تواند بر پایه آن به ملکیت متصرف شهادت دهد، حتی اگر استفاضه‌ای بر مالکیت وی وجود نداشته باشد.

ید

اگر ملکی تحت سلطه کسی باشد، بدون شک شهادت به ثبوت ید او بر آن ملک پذیرفته است؛ لیکن آیا شاهد می‌تواند در این صورت به مطلق ملک (بدون ذکر سبب آن) شهادت دهد یا نه؟ مسئله اختلافی است. قول نخست، به اکثر متأخران، بلکه مشهور نسبت داده شده است⁹⁹

خط

شهادت فرد بر پایه خط و امضای پیشین خود، در صورت عدم یادآوری اصل واقعه، جایز و پذیرفته نیست؛ هرچند مطمئن باشد که فریبی در کار نیست، مگر آنکه فرد عادل دیگری نیز به آن واقعه شهادت دهد و مدعی نیز ثقه و مطمئن باشد، که در این صورت به گفته گروهی از فقها، شهادت مبتنی بر خط و امضای خود صحیح و پذیرفته خواهد بود. این قول به مشهور قدما نیز نسبت داده شده است. در مقابل، برخی قدما و نیز اکثر متأخران، شهادت بر پایه آن را نپذیرفته و آن را جایز ندانسته‌اند.

کیفیت شهادت: به تصریح برخی، شاهد باید شهادت را با همان لفظ ادا کند و چنانچه لفظی جز شهادت به کار برد- مانند اینکه بگوید: می‌دانم، یقین دارم یا با آگاهی خبر می‌دهم- پذیرفته نیست.

⁹⁹ محمود اخوندی، آیین داد رسی کیفری ج 1 ص 36، تهران چاپ سوم 1368

مستند شهادت برای قاضی

مراد از آن این است که چه شهادتی برای قاضی معتبر است و وی می‌تواند به استناد آن حکم کند؟ آیا شهادت مطلق؛ بدون ذکر مستند و سبب آن- اعم از حس، استفاضه، ید، تصرف و مانند آن- برای صدور حکم کفایت می‌کند یا در شهادت شرط است که همراه با مستند و سبب آن باشد تا قاضی با توجه به آن و بررسی جوانب آن حکم صادر نماید؟ برخی به احتمال دوم تصریح کرده‌اند¹⁰⁰.

حقوق ثابت با شهادت

حقوقی که با شهادت گواهان اثبات می‌شود به لحاظ تعداد و نیز مرد یا زن بودن شاهد دارای اقسامی است که مجموع آنها تحت دو قسم کلی حق الله و حق الناس قرار می‌گیرد.

حق الله

حق الله یا از حدود است، مانند حدّ زنا، لواط و سرقت و یا از غیر حدود. نوع دوم یا مالی است یا غیر مالی.

حدود

1. در گواهان زنا شرط است تا ایشان چهار نفر باشند، مرد باشند، اصیل و آزاد باشند، مسلمان باشند، عادل باشند خداوند متعال می‌فرماید (فأشهدوا منكم علی علیهن اربعة منكم) نساء آیه 15 ترجمه: پس گواه طلبید برایشان چهار مرد از شما. پس گواهی غلامان و زنان در اثبات زنا معتبر نیست و اگر تعداد شاهدان از چهار کم بود، لازم است گواهی نگویند و اگر سخن را اظهار کردند حد قذف بر ایشان لازم می‌شود.

2. **لواط و مساحقه:** لواط و مساحقه با شهادت چهار مرد عادل ثابت می‌شود و با شهادت سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن ثابت نمی‌گردد؛ هر چند از برخی قدام الحاق لواط و مساحقه به زنا نقل شده است.

3. **سایر حدود:** حدود دیگر- جز حد زنا، لواط و مساحقه- همچون حدّ سرقت، نوشیدن شراب، ارتداد و قذف تنها با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شوند و شهادت زن مطلقاً؛ به تنهایی یا همراه با مرد و نیز شهادت یک مرد به ضمیمه قسم کسی که به نفع او شهادت داده شده، کفایت نمی‌کند¹⁰¹.

¹⁰⁰ محمود اخوندی، آیین داد رسی کیفری ج 1 ص 36، تهران چاپ سوم 1368
¹⁰¹ جریده رسمی، احرار محمد، استماع شهادت در دعوی جزائی، سال 1386. ص 6.

4. غیر حدود: غیر حدود، اعم از حق الله مالی، همچون زکات، خمس، کفارات و نذرها، و غیر مالی، چون اسلام و ایمان، تنها با شهادت دو مرد عادل قابل اثبات است؛ بلکه برخی گفته‌اند: آمیزه از دو حق (حق الله و حق الناس) همچون بلوغ، عده و عفو از قصاص نیز تنها با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌گردد¹⁰².

5. حق العبد: حق الناس سه نوع است: مالی، غیر مالی و آنچه اطلاع مردان از آن دشوار است.

حق العبد مالی

حق الناس مالی، مانند دین، غصب، عقود معاوضی- همچون بیع، اجاره، مضاربه، مساقات و صلح-، رهن، وصیت، جنایت موجب دیه - همچون جنایت از روی خطا یا شبه عمد- و نیز متعلق دعوا در صورتی که مال یا مقصود از آن مال باشد، با شهادت دو مرد عادل، یا یک مرد و دو زن و یا یک مرد و قسم ثابت می‌شود. به قول مشهور، حق الناس مالی با شهادت دو زن و قسم ثابت می‌شود. بر این قول، ادعای اجماع نیز شده است. در ثبوت وقف با شهادت یک مرد و دو زن یا یک مرد و قسم، اختلاف است. حق الناس مالی با شهادت زن به تنهایی (بدون مرد یا قسم) اثبات نمی‌گردد.

حق العبد غیر مالی

حقوق الناسی که مال یا مقصود از آن، مال نباشد و برای مردان غالباً امکان آگاهی از آن وجود داشته باشد، با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌گردد و شهادت زن مطلقاً به تنهایی یا همراه مرد، پذیرفته نیست؛ لیکن برخی کلیت این قاعده را نپذیرفته‌اند. به قول مشهور، طلاق، خلع، رؤیت هلال، وکالت، نسب و وصایت نیز تنها با شهادت دو مرد ثابت می‌شود. در اینکه عتق (آزاد کردن برده)، قصاص و عقد نکاح با شهادت یک مرد و دو زن ثابت می‌شود یا نه، اختلاف است. گروهی از فقها شهادت یک مرد و دو زن را در قتل موجب ثبوت دیه دانسته‌اند نه قصاص آنچه اطلاع مردان بر آن دشوار است آنچه غالباً آگاهی پیدا کردن مردان از آن دشوار است، مانند ولادت، بکارت، بیوه بودن زن، عیبهای درونی زنان، همچون رتق و قرن و نیز حیض و زنده به دنیا آمدن نوزاد، با شهادت زنان به تنهایی و نیز به قول مشهور، زنان با مردان و نیز مردان به تنهایی پذیرفته است؛ لیکن در قبول شهادت زنان به تنهایی در رضاع اختلاف است. قول عدم قبول به اکثر فقها نسبت داده شده

¹⁰² وزارت عدلیه، قانون مدنی، مواد (987 و 988)،

است. در موارد پذیرش شهادت زنان به تنهایی، تعداد شاهدان بنابر قول مشهور نباید کمتر از چهار نفر باشد، مگر در دو مورد: یکی وصیت به مال و دیگری ارث نوزادی که زنده متولد شده و سپس مرده است. در این دو مورد، با شهادت یک زن، یک چهارم؛ دو زن، دو چهارم؛ سه زن، سه چهارم و چهار زن تمامی مال وارث ثابت می‌شود. برخی قداما در این قسم، شهادت دو زن و با نبود دو زن، شهادت یک زن را پذیرفته‌اند. از برخی آنان نقل شده که شهادت قابله به تنهایی در ولادت و نیز زنده به دنیا آمدن نوزاد در صورت آزاد، مسلمان و عادل بودن وی، پذیرفته است¹⁰³

شهادت تبرّعی

مراد از آن، شهادت دادن بدون درخواست حاکم شرع است. شهادت تبرّعی بنابر قول مشهور در حق الله پذیرفته است نه در حق الناس. در حقوق مشترک اختلاف است.

فسق شهود

چنانچه هر دو شاهد عادل، پس از شهادت نزد حاکم، فاسق شوند، در صورتی که عروض فسق بعد از صدور حکم باشد، حکم به قوت خود باقی است و نقض نمی‌شود؛ اما اگر قبل از صدور حکم باشد، در صورتی که متعلق شهادت حق الله باشد، شهادت رد می‌شود و اگر حق الناس باشد، در رد یا قبول شهادت، اختلاف است. مرگ، بیهوشی و یا دیوانگی شهود قبل از حکم: هر گاه گواهان در فاصله بین شهادت نزد حاکم و صدور حکم، بمیرند یا دیوانه و یا بیهوش شوند، حاکم بر پایه شهادت آنان حکم را صادر می‌کند و مرگ، بیهوشی یا دیوانگی گواهان موجب رد شهادتشان نمی‌شود.

بازگشت گواهان از شهادت

هرگاه هر دو یا یکی از دو شاهد قبل از صدور حکم از شهادت خود بر گردند، صدور حکم بر پایه شهادت آنان منتفی می‌گردد؛ لیکن اگر رجوع پس از صدور و اجرای حکم و تلف شدن محکوم باشد، حکم نقض نمی‌شود؛ اما شاهدان، ضامن مثل یا قیمت یا قصاص یا دیه و یا مانند آن که بر اثر شهادت آنان تلف شده، می‌باشند. بازگشت شاهدان بعد از صدور حکم و قبل از اجرای آن‌ها بازگشت شاهدان بعد از صدور حکم و قبل از اجرای آن باشد، متعلق شهادت حدود باشد صورتی که متعلق شهادت از حدود باشد، به قول مشهور، حکم نقض می‌شود. متعلق شهادت غیر حدود باشد در نقض حکم نسبت به سایر حقوق اختلاف است. اگر متعلق شهادت مال باشد و آن مال پس از صدور حکم به محکوم له (کسی که به نفع او حکم شده) تحویل شده باشد و شهود قبل از تلف شدن آن مال از

¹⁰³ جریده رسمی، استمّاع در دعوی جزای، سال 1386

شهادتشان برگردند، آیا حکم نقض و مال به صاحبش بازگردانده می‌شود یا نه؟ مسئله اختلافی است. مشهور قائل به عدم نقض حکم‌اند. بنابر این، مال از محکوم له گرفته نمی‌شود و در نتیجه، شهود

ضامن آن برای محکوم علیه‌اند و باید مثل یا قیمت آن را به او بپردازند؛ لیکن بنابر قول نخست، مال به صاحبش برگردانده می‌شود و شهود ضامن چیزی نیستند اگر متعلق شهادت، قتل یا جراحت باشد و شهود پس از اجرای حکم از شهادتشان برگشته و بگویند: ما به عمد شهادت خلاف واقع دادیم، با امکان قصاص، قصاص بر آنان ثابت می‌شود و اگر بگویند از روی خطا شهادت داده‌ایم، بر آنان دیه ثابت می‌گردد، و اگر برخی به عمد و برخی به خطا بودن شهادت خود اقرار داشته باشند، بر عامد، قصاص و بر خطا کار، به مقدار سهمش دیه ثابت خواهد بود. اگر متعلق شهادت بُضع باشد، مانند آنکه به طلاق شهادت دهند و سپس از آن برگردند، در صورتی که رجوع پس از صدور حکم طلاق و حصول جدایی باشد، حکم نقض نمی‌گردد. در این صورت، اگر شهادت آنان پس از نزدیکی زوج با زوجه باشد، گواهان ضامن مهر نیستند؛ اما اگر قبل از آن باشد، ضامن نصف مهراند که باید به زوج بپردازند؛ لیکن برخی گفته‌اند: اگر گواهان به طلاق زنی شهادت دهند و وی بر پایه شهادت آنان با مردی دیگر ازدواج کند، و پس از آن از شهادتشان بازگردند، زن پس از عده نگه داشتن از همسر دوم، به همسر اول خود بر می‌گردد و گواهان ضامن تمامی یا نصف مهر برای شوهر دوم‌اند که باید به وی بپردازند.

وجوب تعزیر شاهد دروغگو

بر حاکم شرع، تعزیر و مجازات شاهی که به دروغ شهادت داده واجب است. همچنین واجب است او را در شهر بگرداند، تا مردم او را بشناسند و به گفتار او اعتماد نکنند و شهادتشان را نپذیرند.

حکم قبول شهادت شاهد دروغگو بعد از توبه:

هرگاه شاهی که به دروغ شهادت داده، توبه کند و مدتی از توبه او بگذرد و صداقت او در توبه و عدالتش معلوم گردد، شهادتشان پس از آن پذیرفته می‌شود.

حکم معلوم شدن شهادت دروغ بعد از صدور حکم چنانچه برای حاکم بعد از صدور حکم معلوم شود که شهود به دروغ شهادت داده‌اند، حکم نقض می‌شود. در این صورت، اگر متعلق شهادت مال

باشد، به صاحبش بازگردانده می‌شود و با عدم امکان آن، گواهان، ضامن آن مال‌اند، و اگر متعلق شهادت قتل باشد، بر شهود قصاص ثابت می‌گردد¹⁰⁴.

مطلب هفتم: حمایت از شهود در قوانین ملی:

در این مبحث مطالبی تحریر می‌گردد که در محور آن چند گفتار و چند جز می‌چرخد که در اقدامات محافظتی شهود، روی مامنعت از تطبیق عدالت و مجازات آن، و شیوه‌های حمایت از شهود را طبق قوانین ملی به صورت مرشح بحث خواهیم کرد.

حمایت از شهود در قانون اجرای جزایی:

در این گفتار خویش روی سه موضوع که نخست اقدامات محافظتی شهود از طرف کدام اداره صورت می‌گیرد، ثانیاً کدام شهود باید مورد این اقدامات محافظتی قرار گیرد و ثالثاً کدام شخص صالحیت ارایه در خواست را به ارگانهای عدلی و قضایی را دارد، متمرکز خواهد شد.

اقدامات محافظتی از شهود: در این ارتباط ماده 53 قانون اجرای جزایی تدابیر ذیل را مدنظر گرفته است:

خارنوالی و محکمه می‌توانند حسب احوال جهت محافظت شاهد با صدور قرار، یک یا چند مورد از اقدامات محافظتی ذیل را اتخاذ نمایند:

1 - اخفای نام، آدرس، محل وظیفه، شغل یا هرگونه معلومات، اسناد رسمی، دفتر ثبت و دوسیه که زمینه تشخیص هویت شاهد را فراهم ننماید. - ممنوع قراردادن وکیل مدافع، مساعد حقوقی و مظنون یا متهم از افشای هویت شاهد یا مواد و معلوماتی که ممکن هویت شاهد را تشخیص نماید.

2 - عدم افشای هرگونه سوابق و اسنادی که منجر به تشخیص هویت شاهد گردد، مگر اینکه قاضی ذیصلاح طور دیگری تصمیم اتخاذ کند.

3- (در حالت مندرج فقره)¹⁰⁵ (این ماده برای نام مستعار تعیین می‌گردد).

4 (اخفای خصوصیات ظاهری و فیزیکی شاهد به شیوه‌های ذیل صورت می‌گیرد:

1 - ادای شهادت از عقب پرده غیر شفاف.

¹⁰⁴ قوانین اجرای جزایی فقره اول ماده 1029.. 95 ماده 1030 قوانین اجرای جزایی
¹⁰⁵ ماده 53 قانون اجرای جزایی 1 فقره اول

- 2 - ادای شهادت از طریق دستگاه تخنیک‌ی تغییر دهنده تصویر و صدا.
- 3 - پخش استجواب از مکان دیگر از طریق تلویزیون مدار بسته که به شکل زنده اتصال گردیده است، به طور همزمان به اتاق محاکمه .
- 4 - استماع اظهارات شهادت شاهد و استجواب شاهد با استفاده از نوار تصویری قبل از جریان محاکمه، در صورتی که رصف وکیل مدافع متهم در جریان ثبت نوار تصویری، بخاطر شهادت شاهد حضور داشته باشد.
- کنار بردن متهم به شکل موقت از سالون محکمه، در صورتی که شاهد از ادای شهادت در حضور متهم امتناع ورزد یا اینکه شاهد در حضور متهم حقیقت را بیان منی نماید. در این صورت وکیل مدافع و مساعد حقوقی می تواند در سالون محکمه حضور داشته و از شاهد استجواب نماید. حین برگشت دوباره متهم به سالون محکمه شهادت شاهد برای وی قرائت می گردد.

شهود قابل محافظت: شهود قابل محافظت می باشد؟ در این رابطه ماده 54 قانون اجراءات جزایی چنین صراحت دارد:

- 1- شاهی که امنیت خود وی یا اقاربش به اثر شهادت به تهدید، ارعاب یا اقدامات مشابه، در معرض خطر قرار داشته باشد.
- 2- شاهی که در اثر ارتکاب عمل جرمی از لحاظ جسمی یا روانی آسیب شدید دیده باشد.
- 3- شاهی که از وضعیت روانی وخیم رنج می برد.
- 4- ارگان های امنیتی مکلف اند با در نظر داشت تجویز خارنوالی و محکمه الی رفع حالت خطر از شهود مندرج اجزای فوق محافظت نمایند.

درخواست محافظت شهود: که صالحیت ارایه درخواست اقدامات محافظی شهود را به ارکانهاعدلی و قضایی دارد؟ ابتدا این صالحیت به شهود است که بنابر مشکلات این اقدام را انجام نمایند و در صورت که ضرورت باشد وکیل قانونی وی می تواند چنین اقدامات را مطابق ماده 55 قانون اجراءات جزایی انجام دهد، که ذیلا بیان می گردد:

قوانین اجراءات جزایی فقره اول ماده 1029.. 95 ماده 1030 قوانین اجراءات جزایی
ماده 53 قانون اجراءات جزایی 1 فقره اول

ا- شهود مندرج ماده 54 قانون اجراءات جزای و در صورت رضورت نماینده قانونی آنها می توانند، اتخاذ اقدامات محافظتی را در مرحله تحقیق از څارنوالی و در مرحله محاکمه از محکمه درخواست مینمایند.

ب- درخواست اقدامات محافظتی به صورت رسبسته به څارنوالی و محکمه هر یک در ساحه مربوط خود درخواست را بررسی منوده و تصمیم اتخاذ می نمایند، وافشای مطالب در این صورت به دیگران مجاز منی باشد.

اجراءات مقدماتی در ارتباط شاهد:

رابطه به این موضوع قانون اجراءات جزای اجراءاتی که از طرف څارنوالی یا محکمه در برابر شهود صورت می گیرد. از مواد (25 الی 43) ترصیح ساخته، که مختصراً از آن یاد آوری مینماییم:

احضار شهود، استماع و ثبت شهادت؛ منع استجواب شاهد؛ حق امتناع از ارایه جواب به سوالات؛ جلب و احضار شهود؛ محتوای احضاریه؛ مصارف حضور شاهد؛ مکلفیت های شاهد؛ ترتیب محرض شهادت؛ محل سمع شهادت؛ استماع جداگانه شهادت؛ منع تلقین شهود؛ طرز استجواب شاهد؛ ترتیب محرض اظهارات شهادت؛ ثبت محرض شهادت؛ شهادت طفل؛ شهادت شخص دارای اختلالات روانی؛ استماع شهادت در خارج از محکمه؛ شهادت کذب و سوگند یا تعهد شاهد می باشد

محافظت از شهود یا اطلاع دهنده و مجازات آن: در ارتباط به محافظت از شهود قانون اجراءات جزایی روی شکلیات موضوع پرداخته بود؛ حال این که کود جزای افغانستان در ماده 463 در ارتباط به موظفین که برای حفاظت از شهود موظف اند، در صورت اهمال یا غفلت از موظف مذکور صورت گیرد دارای مسولیت جزایی دانسته شده است. که قرار آتی تحریر می گردد:

ا - هرگاه پولیس، موظف امنیت ملی یا څارنوال به اتخاذ تدابیر محافظتی در مورد محافظت شهود و اطلاع دهنده جرم مکلف باشند، در صورت اهمال یا غفلت موظف مربوط، مرتکب به بدیل حبس محکوم می گردد.

ب - هرگاه عمل مندرج فقره (1) این ماده ناشی از غفلت یا اهمال موظف باشد ومنجر به معلولیت یا قتل شاهد، اطلاع دهنده یا اقارب آنها گردد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می گردد. - در صورت عدم محافظت شهود یا اطلاع دهنده عمدی باشد با در نظر داشت احوال، مرتکب به حیث رشیک یا معاون جرم شناخته می شود. هامن طوری که جرم حامیت از شهود یا اطلاع دهندگان ارایه گردید،

قوانین اجراءات جزایی فقره اول ماده 1029.. 95 ماده 1030 قوانین اجراءات جزایی ماده 53 قانون اجراءات جزایی 1 فقره اول

قانونگذار افغانستان، جرم سهل انگاری یا کوتاهی در محافظت از شهود یا اطالع دهندگان جرایم را، جرم انگاری نموده است، با این تفاوت که اساسنامه محکمه جزای بین المللی رصفا" بر لزوم اقدامات محافظتی در مورد شهود جرم تاکید نموده اما مقنن در افغانستان پا را فراتر گذاشته و سهل انگاری در محافظت را نیز جرم دانسته است.

عناصری متشکله حفاظت از شهود یا اطالع دهنده گان:

عنصر قانونی آن مشخص است و نیاز به تحریر آن نیست و بناء" به دو عنصر دیگر آن می پردازیم.

1- عنصر مادی

عنصر مادی این جرم از نوع ترک فعل می باشد. به این ترتیب که در برخی موارد قانونگذار تکالیفی را از افراد می خواهد که در صورت ترک آن تکالیف، افراد مجرم محسوب شده و به مجازات محکوم خواهند شده. در مورد جرم مورد بحث هم باید گفت که حفاظت از شهود و اطالع دهنده جرم وظیفه قانونی پولیس، موظف امنیت ملی و خارنوالی می باشد؛ بنابر این هر نوع اهمال یا غفلت در این زمینه، موجب مسوولیت جزایی ماموران یاد شده می گردد چه برسد به این که عدم محافظت شهود یا اطالع دهندگان جرم از سوی ماموران در این ماده، عمدی بوده باشد¹⁰⁶

2- عنصر معنوی

جرم ذکر شده در ماده 463 از دو نوع عنصر معنوی بر خور دار می باشد. به عبارت دیگر در این ماده، از لحاظ عنصر معنوی دو نوع جرم بیان شده است. فقره اول و دوم ماده عنصر معنوی از نوع خطای جزای را بیان می دارد. به این ترتیب که مامورین یاد شده در فراهم آوری تدابیر حفاظتی برای شهود یا اطلاع دهندگان، ان غفلت نمایند، کود جزا در مورد اهمال و غفلت چنین ترصیح نموده است. در بند 10 ماده 4 همین قانون آمده است" اهمال که شامل بی مبالتی و غفلت نیز می گردد عبارت است از بی توجهی یا عدم مواظبت در عملی که باید انجام شود." مثال فر اموشی فرد موظف برج هوایی در عدم اعالم آماده نبودن باند برای فرود طیاره و در نتیجه تصادم طیاره، خطای وی به صورت اهمال می باشد¹⁰⁷.

¹⁰⁶ جریده رسمی، وزارت عدلیه، کود جزا، نمبر مسلسل 1260 سال 1396، ماده 463.

¹⁰⁷ همان، قانون، مواد 25

قانونگذار دو مین نوع عنصر معنوی پیش بینی شده برای جرم مورد بحث در فقره 3 ماده 463، از عمدی بودن جرم این نوع عنصر معنوی هامن قصد جرمی است که در جرایم عمدی الزم است و در جرم مورد یاد کرده است بنابراین به این ترتیب است که مامورین ذکر شده، عمدا از فراهم آوری تدابیر حفاظتی برای شهود و اطالع دهندگان جرم خوداری می کنند. و در این ماده سه نوع مجازات برای مرتکب پیش بینی کرده که قبال ذکر شده است.

مطلب هشتم: ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن:

در ارتباط به شهود در فصل اول باب پنجم کتاب دوم کود جزا ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن، در ارتباط ارباب یا تطمیع مجنی علیه یا شاهد، افشای هویت، محافظت شهود یا اطالع دهنده، افشای اقدامات محافظت یا اخفای هویت شاهد، عمل انتقام جویانه علیه مؤظفین خدمات عامه یا اطالع دهنده یا شاهد، ممانعت از تطبیق عدالت در جرایم ترورستی، ارتکاب جرم ممانعت در تطبیق عدالت توسط مؤظفین خدمات عامه، عدم اطالع از آثار جرمی حین معاینه، را دربر دارد که مختصا روی هر یک آنها بحث خواهیم کرد.

مطلب اول- ارباب یا تطمیع مجنی علیه یا شاهد: در ماده ۴۶۱ کود جزا در ارتباط ارباب یا تطمیع مجنی علیه یا شاهد ترصیح شده که ذیال تحریر می گردد:

(استعمال قوه یا تهدید یا ارباب مجنی علیه یا شاهد یا وعده، پیشنهاد ویا پرداخت منفعت خالف قانون به آن، بمنظور تحمیل ادای شهادت دراو یا امتناع از ادای شهادت یا مداخله در شهادت. (مرتکب جرایم مندرج فقره) این ماده به حبس متوسط، محکوم میگردد.

این ماده به حامیت از شاهد پرداخته است؛ که جرایم فوق تنها از طریق فعل، قابل تحقق می باشد و به هیچ وجه ترک فعل نمی تواند باعث تحقق آن شود، این جرم از جمله جرایم مطلق بوده و نیاز به حصول نتیجه ندارد، به دلیل این که یکی از وظایف حقوق جزا حمایت از امنیت و حقوق جامعه و آزادی های فردی است. به اساس سوی نیت خاص جرم تهدید و ارباب شاهد، که به منظور تحمیل ادای شهادت درو یا امتناع از ادای شهادت واقعی یا مداخله در شهادت یا ممانعت از اطلاع یا ارایه مدارک و معلومات مرتبط به جرم، می باشد. و مجازات مرتکب این جرایم حبس متوسط می باشد.

جریده رسمی، وزارت عدلیه، کود جزا، نمیر مسلسل(1260) سال 1397 ماده 469. همان، قانون، مواد 25 الی

افشای هویت شاهد:

در ماده 462 کود جزا در ارتباط افشای هویت شخص شاهد می باشد که شخصی هویت شاهد یا اطلاع دهنده یا ارایه کننده مدارک یا معلومات در مورد جرایم را بر خلاف رضایت آنها یا بدون اجازه محکمه افشاء مینماید به حبس متوسط محکوم می گردد.

زیرا حفظ هویت شاهد و عدم افشای آن، به تطبیق عدالت و شناسایی مجرمان بسیار کمک کننده خواهد بود، اهمیت این مطلب از آن جهت است که در برخی موارد، روشن شدن حقایق مربوط به جرم و شناسایی فاعلین جرم و جریان خسارت به قربانیان آن، بستگی به این دارد که شاهد یا شهود واقعه بدون هیچ ترس و نگرانی، بتوانند آن چه را دیده یا شنیده باز گو نمایند و در عین حال هویت شان مکتوم بماند تا از انتقام گیری های احتمالی مرتکبان جرم و یا طرفداران آن ها در امان میباشند. به ویژه اهمیت این امر در جرایم خطرناک و جرایم سازمان یافته بیشتر آشکار می گردد.

زیرا در این گونه جرایم ممکن است باندهای مخوف و خطرناکی در پشت رس جرم قرار داشته و منافع آن ها اقتضا نماید که نباید ابعاد جرم روشن شود و شهود ماجرا باید شناسایی شده و به هر نحو ممکن از رس راه برداشته شوند، بنابر این افشای هویت شهود می تواند از یک سوء لطامت جریان ناپذیری را بر روند محاکمه بر جای بگذارد و از سوی دیگر حیات شاهد و شهود را به خطر مواجه سازد.

– افشای اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد: در ماده 564 کود جزا در راستای افشای اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شهود شخصی را که قرار یا حکم مراجع ذیصلاح را مبنی بر اتخاذ اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد و یا سایر اسناد و معلومات مرتبط به آن را به شخص یا اشخاصی که حق دریافت آنرا ندارد افشاء نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی محکوم می گردد.

اقدامات محافظتی مربوط به شهود و اخفای هویت شاهد، به نظر قانونگذار افغانستان، از چنان اهمیتی برخوردار بوده است ه در این ماده افشای آن را جرم دانسته و برای آن مجازات پیشبینی نموده است. بدین منظور ماده 464 کود جزا افشای موارد زیر را جرم دانسته است.

1- افشای قرار یا حکم یک مرجع صالحیت دار بر اتخاذ تدابیر محافظتی از شهود جرم؛

2- افشای قرار یا حکم یک مرجع صالحیت دار بر اخفای هویت شاهد؛

3- افشای سایر اسناد و معلومات مرتبط به اتخاذ تدابیر محافظتی از شهود جرم؛

4- افشای سایر اسناد و معلومات مرتبط به اخفای هویت شاهد؛

در تمامی موارد فوق، افشای موارد یاد شده وقتی جرم است که به شخص یا اشخاصی که آن ها حق دریافت این اطلاعات را ندارند. و این جرم با قصد و علم محقق می شود.

5- عمل انتقام جویانه علیه مؤظفین خدمات عامه یا شاهد: در ماده 465 کود جزا در رابطه به عمل انتقام جویانه علیه اشخاص فوق رصاحت دارد که ذیال بیان می

شخصی که مرتکب عمل انتقام جویانه علیه مؤظف خدمات عامه، اهل خربه یا مجنی علیه یا اطلاع دهنده یا شاهد در ارتباط به جرایم مندرج این فصل گردد، به حبس متوسط، محکوم میگردد.

هرگاه به اثر ارتکاب عمل مندرج فقره (این ماده به مجنی علیه ضرر جسمی، مالی یا معنوی عاید گردد، مرتکب به حد اکثر جزای پیشبینی شده جرم مرتکبه یا حبس متوسط یا هرکدام که بیشتر باشد، محکوم میگردد.

یکی از نگرانی های موجود در ارتباط با اشخاص درگیر در پروسه جزایی، احتمال این امر است که آن ها ممکن است قربانی اعمال انتقام جویانه، از سوی متهم، بستگان یا طرفداران وی گردند، به همین دلیل قانون گذار در ماده فوق افراد ذیل را در کشف جرم و پیگرد جرم در برابر اعمال تلافی جویانه حمایت نموده است. مثال افراد از قبیل ماموران پولیس و مؤظفین امنیت ملی، اهل خبره، مجنی علیه، اطلاع دهنده و شاهد جرم می باشد، عمل انتقام جویانه میتواند رضر مادی باشد، مانند قتل، رضب و جر ح، شکنجه یا معنوی باشد مانند توهین، تحقیر، افرتا و... نیز قصدا مرتکب عمل یا اعمالی انتقام جویانه را علیه افراد فوق الذکر انجام میدهد، این جرم بصورت عمدی تحقق می پذیرد.

قسامت

مبحث چهارم: قسامت و نکول

مطلب اول: تعریف قسامت در لغت و اصطلاح

قسامت در لغت مصدر و به معنای قسم یاد کردن است از ماده قسم گرفته شده است و به معنی یمین و سوگند آمده است قسامت در لغت به معنی قسم کننده، پخش کننده و سوگند آمده است.

در اصطلاح قسامه عبارت از ادای سوگند توسط 50 نفر مرد در قتل 25 نفر در قتل شبه عمد و خطای محض ساکنین محلی که مجنی علیه قتل در آنجا یافت شده مبنی بر اینکه خود مرتکب جنایت نگردیده و اطلاعی هم از قاتل ندارد و یا قسامت در اصطلاح عبارت از سوگند های مکرر در دعوی قتل است. در قسامت باید لوث محقق گردد لوث در لغت به معنی درنگ کردن، پیچیدن و پناه بردن است و در اصطلاح حقوق آماده ای است که موجب ظن حاکم (قاضی صادر کننده رای) را فراهم می آورد در مورد افراد شرکت کننده در قسامه (به استثنای ولی یا اولیا دم) از بستگان یا مجنی علیه رجولیت متعبر است و در صورت کم بودن افراد مذکور از تعداد لازم در قسامه در بین مردان قسامه تکرار میشود.

تعریف قسامه از دیدگاه حنفی ها- عبارت از سوگند به عهده مدعی علیهم میباشد ادای 50 سوگند متعدد در دعوی قتل که توسط 50 مرد اقامه میشود از نظر حنفی ها مردم محل یکه مقتول در آنجا یافت شده 50 نفر را انتخاب میکند که قسم بخواند تا تهمت رفع شود.

هر یک از آنان سوگند می خورد که (به خدای آن شخص را به قتل نرسانده و ما نمیدانیم قاتل کیست) یعنی به رفع تهمت و عدم آگاهی از قاتل سوگند یاد میکنند و برآن ها عقوبت قصاص دفع و دیت لازم میشود

تعریف قسامت از دیدگاه سایر فرق اهل سنت:

از دیدگاه سایر فرق اهل سنت به غیر از حنیفه سوگند از سوی اولیای دم برای اثبات قتل علیه جانی اقامه میشود و 50 نفر سوگند یاد میکند چنانچه بعضی از اولیای دم از ادای سوگند خود داری کنند افراد باقی مانده از اولیای دم تعداد قسم باقی مانده را خواهند خورد، اما اگر همه اولیای دم نکول کردن یا اینکه قتل لوث نبود قسم به متهم راجع میشود درین صورت خویشاوندان و دوستان عاقله نداشت متهم 50 سوگند خورده و از مسولیت بری خواهد شد.

نظر مشهور فقهای شیعه در باره قسامه: از نظر فقهای اهل سنت (غیر از حنفی ها) چنانچه قتل لوث نبود قسامه به متهم ارجاع میشود که فقه های اهل شیعه با این نظر اختلاف دارند.

تعریف جامع قسامه:

قسامه یعنی سوگند، سوگند واژه ای فارسی بوده در برابر کلمه قسم یا خلف است. در اصطلاح سوگند یا قسم عبارت از شهادت طلبیدن خداوند جل جلاله برای وقوع امری به سود خود و زیان دیگری در حقوق امامیه سوگند جواز دارد که بنام الله جل جلاله و دیگر نام های مخصوص خداوند جل جلاله باشد برای اجرای قسامه نخست مظنون باید به قتل تعیین شده باشد و اجرای قسامه صرف قصاص و دیت را ثابت میسازد در قسامه باید لوث محقق گردد.

چی وقت قسامت لازم می شود: قسامت از نظر اسلام در اعتداء بر اعضاء یا اعتداء بر چنین طریقه اثبات شمرده نمیشود قسامت تنها در جرم قتل به حیث یکی از طریق اثبات محسوب میشود.

مطلب دوم: دلایل مشروعیت قسامت

قسامت به عنوان یکی از طرق اثبات در جرایم قصاص به احادیث نبوی ثابت گردیده است.

- 1- به روایت مردی از انصار که میگوید که: (آن النبی ص اقر اقسامه علی ما کانت علیه فی الجاهلیه) ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم قسامت را چنانچه که در عهد جاهلیت بود تأیید کرد.
- 2- پیامبر صلی الله علیه وسلم اسلام می فرماید: (البینه علی المدعی، والیمین علی من انکر الا فی القسامه) ترجمه: به جز در قسامت بر مدعی گواهان و به مدعی علیه سوگند.

- 3- در هنگام صلح خیبر در حالیکه محیر بن مسعود با خون الوده بود به نزد عبدالله بن سهل رضی الله عنه برگشت و وفات نمود و او را در همان جا دفن کرد.

و عبدالله بن سهل به مدینه برگشت بعداً عبدالرحمن بن سهل با دو پسر مسعود به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای آنها فرمود:

مجدالدین الفیروزآبادی، قاموس المحيط، جلد 4، ص 165، چاپ دارالعلم للملایین

«اتحلفون و تستحقون قاتلكم، او صاحبكم قالوا و كيف نحلف ولم نشهد و لم نر قال فتيريكم يهود بخمسين فقالوا كيف ناخذ ايمان قوم كفار فعقله النبي صلى الله عليه وسلم من عنده.»¹⁰⁸

ترجمه: آیا خود شما سوگند یاد می کند یا مدعی علیه خود را سوگند میدهد پس گفتند ما چه گونه قوم کافر را سوگند بدهیم پس پیامبر صلی الله علیه وسلم از مال بیت المال دیت وی را پرداخت. تمام این احادیث بیان گر این است پیامبر صلی الله علیه وسلم بزرگ اسلام در قتل هائیکه قاتل معل نبود از شیوه قسامت کار میگیرفت و حکم میکرد.

بنابراین قسامت یکی از شیوه های اثبات جرم بوده و مشروعیت آن به احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت گردید است و شریعت اسلامی قسامت را جایز میداند قسامت در جرایم چون قصاص مشروع است.

لزوم قسامت:

قسامت وقتی لازم میشود که در آنجا شبهه ای موجود باشد که بر اساس آن با استفاده از غالب ظن و گمان خود این طور حکم نماید که شخص مقتول را فلانی کشته است قسامت به مجرد دعو یا در مراحل ابتدایی دعوی از طرف اولیا مقتول واجب نمیشود فقه ها درین مورد قسامت های را ذکر نموده اند.

- 1- مقتول بعد از مجروح شدن ولی قبل از مرگ بگوید که خون من به ذمه فلانی است یا از طرف فلانی چنین آسیب به من رسید.
 - 2- دو مرد مسلمان و دین دار که جریان عمل را مشاهده کرده باشند یعنی ضربت یا جراحت و یا شخص مقتول در حالیکه مجروح بود اقرار کرد که فلانی مرا به قتل رسانیده است پس این دو شخص باید گواهی بدهند.
 - 3- شخص یکه ضربت یا جراحت ذت دیده باید گواه شود.
 - 4- متهم در نزدیکی مقتول یا آلات دست داشته و قتل و آثار قتل دیده شده باشد.
 - 5- مقتول در بین گروهی از مردم پیدا شود.
 - 6- شخص از چشم دید خود شهادت بدهد.
 - 7- مقتول در بین مردم که با هم درگیر جنگ هستند یافت شود.
 - 8- مقتول در مسجد و یا قریه یافت شود.
- در صورت موارد فوق قسامت لازم میشود تا جرم ثابت گردد.

¹⁰⁸. صحیح البخاری باب بدء الوحی ج4 ص 123 شماره حدیث 3173.

مطلب سوم: شروط قسامت:

فقه های حنفی وجود بعضی شروط را در قسامت لازمی می پندارند که ذیلاً ذکر میگردد.

- 1- وقتی مقتول از جای یافت میشود در جسد او باید آثار و علایم چون ضربه، جراحت و یا علایم خفه کردن موجود باشد اگر چنین علایم در جسم مقتول دیده نشده مردم آن محلی که مقتول از آن جا یافت شده نه قسامت و نه دیت میشوند چون در این حالت احتمال مرگ طبیعی نیز وجود دارد.
- 2- در صورت که قاتل نا معلوم باشد قسامت صورت میگیرد اگر قاتل مقتول شخص معلوم باشد بناً هیچ به قسامت ضرورت نمی افتد.
- 3- موقعیکه مقتول انسان باشد قسامت صورت میگیرد قسامت بخاطر قتل حیوان جایز نیست.
- 4- توسط اقارب یا اولیا مقتول باید دعوی علیه مدعی علیهم باز شود چون اگر اولیا مقتول از اقامه دعوی صرف نظر کنند بناً قسامت لازم نیست.
- 5- در جاییکه مقتول یافت میشود ملکیت کسی باشد در اینصورت دیت و قسامت لازم میشود در غیر آن صورت و دیت نیست.

- 6- مطالبه به قسامت: قسامت در صورتی در خواست از مقتول لازم میگردد چون قسامت یمین است و یمین حق مدعی است و حق وی در صورت در خواست وی اعطاء میگردد.
- 7- در صورت که مدعی علیهم جرم قتل را انکار کنند قسامت لازم میشود اگر مدعی علیهم به جرم خود اعتراف کرد پس هیچ ضرورت به قسامت نیست زیرا قسامت یا یمین وظیفه منکر است.

قسامت به چی کسانی لازم میشود:

از نظر فقه های لازم قسامت به اشخاص ذیلاً بیان شده است:

- 1- از دیدگاه فقه های حنفی: قسامت به اقارب یا اولیای مقتول نبوده بلکه به مدعی علیه یا قاتل میباشد مدعی علیه عبارت از برخی از ورثه متهم مشروط به اینکه آنها مردان بالغ و عاقل باشد کودکان، زنان یا دیوانه ها شامل قسامت نیستند اگر مقتول در جای یافت شد که کودکان یا ملک دیوانه ها است باز هم قسامت نیست خواه محل دریافت مقتول ملک ایشان هم باشد زیرا قسامت زمانی واجب میشود که تعصید در کمک و عدم محافظت از موضع قتل میباشد.
- بناً دیوانه اهلیت کمک را با قاتل ندارد ولی در دیت با عاقل شامل است زیرا قتل در ملک یک شخص به مثابه آن است که خود شخص قتل کرده باشد اگر مقتول در ملک زن یافت شد بناً بروی قسامت میباشد زیرا زن از اهل یمین از دیدگاه فقه های مالکی: اگر قتل عمدی باشد بناً قسامت تنها به عهده عصبه نسبی میباشد بنا بر این زنان قسامت نیست زیرا قسامت به مثابه شهادت است و گواهی زنان در جرایم قصاص پذیرفته نمیشود. 1

1 صحیح البخاری باب بدء الوحی ج 5 ص 125 شماره حدیث 3175.

- 2- از دیدگاه فقه های شافعی: در قسامت تمام ورثه اعم از مردان و اعم از زنان اشتراک میکند و سوگند به اعتبار سهمیه میراث برای آنها توزیع میشود.
- 3- نظر فقه های حنبلی: قسامت بر ورثه مذکر و مکلف مقتول میباشد یعنی بر اصحاب فروض و عصبیات به اندازه میراث شان این وقتی امکان دارد که ورثه متعدد باشد اما اگر یک وارث بود خود وی 50 سوگند یاد میکند بناً زنان، کودکان و دیوانه ها در قسامت داخل نخواهد شد.

مطلب پنجم: نکول در لغت و اصطلاح

نکول یک کلمه عربی در لغت به معنای ترسیدن و روگردانیدن دشمن و هم چنان برگردانیدن و روگردانیدن از چیزی آمده است در اصطلاح فقهاء به معنای خود داری از جواب دادن یا سوگند یاد کردن آمده است.

انواع نکول از یمین:

نکول از یمین به دو نوع است:

- 1- نکول حقیقی: عبارت از اینکه شخص واضح بگوید که من سوگند یاد نمی کنم.
- 2- نکول حکمی: نکول حکمی عبارت است از اینکه شخص از ادای قسم امتناع ورزد خود داری از ادای سوگند هنگامی نکول حکمی شمرده میشود که شخص نکول کننده از سوگند از مرضی که مانع سخن گفتن و یا شنیدن سخن قاضی میگردد سالم باشد.

فقهاء به این باور اند که یک بار خود داری از سوگند نکول محسوب میشود ولی برای قاضی مستحب است که سوگند را سه بار متوجه مدعی علیه نماید و به شرطیکه در مجلس قضا باشد¹⁰⁹.

حجت بودن نکول از یمین:

دلیل بودن نکول از یمین به عنوان وسیله اثبات گردیده است در اینجا نخست نظر فقهاء را پیرامون حجت بودن نکول از یمین به صفت دلیل اثبات در قضایای مدنی پس نظر آنها را در این زمینه در مسایل جنایی قرار ذیل مورد مطالعه قرار میدهم.

¹⁰⁹ حسین خزاعی، حقوق تجارت، ج 3، ص 36، تهران، موسسه نشر قانون سال 1385

حجت بودن نکول از یمین به صفت دلیل اثبات در مسایل مدنی: بعد از آنکه سوگند از طرف محکمه متوجه مدعی علیه گردید در این حالت اگر مدعی علیه بنابر باز پرداخت این سوگند یاد کند دعوی مدعی رد میشود اگر از اینان قسم نکول کرد به مجرد نکول از طرف محکمه به رد این محکوم میگردد. پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر) بر مدعی احضار گواه و بر مدعی علیه سوگند است این حدیث سوگند را به جانب مدعی علیه منحصر ساخته است.¹¹⁰

بنابراین:

1. این توجیه قسم جز به مدعی علیه جواز نخواهد داشت.

2. حجت بودن نکول از یمین به صفت دلیل اثبات در قضایای جنایی: در ارتباط به اینکه آیا نکول از یمین در جرایم حدود و قصاص وسیله شده است یا خیر فقهاء اختلاف کرده اند که قرار ذیل است.

به اتفاق فقهای حنفی و حنبلی نکول از یمین طریقه اثبات نمی باشد و اما در رابطه به اینکه آیا یمین مردوده به مدعی وسیله اثبات شده میتواند یا خیر؟ فقهای مالکی میگوید که یمین مردوده به مدعی در جرایم حدود قصاص و جرایم تعزیری دلیل اثبات محسوب نمی شود خواه این جرایم موجب عقوبات مدنی گردد.

دلیل مشروعیت نکول از لعان

مشروعیت نکول از لعان به عنوان یکی از دلایل در قرآن کریم ثابت شده است.

ترجمه: (کسانی که به همسران خود نسبت زنا میدهد و جز خودشان گواهی دیگر ندارد هر یک از آنان باید چهار بار به خدا سوگند یاد کند که قطعاً از راستگویان است و گواهی در دفعه پنجم این است که شوهر بگوید لعنت خدا بر او باد اگر دروغگویان باشد و از زن کیفر ساقط میشود در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که شوهر او جداً از دروغگویان است و گواهی پنجم آنکه خشم خدا بر او باد اگر شوهرش از راستگویان است آیات فوق بیان گر آنست که اگر مرد از لعان نکول کند بروی حد قذف و اگر زن از لعان نکول کند بروی حد زنا اجرا میشود پس گفته میتوانیم که نکول از لعان یکی از دلایل اثبات حد قذف و یا حد زنا است.

نکول برات، از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای عدم قبول برات از سوی براتگیر است. برات عبارت است از سندی که طبق آن شخص الف از شخص ب تقاضا دارد که وجه مقرر را در

¹¹⁰ همان، شرح، مواد 13 . 464-462

تاریخ مقرر به شخص ج یا هر کسی که شخص ج، وجه را به او حواله کرد، پرداخت کند. نکول برات ممکن است واقعی و یا قانونی باشد؛ در نکول واقعی برات‌گیر اراده خود را در مبنی بر نکول برات اعلام می‌کند و در نکول قانونی، قانون‌گذار برات را نکول شده معرفی می‌نماید. نکول برات آثاری چون عدم مسئولیت برات‌گیر به پرداخت وجه برات، مسئولیت برات‌کش به پرداخت وجه برات، ایجاد حق دارنده برای خواستن تضمینات و ایجاد امکان برای قبولی شخص ثالث را دارد.

مطلب ششم: حکم نکول

در مورد حکم این حالت میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد که به نحو اختصار ذیلا بیان می‌کنیم.

قول اول

بعضی معتقدند به محض نکول منکر، حکم علیه وی صادر خواهد شد. از فقهای عامه، حنفیان عموماً و بعضی از حنابله این نظریه را اقوی دانسته‌اند.

استدلال قول اول

فقهای امامی به روایت منقول از محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام تمسک کرده‌اند که حاوی یکی از قضاوت‌های علی علیه‌السلام است. و به موجب آن به محض نکول منکر حکم علیه وی صادر شده است.

استدلال فقهای حنفی: نکول به منزله اقرار است، شخصی که از ادای سوگند سرباز می‌زند گویی به حق طرف مقابل اعتراف می‌کند، چرا که اگر او را صادق نمی‌دانست و به راستی خویش ایمان داشت در ادای سوگند تردید نمی‌کرد¹¹¹.

دلیل دیگر آنان قاعده‌ای است که در کتاب المجامع آمده است، بدین شرح:

«الیمین ابدأ تکون علی النفی» سوگند همواره بر نفی یاد می‌شود. مستند این حکم، قاعده البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر، ذکر شده است و چنین توضیح داده که به موجب این قاعده، یمین همواره مربوط به منکر است که بر نفی یعنی برائت خویش یاد می‌کند. و جوازی نسبت به ادای سوگند توسط مدعی بر اثبات حق خویش وجود ندارد. ماده ۱۸۲۰ المجله با نظریه فرقه حنفی منطبق است:

¹¹¹ جواد افتخاری، حقوق تجارت، ص 47، چ اول، انتشارات ققنوس، سال 1380، تهران

«اذا نكل المدعى عليه عن اليمين حكم الحاكم بنكوله و اذا اراد بعد ذلك ان يحلف لا يلتفت الي قوله» یعنی هرگاه مدعی علیه از سوگند نکول نماید، حاکم به موجب نکول وی، علیه او حکم صادر کرده و چنانچه بعداً به ادای سوگند راضی گردد دیگر به او توجهی نمی‌شود.

قول دوم

آن است که به محض نکول مدعی علیه از ادای سوگند، حکم علیه وی صادر نمی‌شود بلکه حاکم دادگاه، سوگند را به مدعی رد می‌کند و چنانچه او حاضر شد سوگند یاد کند، حکم به نفع مدعی و علیه مدعی صادر خواهد نمود. این قول در فقه طرفداران بیشتری دارد. مشهور فقهای امامیه و مکاتب ثلاثه، مالکی، شافعی و حنبلی این قول را ترجیح داده‌اند.

استدلال قول دوم

استدلال آنان به نحو خلاصه به شرح زیر است:

الف) نکول اعم است از قبول حق برای طرف مقابل، چرا که ممکن است منکر نه به جهت قبول حق بلکه به خاطر عظمت خداوند از اتیان سوگند سرباز زند و از امری عام (یعنی این که نه سوگند بخورد و نه به مدعی رد کند «نکول») نمی‌توان برای اثبات امری خاص (یعنی قبول حق برای طرف مقابل) استنتاج نمود.

ب) عمل رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مبنی بر این که پس از نکول مدعی علیه سوگند را به مدعی رد نموده است.

د) صدور حکم به صرف نکول منکر، علیه وی، خلاف احتیاط است. مقتضای احتیاط آن است که با سوگند مدعی موضوع مستحکم تر گردد.

ه) قاعده بینه که مورد استدلال قول اول قرار گرفته نسبت به فرض نکول مدعی علیه ساکت است و آن را مطرح نکرده و بنابراین دلالت نمی‌کند که همواره سوگند متوجه مدعی علیه است.

قول سوم

امام محمد غزالی، نظریه‌ای داد بر تفصیل ابراز داشته است. او می‌گوید، دعاوی متفاوت است. چنانچه خواهان دعوی سلطان باشد (به اصطلاح امروز در دعاوی دولتی) با نکول مدعی علیه، سوگند به مدعی رد نمی‌شود. و در غیر این صورت، سوگند به مدعی رد می‌شود.

قول چهارم

ابن ابی لیلی و قضات ظاهریه نه با صرف نکول حکم صادر می‌کنند و نه سوگند را به مدعی بر می‌گردانند، بلکه منکر را مجبور به سوگند می‌سازند. و به عبارت دیگر مدعی علیه باید به حق مدعی اقرار کند و یا علیه او سوگند یاد نماید.

درست نظیر فتوای امامیه در فرضی که مدعی سمت ولایت و یا وصایت دارد و یا در فرض سکوت مدعی علیه که بحث آن خواهد آمد. به نظر می‌رسد قول دوم با انضباط و احتیاط قضایی

نزدیک تر است. هر چند که دلایل ارائه شده توسط قائلین قول مزبور همه قابل خدشه و مناقشه می‌باشد، و ما به جهت رعایت اختصار از نقد و بررسی آنها صرف نظر می‌کنیم.

سکوت مدعی علیه

هرگاه مدعی علیه به کلی در جلسه محاکمات ساکت گردد و هیچ گونه اظهاری نکند، چنانچه برای دادگاه سوء نیتی مبنی بر عناد وی محرز شود، قاضی می‌تواند حکم بازداشت وی را صادر نموده تا به سخن درآید. و نیز دادگاه می‌تواند رسماً به وی چنین اعلام کند: اگر پاسخ ندهی «ناکل» محسوب خواهی شد. و پس از این اعلام، با وی همانند فرض قبل معامله می‌شود. در قانون مدنی ایران این فرض داخل قبل قرار گرفته و حکم فرض سابق یعنی نکول مدعی علیه بر آن جاری شده است.

مطلب هفتم: موارد تحقق نکول

نکول برات ممکن است واقعی و یا قانونی باشد. موارد نکول واقعی همگی از یک نوع هستند و آن وقتی حاصل می‌شود که برات‌گیر نمی‌خواهد پرداخت وجه برات را به عهده بگیرد و اراده خود را در این زمینه اعلام می‌کند. چهره بارز این نوع نکول حالتی است که برات‌گیر در ورقه برات تصریح به عدم قبولی می‌نماید. به موجب ماده ۲۲۹ قانون تجارت هر عبارتی که برات‌گیر در برات بنویسد و آن را امضا یا مهر کند، قبولی محسوب می‌شود. مگر اینکه صریحاً دلالت بر عدم قبول داشته باشد. در مقابل، نکول قانونی فروض مختلفی دارد و مقصود از آن، مواردی است که قانون گذار برات را نکول شده معرفی می‌نماید و این موارد عبارتند از:

قبولی مشروط برات

به موجب ماده ۲۳۳ ق. ت (قانون تجارت) اگر برات‌گیر، برات را بصورت مشروط قبول نماید، برات نکول شده محسوب می‌شود. علی‌الرغم این مساله، برات‌گیر در حدود شرطی که نوشته است، مسئول پرداخت وجه برات است. معنا و مفهوم این عبارت این است که قانون به دارنده براتی که بصورت مشروط قبول شده است اختیار می‌دهد که یا برات را نکول شده تلقی کند و علیه مسئولان برات (مقصود از مسئولان برات کسانی هستند که مسئول پرداخت وجه برات می‌باشند، مانند برات‌کش و برات‌گیر) اقامه دعوا کند و یا اینکه منتظر بماند تا موعد پرداخت برات برسد و در صورت تحقق شرط، علیه برات‌گیر اقامه دعوا کند.¹

1 جواد افتخاری، حقوق تجارت، ص 49، ج اول، انتشارات ققنوس، سال 1382، تهران

ورشکستگی یا فوت برات گیر

فرض نکول برات در صورتی هم که برات گیر در فاصله بین صدور برات و تاریخ مراجعه دارنده به منظور اخذ قبولی فوت می‌نماید یا ورشکسته (ورشکستگی حالت تاجری است که به علت عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به اموال خود قادر به پرداخت دیونش نیست. به این حالت توقف از پرداخت دیون نیز گفته می‌شود. تاجر کسی است که شغل معمولی خود را یکی از اعمال تجاری موضوع (ماده ۲ ق. ت) قرار داده باشد (مواد ۱ و ۴۱۲ ق. ت) می‌شود، نیز جاری است. چرا که شخص متوفی قهراً و تاجر ورشکسته به حکم قانون نمی‌تواند براتی را قبول کند و بنابراین برات نکول می‌شود.

قبول قسمتی از مبلغ برات

برخلاف قبولی مشروط که نکول محسوب می‌شود، قبول قسمتی از مبلغ برات به معنای نکول تمام آن نیست و فقط قسمتی از وجه برات که قبول نشده است، نکول شده به حساب می‌آید. (م ۲۳۲ ق. ت)

امتناع از قبول یا نکول برات

در صورتی که برات‌گیر پس از ارائه برات حاضر نشود قبول یا نکول خود را در روی برات قید کند، این امر نکول برات محسوب می‌شود.

مطلب هشتم: احراز نکول

به موجب ماده ۲۳۶ ق. ت نکول برات باید به موجب تصدیق نامه‌ای که رسماً تنظیم می‌شود محقق گردد. به تصدیق نامه مذکور، اعتراض (پروتست) نکول یا واخواست گفته می‌شود.

واخواست برات در اوراقی به نام «برگ واخواست نامه» انجام می‌گیرد که توسط روزنامه رسمی چاپ و پس از الصاق تمبر قانونی در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد.

ماده ۲۹۴ ق. ت : شیوه تنظیم و ابلاغ واخواست نامه را توضیح داده است (برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده است) و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. 1

1 جواد افتخاری، حقوق تجارت، ص 50، چ دوم، انتشارات ققنوس، سال 1385، تهران

دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر از آنها مجتمعاً رجوع نماید. (م ۲۴۹ ق. ت) لیکن برابر نظریه مشورتی صادره از اداره حقوقی وزارت عدلیه مورخ ۱۳۴۹/۸/۲۰، در حال حاضر اوراق و اخواست طبق مقررات آئین دادرسی مدنی ابلاغ می‌گردد و مفاد ماده ۲۴۹ ق. ت در این مورد رعایت نمی‌شود. و اخواست نامه باید در ۳ نسخه (یک نسخه جهت ابلاغ به مخاطب، یک نسخه برای ذی‌نفع و یک نسخه به عنوان سابقه) تنظیم گردد.

به موجب ماده ۲۹۴ ق. ت، اعتراض نامه باید محتوی ۲ مورد باشد. اول رونوشت کامل برات با کلیه محتویات آن. دوم امر با تادیه وجه برات. هرگاه شرایط مزبور رعایت نشده باشد اعتراض باطل و بلا اثر است.

موعد نکول

اصولاً اعلام قبولی یا نکول برات به وسیله برات‌گیر، فوری است و به دستور ماده ۲۳۵ ق. ت برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه، قبول یا نکول شود¹¹².

آثار نکول

پس از آن‌که نکول واقع شد، از لحاظ حقوقی آثاری به بار می‌آورد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل هستند:

عدم مسئولیت برات گیر

برات‌گیر ممکن است خود را درگیر مساله برات نکند. در چنین حالتی که برات‌گیر از قبول برات امتناع ورزیده و آن را نکول می‌کند ۲ فرض متصور است. فرض اول موردی است که برات‌گیر از قبل به برات‌کش بدهکار بوده است و علی‌رغم وجود این بدهی قبلی از قبول برات امتناع می‌نماید. در این حالت به موجب عرف و عادت تجاری برات‌گیر مسئول جبران خسارات وارده به برات‌کش در نتیجه امتناع از قبولی خواهد بود. فرض دوم، موردی است که برات‌گیر هیچ بدهی قبلی به برات‌کش ندارد و از قبول برات امتناع می‌ورزد. در چنین حالتی امتناع از قبول، هیچ مسئولیتی برای برات‌گیر نخواهد داشت. چرا که به موجب قانون برات‌گیر الزامی به قبولی برات ندارد.

¹¹² محمد جعفر، ترمینولوژی، حقوقی، ص 722 ج 3 تهران گنج دانش سال 1388 چاپ 22

مسئولیت برات کش

اگر برات کش براتی را صادر نماید و برات‌گیر آن را قبول نکند، خود برات‌کش مسئول اصلی پرداخت وجه برات در موعد آن است.

ایجاد حق برای دارنده

همین که دارنده برات اقدام به اعتراض نکول کرد حق استفاده از تضمینات مقرر در ماده ۲۳۷ ق. ت (به موجب ماده ۲۳۷ ق. ت در صورت عدم قبول برات توسط برات‌گیر، ظهرنویس‌ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را فوراً بپردازند.) را خواهد داشت. به موجب این ماده، پس از اعتراض نکول، ظهرنویس‌ها ظهرنویسی، طریقه انتقال مالکیت برات است که از طریق امضا و تسلیم ورقه برات به شخصی که منتقل الیه یا دارنده جدید خوانده می‌شود، صورت می‌گیرد¹¹³

چون عباراتی که انتقال برات را می‌رساند در ظهر (پشت) ورقه برات قید می‌شود، این عمل حقوقی، ظهرنویسی (یا پشت نویسی) نام گرفته است. و برات‌دهنده باید به تقاضای دارنده برات ضامنی (ضمانت عبارت است از تعهد شخص ثالثی به اینکه یک یا چند نفر از مسؤلان برات در سر رسید، وجه برات را پرداخت خواهند کرد. کسیکه چنین تعهدی میکند، ضامن نامیده می‌شود) می‌باشد.

برای پرداخت وجه آن در موعد مقرر بدهند یا اینکه در صورت عدم توافق با دارنده بر سر دادن ضامن، وجه برات را فوراً بپردازند. قانون متحدالشکل ژنو و قانون تجارت فرانسه نیز در این موارد مقرر می‌دارند که در صورت نکول برات، دارنده برات می‌تواند پرداخت وجه برات را فوراً از مسؤلان برات تقاضا کند.

لیکن در مقابل، تفسیر دیگری نیز از ماده ۲۳۷ ق. ت ارائه شده است و آن اینکه صدر ماده درباره تعیین تکلیف بروات وعده‌دار است (تاریخ پرداخت وجه برات که در آن قید شود ممکن است به ۴ شیوه تعیین شود):

الف) با قید روز معین در برات

ب) با قید مدت معین از تاریخ صدور

ج) با قید مدت معین از تاریخ رویت برات توسط برات‌گیر

د) با قید اینکه برات به رویت خواهد بود، یعنی به محض ارائه، باید وجه برات پرداخت شود.

¹¹³ حسن ستوده تهرانی، دادگری حقوقی، ج 3 ص 21، چاپ 12، سال 1381 تهران

ولی ذیل آن ناظر به برات بدون وعده یا به رؤیت می‌باشد. بدین توضیح که طبق این تفسیر اگر براتی که نکول شده است وعده دار باشد، برات‌کش و ظهرنویس‌ها باید به تقاضای دارنده برای پرداخت وجه برات در سروعه، ضامنی بدهند. و اگر براتی که نکول شده است بی وعده و به رؤیت بوده باشد، دارنده می‌تواند وجه آن را فوراً از برات‌کش و ظهرنویس‌ها مطالبه کند. چرا که اساساً بروات به رؤیت باید به محض ارائه به برات‌گیر پرداخته شوند و در صورت نکول، این وظیفه به عهده سایر مسئولان برات خواهد بود¹¹⁴

امکان قبولی شخص ثالث

به موجب ماده ۲۳۹ ق. ت هرگاه براتی نکول شد و اعتراض نکول به عمل آمد، شخص ثالث (هرکس به غیر از برات‌کش و برات‌گیر) می‌تواند آن را قبول کند. بدیهی است آثار قبول برات توسط شخص ثالث همان است که در مبحث مربوط به ذکر آثار قبولی برات مطرح است. علی‌رغم این مساله قانون‌گذار برای حفظ و حراست از حقوق دارنده چنین براتی در ماده ۲۴۰ ق. ت می‌گوید؛ بعد از قبولی شخص ثالث نیز، تا زمانی که وجه برات پرداخته نشده است، کلیه حقوقی که برای دارنده برات، در نتیجه نکول آن در مقابل برات‌کش و ظهرنویس‌ها حاصل می‌شود محفوظ خواهد بود. منظور از "کلیه حقوق" حاصل از نکول برات، همان حکم ماده ۲۳۷ ق. ت در زمینه تقاضای دادن ضامن از مسئولین برات می‌باشد که در مبحث گذشته بررسی شد.

مطلب نهم: نکول از سوگند

در صورتی که برای مدعی شاهد نباشد و از مدعی علیه درخواست سوگند نماید مدعی علیه یا در محکمه حاضر شده سوگند یاد می‌کند یا سوگند را به مدعی رد نموده و یا آنکه نکول می‌نماید.

در صورتی که برای مدعی شاهد نباشد و از مدعی علیه درخواست سوگند نماید مدعی علیه یا در محکمه حاضر شده سوگند یاد می‌کند یا سوگند را به مدعی رد نموده و یا آنکه نکول می‌نماید. در صورت اول حق مدعی ساقط شده اگر به مال مدعی علیه ظفر یابد حق تقاضا ندارد و نمی‌تواند به عنوان تقاضا در مال او تصرف نماید شهید می‌گوید:

فان خلف المنکر سقطت الدعوي عنهم و حرم مقاصته به ولا تسمع البینه بعده.

و همچنین اگر ثانیاً در دادگاه طرح تجدید دعوی کند یا اقامه ی بینه نماید دعوایش پذیرفته نمی‌باشد

¹¹⁴ اسکینی، ربیعاً، حقوق تجارت/برات، سفته، چک، اسناد در وجه حامل، ج 4 ص ۸۲.

دلیل بر این حکم نصوصی است رسیده از جمله صحیح ابن ابی یعفور است در آن صحیح امام علیه السلام می فرماید:

إذا رضي صاحب الحق بيمين المدعي عليه لحقه فاستخلف فحلف ان لاحق له قبله ذهب اليمين بحق المدعي فلا دعوي له قال قلت و ان كانت عليه بينه عايلة قال نعم و ان اقامه بعد ما استخلفه بالله خمسين قسامه ماكان له و كانت اليمين قد ابطلت كل ما ادعاه قبله مما قد استخلفه عليه¹¹⁵

پیغمبر اکرم صلوات الله علیه می فرماید: من حلف بالله فصد قوه و من سالکم بالله فاعطوه ذهب اليمين بدعوي المدعي و لا دعوي له. دیگر روایت بصری است در این روایت دارد شخصی علیه دیگری حقی را دعوی می نماید و برای وی شاهد نمی باشد تکلیف چیست امام علیه السلام می فرماید: فيمين المدعي عليه فان حلف فلا حق له وان رد اليمين علي المدعي فلم يحلف فلا حق له. اخبار دیگری نیز در این باب رسیده ذکرش چون موجب اطناب و از حوصله شنوندگان خارج است به همین اخباری که ذکر شد قناعت می نمایم.

باید دانست برحسب مقتضای عموم و اطلاق اخباری که رسیده است بین دعوی دین و عین فرقی نمی باشد بدین جهت پس از سوگند یاد کردن منکر اگر مدعی به عین مال ظفر پیدا کند نمی تواند آن را اخذ نماید و به مقتضای صریح حدیث:

(ذهب اليمين بحق المدعي و جمله فلاحق له) اگر چنین عملی از مدعی صادر گردد و عین ماخذ نماید مرتکب فعل حرام شده تصرفش عدوانی خواهد بود. در صورت دوم یعنی آن صورتی که منکر سوگند را به مدعی رد نماید و وی سوگند یاد نکند دعوی او ساقط شده دیگر حق خود را نمی تواند مطالبه کند شهید علیه الرحمة می گوید:

فان لم يحلف المدعي عليه رد اليمين علي المدعي فان امتنع سقطت دعوا. دلیل بر حکم مذکور پس از اجماع نصوص مستفیضه است که رسیده از جمله روایت بصری است که پیشتر ذکر شد، مقتضای اخباری که در این باب رسیده صراحت دارد مضمون بعضی از آن اخبار آن است که اگر منکر سوگند را به مدعی رد نماید و وی سوگند یاد نکند خواه مدعی علیه پس از رد قسم سقوط حق را شرط نموده یا آنکه شرط ننموده خواه دعوی دین باشد و یا عین حقیس ساقط می باشد،

در صورت سوم یعنی در صورتی که مدعی علیه از یاد کردن سوگند و رد آن امتناع ورزد و پس از امر به سوگند و یا رد سوگند بگوید چنین عملی نخواهم انجام داد و یا اینکه بگوید من ناگل هستم

¹¹⁵ حسن ستوده تهرانی، دادگری حقوقی، ج 3 ص 28، چاپ 12، سال 1381 تهران

برحسب ظاهر ادله ای که در مورد نکول مدعی علیه رسیده دادرس می تواند حکم به نکول وی صادر نماید¹¹⁶.

ولی شهید در لمعه می گوید:

و ان نکل المنکر ردت الیمین علی المدعی و قیل یقضی بنکوله و الاول اقرب.

نظر شهید آن است که پس از نکول مدعی علیه حاکم نمی تواند بصرف نکول حکم صادر نموده بلکه باید سوگند را به مدعی رد نماید زیرا نکول اعم از ثبوت و عدم ثبوت حق است چه نکول ممکن است به منظور تجلیل اسم پروردگار باشد بنابراین می توان گفت عام بر خاص دلالت نداشته و علاوه پیغمبر اکرم (ص) همیشه سوگند را به مدعی ارجاع می فرمودند، بدیهی است باید حاکم در انشاء حکم همیشه جانب احتیاط را رعایت نموده تا آنکه بیشتر واقع را احراز نماید. دسته ای از فقهاء صرفت نکول مدعی علیه را در حکم به نکول کافی دانسته و گروهی معتقدند تا هنگامی که حاکم به مدعی علیه نگوید که اگر سوگند یادکنی و یا آنکه سوگند را به مدعی رد ننمائی نمی تواند حکم بنکول وی صادر نماید.

برخی بیان مذکور را برای دادرس مستحب دانسته اند می توان از باب تسامح در ادله سنن این عمل را برای دادرس مستحب بدانیم و هریک از این دو دسته بوجهی متمسک شده ادله ای اقامه نموده اند از ذکر آن ادله صرف نظر می نمائیم¹¹⁷.

حکم دادرس به صرف نکول مدعی علیه

کسانی که می گویند؛ به صرف نکول مدعی علیه دادرس می تواند حکم بنکول نماید به چندین دلیل متمسک شده اند.

نخستین دلیل آنان چند اصل است.

- 1- اصل برائت ذمه مدعی از سوگند.
- 2- اصل برائت ذمه حاکم از وجوب رد سوگند به مدعی.
- 3- اصل عدم توقف حکم دادرس پس از نکول مدعی علیه از سوگند برای ثبوت حق مدعی.
- 4- اصل عدم تسلط دادرس بر رد سوگند.
- 5- اصل عدم سقوط دعوی به وسیله نکول مدعی از سوگند¹¹⁸.

¹¹⁶ حسن ستوده تهرانی، دانگری حقوقی، ج 3 ص 28، چاپ 12، سال 1381 تهران
¹¹⁷ لمعه فقه تمهیدیه - زین الدین شهید ثانی، ج 2 ص 55 جمادی الاول - سال 975 هجری
¹¹⁸ قواعد الاحکام، العلامة الحلی، ج 2، ص 459

دومین دلیل این دسته قاعده مسلمه البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر است استدلالشان به این حدیث آن است که مفرد محلی بالف و لام را در صورتی که برای عموم ندانیم و عهده هم در بین نباشد بطور قطع برای جنس خواهد بود در این حدیث قانونگذار جنس بینه را وظیفه مدعی و جنس یمین را وظیفه منکر قرار داده است. بدیهی است در صورتی که مقصود از بینه و یمین جنس آن باشد نمی توان بینه ای که وظیفه مدعی است وظیفه منکر دانست و یا آنکه یمینی را که وظیفه منکر است وظیفه مدعی قرار داد حاصل آنکه قانونگذار بینه را اختصاص به مدعی داده و یمین را منحصر به مدعی علیه دانسته است و به هیچ وجه نمی توان در این قرارداد تا هنگامی که دلیلی نباشد تصرف نمود وظیفه ای را که برای مدعی معین شده است وظیفه مدعی علیه قرار داده و وظیفه مدعی علیه را وظیفه مدعی قرار دهیم.

سومین دلیل این دسته صحیحه ابن مسلم است. می گوید از حضرت صادق (ع) پرسش می شود اخرس چگونه باید قسم یاد کند حضرت می فرماید: علی علیه السلام لفظ جلاله را بر کاغذی می نوشت پس از آنکه آن را به آب می شست امر می فرمود تا اخرس آن را بیاشامد اگر از آشامیدن آب امتناع می ورزید وی را به تادیبه دین ملزم می فرمود از ظاهر این حدیث چنین استدلال می کنند موقعی که اخرس از سوگند امتناع نموده علی علیه السلام سوگند را به مدعی رد نفرموده بدین جهت دادرسی می تواند بصرف نکول مدعی علیه حکم بنکول نم

چهارمین دلیلی که بدان مستمسک شده اند دو فقره از خبر عبدالرحمن در مسئله دعوای بر میت

است پس از آنکه امام علیه السلام در مورد شخصی که دعوائی نموده و نتوانسته بوسیله بینه ثابت نماید پرسش می شود امام (ع) می فرماید:

فان حلف فلاحق له و ان لم يحلف فعليه الحق ولو كان المدعي عليه حيا لانزم باليمين او الحق او يرد اليمين.

از ظاهر فقره اول حدیث چنین استفاده می شود که منکر اگر از سوگند امتناع ورزد باید مدعی به را به مدعی تادیبه نماید و از فقره اخیر آن که امام فرموده است:

اذا كان المدعي عليه حيا لا لزوم باليمين او الحق او يرد اليمين.

به لحاظ آنکه ذکر می از رد یمین از طرف دادرسی نشده است دادرسی باید بتواند بصرف نکول حکم به نکول نماید حاصل آنکه این دسته از فقهاء ظهور صدر و ذیل حدیث را دلیل برای حکم بنکول دادرسی بصرف نکول مدعی علیه دانسته اند¹¹⁹.

¹¹⁹ قواعد الاحکام، العلامه الحلّی، ج 2، ص 460

پنجمین دلیلی که بدان استدلال نموده اند روایت ابی بصیر است، امام علیه السلام می فرماید:
لو ان رجلاً ادعی علی رجل عشرة الاف دراهم او اقل من ذلك او اکثر لم یکن الیمین علی المدعی
و كانت الیمین علی المدعی علیه.
می گویند این حدیث نیز شامل موردی است که مدعی علیه از سوگند نکول می نماید و دادرس می
تواند به صرف نکول حکم نماید.

جایز نبودن حکم دادرس بصرف نکول مدعی علیه

کسانی که به صرف نکول مدعی علیه حکم بنکول را جایز نمی دانند به وجوهی متمسک شده اند.
از جمله اصل است می گویند پیش از رد قسم از طرف مدعی علیه به مدعی و سوگند یاد کردن
مدعی خواه مدعی به عین خواه دین باشد. اصل برائت ذمه مدعی علیه است نسبت به عین و عدم
سقوط حق است برای مدعی بصرف نکول مدعی علیه و عدم صحت حکم حاکم است بنکول در
صورتی که سوگند بمدعی رد نشود.
دیگر حدیثی است نبوی که علامه آن را در مختلف نقل کرده مضمون حدیث آن است که مدعی علیه
هنگامی که نکول می نمود پیغمبر (ص) سوگند را به مدعی رد می فرمودند.
دیگر صحیحه عبیدین زراره در مسئله رد یمین به مدعی علیه است عبارت صحیحه این است:

عن الرجل یدعی علیه الحق و لابیئة علی المدعی قال علیه السلام یستحلف او یرد الیمین علی
صاحب الحق. می گویند ظاهر این صحیحه به قرینه کلمه یستحلف که مبنی للمجهول است باید کلمه
(او یرد) نیز مبنی للمجهول باشد. بدین استظهار معتقدند تا هنگامی که سوگند بمدعی رد نشود و
مدعی سوگند یاد نکند دادرس نمی تواند بصرف نکول مدعی علیه حکم صادر نماید.
این دسته به وجوه دیگری نیز متمسک شده اند چون آن وجوه همگی قابل نظر و تأمل است از ذکر
آنها صرف نظر نموده به نقوض و اشکالاتی که به ادله مذکوره وارد است می پردازیم.

می گوئیم دلیل اول که اصول است با اصول سابق الذکر معارض و از درجه اعتبار ساقط است.
دلیل ثانی که حدیث نبویست علاوه بر اینکه سندش ضعیف است دلالت بر مقصود نمی نماید چه
محتمل است امام علیه السلام قسم را در این مورد با اذن مدعی علیه رد نموده باشد¹²⁰.

و دلیل ثالث هم که ظاهر صحیحه عبیدین زراره است به هیچ وجه ظهور در مقصود ندارد زیرا
ظاهر صحیحه برخلاف مقصود دلالت می نماید علاوه به قرینه یستحلف که فعل مجهول است
یرد الیمین را نمی توان بدان قرینه مجهول دانست چه اصل در افعال آن است که بصیغه معلوم باشد

¹²⁰ ایضاح الفوائد، ابن العلامه، ج 4، ص 614

و نیز مقتضای اصل آن است که لفظ (او) که در صحیح آمده برای تخییر باشد نه تردید و اگر هم خواهیم لفظ (او) را بر ترتیب حمل نمائیم خلاف ظاهر رفتار نموده ایم.

سکوت مدعی علیه

چنانکه پیشتر ذکر شد پس از آنکه متداعیین به دادگاه حاضر شدند و شخص مدعی علیه دیگر اقامه دعوی نمود مدعی علیه یا اقرار و یا انکار و یا سکوت می نماید¹²¹.

دو قسم اول را به نحو تفصیل بیان نمودیم اکنون به قسم سوم که سکوت مدعی علیه است می پردازیم:

در صورتی که مدعی علیه پس از اقامه دعوی مدعی سکوت اختیار نماید و یا آنکه بگوید جواب نمی دهم و یا جوابی را که می دهد به هیچ وجه مربوط به دعوی مدعی نباشد دادرس باید جهت سکوت وی را تحقیق نماید چه ممکن است علت سکوت به واسطه گنگ بودن و یا به جهت عداوت و یا عنادی بوده و با آنکه ابهت دادرس در وی تأثیر و مانع از اقرار و یا انکار وی شده و یا آنکه از حضور در دادگاه برایش وحشت و دهشتی تولید شده باشد و نیز ممکن است سکوت وی به لحاظ مواجهه و روبرو شدن با خصم بوده و یا آنکه سبب و منشائی برای سکوت او نبوده فقط قصدش تعطیل امور دادرسی باشد. در صورتی که سکوت مدعی علیه به واسطه گنگ بودن باشد دادرس به هر نوعی که ممکن باشد خواه به وسیله اشاره یا به وسیله دیگری باید وی را متوجه نموده تا آنکه پاسخ دهد. شهید می گوید:

و اما السکوت فان كان لافه من طرش او خرس توصل الحاکم الي معرفة الجواب. اگر مدعی علیه به وسیله اشاره اقرار و یا انکار خودش را اظهار دارد باید نوعی باشد که برای دادرس افاده تعیین نماید و یا آنکه بوسیله دو مترجم که عادل و جامع شرایط شهادت باشند اشاره توضیح داده شود. در صورتی که سکوت خصم از راه عناد و عداوت باشد دادرس باید وی را الزام به جواب کند. اگر امتناع ورزد او را حبس نموده تا آنکه جواب دعوی را اظهار دارد و یا آنکه پس از عرضه جواب حکم به نکول نماید:

شهید می گوید:

و ان كان السکوت عناداً حبس حتی یجیب او یحکم علیه بالنکول بعد عرض الجواب علیه. محقق در کتاب شرایط پس از نقل آراء فقها در مورد سکوت مدعی علیه می فرماید: و قیل یجبر. برخی از فقها معتقدند دادرس باید مدعی علیه را از باب امر به معروف بضر و مثل ضرب مجبور به جواب نماید، ولی شیخ صاحب جواهر می گوید:

¹²¹ سنگلجی، محمد؛ (1384)، قضا در اسلام، ج 4 ص 82

من تا به حال صاحب این نظر را نشناخته ام می توانیم برحسب حدیث مشهور نبوی: **(لی الواجد یحل عقوبته و عرضه و یا حبسه و عمل علی (ع) در مورد حبس غریم به واسطه سرپیچی بدون ضرب و اهانت بگوئیم حبس مدعی علیه در این مورد جایز است ولی ضرب و شتم و اهانت او جایز نیست و می توانیم بگوئیم چون بر مدعی علیه جواب واجب است و جواب محتمل است که اقرار باشد و یا انکار. دادرس می تواند وی را حبس نموده تا آنکه اقرار نموده یا آنکه انکار نماید و بر حسب مقتضای اصل ضرب و شتم و اهانت مدعی علیه جائز نمی باشد و بدین جهت سکوت مدعی علیه را پس از عرضه جواب می توان نازل منزل نکول دانست در هر حال ظاهر عبارت شهید در روضه آن است که دادرس در مورد سکوت مدعی علیه مخیر است که وی را حبس نموده و یا آنکه حکم به نکول صادر نماید.**

اگر منکر پس از آنکه از او درخواست جواب شود بگوید نمی دانم یا آنکه به استحقاق مدعی عالم نیستم یا گمان می کنم چنین حقی را استحقاق ندارد و مانند اینها. در این صورت به لحاظ آنکه سخنان خصم را نمی توان دلیل اقرار دانست و نمی توان وی را ساکت پنداشت حکم سکوت بر وی مترتب نخواهد شد و دادرس باید وی را در شمار منکرین محسوب دانسته احکام منکر را بر وی مترتب نماید.

دلیل مشروعیت نکول از لعان

مشروعیت نکول از لعان به عنوان یکی از دلایل در قرآن کریم ثابت شده است.

ترجمه: (کسانی که به همسران خود نسبت زنا میدهد و جز خودشان گواهی دیگر ندارد هر یک از آنان باید چهار بار به خدا سوگند یاد کند که قطعاً از راستگویان است و گواهی در دفعه پنجم این است که شوهر بگوید لعنت خدا بر او باد اگر دروغگویان باشد و از زن کیفر ساقط میشود در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که شوهر او جداً از دروغگویان است و گواهی پنجم آنکه خشم خدا بر او باد اگر شوهرش از راستگویان است آیات فوق بیان گر آنست که اگر مرد از لعان نکول کند بروی حد قذف و اگر زن از لعان نکول کند بروی حد زنا اجرا میشود پس گفته میتوانیم که نکول از لعان یکی از دلایل اثبات حد قذف و یا حد زنا است.

حجت بودن نکول از یمین:

دلیل بودن نکول از یمین به عنوان وسیله اثبات گردیده است در اینجا نخست نظر فقهاء را پیرامون حجت بودن نکول از یمین به صفت دلیل اثبات در قضایای مدنی پس نظر آنها را در این زمینه در مسایل جنایی قرار ذیل مورد مطالعه قرار میدهیم.

1- **حجت بودن نکول از یمین به صفت دلیل اثبات در مسایل مدنی:** بعد از آنکه سوگند از طرف محکمه متوجه مدعی علیه گردید در این حالت اگر مدعی علیه بنابر باز پرداخت این سوگند یاد کند دعوای مدعی رد میشود اگر از اینان قسم نکول کرد به مجرد نکول از طرف محکمه به رد این محکوم میگردد.

2 **حجت بودن نکول از یمین به صفت دلیل اثبات در قضایای جنایی:** در ارتباط به اینکه آیا نکول از یمین در جرایم حدود و قصاص وسیله شده است یا خیر فقهاء اختلاف کرده اند که قرار ذیل است. به اتفاق فقهای حنفی و حنبلی نکول از یمین طریقه اثبات نمی باشد و اما در رابطه به اینکه آیا یمین مردوده به مدعی وسیله اثبات شده میتواند یا خیر؟ فقهای مالکی میگویند که یمین مردوده به مدعی در جرایم حدود قصاص و جرایم تعزیری دلیل اثبات محسوب نمی شود خواه این جرایم موجب عقوبات مدنی گردد.

فصل دوم: قراین و دلایل استثنایی

قراین و دلایل استثنایی دارای مباحث و مطالب میباشد که بالترتیب شرح میگردد:

مبحث اول: قراین

قراین دارای پنج مطلب بوده که قرار ذیل است:

مطلب اول: متشکل از تعریف قراین در لغت و اصطلاح میباشد.

مطلب دوم: شروط قرینه، جهت قرینه.

مطلب سوم: سوم اقسام قرینه.

مطلب چهارم: ادله فقهی جواز به کارگیری راهای علمی، جایگاه ادلیه در فقه اسلامی، ادله قرآنی میباشد.

مطلب پنجم: نظریات خود بنده، دلایل عقلی، دلایل از سنت و عدم تقابل اعتبارم راهای علمی با اصول جزایی.

مبحث دوم: صحنه جرم و جمع آوری مدارک جرم.

مطلب اول: نحوه حفظ و نتایج صحنه جرم، اهمیت جرم نحوه حفظ و نتایج صحنه جرم.

مطلب دوم: متشکل از روش عکاسی از صحنه جرم، یادداشت برداری از صحنه جرم میباشد.

مطلب سوم: متشکل از عکس برداری از صحنه جرم، تهیه کروکی صحنه جرم، انواع کروکی محل وقوع جرم

مطلب چهارم: باز سازی صحنه جرم .

مطلب پنجم: شرایط بررسی صحنه جرم.

مطلب ششم: نحوه بررسی صحنه جرم، یادداشت برداری از صحنه جرم میباشد.

مبحث سوم: آثار مادی صحنه جرم میباشد که متشکل از مطالب فوق میباشد.

مطلب اول: آثار و ابزار، تعیین محل اول دلیل و مدارک

مطلب دوم: بسته بندی آثار و ابزار، مقایسه مواد و قطعات شکسته .

مطلب سوم: آثار مادی صحنه جرم، شیشه ها و کار شناسی جنایی آن ها، مقدار فاصله از محل شلیک مرمی .

مطلب چهارم: رنگ مشهود در صحنه جرم به عنوان دلیل .

مطلب پنجم: لکه ها و زرات غیر حیاتی، اقسام رنگ ها .

مطلب ششم: دلایل مادی مربوط به سلاح، جمع آوری دلایل.

مبحث سوم: عبارت از کشف جرایم بوسیله آثار و بقایای انسانی که حاوی مطالب فوق میباشد .

مطلب اول: نقش آثار پل پا و عراده جات ، انواع آثار پا، آثار پای برهنه .

مطلب دوم: جستجو و حفظ نقش پل پا، طریقه قالب گرفتن .

مطلب سوم: آثار تایر و عراده جات، تصادم دو عراده به یک عابر،

مطلب چهارم: آزمایش مو ها و ناخن ها .

مطلب پنجم: آز مایش DNA ، خون شناسی و کشف جرم

مطلب ششم: امتحان لکه ها و بقایای انسانی و DNA

برای تفصیل قراین و دلایل استثنایی مباحث و مطالب فوق بالترتیب قرای آتی نگاشته میشود:

فصل دوم

قرائین و دلایل استثنایی

قرائین

مبحث اول: قرائین

مطلب اول: تعریف قرائین در لغت و اصطلاح

قرینه (نشانه که دلیلی باشد برای پی بردن به چیزی) یک کلمه عربی بوده دارای معنایی مختلف میباشد قرینه به معنی نفس انسان استعمال شده است زیرا نفس همیشه نزدیکتر از همه چیزی به انسان است.

قرینه به معنی خانم نیز آمده است چون خانم همیشه مقارن با شوهرش است.¹

قرینه در اصطلاح عبارت از یک امر ظاهری که بوسیله نص، یا اجتهاد، یا فهم بر یک امر خفی مقارن و مصاحب با آن دلالت میکند و بدین وسیله امر مجهول که مورد ادعاء است ثابت می شود از تعریف اصطلاحی و معنی لغوی قراینه چنین نتیجه میشود که قرائین جمع قرینه بوده و عبارت از همان نشانه ها یا علائم است که نزدیک جرم بوده و با داشتن و پی گیری کردن قرائین میتوان به جرم دست رسی پیدا کرد قرائین بهترین عواملی برای اثبات دعوی مجهول است در بعضی جرایم حتی یک قرینه میتواند که انسان را به عمق جرم بکشاند و حق ثابت شود.

یکی از طرق اثبات جرایم عبارت از دست یابی به قرائین و درک و تحلیل قرائین میباشد.

ارکان قراینه: قرینه دارای سه رکن اساسی میباشد که

- 1- امر ظاهری: از امر ظاهر دال تعبیر میشود.
- 2- امر خفی: از امر مدلول تعبیر میشود.
- 3- رابطه بین امر ظاهر و امر خفی: رابطه بین امر ظاهر و امر خفی ضروری است زیرا از مرک و شناخت همین امر ظاهر انسان نا معلوم یا مجهول دست میابد درک این رابطه برای هر کس آسان نیست درک آن استعداد علمی و قوت ذهنی بلند به کار دارد قرائین یاد شده قرائین منصوص در قرانکریم و سنت نیست. 2

1 فرهنگ نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص 630، بر گرفته است مقاله «قرینه»؛
2 کتاب التریفات، جرجانی، محمد بن علی، ص 75

و همچنان قرائین استنباط شده فقه ها نیست بلکه قرائین غیرمنصوص علیه و غیر مستنبط است.

قرینه از مقارینه گرفته شده، و به معنای هرچیز است که همراهی کلام بوده و مخاطب را به آن معنای که مراد جدی متکلم است، رهنمای میکند، و به بیان دیگر، هرآن چیز است به مطلوب اصلی متکلم اشاره نموده بیان گرجدی او است، به گونه که اگر آن نباشد، معنای دیگری که مراد متکلم نیست، افاده میگردد.

قرینه یا صاریفه است که کلام را از معنای حقیقی به معنای مجازی آن سوق میدهد و یا معینه است که یکی از معنای مشترک لفظی را تعیین مینماید، چنانکه در اصول فقه، خاص، قرینه برای عام، و مقید، قرینه برای مطلق است (چه قرینه متصل باشد چه منفصل باشد)

مطلب دوم: شروط قرینه

الف: قرینه باید قطعی الدلاله باشد منظور قطعی دلدلاله یعنی مفید و نزدیک یقین باشد یعنی بتواند انسان را زودتر به واقعیت برساند و باعث یقین شخص شود. علم قطعی درد و معنی استعمال شده است.

1- علمی که احتمال نقیض آن موجود نباشد، مانند علمی که از طریق منصوص محکم و تواتر بدست می آید و بنام علم یقینی نیز آمده است.

2- علمی که احتمال نقیض آن موجود باشد مانند علمی که از طریق ظاهر، نص و مشهور بدست می آید که بنام علم اطمینانی هم یاد میکند.

ب: قرینه باید با قرینه یا دلیل دیگر متعارض نباشد بر عکس اگر قرینه با قرینه دیگر متعارض بود وسیله اثبات شده نمیتواند مانند اینکه برادر حضرت یوسف علیه السلام پیراهن خون آلود او را نزد یعقوب آورد تا پدر او فکر کند که یوسف را گرگ خورده اما قرینه دیگر که سالم بودن پیراهن بود حضرت یعقوب را بدین باور ساخت سخن ایشان دروغ است. 1.

حجت بودن قرینه:

فقه های کرام در مورد این که قرینه دلیل اثبات شده میتواند اختلاف دارند.

الف: نظر جمهور فقه ها برین است که قرینه یکی از وسایل اثبات حق شده میتواند چنانچه خداوند جل جلاله میفرماید: ﴿وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرًا جَمِيلًا ۗ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾ ترجمه: و پیراهنش را اغشته به خونی دروغین آوردند (یعقوب) گفت (نه) بلکه نفس شما کاری بد را برای شما آراسته است اینک صبری نیکو (برای من بهتر است) و به آنچه توسیف میکند خدا یاری دهنده است. در این جا سالم بودن پیراهن قرینه است و حضرت یعقوب علیه السلام بنا بر همین قرینه دانست که سخن ایشان دروغ است بناً قرینه یکی از وسایل اثبات شده میتواند همچنان (آیه 25 تا 28) سوره یوسف بیان گر اینست که قرینه به پاک دامنی و صداقت یوسف است و فیصله مطابق به همان قرینه (پیراهن از پشت دریده) صورت گرفت که خود بیان گر راستگوی حضرت یوسف بود و قرینه برای اثبات حق است. ب: برخی از فقها بر خلاف جمهور فقه ها قرینه را وسیله اثبات حق نمیدانند چونکه پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: ترجمه: اگر کسی را بدون شاهد رجم میکردم فلان زن را رجم میکردم زیرا در سخنان هیات و قیافه وی و همچنان در مورد شخصیکه نزد وی آمد و رفت می کرد شک و تردید نمایان شد) اگر قرینه وی وسیله اثبات جرم میشد پس پیامبر صلی الله علیه وسلم حد زنا را بر آن زن تطبیق میکرد اما پیامبر صلی الله علیه وسلم با وجود قرینه به وی جزای زنا را نداد این بدین معنی است که قرینه وسیله اثبات جرم شده نمیتواند.

مطلب سوم: اقسام قرینه:

فقه های معاصر را تقسیم بندی نموده اند.

الف: تقسیم از دیدگاه دوکتور عبدالعال عطوه به دو نوع است:

- 1- قرینه که دلالت آن بر مدلولش طوری است که به درجه یقین میرسد.
- 2- قرینه که دلالت آن بر مدلولش ضعیف است و دارای احتمال بعید میباشد این نوع قرینه در حکم مد نظر گرفته نمیشود مثلاً گریه شکایت کننده دلیل به مظلومیت او نیست. 1

ب: تقسیم قرینه از دیدگاه انور دبور قرینه را به سه بخش تقسیم کرده است:

- 1- قرینه ای که دلالت آن به مدلولش قوی باشد.
- 2- قرینه ای که دلالت آن بر مدلولش ضعیف باشد اینوع قرینه بعید نبوده ولی احتمال غیر آن وجود دارد.
- 3- قرینه ای که دلالت آن به مدلولش قابل اعتبار نمی باشد به طور مثال اگر دو قرینه در دلالت خویش بر مدلولش متعارض واقع شوند و یکی از آنها نسبت به دیگر آنها قویتر باشد در اینصورت قرینه مرجوم غیر قابل اعتماد خواهد بود.

ج: تقسیم قرینه از دیدگاه عبدالسمیع امام: این دانشمند قرینه را به چهار نوع تقسیم کرده است.

- 1- قرینه ای که دلالت آن بر مدلولش علم یقینی را افاده میکند مانند اینکه یک شخص بر اثر شهادت کسی مرده ثابت شود ولی بعداً زنده یافت شود.
 - 2- قرینه ای که دلالت آن مدلولش ظن غالب نزدیک به یقین را افاده می نماید مانند اینکه زن بیوه یا دختر حامله شود.
 - 3- قرینه ای که صرف ظن عادی را افاده میکند و راجع به تاثیر و یا نفی آن دلیلی موجود نمیباشد.
- مانند اینکه موتر سواری در پهلوی شخص مقتول و یا مجروح استاد شود ایستادن شدن وی دلیلی برای قاتل بودن یا نبودن وی نیست. 1.
- 4- قرینه ای که گمان بسیار ضعیف را افاده کند مانند گریه کردن شکایت کننده.

مطلب چهارم : ادله فقهی جواز به کارگیری راهای علمی

مشروعیت به کارگیری قراین در اثبات جرم از منظر فقه جزایی:

ادله اثبات در امور قضای نقش اساسی دارد، چه آنکه به وسیله آن حقوقی که در مرحله ثبوت وجود دارد، در مرحله اثبات به منصفه ظهور می‌رسد. ادله در گذر زمان همچون سایر بخش‌های دادرسی و مثل خود جرم و مجازات، دچار تحول و تغییراتی شده است. در دوره معاصر از این ادله تحت عنوان «ادله علمی» یاد می‌شود. این نوشتار سعی دارد اعتبار ادله علمی را از منظر فقه جزایی اسلام بررسی و تحلیل کند.

واژگان کلیدی: حقوق جزا، فقه جزایی، ادله اثبات جرم، قراین اثبات جرم، ادله علمی.

1- جایگاه ادله در فقه اسلامی

اگر ادله اثبات جرم از نظر فقهی «موضوعیت» داشته باشد همچنان که «نظام ادله قانونی» 1 بیان می‌کند دیگر بحث کردن از راه‌های علمی بی‌ثمر خواهد بود و اگر «طریقت» داشته باشد آن چنان که «نظام اقناع و جدانی قاضی» 2 بیان می‌کند ممکن است از نظر موازین شرعی از راه‌های علمی در جرم یابی، رسیدگی و اثبات جرم استفاده کرد.

جایگاه ادله اثبات در فقه شفاف تبیین نشده است و تنها پاره‌ای از حقوق دانان به آن اشاره کرده‌اند. نامه در این دسته از حقوق دانان نیز دچار اختلاف آرا گردیده و در مجمع سه نظر ابراز داشته‌اند

1- حاکمیت سیستم اقناع و جدانی قاضی

2- حاکمیت نظام ادله قانونی

3- روش مختلط یعنی نسبت به حدود نظام ادله قانونی و نسبت به بقیه جرایم سیستم اقناع و جدانی قاضی حاکم است چنان که ملاحظه می‌شود دیدگاه‌های یاد شده به همه جرایم از نظر حق الله یا حق الناس بودن به یک شکل نگریسته‌اند که قابل انتقاد به نظر می‌رسد، چه آنکه اسلام در حقوق الله اصل ستر و جرم‌پوشی و عدم مذاقه و مسامحه و تخفیف را در نظر دارد. 1

1 محمد ابوحسان احکام الجرمه والعقوبه فی الشریعه الزرقاء مکتبه المنار الطبعة الاولى 1368 سس

4. ولی در حقوق الناس كاملا عكس آن برخوردار می‌کند. در نتیجه اختلاف برخوردار بین حق الله و حق الناس باید به ادله اثبات دعوا نیز سایه افکند. به بیان دیگر، جهت جامه عمل پوشاندن به اصل ستر، مسامحه و تخفیف در برخوردار با حقوق الله و مذاقه و تلاش در احقاق حق مردم، بایستی ادله اثبات دعوا نیز با آن همسو و هماهنگ باشد و گرنه به هدف مطلوب شارع نمی‌رسیم. بنابراین به نظر می‌رسد، ادله اثبات جرم در جرایمی که جنبه خصوصی و حق الناس (اعم از حدود و مجازات‌های تعزیری) «موضوعیت» دارد؛ بدین معنا که تعدی از ادله منصوص و استفاده از طرق دیگر جایز نیست. به بیان دیگر، اسلام در حقوق الله جرایمی را مستوجب مجازات می‌داند که از طرق خاص ثابت شده باشد نه از هر راهی، و فراهم شدن صوری ادله مدنظر شارع همچون نظام ادله قانونی، مستلزم محکومیت متهم نیست.

نظری کوتاه به احکام اسلامی و سیره عملی رسول‌گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) و امیر المؤمنین (رضی الله عنه) ما را بدان رهنمون می‌سازد. علمای اسلام نیز ادای شهادت در حقوق الله را مکروه دانسته و شهادت فرع و شاهد واحد و یمین را نمی‌پذیرد و به قضات توصیه می‌کنند که به شکل‌های مختلف جلو اقرار مرتکب را بگیرند. از این رو اسلام در این گونه جرایم به دنبال ستر و عدم افشا است. چنان‌که رسول‌گرامی اسلام بعد از اجرای مراسم رجم ماعز که به اصرار خود به زنا اقرار کرده بود فرمودند: «اگر این عمل را می‌پوشاند و سپس توبه می‌کند برای او بهتر بود». نیز حضرت علی (رضی الله عنه) بعد از رجم کسی که اقرار به زنا کرده بود فرمودند: «ای مردم! هرکس این کار حرام را انجام داده است بین خود و خدا توبه کند. به خدا قسم توبه کردن پنهانی از این‌که انسان خود را رسوا کند و آبرویش را از بین ببرد بهتر است» 1.

توصیه آنان به استتار این گونه جرایم استفاده می‌شود که قاضی نباید جهت اثبات جرایم یاد شده پا را از ادله منصوص شرعی فراتر بگذارد. ولی در حقوق الناس به دلیل اهمیتی که این گونه دعوی نزد شارع دارد و احکام خاصی همچون جواز رسیدگی غیابی، پذیرش شهادت فرع و شهادت تبرعی و شهادت زنان به جز در قتل عمد و یمین و شاهد واحد... حاکم است، ادله اثبات جرم همچون نظام اقناع وجدانی قاضی «طریقت» دارد؛ بدین معنا که قاضی از هر راهی به مجرمیت متهم علم پیدا کرد می‌بایست حکم صادر کند و نمی‌تواند خود را در ادله منصوص، مقید و محصور سازد. از این رو در اسلام قاضی در حقوق الناس از تحصیل دلیل منع نشده است و می‌تواند از قراین موجود در هر قاضی جهت احقاق حق باید از هر تحقیق مشروع و منطقی کوتاهی نکند. 2.

1 ر.ک: همان

2 ابوالقاسم پاینده نهیج الفصاحه بی جا ج 4 ص 40 1344 ق

دعوی استفاده کند و علمی که از این طریق به دست می‌آید حجت است و باید طبق آن حکم دهد و احقاق حق کند چنان که میرزای رشتی می‌فرماید: «...محصور جلوه دادن ادله اثبات دعوا در چهار تا یا هر عدد دیگر واقعا بی‌مورد است، زیرا یقین داریم که موازین شرعی (ادله اثبات دعوا) همگی امارات بر واقع (قرینه و طریق کشف) اند. شاهد این مطلب قضاوت‌های حضرت علی (رضی الله عنه) در رسیدگی به جرایم حاوی حقوق مردم است. در این‌جا به عنوان نمونه به نحوه رسیدگی به پرونده قتل ابو عامر اشاره می‌شود. فرزند ابو عامر از نحوه رسیدگی به قضیه قتل پدر خود که در مسافرت توسط همسفرانش کشته شده بود از شریح قاضی نزد حضرت امیر (رضی الله عنه) شکایت کرد، چون به پرونده براساس قواعد حقوقی و نه کیفری رسیدگی شده بود. حضرت خطاب به شریح قاضی فرمودند: «یا شریح! هکذا حکم فی مثل هذا؟!» (طوسی، ای شریح آیا در مثل چنین دعوایی چنین حکم می‌کنند». سپس خودشان اقدام به رسیدگی کرده و با جدا کردن متهمان از همدیگر توانستند از همه آنها اقرار صریح بگیرند و براساس موازین اسلامش حکم صادر کنند

بنابراین ادله در حقوق الناس طریقت دارد و برای احقاق آن می‌توان از هر تلاش مشروع و منطقی سود جست ولی در حقوق الله ادله اثبات جرم موضوعیت دارد و از ادله غیر منصوص نمی‌توان استفاده کرد، مگر در پرتو علم قاضی و آن هم بر مبنای فقهای که آن را حجت می‌دانند. در این صورت نیز قاضی براساس آیه نفی تجسس (حجرات: 12) نباید تلاش کند تا خود را به علم برساند، چه آن‌که اگر خود متهم درصدد اقرار باشد در حقوق الله به قاضی توصیه شده است تا می‌تواند جلوی اقرار او را بگیرد.¹

ادله فقهی جواز به کارگیری راه‌های علمی

مسائل قضایی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، چون با حیثیت، آبرو، جان و مال مردم سر و کار دارد. در این حوزه هر چیزی نمی‌تواند به عنوان دلیل یا وسیله اثبات امری مورد استفاده قرار بگیرد، بلکه هر سیستم حقوقی اصول، مبانی، قواعد و چهارچوب خاصی دارد که مسائل قضایی را با توجه بدان حل می‌کند. به همین جهت لازم است بعد از احراز عدم مخالفت راه‌های علمی اثبات جرم (ادله علمی) -که به تبع استفاده سیستم‌های حقوقی دنیا از آن‌ها، کم‌وبیش وارد آیین رسیدگی کیفری در کشور ما شده است- با مبانی، اصول، قواعد و اهداف حقوق اسلامی، دعوی به وسیله آنها حل و فصل شود. در این فراز برخی از ادله را که ممکن است مفید در مقام باشد به اختصار ذکر می‌کنیم

1 محمد الحبيب نظريه العامه القضاء والاثبات في الشريعة بغداد دار لشعون التقنيه العامه ص 59 ج 3 (يوسف آيه 18 يوسف آيه 26 و 27)

1- ادله قرآنی

از برخی آیات استفاده می‌شود که اگر قراین بر مطلبی دلالت قطعی بکند پذیرفته می‌شود. 15. قرآن در مورد برادران حضرت یوسف می‌گوید:

«و جاؤوا علی قمیصه بدم کذب قال بل سولت لکم انفسکم امرا»

و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند. وی گفت هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته است». برادران حضرت یوسف وی را جهت تفریح و تفرج به صحرا بردند ولی از سر کینه و حسادت ایشان را به درون چاه انداختند و به منظور رد گم کردن پیراهن ایشان را به خون دروغین (خون بزغاله یا بره یا آهو) آغشته کردند.

تا وانمود کنند که به راستی یوسف را گرگ خورده است. شب هنگام گریه‌کنان به پیش پدر که بی‌صبرانه انتظار فرزندش یوسف را می‌کشید، آمدند و گفتند: «ما یوسف را که کوچک بود و توانایی مسابقه را نداشت نزد اثاث خود گذاشتیم. ما آن چنان سرگرم این کار شدیم که همه چیز حتی برادرمان را فراموش کردیم و در این هنگام گرگ بی‌رحم از راه رسید و او را درید. سپس به عنوان شاهد پیراهن یوسف را که صاف و سالم از تن‌اش درآورده و خون‌آلود کرده بودند به پدرشان نشان دادند. پدر هوشیار همین که چشم‌اش بر آن پیراهن سالم افتاد، همه چیز را فهمید و گفت: شما دروغ می‌گویید بلکه هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته است. در برخی از روایات می‌خوانیم او پیراهن را گرفت و پشت و رو کرد و صدا زد پس چرا جای دندان و چنگال گرگ در آن نیست؟

2- در مورد پاره شدن پیراهن یوسف قرآن کریم می‌فرماید: «... و شهد شاهد من اهلها ان کان قمیصه قدمن قبل فصدقت و هو من الکاذبین و ان قمیصه قدمن دبر فکذبت و هو من الصادقین» و شهادی از خانواده آن زن شهادت داد که: اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن زن راست می‌گوید، و او از دروغ‌گویان است. و اگر پیراهن‌اش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می‌گوید و او از راست‌گویان است. حضرت یوسف وقتی به بهای کم فروخته شد، به کاخ عزیز مصر آمد و همسر عزیز مصر دلباخته جمال نورانی و زیبایی آن حضرت شد و جهت رسیدن به کامجویی وی را به اندرون اتاقی برد و همه درها را بست. وقتی آن حضرت به خواسته همسر عزیز مصر پشت پا زد دیگر ماندن در آن جا را مصلحت ندید و به سوی در خروجی فرار کرد. همسر عزیز مصر نیز وی را دنبال کرده و خواست وی را بگیرد که پیراهن آن حضرت از پشت پاره شد. 1.

1 محمد الحبيب نظريه العامه القضاء والايات في الشريعة بغداد دار لشعون التفقيه العامه ص 60 ج 3 (يوسف آيه 18. يوسف آيه 26 و 27)

همان دم عزیز مصر را در جلوی در دیدند که با گرفتن قیافه حق به جانبی گفت: کیفر کسی که نسبت به اهل تو اراده خیانت کند جز زندان و یا عذاب دردناک چه خواهد بود؟! در این حال حضرت یوسف سکوت را به هیچ وجه جایز ندانست و با صراحت پرده از روی راز عشق همسر عزیز مصر برداشت و گفت: او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد. در این هنگام شاهدهی از بستگان همسر عزیز مصر - که بعضی‌ها او را مشاور عزیز مصر می‌دانند که در آن ساعت همراه او بود و بعضی دیگر وی را بچه شیرخواری می‌دانند که لب به سخن گشود - شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد آن زن راست می‌گوید و یوسف دروغ‌گو است و اگر پیراهن‌اش از پشت سر پاره شده باشد، آن زن دروغ می‌گوید و یوسف راست‌گو است. عزیز مصر این داوری را که بسیار حساب شده بود پسندید و در پیراهن یوسف خیره شد، هنگامی که دید پیراهن‌اش از پشت سر پاره شده، پی به حقیقت برد و خطاب به همسرش گفت: این کار از مکر و فریب شما زنان است که مکر شما زنان، عظیم است. و به یوسف نیز گفت: تو از این ماجرا صرف نظر کن و دیگر چیزی مگو. 1

3- برخی از آیات همچون: «... و ان حکمت فا حکم بینهم بالقسط ان الله يحب المقسطین» ... و اگر در میان آن‌ها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست می‌دارد؛ «... و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل».. و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنی، به عدالت داوری کنی» و «یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله» ای داود! ما تو را خلیفه (و نماینده خدا) در زمین قرار دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد» به قضات دستور می‌دهد که مطابق قسط، عدل و حق حکم کنند. از این آیات استفاده می‌شود که در اسلام هدف از قضا احقاق حق و اجرای عدل است و قضات مأمورند به این هدف متعالی دست یابند و آن نیازمند وسایل و ابزاری است که می‌بایست در اختیار قضات قرار گیرد. راه‌های علمی اثبات جرم می‌تواند از جمله این ابزارها تلقی شده و قضات را در رسیدن به هدف یاد شده یاری کند. به بیان دیگر، هدف از رسیدگی‌های قضایی احقاق حق و اجرای عدالت است و ادله اثبات جرم مطلوبیت نفسی ندارند بلکه همگی طریق و راه رسیدن به هدف یاد شده هستند از این رو قضات می‌توانند از همه ظرفیت‌های مشروع از جمله از راه‌های علمی اثبات جرم برای رسیدن به هدف مذکور استفاده کنند. 2

1 همان: 383-386 سوره مائده آیه: 42) (سوره نساء آیه: 58) (سوره ص آیه: 26) سوره یوسف آیه: 18 سوره یوسف آیه: 26-27 محمد الحبيب نظرية العامه للقضاء والاثبات في الشريعة الاسلاميه بغداد دارالشعون الثقافيه العامه ص 70 ج 3

مطلب پنجم: ارزیابی

دلالت آیات یاد شده را به ترتیب ارزیابی می‌کنیم:

1- به نظر می‌رسد استنباط حضرت یعقوب از سالم بودن عقلی پیراهن یوسف برای کذب ادعای فرزندان می‌تواند دلیل بر حجیت قراین و اماراتی باشد که به صورت قطعی به مدلول خود دلالت می‌کنند. چنان که بسیاری از حقوق‌دانان عرب با همین آیه به حجیت قراین و امارات استدلال کرده‌اند. این خصوص یکی از آنها می‌گوید: «برادران یوسف با خونی که پیراهن یوسف را آلوده کرده بودند استدلال کردند و خواستند پدرشان را قانع کنند که یوسف را گرگ خورده است. اما حضرت یعقوب این استدلال را با یک استدلال قوی‌تر باطل کردند و آن این‌که اگر به راستی گرگ صاحب پیراهن را می‌خورد می‌بایست پیراهن دریده و تکه و پاره می‌شد و حال آن‌که چنین نیست. پس پیغمبر خدا بین دو قرینه رجحان قائل شد و آنچه قوی‌تر بود اخذ کرد و آن سالم بودن پیراهن یوسف بود». شاید گفته شود که این جریان مربوط به یک مسئله غیر قضایی است و به وسیله آن به مسائل قضایی استدلال کردن صحیح نیست. در جواب باید گفت: اولاً، به نظر می‌رسد جریان یاد شده یک مسئله قضایی بود، زیرا فرزندان حضرت یعقوب در ظاهر برادر خود را سر به نیست کرده بودند و در برابر پدرشان که منتظر یوسف بود ادعا کردند که وی را گرگ خورده است و آن حضرت این ادعا را با توسل به سالم بودن پیراهن رد و اتهام را متوجه خود فرزندان کرد. شکل کار به صورت مسئله قضایی است و آن هم بدین جهت است که در آن زمان محاکم به شکل امروزی تشکیل نمی‌شود، ثانیاً مفسران و فقهای اسلامی در مقام تبیین و تفسیر آیات و روایات و استدلال بدان‌ها، شأن نزول آیات و شأن صدور روایات را مخصّص نمی‌دانند و از آن القای خصوصیت کرده می‌گویند: «مورد مخصّص نیست». لذا بر فرض عدم قبول جواب نخست می‌گوییم وقتی یک قرینه دلالت قطعی بر مطلبی داشت جریان یاد شده آن را معتبر می‌داند و این حکم مختصّ مورد-یا به تعبیری مورد مخصّص-نیست. ثالثاً، اگر جریان مزبور نشان می‌دهد که قرینه قطعی الدلاله و دلالت عقلی حجت است، این حجت در باب قضا بایستی به طریق اولی جریان داشته باشد، به بیان دیگر، اگر از این جریان استفاده شود که در غیر این مسائل قضایی قرینه حجت است در قضا و به خصوص در حقوق الناس-که مورد اهتمام شارع است-بایستی به طریق اولی حجت باشد تا از این رهگذر بتوان از حقوق شهروندان پاسداری و حراست کرد. در پایان باید گفت جریان یاد شده اعتبار قرینه‌ای را که به وضوح بر مدلول خود دلالت دارد در همه مسائل اعم از قضایی و غیر قضایی مورد تأیید قرار می‌دهد و استفاده از آن را مجاز می‌شمارد از این‌رو علمای اسلامی در مهم‌ترین مسائل همچون اثبات وجود مقدس خداوند متعال به دلالت‌ها و استدلال‌های عقلی بیش از دلایل نقلی تکیه می‌کنند.

که پی‌پریدن از «اثر به وجود مؤثر» یکی از آنها می‌باشد و خود این استدلال همانند سالم بودن پیراهن در قضیه حضرت یوسف است.

نظریه خود بنده (کامله موحد یوسفی)

2-طبق آيات ياد شده در گذشته محكمه‌اي به شكل امروزي دابر نبود ولي كار كرد آن نتيجه كار كرد محكمه بود، چرا كه همسر عزيز مصر اصل مجرميت حضرت يوسف را مسلم گرفته و از عزيز مصر خواست كه يكي از مجازات‌هاي پيشنهادي وي را در مورد حضرت يوسف اعمال و اجرا كند. ولي حضرت يوسف از خود دفاع كردند و شاعدي از بستگان آن زن به پاره شدن پيراهن حضرت يوسف از ناحيه پشت استناد کرده و به نفع آن شهادت داد. لذا از ايشان رفع اتهام و مجرم واقعي شناسايي شد. هرچند صرف عملكرد عزيز مصر و گفتار شاهد مزبور براي ما حجت ندارد ولي استدلالی كه شاهد ارائه می‌كند و عزيز مصر هم با ملاحظه محل پارگی پيراهن از وي می‌پذيرد براي ما مهم است، چرا كه به جای آن دو نفر هر كس ديگري بود آن استدلال را می‌پذيرفت؛ زيرا دلالت آن عقلي است و با ديدن آن هر كسي به حقيقت پی می‌برد اگر هم در ماهيت شاهد، نقلي كه وي را بچه شيرخوار در گهواره معرفي می‌كند درست باشد، مسئله داراي جنبه اعجاز می‌گردد كه در اين صورت به قوت آن استدلال افزوده می‌شود.

برخی از حقوق‌دانان عرب نیز در حجت قراین در باب قضا به آيات مورد بحث استناد کرده‌اند در تفسير نمونه هم در ذیل آيات ياد شده آمده است: «چه دليلی از اين زنده‌تر، چرا كه اگر تقاضا از طرف همسر عزيز بوده، او به پشت سر يوسف دویده است و يوسف در حال فرار بوده كه پيراهنش را چسبیده، مسلماً از پشت سر پاره می‌شد، و اگر يوسف به همسر عزيز هجوم برده و او فرار کرده يا رودر رو به دفاع از خویش برخاسته، مسلماً پيراهن يوسف از جلو پاره خواهد شد، و چه جالب است كه اين مسئله ساده پاره شدن پيراهنی، مسير زندگي بی‌گناهی را تغيير دهد و همین امر كوچك سندی بر پاکی او، و دليلی بر رسوایی مجرمی گردد. عزيز مصر اين داوری را كه بسيار حساب شده بود پسندید و جالب است پاره نبودن پيراهن در يك جا باعث بطلان ادعای فرزندان يعقوب و در جای ديگر پاره بودن آن موجب بطلان ادعای همسر عزيز می‌شود.

3-آيات ياد شده در اين فقره چنان كه گذشت حكم دادن مطابق قسط، عدل و حق را به مسلمانان و قضات دستور می‌دهد و با توجه به اين كه امروزه پرونده‌ها نسبت به گذشته داراي پيچيدگی خاصی است و دانش حقوقی قضات جوابگوی زواياي غير حقوقی آنها نيست، قضات جهت اشراف به ابعاد پرونده‌ها ناگزيرند از آرای كارشناسان و دستاوردهای علوم گوناگون از جمله از راه‌های علمی اثبات جرم استفاده كنند تا بتوانند در چهارچوب قسط و عدل و حق حكم صادر كنند.

همچنان ؛ از این جهت است که استدلال به اعتبار راه‌های علمی اثبات جرم-که علی الاصول استفاده از آنها احکام قضاوت را مقرون به قسط و عدل و حق می‌کند-به وسیله آیات مورد اشاره، صحیح به نظر می‌رسد، زیرا فرض بر این است که استفاده از تکنولوژی روز و راه‌های علمی اثبات جرم زمینه تحقق عدالت را بیش از فرض عدم بهره‌گیری از آنها فراهم می‌سازد.

در حوزه مسائل مستحدثه همین مقدار که عدم مخالفت دین با آن از طرق گوناگون حتی از طریق سکوت احراز شود، کافی و کارساز است. به بیان دیگر، در مسائل مستحدثه علمی لازم نیست موافقت شارع مقدس احراز شود (هرچند در پاره‌ای از مسائل با توجه به اصول و قواعد کلی فقهی احراز موافقت شارع ممکن است) بلکه در اغلب موارد صرف احراز عدم مخالفت از طرق مختلف حتی از طریق سکوت ادله کفایت می‌کند. و در مسئله استفاده از طرق علمی در اثبات جرایم و احقاق حقوق شهروندان و برقراری نظم و امنیت در جامعه که زمینه‌ساز رشد و ترقی و تعالی جامعه است، باید گفت از قرآن کریم و از آیات مورد بحث استفاده می‌شود که بهره‌گیری از آنها جایز است و این مطلب نه از سکوت آیات بلکه از دلالت آیات استفاده می‌شود و اگر کسی در آن تردید و مناقشه کند و آن را نپذیرد باید گفت که دست کم از مجموعه آیات فوق چنین استفاده می‌شود که استفاده از قراین قطعی و راه‌های علمی اثبات جرم از نظر قرآن کریم امری مطرود و مذموم نیست، چرا که خود قرآن در آیات یاد شده مواردی از استفاده از قراین را چه در مسائل قضایی و غیر قضایی امری ناپسند بود قرآن می‌بایستی آن را رد می‌کرد و نه تنها این کار را نکرده بلکه جریان قرار دادن پیمانانه در بار بنیامین و بدین‌گونه نگهداری وی در پیش یوسف را از چاره‌اندیشی‌های خداوند متعال بیان می‌کند.¹

ب - سنت

تنها دو مورد از سنت را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

1- از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) در مورد مال پیداشده‌ای از جنس طلا یا نقره بود سؤال کردند. حضرت فرمودند:

(اعرف و کاءها و عفاصها، ثم عرفها سنة، فان لم تعرف فاستنفقها، ولتکن و دیعة عندک، فان جاء صاحبهاها، و کاءها فاعطها آياه) به نقل از: صحیح مسلم، رقم 722، 1؛ ظرف و نحوه بسته شدن (بند) آن را ببین و سپس به مدت یک سال آن را معرفی کن و اگر کسی به عنوان مالک آن شناخته نشد آن را در راه خدا انفاق کن، یا در پیش تو ودیعه باشد و اگر صاحبش پیدا شد و نحوه تعداد آن را گفت، آن را به او بده» طبق این حدیث رسول‌گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم ذکر اوصاف لقطه توسط مدعی مالکیت را قرینه بر مالکیت و در حقیقت توصیف کننده را مالک فرض کرده‌اند در حالی که اغلب موارد توصیف کننده مالک نیست. 2

1 نظریه خود بنده 2 صحیح مسلم رقم 722

2 محمد زحیلی. وسائل الاثبات. ج 2 ص 33 الرياض الموبد الطبعه الثانيه 1414ق

سعید بن عمر نقل می‌کند که محضر امام صادق(ع) رسیدیم و از احوال خود شکوه کردم و موقع خارج شدن در جلو در کیسه‌ای را که حاوی هفت صد دینار بود پیدا کردم و بلافاصله محضر ایشان برگشتم و خبر دادم و به محضر امام برگشتم و قضیه را کاملاً شرح دادم در این حدیث آن حضرت در قالب تقریر، عملکرد این مسلمان را تأیید می‌کند. زیرا به وی نمی‌فرماید که چرا بدون مطالبه بینه آن مبلغ گزاف را به کسی که نشانه‌های مال را می‌دانست دادید؟! علمای ما نیز مطابق این روایات فتوا داده(همان) و چنین کسی را که مالک مال گمشده فرض نموده‌اند، زیرا بعید نیست از اوصاف را قرینه بر مالکیت دانسته و آن را جایگزین بینه قرار داده‌اند و اگر چنین نباشد به دلیل تعدد اقامه بینه، لازم می‌آید مالک مال گمشده در اکثر موارد از رسیدن بدان محروم باشد. عبد الرحمان بن عوف می‌گوید در جنگ بدر دو جوان انصاری به نام‌های معاذ بن عفرآ و معاذ بن عمر و بن الجموح از من خواستند که در بین کفار ابو جهل را شناسایی کرده و به آنها نشان بدهم تا آنها وی را بکشند. بعد از شناسایی و معرفی، آن دو جوان به ابو جهل حمله کرده و سرانجام وی را کشتند و سپس خدمت پیامبر اسلام رسیدند و به ایشان کشتن ابو جهل را خبر دادند. آن حضرت سؤال کردند: (ایکما قتله؟ فقال کل واحد منهما: انا قتله. فقال صلی الله علیه وسلم هل مسحمتا سیفیکما قال: لا، فنظر فی السیفین، فقال: کلاکما قتله و سلبه لمعاذ بن عمرو بن الجموح) کدام یک از شما وی را می‌کشید؟ هر کدامشان گفتند من کشتم. حضرت سؤال کردند شمشیرتان را پاک کرده‌اید؟ گفتند نه. پس آن حضرت شمشیرها را به دقت نگاه کردند و فرمودند: هر دوی شما در قتل وی همکاری داشتید ولی افتخار سلب حیات وی نصیب معاذ بن عمرو بن جموح است. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم از خونین بودن شمشیر آن دو جوان فهمیدند که هر دو در این کارزار شرکت داشتند و لذا فرمودند هر دو وی را کشتید و چون شمشیر معاذ بن عمر و از جهت طول بیشتر خونین بود دریافتند که شمشیر وی بیشتر از دیگری وارد بدن ابو جهل شده و در نتیجه باعث جان باختن وی گردیده است. از این رو حضرت فرمودند افتخار سلب روح ابو جهل نصیب معاذ بن عمرو است (همان). چون هر کدام از آن دو جوان انصاری می‌خواستند مدال افتخار کشتن ابو جهل نصیب وی شود، مدعی قتل وی بود ولی هیچ کدام بینه بر این کار نداشت. آن حضرت از یک شاهد عینی و اماره قطعی (وجود خون در شمشیرشان) استفاده کردند و با دقت در محل خونین شمشیرها نتیجه منطبق بر واقع اخذ کردند. از آنجا که این عملکرد رسول بزرگوار اسلام نه منبعث از وحی بلکه یک اقدام عقلایی و کارشناسی بود، ما نیز می‌توانیم در خور توان خود از این قبیل اطلاعات استفاده کنیم. 1

1 محمد زحیلی. وسائل الاثبات. ج2 ص 35 الرياض الموید الطبعة الثانية 1414ق
صحیح المسلم رقم 722

از دو مورد یاد شده و وارد زیادی از قضاوت‌های حضرت علی رضی الله عنه (که به دلیل اختصار از ذکر آنها صرف‌نظر کردیم) استفاده می‌شود که در قضیه ای جرم یابی و رسیدگی و اثبات جرم می‌توان پا را از ادله سنتی و منصوص اثبات جرم فراتر گذاشت. و عملکرد معصوم هم نشان می‌دهد که استفاده از طرق و امارات و قراین مختلف در مسائل قضایی منع شرعی ندارد، چرا که فعل معصوم از مصادیق «سنت» است و حداقل دلالت «فعل معصوم» که همه اصولیین آن را می‌پذیرند افاده اباحه است. ممکن است کسی مدعی شود که این گونه رفتارها از جمله احکام اختصاصی شخص معصوم و یا از شئون منصب ولایت عامه است، و اگر چنین باشد دیگر در حق سایر مسلمانان افاده اباحه نمی‌کند. ولی باید گفت که هیچ‌کس استفاده از قراین و امارات را جزء احکام اختصاصی شخص معصوم نباشد عموم، «ادله اشتراک در تکلیف» اقتضا می‌کند که ایشان در آن عمل با سایر مسلمانان از نظر حکم یکسان است. از این رو انجام آن توسط معصوم (ع) در حق ما مفید اباحه است.

ج- دلیل عقلی

یکی از ادله چهار گانه در فقه اسلامی دلیل عقلی است و به وسیله آن مستحدثات فقهی زیادی قابل حل است. دکتر محمد زحیلی از حقوق‌دانان سوریه در مورد اعتبار قراین در باب قضا از منظر عقل چنین استدلال می‌کند: «تعداد زیادی از وقایع به شهادت و اقرار و کتابت قابل اثبات نیست و ما اگر به قاضی استفاده از قراینی را که بیان‌گر حق و دال بر آن است اجازه ندهیم، حقوق مردم از بین می‌رود در حالی که شارع به شدت خواهان آن است که حقوق مردم حفظ شده و به صاحبان‌اش برسد، و قضاوت بر اساس قراین با هدف شارع که همان اقامه عدل در میان مردم و رساندن حقوق به چند شارع مقدس علاقمند به رساندن حقوق به صاحبان‌اش است و از این رو در پاره‌ای موارد پرداخت دیه از بیت‌المال را در نظر گرفته است (تا حقوق مردم از بین نرود)، به تیره افراد بی‌گناه حریص‌تر است و مجازات هیچ بی‌گناهی را بر نمی‌تابد لذا اصل برائت و قاعده درء را توصیه می‌کند که بایستی همواره در رسیدگی‌ها مورد توجه قضات قرار بگیرد.

راه‌های علمی اثبات جرم که در اثر پیشرفت علوم در اختیار قانون قرار گرفته یک نوع کارشناسی است که به ابعاد و جنبه‌های غیر حقوقی پرونده‌ها می‌پردازد و قاضی رسیدگی کننده به دلیل فقدان معلومات تخصصی در ابعاد یاد شده ناگزیر از استفاده از آنها است. از این رو لازم است با قاعده عقلی معروف «رجوع جاهل به عالم» به اعتبار آنها از نظر فقه اسلامی استدلال شود.²

1 شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی، الروضه البهیة، ج 7، ص 52 بیروت، دار العلم الاسلامی، بی‌جا بی‌تا.
2 ر.ک: همان: 116

بنابراین عقل حکم می‌کند که اگر کسی چیزی را نمی‌داند و نسبت بدان جاهل است باید به کسی که عالم است و رجوع کند. سیره عملی همه عقلا در همه زمان‌ها و مکان‌ها هم مبتنی بدان بوده است و در اموری که خود تخصص ندارد به متخصص آن رجوع می‌کنند. در نتیجه آرای کارشناسان در حوزه تخصصی خودشان در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها از نظر عقلی و در نهایت از نظر فقه اسلامی حجت است، و اگر حجت و معتبر نباشد لغویت قاعده یاد شده که از قواعد مسلم عقلی است، لازم می‌آید و یکی از عرصه‌هایی که نیازمند نظر کارشناسی است رسیدگی‌های کیفری است و قضات در رجوع به کارشناسی در موردی که پرونده ایجاب می‌کند، قطعاً مشمول قاعده فوق هستند؛ خصوصاً با توجه به این‌که احکام عقل کلی بوده و استثنا بردار نیستند. قلمرو اعتبار راه‌های علمی از نظر فقه اسلامی با توجه به دلایل ذکر شده (برای اطلاع بیشتر و با لحاظ جنبه‌های عقلانی و ضرورت مبارزه با جرم و جنایت و مجهز شدن دستگاه قضایی به تکنولوژی روز به منظور قلع و قمع مجرمان و جلوگیری از جرایم سازمان یافته و حفظ حقوق آحاد شهروندان، استفاده از راه‌های علمی اثبات جرم یک ضرورت و از نظر فقه اسلامی دارای اعتبار است.

ولی این اعتبار قلمرو خاصی دارد که لازم است تبیین شود.¹

با توجه به این‌که ادله اثبات در حقوق الله موضوعیت دارد 8 در اثبات آن نمی‌توان از راه‌های علمی اثبات جرم استفاده کرد ولی چون به استناد قاعده درء، حدود و حقوق الله با عروض شبهه رفع می‌شود، می‌توان حقوق الله را با استفاده از راه‌های علمی و ایجاد شبهه رفع کرد. چنان‌که نقل شده است حضرت علی(ع) در جریان اتهام زنا به دختر باکره که شهود کافی با شرایط لازم بدان شهادت داده بودند، امر را جهت تحقیق بیشتر به زنان قابل‌محول فرمودند. زنان یاد شده بعد از معاینات لازم ابراز داشتند دختر باکره و میرا از این اتهام است و آن حضرت فرمودند:

"من کسی را که از طرف خداوند مهر عفت دارد، حد نمی‌زنم. بدین وسیله وی را تبرئه کردند هر چند ظاهراً دلیل کافی (شهادت شهود) برای اثبات اتهام وجود داشت. در نتیجه می‌توان با به کارگیری راه‌های علمی شبهه لازم را ایجاد و متهمان را تبرئه کرد. همچنین می‌توان از راه‌های علمی در جرایم مستلزم حقوق الناس به ویژه در مواردی که ادله منصوص وجود داشته باشد استفاده کرد همچنان می‌توان در مورد جرایم جدید که صبغه شرعی ندارند همچون اعتیاد، ورود و خروج غیر قانونی از مرز و... از راه‌های علمی اثبات جرم بهره‌برد، چه آن‌که در این موارد از نظر موارد شرعی مأمور به تحصیل ادله منصوص نیستیم.²

1- وهیبه زحیلی، 501/1414:2/1994
2- (ر.ک عاملی، 261/1403:81)

افزودن بر آن، در جرایم علیه تمامیت جسمانی هرگاه نص خاص وجود نداشته باشد می‌توان با استفاده از راه‌های علمی زمینه تحقق لوث و اجرای قسامه را فراهم کرد. چه آن‌که به کارگیری آنها می‌تواند ظن لازم را ایجاد کند. به کارگیری راه‌های یاد شده هم چنین می‌تواند مقدمات حصول علم را فراهم کرده و قضاات را به علم و اقتناع وجدانی برساند که در این صورت قاضی براساس مبنای مشهور فقهای شیعه می‌تواند در صدور حکم-چه در حقوق الناس و چه در حقوق الله-به علم به دست آمده استناد کند، ولی از نظر مبانی فقهی همچون اصل ستر و جرم‌پوشی و نفی تجسس در جرایم مستوجب حقوق الله محض و به‌ویژه در جرایم عفا فی ملزم نیست از تمام ظرفیت‌های موجود و از جمله از راه‌های علمی اثبات جرم استفاده کرده و خود را به علم برساند، چه آن‌که در این گونه جرایم جهت‌گیری کلی اسلام-به ویژه قبل از اثبات جرم-ستر جرم و تبرئه متهم است تا از این ره‌گذر آبروی مسلمانان حفظ شود.¹

عدم تقابل اعتبار راه‌های علمی با اصول جزایی

در حوزه علوم جزایی از نظر فقه اسلامی اصول و قواعدی حاکم است که در نظر بدوی به نظر می‌رسد با جواز به کارگیری و اعتبار راه‌های علمی اثبات جرم تضاد و تنافی دارد. اصولی همچون برائت، جرم‌پوشی، رفع حدود به شبهات، مسامحه و تخفیف در رسیدگی به حقوق الله اقتضا دارد در حد امکان از محاکمه و محکومیت و تحمیل مجازات بر مسلمانان پرهیز شود حال آن‌که به کارگیری راه‌های علمی باعث کشف حداکثری جرم گردیده و عرصه را در تبرئه متهمان جرم‌پوشی تنگتر می‌کند و این با مذاق شارع مقدس سازگار نیست. همچنین اسلام مجازات محور نیست و آن را از باب ضرورت اجرا می‌کند ولی به کارگیری راه‌های علمی منجر به اجرای مجازات نیست به مجرمین بیشتر می‌گردد، و این نیز با اهداف انسانی اسلام که خواهان حفظ آبرو و پوشش لغزش‌های مسلمانان است، سازگاری ندارد.

در پاسخ باید گفت: اصل برائت در جایی جریان دارد که دلیل معتبر و محکمه‌پسندی برای اثبات مجرمیت متهم در دست نباشد و هرگاه براساس موازین اسلامی توانستیم اعتبار و جواز به کارگیری راه‌های علمی را اثبات کنیم. از نظر مبنایی هیچ ایرادی متصور نیست که راه‌های یاد شده مقدم بر اصل برائت گردد.²

1 و هیبه زحیلی، 501/1414:2/1994
2 التنظيم القضای فی الفقه الاسلامی، دمشق دارالفکر الطبعة الثانی ج 2 ص 61 1427 ق

راه‌های علمی در این صورت دلایل معتبری‌اند که باوجود آنها نوبت به اجرای اصل یاد شده نمی‌رسد تا بین آن دو تضاد و تنافی وجود داشته باشد. در فرض یاد شده به اصطلاح اصولیین، راه‌های علمی بر اصل برائت «حکومت» دارد.

علاوه بر این، راه‌های علمی همواره به منظور اثبات جرم به کار برده نمی‌شود بلکه از آنها برای اثبات بی‌گناهی متهم نیز استفاده می‌شود. در نتیجه در این صورت راه‌های یاد شده در تحصیل برائت به کارگیری می‌شود، که بین آن دو تضاد و تنافی‌ای نیست.

یکی از پشتوانه‌های فکری و مبانی اصل برائت، کاهش دادن اشتباهات قضایی در رسیدگی‌های کیفری است و راه‌های یاد شده در برآوردن این هدف نیز به کار گرفته می‌شود، که بین معنا که به کارگیری آنها منجر به کاستن اشتباهات قضایی می‌شود که مورد تأکید جدی اسلام نیز است. از این رو هر دو از این جهت از مبنای واحدی برخوردارند و میان‌شان تضاد و تنافی نیست. میان اصل ستر و جرم‌پوشی و جواز به کارگیری راه‌های علمی تضادی وجود ندارد، چه آن‌که اصل ستر در جرایم عفانی و در جرایمی که مستوجب حق الله است جاری می‌شود و در این دسته از جرایم به دلیل موضوعیت داشتن ادله اثبات نمی‌توان از قراین و راه‌های علمی اثبات جرم استفاده کرد و راه‌های علمی در حقوق الناس به کار برده می‌شود که مجرای اصل یاد شده نیست. در مورد مجازات محور نبودن اسلام و تضاد آن با اعتبار راه‌های علمی اثبات جرم باید گفت راه‌های یاد شده چنان‌که گذشت در احقاق حقوق الناس که مورد اهتمام شارع مقدس است به کار گرفته می‌شود نه در موارد حق الله که صرف مجازات را در پی دارد، چرا که در این قبیل جرایم اصل بر جرم‌پوشی است و از تجسس در آن نهی و منع شده است (حجرات: 12).

در اسلام مجازات نمودن مطلوبیت نفسی ندارد ولی آن را باب ضرورت و به منظور اصلاح مجرم و بازداشتن مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم و تأمین امنیت شهروندان... به مورد اجرا می‌گذارد. در حقیقت مجازات همچون داروی تلخ، وسیله‌ای است که توسط آن اهداف مهم‌تر تأمین می‌گردد، بنابراین هرگاه اهداف یاد شده اقتضا کند از مجازات استفاده می‌شود، هرچند موجبات آن راه‌های علمی اثبات جرم باشد. راه‌های یاد شده نیز چنان‌که گذشت منحصر در اثبات جرم و محکومیت متهم و در نهایت اجرای مجازات به کار گرفته نمی‌شود بلکه از آنها در تبرئه متهمان و به ویژه بی‌گناهان استفاده می‌شود که با هدف اسلام نیز سازگار است.¹

2 - التنظيم القضای فی الفقه الاسلامی، دمشق دارالفکر الطبعة الثانی ج 2 ص 66 1427 ق

مبحث دوم: صحنه جرم و جمع آوری مدارک جرم

مطلب اول : نحوه حفظ و نتایج صحنه جرم

تعریف صحنه جرم: صحنه جرم محلی است که مجرم اقدامات خلاف قانون خود را برای ارتکاب جرم در آنجا انجام داده است. در برخی از جرائم ممکن است علاوه بر صحنه اصلی جرم، صحنه‌های جرم مکمل یا ثانوی نیز وجود داشته باشد، برای نمونه چنانچه در یک جنایت جسد مقتول به محل دیگری منتقل و مخفیانه دفن شده باشد، محل وقوع قتل صحنه اصلی جرم بوده و محل دفن جسد صحنه جرم مکمل یا ثانوی است. با توجه به پیشرفت فناوری‌های جدید و توسعه روز افزون استفاده از شبکه اینترنت و رایانه، بعضی جرائم از قبیل کلاهبرداری، هتک حرمت، سرقت اطلاعات، تخریب اطلاعات ذخیره شده در بانک اطلاعاتی رایانه‌ای و هک کردن در محیط مجازی رخ می‌دهد (سایبر کرایم)، که در این قبیل موارد تعیین صحنه جرم کار مشکلی است و حفظ و بررسی این قبیل صحنه‌های جرم نیز در مقایسه، با صحنه‌های جرم قتل و سرقت و غیره تفاوت داشته و به تخصص و آموزش‌های ویژه نیاز دارد. در هر حال، چون هدف اصلی از بررسی صحنه جرم به دست آوردن دلایل مادی مربوط به جرمی که واقع شده است، می‌باشد، ابتدا تعریف دلایل مادی از دیدگاه کشف جرائم ذکر می‌گردد. دلایل مادی یا فیزیکی یا شواهد عینی. دلایل مادی، فیزیکی یا شواهد عینی دلایلی هستند که در عالم مادی وجود خارجی دارند و قابل لمس و مشاهده‌اند و طبعاً این قبیل دلایل قابلیت ارائه و استناد دارند و رد و انکار آن‌ها نیز ممکن نیست. 1

اهمیت صحنه جرم

حقیقت صحنه جرم سرچشمه حقایق و اطلاعات مربوط به جرم و مجرم است و چنانچه به طور صحیح و اصولی مورد بررسی قرار گیرد، ابتدای جاده‌ای است که به مخفیگاه مجرم منتهی می‌شود. اصولی که بر اساس نظریه مبادله (انتقال)، در سال 1930 از سوی ادموند لو کارد رئیس مؤسسه جرم‌شناسی دانشگاه لیون فرانسه، ارائه شده حاکی از آن است اشخاصی که جنایت مرتکب می‌گردند، تقریباً به طور قهری آثاری از خود در صحنه جنایت یا نزد مجنی علیه یا هر دو به جای می‌گذارند و به طور متقابل آثاری از صحنه جنایت یا مجنی علیه یا هر دو نزد آن‌ها به جا می‌ماند. 2

1 مهدی نجابتی پولیس علمی سال (1383)، ج 2 ص: 117/118
2 تحقیقات پزشکی قانونی، مولف علی سلمانپور، ج 1 ص 80، سال 1392

با توجه به اصول فوق، چنانچه در بررسی صحنه جرمی دلیل و مدرکی به دست نیامده یا امکان ربط دادن جرمی به متهم مورد نظر مقدور نبود، قبل از اینکه این امر به حساب فقدان دلیل گذاشته شود، باید آن را به حساب نقص آموزش یا کمبود امکانات فنی کشف جرائم یا کم تجربگی گذاشت. با توجه به اهمیت و نقش موثر دلایل مادی موجود در صحنه جرم برای اثبات وقوع جرم و شناسایی مجرم و نیز اثبات بی‌گناهی کسانی که به جهت در مظان اتهامی قرار گرفته‌اند و بالأخره به علت غیرممکن بودن رد و انکار این قبیل دلایل، حفظ و بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم موجود در آن پیشگیری از محو و ضایع شدن دلایل مذکور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ایجاب می‌نماید کسانی که به نحوی از انحا با بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم سروکار دارند، در این زمینه آموزش و تجربه لازم را کسب کنند.

نحوه حفظ و نتایج صحنه جرم :

نخستین اقدامی که پس از اطلاع یافتن از وقوع جرمی همانند قتل آتش‌سوزی‌های مشکوک به عمد باید صورت گیرد، حفظ صحنه جرم است که روش‌های کار بر حسب نوع جرم، مکان وقوع آن و امکانات موجود متفاوت بوده و به طور اجمالی به شرح ذیل است :

الف- در صورتی که جرمی در یک محیط محصور همانند مغازه، اتاق، حیاط منزل و امثال آن‌ها رخ داده باشد، می‌توان با بستن در ورودی و گماردن نگهبان، صحنه جرم را به نحو مطلوب حفظ کرد. بدیهی است که در مورد محله‌ای فاقد سقف، حیاط منازل و غیره، نگهبان باید مراقبت نماید کسی از دیوارهای اطراف نیز به طور غیرمجاز وارد صحنه جرم نگردد و به دلایل و مدارک موجود لطمه‌ای وارد نسازد .

ب- چنانچه محل وقوع جرم در محوطه‌های باز همانند معابر، خیابان‌ها و میادین باشد، ابتدا باید با توجه به اوضاع و احوال موجود و نحوه وقوع جرم، حریمی برای صحنه جرم مشخص شود و سپس با ایجاد موانع مصنوعی همانند پایه‌های فلزی نوارهای مخصوص محصور کردن صحنه جرم یا طناب‌کشی (اگر پایه فلزی در دسترس نبود می‌توان از درخت‌های، تیرهای برق و ستون‌های ساختمان که ممکن است در محل باشد، استفاده کرد)، سنگ‌چین و در صورت لزوم با چادر و سایبان و امثال آن محل محصور و نگهبانی نیز در محل گمارده شود تا کسی به طور غیرمجاز وارد حریم صحنه جرم نگردد. 1.

1 همان اثر ج 6، ص: 120-124، مهدی نجابتی پولیس علمی ج 1 ص 11 (تهران: انتشارات سمت، سال (1383))

چنانچه جسدی در محل باشد، باید با مشمع و امثال آن روی جسد را پوشاند تا کمتر جلب توجه عابران را بنماید. در این قبیل مواقع، سرعت عمل باید بیشتر باشد تا هرچه زودتر ضمن رعایت موازین قانونی، صحنه جرم بررسی و دلایل جرم جمع‌آوری گردد و تردد عابران و وسایط نقلیه و غیره به حال عادی در آید.

ج - در صورتی که جرم در محوطه وسیع تری مانند جاده‌های خارج شهر و امثال آن رخ داده باشد، باید پس از مشخص کردن حریم صحنه جرم، اطراف محل‌هایی که مدرک جرم از قبیل خون و اسلحه وجود دارد، سنگ‌چین گردد و یا گماردن نگهبان ثابت یا سیار (موتورسوار گشت) صحنه جرم حفظ شود.

برای حفظ صحنه جرم باید کلیه اشخاص حاضر در صحنه جرم (به جز کسانی که بنا بر وظایف قانونی محوله می‌توانند در صحنه جرم حضور داشته باشند) از صحنه جرم خارج گردند. این قبیل اشخاص به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

1. اطرافیان و منسوبین و نزدیکان مجنی علیه، که باید ضمن رعایت وضعیت روحی خاصی که دارند، آنان را به محل دیگری هدایت کرد تا ضمن کمک به تسکین الا مشان، امکان به هم خوردن صحنه جرم و دست‌کاری دلایل و مدارک جرم از سوی آنان منتفی شود.

2. مجرم یا ایادی او، که پس از ارتکاب جرم فرصت فرار پیدا نکرده یا به دلایل دیگری محل را ترک ننموده و در صحنه جرم حضور دارند که قضات و افراد پلیس مجرب با توجه به تجاربی که دارند، اکثر اوقات به شناسایی این قبیل افراد قادرند.

3. اشخاص فرصت طلب که مترصد فرصتی هستند برای سرقت و سوءاستفاده‌های دیگر از محل وقوع جرم که در صورت مشاهده باید دستگیر شوند و تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

4. اشخاص رهگذر و کنجکاو که صرفاً برای ارضای حس کنجکاوای خویش در صحنه جرم حضور پیدا می‌کنند و ضمن ایجاد مزاحمت برای پلیس، بعضاً ممکن است در اثر تردد در صحنه جرم به دلایل و مدارک جرم لطمه وارد سازند.

5. شهود و مطلعین، این قبیل اشخاص باید سریعاً شناسایی و اطلاعات اولیه ضروری و فوریت دار آنها در مورد چگونگی وقوع جرم اخذ شود. باید توجه داشت که پیش از تحقیقات اولیه نباید این قبیل اشخاص در یک نقطه و در کنار هم نگه داشته شوند.¹

1 همان اثر، رموز بازپرسی، مولف محمد رضایورا احمدی ج 1 ص 33 سال 1398

زیرا به تجربه ثابت شده چنانچه پیش از انجام تحقیقات چند شاهد پهلوی هم قرار گیرند، ناخواسته و ناخودآگاه باهم صحبت و تبادل اطلاعات می‌کنند و در نتیجه ، ممکن است هنگام ادای شهادت مطالبی را در مورد حادثه مورد نظر عنوان نمایند که خود به طور مستقیم آن را ندیده یا نشنیده‌اند، بلکه صرفاً نقل‌قولی از سایر شهود باشد. اخذ نشانی و شماره تلفن شهود و مطلعین ضروری است تا بعد آ در صورت نیاز برای کسب اطلاعات تکمیلی بتوان با آنان تماس گرفت. ضمناً در خلوت کردن صحنه جرم و دور نمودن اشخاص متفرقه باید دقت کرد تا شهود و مطلعین واقعی را از دست ندهیم، زیرا ممکن است بعد آ پیدا کردن و دسترسی به آنان مشکل یا غیرممکن باشد.

نکته اول. چنانچه در صحنه جرم، اشخاصی در اثر اصابت گلوله، چاقو یا آتش سوزی و امثال آنها ظاهر آ کشته شده باشند، اولین کسانی که در صحنه حضور پیدا می‌کنند، ابتدا باید آنها را از نظر وجود علائم حیات و زنده بودن بررسی کنند تا چنانچه زنده باشند، سریعاً کمک‌های اولیه به آنها رسانده شود .

نکته دوم. نویسنده کتاب تحقیقات عملی پیرامون قتل عقیده دارد که یکی از بزرگترین مشکلات حفظ صحنه جرم، دخالت فرماندهان یا نیروهای پلیس امدادی است که برای کمک‌رسانی در محل وقوع جرم حضور پیدا می‌کنند و ناخواسته جلوی دست و پای افسران کشف جرائم را گرفته و بعضاً باعث تخریب و نابودی یا از نظر دو ماندن دلایل و مدارک می‌گردند. بنابراین، باید ترتیبی اتخاذ نمود تا از به هم خوردن صحنه جرم و ضایع شدن دلایل و مدارک به وسیله آنها پیشگیری شود .

نکته سوم. باید توجه داشت که صحنه‌های جرم همیشه فقط از طرف اشخاص غیرمجاز در معرض آسیب نیستند، بلکه عوامل محیطی همانند باد، برف، باران و آفتاب و همچنین حیواناتی چون سگ، گربه، و موش نیز بعضاً باعث ضایع شدن آثار جرم می‌شوند که در هر مورد باید با اتخاذ تدابیر مناسب مانع این کار شد .¹

نکته چهارم. در مواقعی که جرمی با استفاده از رایانه و شبکه اینترنتی در محیط مجازی انجام شده باشد (یا بزرگ‌تریم) در مورد حفظ صحنه‌ای که وسایل ارتکاب جرم از آنجا کشف می‌شود نکات ذیل رعایت گردد.

1 همان اثر، رموز بازپرسی، مولف محمد رضاپورا احمدی، ج 3 ص 52 سال 1398

1. اجازه داده نشود کسانی که در زمینه رایانه و جرائم رایانه‌ای آموزش ندیده‌اند به رایانه موجود در صحنه جرم و وسایل آن دست بزنند.

2. اگر رایانه روشن است برای خاموش کردن آن نباید از کلید برق روی رایانه (کیس) استفاده کرد، بلکه باید با خارج کردن دوشاخه از پریز برق آن را خاموش نمود (اگر منبع تغذیه "ups" وجود دارد برق آن از پشت رایانه بیرون کشیده شود). (ممکن است رایانه به دیش ماهواره مرتبط باشد؛ لذا دیش و محل قرار گرفتن آن نیز باید حفظ و مستندسازی شود).

3. متهمان، مظنونین و اشخاص متفرقه از مجاورت رایانه منبع تغذیه (ups) و کلید و پریز برق آن دور نگه داشته شوند.

ممکن است اشخاصی قصد داشته باشند با استفاده از وسایل و روش‌های فنی خاص، قصد تخریب اطلاعات موجود در رایانه را داشته باشند که باید مانع کار آنان شد و از این قبیل وسایل را کشف و ضبط کرد.

مطلب دوم: روش عکاسی از صحنه جرم

در بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم به طور موکد توصیه می‌شود که پیش از یادداشت برداری، تهیه عکس و کروکی از صحنه جرم، از دست زدن به اشیاء و دلایل موجود در صحنه یا جابجایی آن‌ها جدا خودداری شود؛ زیرا احتمال دارد در اثر دست زدن به اشیاء و دلایل جرم یا جابجایی آن‌ها، برخی از آثار جرم و محو و ضایع گردند و اعاده آن‌ها به وضع اولیه غیرممکن باشد. این توصیه به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن به (قاعده طلایی یا گلدن رول) شهرت یافته است. البته، این قاعده یک استثنا دارد و آن زمانی است که نجات جان شخص یا اشخاصی "مجنی علیه و غیره" یا برطرف کردن موجبات وقوع حوادث سوء بعدی انفجار، آتش‌سوزی و غیره مطرح باشد که در این صورت، نجات جان افراد یا رفع موجبات حوادث سوء بعدی در درجه اول اهمیت و تقدم کارها قرار می‌گیرد. با وجود این، هنگام انجام عملیات نجات افراد در معرض خطر یا پیشگیری از وقایع سوء بعدی نیز حتی‌الامکان باید سعی شود از محو آثار جرم یا جابجایی بی‌مورد دلایل و مدارک جرم پیشگیری به عمل آید.

الف) یاد داشت برداری از صحنه جرم

موارد ذیل باید به وسیله کسی که مسئولیت بررسی صحنه جرم را عهده‌دار است یادداشت شود :

ساعت و تاریخ اطلاع یافتن از وقوع جرم، حرکت به طرف محل وقوع جرم و رسیدن به آنجا اسامی کسانی که مسئول بررسی صحنه جرم را در این مأموریت همراهی می‌کنند، مانند عکاس، انگشت نگار، راننده و نیز اشخاصی که در محل حضور دارند، پدیده‌های که با یکی از حواس به وجود آن‌ها پی برده می‌شود، ولی نمی‌توان از آن‌ها عکس گرفت یا آن‌ها را در کروکی صحنه جرم مجسم کرد، همانند شرایط جوی (ابری، بارانی، برفی، آفتابی، سرما و گرما)، استشمام بوهای خاص همانند بوی بنزین یا تینر در آتش‌سوزی‌ها یا بوی باروت در تیراندازی، شنیدن صداهای خاص، گرمی یا سردی یا مرطوب بودن وسایلی که ممکن است در صحنه جرم باشند همانند بخاری و موتور اتومبیل و فرش یا لباس خون‌آلود شسته شده، تر یا خشک بودن آثار خون و امثال آن‌ها؛

1. وضعیت نور و روشنایی محل میزان وسعت و میدان دید، رنگ لکه‌های خون که نشان‌دهنده تا رگی یا کهنگی آن‌هاست (چون عکس و حتی عکس رنگی ممکن است رنگ واقعی این قبیل لکه‌ها را به وضوح نشان ندهد)

2. مشخصات کامل شهود و مطلعین تا بعدها در صورت نیاز بتوان به آنان دسترسی پیدا کرد،

3. وضعیت روحی و عکس‌العمل‌های غیرعادی اشخاص حاضر در محل، هر پدیده دیگر که با وقوع جرم مرتبط باشد و نتوان در عکس یا کروکی آن را منعکس کرد .

بدیهی است یادداشت موارد فوق و امثال آن‌ها ضمن کمک به کشف جرم برای طرح سؤالات به جا و در رابطه با حادثه از شهود و مظنونین و نیز تهیه صورت‌جلسه و گزارش بررسی صحنه جرم کمک شایانی می‌کند و چنانچه بعد از مسوولی که خود صحنه جرم را ندیده است، بخواهد در جریان جزئیات امر قرار گیرد یا اگر بعد از گذشت مدتی، دادگاه مسئول بررسی صحنه جرم را برای تشریح جزئیات صحنه جرم به دادگاه دعوت نماید، یادداشت‌های تهیه‌شده از صحنه جرم به نحو موثری مو تواند مورد استفاده قرار گیرد. افزون بر آن، در موارد که لازم باشد بعد از گذشت چند ماه یا چند سال صحنه جرمی بازسازی گردد، این قبیل یادداشت‌ها به بازسازی هرچه دقیق‌تر صحنه جرم کمک خواهد کرد. ضمناً چنانچه امکان ضبط صدا وجود داشته باشد بهتر است تکنسین بررسی صحنه جرم به جای یادداشت کردن، هر چه را که باید یادداشت شود بر زبان بیاورد با ضبط شود و بعد از فرصت مناسب مطالب ضبط شده را مکتوب نماید.¹

1 پولیس علمی و دانش کشف جرایم، مولف غلام رضا فدای شهری ج 5 ص 66 سال 1398

مطلب سوم: عکس برداری از صحنه جرم

یک پلیس یا یک قاضی هر قدر هم که حافظه‌ای قوی داشته باشد، باز قادر نیست تمامی جزئیات صحنه جرمی را که دیده است، به خاطر بسپارد و در اثر گذشت زمان نیز به تدریج قسمت سرشاری از مشاهدات اولیه خود را فراموش می‌کند؛ بنابراین عکس برداری از صحنه جرم باعث می‌شود تا اشخاص مورد نظر در هر زمان که لازم باشد؛ با ملاحظه عکس‌های تهیه‌شده پیشین بتوانند صحنه جرم را به طور کامل در ذهن خود مجسم کنند و جزئیات فراموش‌شده را به خاطر آورند یا برای دیگران تشریح نمایند. از سوی دیگر در مواقع ضروری ارائه عکس‌های تهیه‌شده از صحنه جرم در دادگاه کمک موثری به تشریح و اثبات چگونگی وقوع جرم و جلب نظر قضات برای صدور حکم عادلانه می‌نماید. در مواقعی که پس از گذشت مدتی از زمان وقوع جرم لازم باشد صحنه جرمی بازسازی شود، عکس‌های تهیه‌شده پیشین کمک شایانی به بازسازی هر چه دقیق‌تر صحنه جرم می‌نماید.

نکات که در عکس برداری از صحنه جرم باید رعایت شود، عبارت‌اند از :

1. یک یا چند عکس از سردر محل وقوع جرم به نحوی گرفته شود که شماره پلاک محل در صورتی که تابلوی یا نشان دیگری وجود داشته باشد، در عکس منعکس گردد تا بیننده عکس‌ها در یابد که عکس‌های مورد نظر از چه محلی گرفته شده است .
2. چند عکس که نمای کلی تمامی صحنه جرم را نشان دهد گرفته شود .
3. از مدخل صحنه جرم در جهت گردش عقربه ساعت به ترتیب قطعه به قطعه از صحنه جرم عکس گرفته شود، به گونه‌ای که، تمامی صحنه جرم مورد عکس‌برداری قرار گیرد. در این صورت، چنانچه تمام عکس‌های تهیه شده به ترتیب کنار هم قرار گیرند، تجسم کاملی از صحنه جرم به دست خواهد آمد، برای حصول اطمینان بهتر است در گرفتن عکس هر قطعه از صحنه جرم، مختصری از قطعه قبلی نیز در عکس گرفته شود تا بیننده عکس‌ها مطمئن شود تمامی صحنه جرم عکس‌برداری شده و چیزی نادیده گرفته نشده است .
4. از هر یک از مدارک موجود در صحنه جرم همانند آثار اسلحه و چاقو عکس موضعی و اختصاصی گرفته شود تا کاملاً و به وضوح در عکس‌ها دیده شود .

5. در عکس برداری از آثار پا و انگشت محور دوربین نسبت به سوژه به طور عمود و تابش نور پروژکتور به صورت مورب باشد تا عکس‌های واضح تری تهیه شود. در عکس برداری از آثار پا و امثال آن یک اشل (مقیاس) مدرج نظیر گونیا و خط کش در کنار اثر قرار گیرد تا بعداً بتوان به کمک تصویر آن، اندازه واقعی سوژه را از روی عکس مشخص نمود. در بعضی کشورها برای افزایش کیفیت عکس آثار جرم (اثاریا، آثار دندان و غیره) از اشل استاندارد ABFO که به شکل حرف L انگلیسی (کو نیا) و مدرج است استفاده می‌شود (تصویر 1-2). روی این اشل دایره‌هایی به منظور امکان کنترل پرسپکتیو عکس به وسیله عکاس و پیشگیری از اعوجاجان رسم شده است. همچنین مستطیل‌های سیاه و سفید و خاکستری 18 در صد برای پیشگیری از اشتباه‌های احتمالی در نورسنجی و تعیین میزان دقیق نور دهی به هنگام عکس برداری چاپ شده است. در مواردی که اشل یا خط کش معمولی در دسترس نباشد می‌توان هنگام عکس گرفتن یک شی استاندارد مثلاً سکه هزار ریالی کنار سوژه قرارداد تا بعدها از تفاوت اندازه تصویر سکه با خود سکه به تفاوت اندازه عکس سوژه با اصل آن پی برد.

6. در عکس برداری از آثار پا، انگشت و غیره علاوه بر عکس‌هایی که با هدف هر چه واضح تر بودن تصویر اثر گرفته می‌شود، یک یا چند عکس هم به منظور نشان دادن محل قرار گرفتن اثر گرفته شود تا بعداً بتوان ثابت کرد که اثر برجای مانده مربوط به صحنه جرم مورد نظر است و مربوط به محل دیگری نیست.

7. در عکس برداری از آثار جرمی که بی‌رنگ است، مانند قسمتی از یک فرش که به دلیل خون‌آلود بودن شسته شده، و در نظر است محل مذکور در عکس نشان داده شود، باید یک رشته طناب نرم (پنبه‌ای) که رنگان با زنگ زمینه متفاوت باشد، دور محل مورد نظر قرارداد تا محدوده آن در عکس مشخص شود. ضمناً چنانچه گذاشتن طناب مقدور نباشد، می‌توان یک اتیکت شماره‌دار در محل قرارداد و به گونه‌ای عکس گرفت که اتیکت و شماره آن در عکس دیده و در گزارش مربوط توضیح داده شود که در محل قرار گرفتن اتیکت یا طناب فرش شسته شده است.

8. اگر جسدی در محل وقوع جرم وجود دارد، دست کم یک عکس از ناحیه سرو گردن و یک عکس از گردن به پایین و یک عکس از بالا به گونه‌ای که تمام جسد در کادر قرار گیرد- گرفته شود. چنانچه آثار اصابت گلوله یا چاقو یا ضرب و جرح و غیره روی جسد باشد، از محل‌های یادشده نیز باید عکس گرفت.

در هر حال، چنانچه صورت جسد به طرف زمین قرار داشته باشد یا پارچه و لباس و امثال آنها صورتش را پوشانده باشد، پیش از خاتمه کار یادداشت برداری و عکاسی و تهیه کروکی نباید به آن دست زد یا آن را جا به جا کرد. پس از رعایت قاعده طلایی و خاتمه کار یادداشت برداری و عکس برداری و تهیه کروکی و زمانی که جابه‌جایی و حمل جسد بلامانع باشد، ابتدا باید روی زمین دور جسد را یا گچ یا مداد شمعی خط کشید و پس از برداشتن جسد از محل خط کشی شده نیز عکس تهیه کرد تا در عکس مشخص شود زیر جسد چه آثاری وجود داشته است و اگر قبلاً عکس برداری از صورت جسد مقدور نبوده است، حال می‌توان از صورت آن نیز عکس گرفت. 1.

9. چنانچه جسد به دار آویخته شده باشد باید یک عکس از محل بسته شدن طناب به قلاب یا نرده یا پنجره و امثال آنها و یک عکس هم از نحوه و محل قرار گرفتن حلقه طناب و گره آن روی گردن و یک عکس نیز که نشان دهد پای جسد با زمین فاصله دارد یا نه، گرفته شود.

10. عکاس، تعداد عکس‌های گرفته‌شده و احیاناً فیلم‌هایی را که ممکن است نور دیده یا ضایع شده باشد در گزارش خود قید و ضمیمه پرونده کند.

11. با وجود اینکه عکس رنگی نسبت به عکس سیاه و سفید واضح تر و گویاتر است و برخی آثار جرم همانند محل اصابت گلوله روی بدن و امثال آن را با وضوح بیشتری نشان می‌دهد، متأسفانه در اثر مرور زمان به تدریج این قبیل عکس‌ها و فیلم مربوط دچار افت کیفیت شده و نسبتاً محو و کم رنگ می‌گردد. به همین دلیل، دست‌اندرکاران کشف جرم توصیه می‌کنند در عکس برداری از صحنه جرم بهتر است با فیلم رنگی عکس گرفته شود و سپس فیلم مذکور یک بار به طریق رنگی و یک بار سیاه و سفید چاپ شود تا از یک صحنه هم عکس رنگی تهیه گردد (به دلیل وضوح بیشتر) و هم عکس سیاه و سفید (به دلیل دوام و ثبات و بقای بیشتر) در هر حال، در عکس برداری از صحنه جرم حتی‌الامکان از دوربین‌های پولاروید استفاده نشود، زیرا عکس به دست آمده از عکس‌های رنگی معمولی دوام کمتری دارد و زود تر کم رنگ می‌شود. از سوی دیگر به دلیل فقدان فیلم (نکاتیو) در این قبیل عکس‌ها تکثیر آنها مانند عکس‌های معمولی مقدور نیست و باید از طریق تهیه کپی عکس انجام شود که باعث افت کیفیت عکس‌های تکثیر شده می‌گردد. 2.

1 انصاری: ص. 62، 64 ج 1
2 پیشگیری از جرایم مولف اکبر عزیزی ج 2 ص 55 سال 1395

12. برای اینکه مشخص شود در عکس رنگی تهیه‌شده، رنگ‌های سوژه احتمالاً تغییراتی پیدا کرده یا خیر بهتر است پس از تهیه یک عکس رنگی معمولی از سوژه، یک نوار باریک حاوی نمونه رنگ‌های مختلف (اشل رنگی) در کنار سوژه قرارداد و دوباره به گونه‌ای عکس گرفت که تصویر نوار مذکور نیز در عکس گرفته شود. بدیهی است بعد از تغییر یا عدم تغییر رنگ‌های نوار در عکس تهیه شده می‌توان به تغییر یا عدم تغییر رنگ‌های سوژه در عکس رنگی نیز پی برد. 1.

13. از نوشتن مطلب یا شماره پشت عکس‌ها خودداری شود؛ زیرا ممکن است فشار قلم به عکس لطمه وارد کند. بهتر است در مواقع ضروری مطلب یا شماره مورد نظر را روی کاغذهای برچسب دار نوشت و سپس پشت عکس الصاق کرد.

15. در صورت وجود امکانات می‌توان از صحنه جرم علاوه بر عکس‌برداری با دوربین‌های ویدئویی از صحنه جرم تصویربرداری نیز به عمل آورد که این کار به عنوان مکمل عکاسی کار مفیدی است، ولی نمی‌توان جای عکس‌برداری را بگیرد و ما را از گرفتن عکس بی‌نیاز کند.

16. به هنگام تحقیقات در صحنه جرم رعایت سه اصل مهم و عمده ذیل ضروری است:

(الف) ایجاد هماهنگی بین اقدامات تک‌نیک و اقدامات تحقیقی در صحنه جرم که این امر به عهده هماهنگ‌کننده صحنه جرم است.

(ب) انجام اقدامات تکنیکی مربوط به صحنه جرم از قبیل عکس‌برداری، تهیه کروکی، شناسایی و حفظ و جمع‌آوری و علامت‌گذاری دلایل مکشوفه و ارسال به مبادی ذی‌ربط (آزمایشگاه یا غیره)

(ج) اقدامات تحقیقاتی شامل مصاحبه با شهود، شاکیان، مظنونین و انجام بازجویی‌های اولیه.

بدیهی است اقدامات تکنیکی و تحقیقاتی باید زیر نظر و با هماهنگی و هدایت هماهنگ‌کننده صحنه جرم انجام شود تا نتیجه مطلوب عاید گردد. 2.

17. به نکات ویژه‌ای که در عکس‌برداری از نوشته‌های روی دیوار باید رعایت گردد در گفتار دهم اشاره شده است.

1 انصاری: ص. 62.64 ج 2

2 پیشگیری از جرایم مولف اکبر عزیزی ج 2 ص 66 سال 1395

تهیه کروکی صحنه جرم .

در برخی جرائم همانند قتل و تصادفات رانندگی و آتش سوزیها و سرقت‌های مهم ایجاب می‌نماید علاوه بر یادداشت برداری و عکس برداری، کروکی (طرح و نمای کلی) صحنه جرم نیز تهیه گردد تا موارد ذیل مشخص شود:

1. جهات اصلی صحنه جرم (شمال و جنوب و غیره)

2. ابعاد واقعی صحنه جرم

3. اندازه واقعی دلایل و مدارک و آثار جرم

4. فاصله دلایل و مدارک جرم نسبت به نسبت به نقاط ثابت از قبیل دیوار، سقف، ستون و غیره؛

5. محل اشیاء و نقاطی که عکس برداری از آنها مقدور نباشد (مانند آثار بنزین یا خون شسته روی قالی) یا نتوان آنها را به تصویر کشاند،

6. مجسم کردن نقاط مختلف یک صحنه جرم، مثلاً کف اتاق و دیوارها و سقف در یک کادر. در کنار هم

7. مجسم کردن موقعیت صحنه جرم نسبت به محیط اطراف (مثلاً موقعیت اتاق محل وقوع جرم نسبت به حیاط و سایر اتاق‌های یک ساختمان). (به طوری که ملاحظه می‌گردد با ترسیم کروکی، اطلاعات جمع‌آوری می‌شود که به کمک عکس و یادداشت مقدور نیست. افزون بر آن، کروکی بیشتر از عکس باعث جلب توجه بیننده به نکات اصلی مربوط به وقوع جرم می‌گردد. زیرا جزئیاتی از صحنه جرم که با وقوع جرم ارتباطی ندارد، دران ترسیم نمی‌شود، در صورتی که در عکس برداری تمام جزئیات صحنه جرم - حتی اشیایی که با وقوع جرم ارتباطی ندارد - به تصویر کشیده می‌شود و بعضاً باعث منحرف شدن توجه بیننده از نکات اصلی مربوط به وقوع جرم می‌گردد. ضمناً بعضاً اتفاق می‌افتد که فیلم عکس‌های تهیه‌شده از صحنه جرم در اثر نور دیدن یا دلایل فنی دیگر سیاه و غیرقابل چاپ و استفاده می‌گردد که در این قبیل مواقع کروکی تهیه‌شده تا حدودی خلأ فقدان عکس را پر می‌کند. بالأخره در مواقعی که لازم باشد صحنه جرمی برای قضات تشریح گردد و بازسازی شود، کروکی مانند عکس و یادداشت نقش موثر در تشریح صحنه جرم و بازسازی هر چه دقیق‌تر آن ایفا می‌کند. با توجه به مراتب فوق، می‌توان نتیجه گرفت که کروکی مکمل عکس و یادداشت برداری است و در حقیقت کروکی اسکلت و استخوان بندی صحنه جرم و عکس به منزله گوشت و پوست (قسمت‌های ظاهری) آن است. 1.

1. دوکتود ولی الله انصاری. کشف علمی جرایم. سال 1388. ج 1، ص 59

نکاتی که در تهیه کروکی صحنه جرم باید رعایت شود، عبارت‌اند از :

1. مقیاس متناسب با ابعاد و وسعت صحنه جرم انتخاب و کروکی بر اساس مقیاس مذکور ترسیم شود؛ برای نمونه چنانچه برای ترسیم کروکی کف یک اتاق 3 ضرب 4 متر مقیاس 1 بر 10 انتخاب شود، باید با ترسیم یک مستطیل 40 ضرب 30 سانتی متر محل را مجسم کرد،
2. جهات اصلی جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق، غرب) محل مشخص گردد .
3. فواصل دلایل و مدارک جرم نسبت به نقاط ثابت و غیرقابل تغییر اندازه‌گیری و مشخص شود؛
4. برای اندازه‌گیری از متر و وسایل اندازه‌گیری استاندارد استفاده شود (اندازه‌گیری با قدم و وجب کار صحیحی نیست)
5. برای نشان دادن محل اشیایی که ترسیم شکل آن‌ها در کروکی مقدور نیست، از علائم قرارداد استفاده شود؛
6. جزئیاتی از صحنه جرم که با وقوع جرم ارتباطی ندارد، در کروکی منعکس نگردد؛
7. مقیاس، تاریخ، ادرس محل و مشخصات کسی که کروکی را تهیه کرده ذیل آن درج و امضا شود؛
8. کروکی الزماً باید در محل صحنه جرم تهیه شود و ترسیم آن در محل دیگری همانند دفتر کار و غیره کار صحیحی نیست. 1.

انواع کروکی محل وقوع جرم :

1. کروکی محل که نشان‌دهنده محل وقوع جرم و خیابان‌ها و ساختمان‌های اطراف آن است و معمولاً در آتش‌سوزی‌ها و تصادفات استفاده می‌شود .
2. کروکی خانه و امثال آن که صحنه جرم را با محیط اطراف و نزدیک و نیز متعلقات آن‌ها مجسم می‌کند، همانند کروکی خانه‌ای که محل اتاق‌ها، باغچه، استخر و غیره در آن مشخص می‌شود .
3. کروکی کامل صحنه جرم که از صحنه جرم و تمامی جزئیات مربوط به جرم تهیه می‌شود. در این نوع کروکی برای تجسم کلیه آثار جرم، دیوارها و سقف محل را در امتداد چهار طرف کروکی کف محل وقوع جرم ترسیم می‌کنند. 2

1- بررسی قانونی صحنه جرم با رویکردی با روشی علمی مولف روبرت سی شالرج 4 ص 98 سال 1395
2- کشف علمی جرایم، ولی الله

همچنان: (سقف با یک خط فرضی از وسط به دو قسمت مساوی تقسیم و هر نیمه سقف در امتداد دیوار مربوط ترسیم می‌شود) نا چنانچه آثار جرمی روی انحا باشد، در کروکی مجسم گردد. این نوع کروکی (کروکی گسترده) نامیده می‌شود.

نکته اول. در عکس برداری و تهیه کروکی و بررسی صحنه جرم چنانچه وسعت محل زیاد باشد، بهتر است ابتدا با خطوط فرضی محل به چند قسمت کوچک تر تقسیم و سپس از هر قسمت به طور مستقل و جداگانه عکس و کروکی تهیه شود و بررسی لازم به عمل آید.

نکته دوم. در مواقعی که به هر حالت علتی برای ترسیم کروکی انتخاب و به کارگیری مقیاسی مقدور نباشد، می‌توان فواصل و اندازه‌ها مورد نظر را روی کروکی درج کرد.

نکته سوم. هر یک از اشیا موجود در صحنه جرم که در کروکی ترسیم می‌شود، با شماره‌ای مشخص گردد و سپس ذیل کروکی با توجه به شماره مربوط توضیحات تکمیلی راجع به شی مورد نظر داده شود رعایت نکات مهم در بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم

1 - به منظور کمک به تسکین الام متضرران از جرم و اعاده هرچه سریع تر وضع محل به حالت اولیه، سرعت عمل در بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک آن اهمیت خاصی دارد و باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد؛ به ویژه زمانی که جرم در معابر عمومی رخ داده باشد.

2 - در بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک برای اینکه مدرکی معدوم و ضایع نشود و چیزی از نظر پنهان نماند، باید کار بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک از محل ورود و از حاشیه صحنه جرم شروع شود و به صورت حلزونی در جهت گردش عقربه‌های ساعت به تدریج به طرف مرکز صحنه جرم ادامه یابد تا تمام صحنه جرم را دربر گیرد و هیچ‌وقت نباید از محل ورود به صحنه جرم به طور مستقیم به طرف وسط یا انتهای آن که ممکن است مدرک مهمی به چشم بخورد رفت، زیرا احتمال دارد در این مسیر مدرکی لگدمال یا ضایع شده یا نادیده گرفته شود.

چنانچه لازم شود صحنه جرمی برای بار دوم و به طور دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد، بر حسب وسعت محل چند خط فرضی موازی روی صحنه جرم در نظر گرفته می‌شود و دو نفر از محل ورود و حاشیه صحنه جرم روی خطوط فرضی موازی در کنار هم شروع به بررسی و جمع‌آوری دلایل جرم می‌کنند و به تدریج تمام صحنه را پوشش می‌دهند. به این روش، ورش خطی گویند. در موارد ضروری برای بالا بردن دقت کار بررسی صحنه جرم می‌توان بررسی خطی را در دو جهت عمود بر هم انجام داد که به آن بررسی شبکه‌ای می‌گویند. 1.

1 دکتر محمد ادیب (محمد حسین) پزشکی قانونی ج 4 ص 191 (سال 1377)

در صورت وسیع بودن صحنه جرم می‌توان ابتدا آن را به صورت چرخشی (دایره‌ای) یا منطقه‌ای به چند قطعه فرضی کوچک تر تقسیم کرد و سپس هر یک از قطعات را به طور جداگانه مورد بررسی قرارداد.

3- علاوه بر بررسی کانون و مرکز اصلی ارتکاب جرم از بررسی نقاط اطراف و سایر قسمت‌های نزدیک به مجاور صحنه جرم و مسیر ورود و خروج مجرم نیز نباید غافل شد و چه بسا آثار جرم و دلایلی در نقاط مذکور به دست آید (به ویژه آثار پا، آثار خون، مدارک پنهان‌شده یا به جای مانده و غیره).

4- در بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم، اولویت با اشیاء و وسایل خطرآفرین نظیر چاقو و اسلحه (ممکن است اشخاصی آن را برداشته و برای خودکشی یا حمله به دیگران و یا تهدید مورد استفاده قرار دهند) و همچنین مواد فاسدشدنی همانند غذا یا میوه نیم خورده و نیز آثار ضایع شدنی همانند آثار پا روی برف یا آثار پا یا خون در محیط‌های روبازی است که ممکن است در اثر تابش آفتاب یا ریزش برف و باران ضایع یا معدوم گردد.

5- از چشیدن مواد و مایعات مشکوک موجود در صحنه جرم به منظور پی بردن به جنس و طعم آن‌ها خودداری شود، زیرا ممکن است سمی یا آلوده به میکروب باشند.

6- دلایل و مدارک جرم بدون تماس مستقیم یا دست و تا حد امکان با استفاده از دستکش یا پنس جمع‌آوری شود وگرنه، احتمال دارد آثار انگشت یا عرق دست کسی که آنها را جمع‌آوری می‌کند روی دلایل مذکور آثاری ایجاد کند که بعداً کار بررسی روی دلایل را دچار مشکل نموده و دقت کار را کاهش دهد. اگر تکنیسین بررسی صحنه جرم احیاناً یکی از اشیاء موجود در صحنه جرم را بدون دستکش و با تماس مستقیم دست لمس کند و احتمال داده شود اثر انگشت وی روی شیء مذکور به جای مانده است، باید این مطلب را در گزارش خود قید کند تا چنانچه بعداً اثر انگشتی روی شیء مذکور کشف گردد، ابتدا بررسی شود به تکنیسین بررسی صحنه جرم متعلق است یا خیر و اگر به وی متعلق نبود، به عنوان یک مدرک استفاده شود.

7- دلایل و مدارک کشف شده برحسب نوع و اندازه، درپاکت، جعبه یا ظروف مناسب جمع‌آوری و لاک و مهر گردد و برچسبی حاوی آدرس محل دقیق جمع‌آوری و تاریخ و شماره پرونده روی آنها الصاق شود و زنجیره حفاظتی آنها تا مرحله صدور حکم قطعی رعایت گردد.¹

1 دکتر محمد ادیب (محمد حسین) پزشکی قانونی ج 4 ص 192 (سال 1377)

8. خلاصه ای از جریان جرم واقعه به همراه مدارک به آزمایشگاه ارسال شود تا کارشناس آزمایشگاه با آگاهی از موضوع، آزمایشهای لازم را انجام دهد و تجزیه و تحلیل کند.

9. کسانی که مسولیت حفاظت یا بررسی صحنه جرم را به عهده دارند،

هنگام حضور در صحنه جرم اکیداً باید از کشیدن سیگار و انداختن ته سیگار و چوب کبریت در صحنه جرم خودداری کنند تا این اشیاء با آثار مشابهی که ممکن است از مجرم به جای مانده باشد، اشتباه نشود.

10. پیش از بررسی صحنه جرم از تلفن موجود در محل برای کارهای اداری و غیره استفاده نشود تا وضع موجود آن به هم نخورد و آثار احتمالی روی آن از بین نرود یا آثار جدیدی روی آن ایجاد نشود.

11. کسانی که مسولیت حفظ یا بررسی صحنه جرم و جمع اوری دلایل و مدارک جرم را به عهده دارند، نباید در مورد چگونگی وقوع جرم، مظنونین و انگیزه ارتکاب جرم و اینکه اصولاً دلایلی به دست آمده یا خیر و اگر به دست آمده چه دلایلی هستند و تحلیل آنها از وقوع جرم چیست، با حاضران در صحنه جرم و حتی شاکی، صحبت و اظهار نظر کنند، زیرا چه بسا بعداً ممکن است ثابت شود برداشت و تحلیل آنها صحیح نبوده است. از سوی دیگر، احتمال دارد مجرم یا اطرافیان وی از این اظهارات و اطلاعات به نفع خودشان سوء استفاده کنند و بعضاً مشاهده شده که اظهار نظرهای حساب نشده و نسنجیده موجب بروز اختلالات و سوء ظن بیان اطرافیان مجنی علیه نسبت به یکدیگر شده است.

12. بعضاً تصویری شود چنانچه پس از وقوع جرم، مجرم شناسائی و دستگیر شود و به جرم خود اعتراف کند، دیگر حفظ و بررسی صحنه جرم و جمع اوری دلایل و مدارک جرم ضرورتی ندارد، در صورتی که این تفکر اشتباه محض است، زیرا، به تجربه دیده شده بعضاً کسی که در ابتدا به ارتکاب جرم اعتراف نموده، بعداً معلوم شده مجرم واقعی نیست و یا اعتراف دروغین خود باعث شده مجرم اصلی فرصت متواری شدن کند. گاهی اوقات نیز مشاهده شده مجرمی که در بدو دستگیری به ارتکاب جرم اعتراف نموده، پس از گذشت مدتی و در ادامه تحقیقات منکر ارتکاب جرم شده و ادعا بی گناهی می کند. گاهی نیز ممکن است مجرم با همکاری یک یا چند نفر دیگر مرتکب جرم شده یا خود مرتکب جرمهای دیگری هم شده باشد، ولی در باجویی مطرح نکرده است، که با بررسی صحنه جرم می توان به این نکات پی برد اگر صحنه جرم بررسی و مستند سازی نشده باشد، بعداً چنانچه ضرورت پیدا کند که باز سازی شود، امکان بازسازی آن وجود نخواهد داشت.

1. پیشگیری از جرایم و تخلفات مولف ایمان حطمی ج 5 سال 1395 ص 96

- چه بسا از شباهت صحنه جرم مورد بررسی با صحنه های جرم مشابه قبلی بتوان رابطه معنی داری بین جرم لاحق با جرم های قبلی و ارتباط شخص مجرم با جرمهای مذکور به دست آورد که این امر در کشف جرم و به خصوص قتل‌های زنجیره ای اهمیت زیادی دارد.

ممکن است در بررسی صحنه جرم مدارکی به دست آید که متهم در بازجویی و اعترافات خود به آنها اشاره نکرده باشد.

ممکن است بعدها ادعاها و اتهامات جدیدی مطرح شود که از بررسی قبلی صحنه جرم می توان به صحت یا سقم آنها پی برد.

- ممکن است بزه دیده (مقتول) نیز خود در وقوع جرم نقش داشته باشد که بعضاً با بررسی صحنه جرم امکان بررسی آن وجود دارد.

- ممکن است اقرار به ارتکاب جرم صوری و غیرواقعی و بر اساس تبانی با طرف مقابل برای مقاصدی از قبیل دریافت خسارت از بیمه، فرار از پرداخت بدهی و مالیات و امثال آنها باشد.

بنابراین در هر حال باید صحنه جرم حفظ و طبق اصول فنی بررسی و دلایل مدارک جرم جمع آوری شود تا اگر بعداً ادعا شد مجرم کسی دیگری است یا مرتکب جرم منکر ارتکاب جرم آن شد، بتوان از دلایل و مدارک جمع آوری شده در جهت روشن شدن موضوع و کمک به یک دادرسی عادلانه بهره گرفت. چنانچه بنا به ضرورت و فوریت، صحنه جرم در شب بررسی می شود، بهتر است روز بعد در پرتو نور معمولی نیز دوباره بررسی گردد. 1.

14. در دار آویختگی ها برای پائین آوردن جسد و جدا کردن طناب از گردن یا دست و پای آن، بهتر است حلقه طناب از محلی که با گره قاصله دارد، بریده شود و پس از جدا کردن از جسد، دوسر بریدگی یا یک قطعه نخ معمولی مانند تصویر های 11-2-10-2 بسته شود تا بعدها بتوان تشخیص داد که محل بریده شده ادامه کدام بخش طناب است. در هر حال، تا حد امکان گره طناب دست کاری یا باز نشود تا بعدها بتوان شکل و چگونگی گره خودن طناب و ثابت یا متحرک بودن آن را تشخیص داد. 2.

1 دوکتور ولی الله انصاری، کشف علمی جرایم- سال 1388، ج 5 ص 62، 66.
2 نجابتی ص: 132-133 (نجابتی، مهدی ویراست ج 2 سال 1391 ص 170)

با توجه به اینکه بعضی اشخاص از قبیل کوهنوردان، دریانوردان پیشاهنگان روشهای متفاوتی برای گره زدن طناب می آموزند، بعضاً از بررسی نحوه گره خوردن طناب در دارآویختگیها ممکن است بتوان به نتایج مفیدی دست یافت. همین طور از جهت گره می توان به راست دست یا چپ دست بودن گره زننده پی برد.

15. ممکن است در ابتدای امر بعضی از اقدامات ذکر شده در مورد صحنه جرم زائد به نظر برسد، ولی باعث می شود راههای شکست در کشف جرم مسدود گردد.

مطلب چهارم: بازسازی صحنه جرم

درمباحث قبل گفته شد که بعضاً ممکن است پس از گذشت چنده ماه یا چند سال بازسازی صحنه جرمی ضرورت پیدا کند. در این قبیل موارد، یادداشتهای و عکسها و کروکی تهیه شده پیشین نه نحو موثری به دقت کار بازسازی کمک می کند. حال باید دید در چه مواردی صحنه جرم بازسازی می شود:

1. تردید در درستی اعترافات متهم (چه بسا شخص به دروغ خود را به جای کسی دیگری مرتکب جرم معرفی کند) و یا تردید در صحت اظهارات شاکی و یا شهود.
2. تناقض در اظهارات اولیه متهم (بدویادداشت) و اظهارات بعدی وی در محکمه و غیره و نیز وجود تناقض بین اظهارات متهم با شاکی یا شهود یا شرکای جرم
3. تداعی جزئیات واقعه برای شاکی، شهود و حتی متهم در مواردی که در اثر گذشت زمان یا دلایل دیگر جزئیات مذکور را فراموش کرده باشند
4. بررسی عکس العمل های غیر ارادی اشخاص مظنون از مشاهده صحنه بازسازی شده وقوع جرم در جهت تشخیص اینکه آیا آنها در ماجرا دخالت داشته اند یاخیر.
5. فراهم شدن زمینه بیداری وجدان متهمانی که مرتکب جرم شده، ولی حاضر به اقرار و اعتراف نیستند (معمولاً این قبیل افراد با به خاطر آوردن جزئیات حادثه و غیره تاب مقاومت خود را از دست می دهند و دست از انکار برمی دارند و به اعمال خلاف خود اعتراف می کنند).
6. توجیه و تشریح چگونگی وقوع حادثه برای کسانی که در کشف و اثبات جرم مسوولیتی داشته و قبلاً صحنه جرم را ندیده و در این مورد ابهاماتی دارند. 1

7. تردید در مورد اینکه متهم به تنهایی مرتکب جرم شده و احتمالاً شریک جرمی داشته که در بازجوییها به دلایلی افشا نکرده است. 1.

8. بررسی صحت یا سقم ادعاها یا شهادتهایی که بعد از بررسی اولیه صحنه جرم مطرح شود

9. در کشورهایی که هیئت منصفه در محاکمه مرتکبان جرایم عمومی نیز ایفای نقش می کنند، بازسازی صحنه جرم برای آنان کمک موثری به قضاوت منصفانه می نماید. با توجه به تعریف صحنه جرم که یک محل اجرایی عمل خلاف قانونی بزهکار است و در بعضی از جرائم محل ارتكابی بزهکار فرق می کند که به آن صحنه اصلی و ثانویه اطلاق می شود. و در ضمن حفظ دلایل مادی در صحنه جرم از حائز اهمیت خاص برخوردار است که از طریق دلایل مادی می توان جرم را کشف و مجرم را شناسایی نمود که هیچگاه قابل انکار نیست، و بایستی اشخاص که منحنیت تکنسین بررسی صحنه جرم به صحنه اعزام می شوند از مهارت و آموزش فنی برخوردار باشند تا دلایل موجود در صحنه جرم را ناقص و یا نابود نسازند البته در خصوص یادداشت برداری، عکس برداری و کروکی صحنه جرم، کروکی محل که نشان دهنده محل وقوع جرم است بایستی در محل واقعه تهیه شود، به طوری که ملاحظه می گردد با ترسیم کروکی، اطلاعاتی جمع آوری می شود که به کمک عکس و یادداشت مقدر نیست، افزون بر آن کروکی بیشتر از عکس باعث جلب توجه بیننده به نکات اصلی مربوط به وقوع جرم می گردد، زیرا جزئیات از صحنه جرم که با وقوع جرم ارتباطی ندارد، در آن ترسیم نمی شود. در حالیکه در عکس برداری تمام جزئیات صحنه جرم حتی اشیائی که با جرم ارتباطی ندارد به تصویر کشیده می شود که بعضاً باعث منحرف شدن توجه بیننده می شود. 2.

مطلب پنجم: شرایط بررسی صحنه جرم

بررسی صحنه جرم کاری است کاملاً فنی و تک نیکی و به همین دلیل به متصدی آن تکنسین بررسی صحنه جرم اطلاق می شود و باید واجد شرایط ذیل باشد تا بتواند وظایف و محوله را به نحو مطلوب انجام دهد:

الف) تقوا و عزت نفس (درستی و امانت داری). بررسی صحنه جرم جز اولین کسانی است در صحنه جرم حاضر می شود و چنانچه حین انجام وظیفه با اشیاء و اموال قیمتی یا جاذبه های فریبنده دیگر مواجه گردید، باید بتواند بر نفس خود کاملاً مسلط باشد و فریب شیطان را نخورد و هیچگونه طمعی نسبت به آنها پیدا نکند.

1 همان اثرص: 132. 133 ج 3

2 همان ص-65-67 ج 3

ب) علاقه و ایمان به کار. اصولاً در هر کاری علاقه و ایمان به آن کار یکی از ارکان اصلی و موثر موفقیت است و تخصص و تجربه بدون علاقه و ایمان به کار نتیجه مطلوبی ندارد. طبعاً در بررسی صحنه جرم هم چنان کسی از روی علاقه و ایمان به کارهای پلیسی و کشف جرم به این کار اشتغال ورزد، در کارش موفق است وگرنه چنانچه از روی اکراه یا ناچاری و یا صرفاً اجرای دستور باشد، نتیجه مطلوب عاید نمی‌شود.

ج) سلامت جسمانی. تکنسین بررسی صحنه جرم باید از سلامت کامل جسمانی برخوردار بوده و به ضعف جسمانی، ضعف بینایی، کوررنگی، شب کوری و عدم مهارت در تشخیص اشیاء و رنگ‌ها مبتلا نباشد.

د) روحیه قوی. کسی که صحنه جرم را بررسی می‌کند، باید دارای روحیه قوی باشد و در قبال مشاهده صحنه‌های جنایی و احیاناً دل‌خراش خود را نبازد.

ه) پشتکار و استقامت داشتن پشتکار و استقامت در کارها و استقامت در مقابل ناملایمات از ضروریات کار بررسی صحنه جرم است.

و) دقت و هشیاری. تکنسین بررسی صحنه جرم باید هشیار و دقیق باشد تا بتوان دلایل واقعی را از چیزهای گمراه کننده تشخیص دهد و مرتکب اشتباه نشود.

ز) حافظه قوی. تکنسین بررسی صحنه جرم باید دارای حافظه قوی باشد تا در انجام وظایف محوله دچار غفلت و فراموشی نگردد.¹

ح) آموزش و تجربه. تکنسین صحنه جرم باید در زمینه شناخت ارزش دلایل مادی از نظر حقوقی و علمی، نحوه بررسی صحنه جرم، استفاده از وسایل بررسی صحنه جرم، عکاسی، انگشت‌نگاری، قالب‌گیری، تهیه کروکی و نیز کمک به انجام امور آزمایشگاهی و حتی کمک‌های اولیه پزشکی آموزش لازم را دیده و تجربه کسب کرده باشد. افزون بر آن، تکنسین بررسی صحنه جرم باید به وسایل مورد نیاز از قبیل دوربین عکاسی، وسایل تهیه کروکی، یادداشت برداری، جمع‌آوری دلایل و مدارک صحنه جرم، قالب‌گیری و انگشت‌نگاری مجهز باشد و بدون فوت وقت در کوتاه‌ترین زمان ممکن در صحنه جرم حضور یابد و فرصت کافی برای انجام وظیفه محوله در اختیار داشته باشد.

منشور اخلاقی بررسی صحنه جرم که در اولین کنگره بین‌المللی بررسی صحنه جرم در سال 1388 از آن رونمایی شد در رابطه با اخلاق بررسی صحنه جرم به نکات مهمی اشاره دارد.²

1 نجابتی، مهدی، سال 1391، ص 149 ج 4
2 انصاری همان اثر، ص 42-64 ج 2

مطلب ششم: نحوه بررسی صحنه جرم

در بررسی صحنه جرم و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم به طور مو کد توصیه می‌شود که پیش از یادداشت برداری، تهیه عکس و کروکی از صحنه جرم، از دست زدن به اشیاء و دلایل موجود در صحنه یا جابجایی آن‌ها جدا خودداری شود؛ زیرا احتمال دارد در اثر دست زدن به اشیاء و دلایل جرم یا جابجایی آن‌ها، برخی از آثار جرم و محو و ضایع گردند و اعاده آن‌ها به وضع اولیه غیرممکن باشد. این توصیه به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن به (قاعده طلایی یا گلدن رول) شهرت یافته است. البته، این قاعده یک استثنا دارد و آن زمانی است که نجات جان شخص یا اشخاصی "مجنی" علیه و غیره "یا برطرف کردن موجبات وقوع حوادث سوء بعدی همانند انفجار، آتش‌سوزی و غیره مطرح باشد که در این صورت، نجات جان افراد یا رفع موجبات حوادث سوء بعدی در درجه اول اهمیت و تقدم کارها قرار می‌گیرد. با وجود این، هنگام انجام عملیات نجات افراد در معرض خطر یا پیشگیری از وقایع سوء بعدی نیز حتی الامکان باید سعی شود از محو آثار جرم یا جابجایی بی‌مورد دلایل و مدارک جرم پیشگیری به عمل آید.¹

الف یادداشت برداری از صحنه جرم:

موارد ذیل باید به وسیله کسی که مسئولیت بررسی صحنه جرم را عهده‌دار است یادداشت شود: ساعت و تاریخ اطلاع یافتن از وقوع جرم، حرکت به طرف محل وقوع جرم و رسیدن به آنجا

2. اسامی کسانی که مسئول بررسی صحنه جرم را در این مأموریت همراهی می‌کنند، مانند عکاس، انگشت نگار، راننده و نیز اشخاصی که در محل حضور دارند،

3. پدیده‌های که با یکی از حواس به وجود آن‌ها پی برده می‌شود، ولی نمی‌توان از آن‌ها عکس

گرفت یا آن‌ها را در کروکی صحنه جرم مجسم کرد، همانند شرایط

جوی (ابری، بارانی، برفی، آفتابی، سرما و گرما)، استشمام بوهای خاص همانند بوی بنزین یا تینر در

آتش‌سوزی‌ها یا بوی باروت در تیراندازی، شنیدن صداهای خاص، گرمی یا سردی یا مرطوب بودن

وسایلی که ممکن است در صحنه جرم باشند همانند بخاری و موتور اتومبیل و فرش یا لباس

خون‌آلود شته شده، تر یا خشک بودن آثار خون و امثال آن‌ها.....¹

4. وضعیت نور و روشنایی محل میزان وسعت و میدان دید.

1 دکتر محمد ادیب پزشک قانونی، انتشارات سمت، سال 1377 ج 3 ص 191

5. رنگ لکه‌های خون که نشان‌دهنده تا رگی یا کهنگی آن‌هاست (چون عکس و حتی عکس رنگی ممکن است رنگ واقعی این قبیل لکه‌ها را به وضوح نشان ندهد).¹
6. مشخصات کامل شهود و مطلعین تا بعدها در صورت نیاز بتوان به آنان دسترسی پیدا کرد،
7. وضعیت روحی و عکس‌العمل‌های غیرعادی اشخاص حاضر در محل
8. هر پدیده دیگر که با وقوع جرم مرتبط باشد و نتوان در عکس یا کروکی آن را منعکس کرد.
- بدیهی است یادداشت موارد فوق و امثال آن‌ها ضمن کمک به کشف جرم برای طرح سؤالات به جا و در رابطه با حادثه از شهود و مظنونین و نیز تهیه صورت جلسو گزارش بررسی صحنه جرم کمک شایانی می‌کند و چنانچه بعد از مسوولی که خود صحنه جرم را ندیده است، بخواهد در جریان جزئیات امر قرار گیرد یا اگر بعد از گذشت مدتی، دادگاه مسئول بررسی صحنه جرم را برای تشریح جزئیات صحنه جرم به دادگاه دعوت نماید، یادداشت‌های تهیه‌شده از صحنه جرم به نحو موثری مو تواند مورد استفاده قرار گیرد. افزون بر آن، در موارد که لازم باشد بعد از گذشت چند ماه یا چند سال صحنه جرمی بازسازی گردد، این قبیل یادداشت‌ها به بازسازی هرچه دقیق‌تر صحنه جرم کمک خواهد کرد. ضمناً چنانچه امکان ضبط صدا وجود داشته باشد بهتر است تکنسین بررسی صحنه جرم به جای یادداشت کردن، هر چه را که باید یادداشت شود بر زبان بیاورد با ضبط شود و بعد از فرصت مناسب مطالب ضبط‌شده را مکتوب نماید.²

1- داکتر محمد ادیب پزشک قانونی، ج 4 ص 89 سال 1380

2 داکتر مهرزاد کیانی ج 1 ص 120/128 سال 1375

مبحث سوم: آثار مادی صحنه جرم

مطلب اول: آثار و ابزار

در جرایم علیه اموال، جرم از ابزار های مختلفی بهره می گیرد که شرح این جرایم در این بخش به دلیل پیچیدگی آن، مشکل به نظر می رسد در هر حال دلایل مادی که در ارتباط با ای جرایم نقش دارند، از اهمیت بسزایی برخوردار می باشند.

در زمانی که بوسیله ابزار روی شی ای مانند چوب در چوب در فشار وارد می آید اثری از ابزار روی شی به جا میماند که این آثار ممکن است به صورت هده شدن ذرات کوچک از سطح شی و یا اشیاهای فرورفته باشد و یا ترکیبی از هر دو. در مفهوم کلی بررسی علایم ابزار عبارتند از شناسایی تشخیص اشیای که یکدیگر برخورد نموده . در این خصوص مامورین تحقیق ممکن است با دونوع اثری بجا مانده برخورد نمایند. نوع اول اثر است که بر اثری فشار شی بر سطح، برجای مانده که با بررسی آن فقد میتوان صفاتی اختصاصی طبقه را مشخص نمود و نوع دوم مربوط به اثری شی است که بنابر علل دچاری شکسته گی یا نقص گردیده که بر این اساس علاوه بر تشخیص صفاتی اختصاصی طبقه شی مورد نظر، صفات اختصاصی منحصر بر فرد را به راحتی میتوان در آن تعیین نمود . لذا با بررسی علایم مربوط به ابزار میتوان به اطلاعات سودمند مانند: نوع، اندازه و چگونگی استفاده از ابزار دست یافت. برای مثال یک اثری تقریباً صاف ممکن است اشاره به استفاده از یک چکش و یا پانچ کند و یا یک اثری خراشیده گی ممکن است دلالت بر استفاده از یک ابزار تیغه پهن مانند دیلم و یا پیچ کش نمایند و یا یک اثری بریده شده استفاده از یک قیچی و یا ابزاری شبیه به آن مانند قیچی کلان که برای بریدن سیم ها به کار می رود ، داشته باشد، بعلاوه بابررسی طریقه ای که ابزار مورد استفاده قرار گرفت، میتوان پی به سطح مهارت مجرم در بکارگیری آن ابزار برد. همچنان میتوان گفت که مهمترین هدف در بررسی علایم مربوط به ابزار این است که آیا با بررسی صفات اختصاصی میتوان شناسای منحصر بفرد از ابزار که در اختیار مضمون قرار دارد، انجام داد. درین موارد با بررسی ابزاری که در مالکیت مظنون کشف میشود، میتوان مواد خارجی مانند رنگ و فلزات که هم در محدوده صفات اختصاصی طبقه وهم در محدوده صفات اختصاصی منحصر به فرد قرار دارند را در ارتباط با ابزار کشف نمود با مقایسه ابزار با اثر بجای مانده از آن ممکن است پی به صفات اختصاصی طبقه آن برد و از سوی دیگر با بررسی میکرد سکویی روی ابزار و آثار انگشتان می توان پی به صفات اختصاصی منحصر بفرد نیز برد و در نتیجه اطمینان حاصل نمود که این ابزار ویژه را ایجاد کرده است.¹

1 محمد آشوری آیین دادرسی کیفری سال 1397 ج 1 ص 98

در هنگام جمه آوری دلایل مربوط به علایم ابزار باید قسمت های که مستقیماً باشی تماس داشته اند، مورد بررسی قرار گیرند. در موقعی که این امر میسر نیست باید یک قالب از اثر بجای مانده ساخت. در هیچ مواردی نباید از مادی که در مجاورت به هوا منقبض میشوند مانند گچ مخصوص قالب گیری استفاده نمود مادی که در ساخت دندانهای مصنوعی مورد استفاده قرار می گیرد، برای تحقق این امر سودمند می باشد. عکس برداری در تعیین محل آثار بجای ماند عملی پسندیده می باشد لیکن از روی آن نمی توان شناسایی کاملی انجام داد مامورین تحقیق در هیچ موردی نباید از ابزاری که مربوط به اثر بجای مانده نیست جهت ارزیابی اندازه اثر استفاده کند؛ چرا که این عمل علاوه بر آلودگی اثر، موجب تخریب و آسیب رساندن به آن نیز می گردد باید توجه داشت که در هنگام فرستادن ابزار به آزمایشگاه جنایی حتما همان ابزار فرستاده شود که با آن عمل مجرمانه صورت گرفته است.

ابزار به عنوان دلیل بلقوه: اثر ابزار عبارت از اثر سایدهگی، خراشیده گی و یا آوردن بادست که در اثر تماس یک شی سخت باشی نرم بوجود میآید. آثار انگشتان نه تنها با ابزار هاصنعتی منظم بلکه با هر شیء که برای بلند کردن، شکستن یا فشار وارد آوردن برشیئی ایجاد میشود، برجا میماند. ابزار غیر معمولی که به عنوان وسایل ارتکاب جرم استفاده میشود شامل های فلزی یا چوبی، میله و یاسنگ هاستند. اثر ابزار ممکن است بر اثر کشش وی حرکت منفی رادرخلاف جهت بر روی اشیاء ایجاد شود. به دلیل اینکه ابزارهای معمولی کاملاً یکسان نیستند، آثار به جای مانده از آن ها نیز کاملاً یکسان نخواهند بود. ممکن است ابزارها در تولید انبوی اشکال، اندازه یا اوزانه مشابهت داشته باشند، اما هر یک از آنها یا بعداً آثار اختصاصی منحصر به فردی پیدامیکند. ویژگی های فردی و اختصاصی هر ابزار در ابتدا و در روند تولید، هماهنگی که ابزار، قالبگیری، آسیابویا صیقل میشود، بوجود می آید. ویژگیهای فردی ابزارها است که دادگاهها آثار ابزار را به عنوان دلیل مورد پذیرش قرار میدهد دلیل بالقوه (قابلیت دلیل).¹

1. آیا ابزار به جامانده، متعلق به یک ابزار به خصوص قابل شناسایی است یا خیر؟
2. آیا به وسیله ای ممکن است اثر ابزار به جای مانده ایجاد شده باشد
3. آیا وسیله خاصی که موضوع جرم را انجام داده، سبب ایجاد اثر به جای مانده شده است؟
4. ایجاد کننده اثر یک وسیله مشکوک است یا خیر؟
5. آیا یک شی خارجی غیر از کلید در قفل قرار گرفته است؟
- 6 آیا تماس فیزیکی برای شکستن وسیله ها، فلزات، سرامیکها و یا وسایل دیگر وجود دارد.

1 محمد آشوری این دادرسی بررسی آثار و ابزار مولف جمشید بابانی ج 1 ص 35 سال 1395

تعیین محل دلیل و مدارک :

اثر ابزار، هر جاییکه ورود اجباری، خروج یا تجاوز به وسیله مرتکب انجام شده، قابل کشف است. متخصص دلیل یابد باید بدقت برای یافتن چنین علائمی هر محل اعم از در پنجره، نور گیر پنجره کوچک و یا روزانه دیگری را ممکن است به وسیله مجرم مورد استفاده قرار گرفته باشد جستجو کند همچنین قفلها، چفتی ها، کشو ها و یا سایر چیز های مسدود کننده نیز باید برای یافتن نشانه های شکستگیها و بریدگیها مورد توجه قرار گیرند. آثار ابزار به جای مانده بر وسایل حفاظتی و امنیتی را نشان میدهند.

تمام اشیاء داخل صحنه را باید برای یافتن آثار ابزار جستجو کرد گاو صندوقها، صندوقهای وکاشی میز ها معمولاً به وسیله مجرمان مورد جستجو و جا به جایی قرار میگیرند. علاوه بر این، باید توجه کرد گاه متهم به عمد چیزی را می شکند تا ماموران کشف جرم را گمراه کند. ابزار های واقع در صحنه جرم را باید دقیقاً بررسی کرده، از آنها عکسبرداری نمود تا به عنوان دلیل برای مقایسه های بعدی نگهداری شوند.

مطلب دوم: بسته بندی آثار و ابزار :

وتمام اشیائی که اثر ابزار بر روی آنهاست باید به منظور جلوگیری از ورود خسارت و یا علامت جدید بسته بندی شوند اگر اشیا در بردارنده اثر به قدر کافی بزرگ هستند باید برای عملیات بعدی تعیین هویت علامت گذاری شوند؛ ولی اگر آن اشیا خیلی کوچکند و نمی شود مستقیماً آنها رنگی از آن ابزار بر روی شیء بچسبند و باقی بماند به همین دلیل مقایسه اثر به جای مانده بر روی شیء و نیز رنگ باقی مانده بر روی آن گاه می تواند نوع ابزار به کار رفته را مشخص کند. یک اثر به هیچ وجه نباید از محلش جابه جا شود و باید در همان صحنه و میدان مقایسه شود. هرگونه تشابه باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد اگر شیء حامل اثر کوچک و براحتی قابل حمل باشد، باید بعد از عکسبرداری، برای آزمایش به آزمایشگاه جنایی منتقل شود. در این موارد شیء باید با حوصله و دقت علامت گذاری شده، بدرستی تعیین هویت شود. پوشان، بستن و یا مخفی کردن یک علامت و یا رد پا، به حفاظت بهتر علامات کمک بسیار می کند؛ چرا که این پوششها مانع چسبیدن مواد خارجی به شیء میشوند وقتی اثر ابزار در یک محل بزرگ قرار گرفته و جسم حامل آن غیر قابل حرکت است باید از آن عکسبرداری کرده با استفاده از سیلیکون، لاستیکهای خاص و یا دیگر وسایل و تجهیزات اندود آن را قابلگیری کرد اگر اثر خیلی بزرگ باشد باید برای مقایسه با ابزار منظون در آزمایشگاه حفظ شود. 1

1 سوانسون چاملین : ترجمه نجابتی ج 3، ص 234-238

قطعه سیمهای که بریده شده اند باید برای مقایسه به آزمایشگاه فرستاده و هویت ابزار برنده آنها معین شود. ابزار مظنون، جهت امتحان در آزمایشگاه نباید برای برنده بخشهای دیگری از سیم استفاده شوند. مستقیماً آنها را علامت گذاری کرد، باید بر روی آنها بر چسب زد. و آنها را مجدداً بسته بندی نمود. اگر بر روی لبه یک ابزار اثری وجود دارد یا زمانی که خطر از بین رفتن اثر موجود بر ابزار وجود دارد، قسمت دربردارنده اثر باید با کیسه و یا کیف پلاستیکی محکم پوشانده شده بسته شود اشیاء مختلف دارنده اثر ابزار و یا خود ابزار به همین منظور جلوگیری از به وجود آمدن آثار جدید یا خسارت به آنها باید به طور جداگانه پوشانده شود. مهمترین نکاتی که باید در هنگام بسته بندی اثر ابزار در نظر گرفته شود عبارتند از

1. نوار انگشت نگاری و یا کیسه های پوشاننده نباید به طور مستقیم روی آثار ابزار و یا روی لبه ابزار به دست آمده قرار گیرد
2. ابزار مشکوک موجود در صحنه نباید برای جمع آوری مدارک و آثار ابزار مورد استفاده قرار گیرد
3. نباید برای مقایسه با ابزار به دست آمده، آثار آزمایشی ایجاد کرد؛ چرا که این کار ممکن است ابزار را تغییر شکل بدهد و یا مواد یا آثار موجود بر آنها را از بین ببرد
4. ابزار ها را هرگز نباید تمیز کرد؛ چرا که این کار آثار موجود بر آنها موجود بر آنها را از بین میبرد.

مقایسه مواد و قطعات شکسته :

فلزات شکسته را میتوان تقریباً در تمام صحنه های جرم پیدا کرد و کار شناس باید در هنگام جمع آوری و بررسی آنها بسیار هوشیار باشد. حتی اگر ابزاری برای مقایسه اولیه و سر صحنه پیدا نشود، باز هم قطعات شکسته باید جمع اوری شوند تا اگر ابزار و آلت مشکوکی بعداً پیدا شده این قطعات شکسته با این احتمال که با ابزار یافت شده لمس و یا شکسته شده اند، بررسی شوند چنانکه قبلاً بیان شد، بسته بندی ابزار و آلات مکشوفه مشکوک برای بررسیها بقدری نیز اهمیت بسیار دارد.

نمونه های از تطبیق قطعات و تکه ها شکسته با ابزار ها عبارتند از:

- 1- وارد کردن نیروی بیش از حد تحمل ابزار های اهری مانند پیچ کش باعث شکست شدن و باقی ماندن آثار آن در محل میشود. وجور شدن یک تکه شکسته از پیچ گوشتی را با خود آن ابزار نشان میدهد ابزار شکسته یا قطعاتی از فلز را می توان با قسمت شکسته ابزار که در صحنه جرم پیدا شده تطبیق داده جور کرد. 1

2- انتها ویا لبه های بعضی از ابزار ها در تلاش برای باز کردن قفلها (که معمولاً در داخل خود قفل برجای می ماند) می شکنند این ابزار ها معمولاً اشیائی چون کارد و هستند که نوکهای تیز دارند.

3- شیائی که ممکن است در هنگام تصادفات رانندگی بشکنند (تزئینات، وسایل نقلیه آنتن، سپرها و... شاخک آنتن) 1

4- تطبیقهای گوناگونی که معمولاً در آزمایشگاه جنایی انجام می گیرند عبارتند از: شیشه جلوی موتر جهت یابه، کاغذ ها جویده شده ، کیره لوله خرطومی رادیاتور قبضه ششلول پلاستیکی ، نوار اسکاچ پاره شده، سربیک مجسمه هرچیزی که رفته در صحنه جرم بتوان تصورش را کرد ممکن است در کار تطبیق و شناسایی ابزار به کار رفته در صحنه جرم موثر باشد. البته باید تلاش کرد که تمام قطعات شکسته بدقت جمع آوری و از خرابی و شکستگی بیشتر، محافظت شوند. 2

پنهان بر روی فلزات و اشیاء دیگر :

دزدان معمولاً شماره ارقام حک شده بر مصنوعات صنعتی مسروقه (مانند بایسکیل، موتر، ماشین تحریر، جاروی برقی، اسباب ولوازم ماشینی، کارد و پنجه و) را تغییر می دهند ویا بکلی آن را پاک می کنند تا یابند موفق به پیدا کردن آنها نشود. تحقیقات علمی زیادی که رد آزمایشگاه ملی فیزیک لندن انجام شده به مشخص شدن موارد زیر منتهی شده است..... 3

1 داکتر فرامز گودرزی، ج 4 ص 91 سال 1379
2 دکتر مهر زار کیانی، پزشک قانونی (1384) ج 1 ص: 205_207 .
3 نجابتی همان اثر، ج 2 ص: 203_204

مطلب سوم: آثار مادی صحنه جرم

الف- شیشه ها و کار شناسی جنایی آنها :

اطلاعات مربوط به شیشه ها : شیشه یک جسم شفاف ،شکننده و مرکب است. از نظر شیمیایی شیشه به طور معمول ،مخلوطی از سیلیس موجود در ریگ یا سنگ طبیعی و دو یا چند بار قلیلی مانند سود سوزاور آهک یا پتاس است.

به علاوه ممکن است در شیشه عناصر ،فلزات ،ویا برخی نا خالص های دیگر موجود باشد. بنا بر نیای مصرفی ،تجاری و یا اهداف دیگر ،ممکن است ترکیبات دیگری هم به شیشه اضافه کنند تا موجب تغییر رنگ ،افزایش درجه سختی واستحکام و یا افزایش مقاومت آن در برابر آتش شود و یا هدف های خاص دیگر شیشه را بر آورد. عناصر تشکیل دهنده شیشه را در کوزه ذوب می کند و در قالب مخصوص ریخته ،به شکل دلخواه در می آورد. در تهیه شیشه ها از روش های چون دمیدن ،قالب زدن و غلطاندن استفاده می شود. بعد از این مرحله برای اینکه شیشه قابلیت مصرف روزمره پیدا کند و یا برای تزئین ،آن را براق می کند و یا به اشکال و اندازه های مختلف در می آورند. یکی از راه های افزایش استحکام یا ایمنی شیشه ها چه در ساختمان منزل ، چه در شیشه های ، قرار دادن ورقه های پلاستیکی وینیل در داخل شیشه است. شیشه ها در تحقیقا و یا به عنوان سند مستقیم ویا به عنوان سند غیر مستقیم موجود در صحنه جرم ، کمک بزرگی به متصدیان کشف جنایت و دستگاه عدالت می کند. اهم این اطلاعات و پاسخ ها عبارت اند از :

در هنگام بررسی شیشه های شکسته ،ابتدا باید دقت کرد که آیا آثار انگشت ،خون الیاف و دیگر مواد روی شیشه شکسته وجود دارد یا نه ؟

آیا قطعه شیشه مکشوفه ،قسمتی از یک جسم شیشه شکسته است یا نه؟

چنانکه قطعه از شیشه شکسته ،چراغ جلو یک موتر در صحنه تصادف رانندگی پیدا شده آیا این قطعه با شیشه شکسته چراغ مظنون ،مشکوک ویا فراری مطابقت می کند تعیین قطعه جدعه دیگر همان شیشه 1.

ب - یادداشت (ثبت) : کارشناس بررسی باید از کلیه اطلاعاتی که مربوط به شیشه های شکسته محل جنایت محل جنایت است (مشهودات شخصی، ارتباط شیشه های شکسته مکشوفه با موارد ضمن یا فروض کشف یا اشخاص یا اشیا) یادداشت برداری کند. یادداشت برداری ممکن است به شکل صورت مجلس یا گزارش یا درج در دفاتر رسمی باشد .

ج - جمع آوری قطعات و ذرات شیشه از صحنه جنایت :

نخستین دستور: برای کار شناسان بررسی صحنه جرم آن است که دقت کند هیچ تغییری در وضعیت شیشه ها شکسته شده صورت نگیرد ؛ زیرا ممکن است در سطحها حواشی چنین شیشه های ، آثاری چون آثاری انگشت ، لکه های خون گرد و خاک و غبار و یا دیگر مواد حیاتی موجود باشد ، که ممکن است هریک از این آثار بتواند دلیل مادی برای کشف جنایت موضوع تحقیق و یا جنایت دیگری باشد که با نحوی با جنایت و در بررسی ارتباط دارد. این آثار گاه سرخ کشف سایر جنایات غیر مرتبط با موضوع تحقیق هستند.

دستوردوم: آن که ماموران پس از عکس برداری ، ترسیدن کروکی و تنظیم یادداشت ها مراقبت کنند که اثر انگشت خود شان و یا سایر کار شناسان بروی شیشه نیفتد.

دستور سوم: آن که در موقع جمع آوری شیشه های شکسته و ذرات آنها ، از وسایل مخصوص مانند دست کش جراحی یا انبرک نوک لاستیکی استفاده کنند و اگر انبرک آنها فلزی است به وسیله پنبه یا نوار چسب قسمت فلزی نوک انبرک را بپوشاند تا به سطح شیشه خط نیفتد.

دستور چهارم: در جمع کردن شیشه ها این است که چنان چه قطعات شکسته بزرگ هستند باید از ظروف دهانه بلند برای جا به جایی آنها استفاده شود و سطح آنها هرگز س نشود.

دستور پنجم: نیز در باره جمع آوری قطعات ریز شیشه های شکسته است. این قطعات تنها در آزمایشگاه میتوانند مورد تجزیه و تحلیل بیشتر قرار گیرد.

د- جمع آوری ذرات شیشه های شکسته :

در جرایم مقرون به حمله ضرب و جرح ، قتل ، تجاوز های جنسی ، سرقت و کلیه جرایمی که شیشه یا بطری شکسته میشود ، ذرات شیشه به احتمال زیاد در نقاط از بدن ترفین جنایت باقی می ماند(در داخل موهای سر صورت اشخاص که دارای ریش یا پروت نسبتا بلند هستند . 1

1 قانون و تحقیقات جنایی مولف ریوندسی موری ج 1 ص 61 سل 1391

لباس داخل جیب آستین ، پتلون و زیر بوت یا داخل آن) همچنین در تصادفات رانندگی در داخل تایلر در رهای مختلف و اطراف آن امکان وجود شیشه های ریزه شده وجود دارد.

ذرات شیشه ای در حالت عادی با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نیستند ولی چنانچه در معرض تابش نور آفتاب ، چراغ قوه ، نور افکن ، چراغ موتور ، موتور ، بایسکل و بویژه نور مورب قرار گیرند و سطح و محل که شیشه های به صورت واضحی ذرات شیشه را نشان میدهند. در بعضی موارد در اثر جا به جایی اشیایی که در صحنه جرم یا جاهایی دیگر هستند ممکن است قطعه کوچکی از شیشه یا ذرات ریز آن به زمین بیفتند. در همه موارد بالا باید ذرات شیشه جمع آوری شده به آزمایشگاه فرستاده شود. دستور فنی جمع آوری آن است که قطعات بسیار کوچک و ریزشیشه را بر روی ورق بزرگ و سفیدی از کاغذ صاف جا به جا کنیم و بعد از قرار دادن کاغذ بروی میز مسطح ذرات ریز را جمع آوری کنیم. نحوه جمع آوری یک قطعه بسیار کوچک شیشه را که از دو بل یا پاکتی پتلون مظنون پیدا شده نشان میدهد. باید در نظر داشته باشیم که همین شیشه های ریز در تحقیقات جنایی اهمیت زیاد دارد و بسیاری از زوایایی تاریک قضایای جنایی را روشن میکند.

ذ- جمع آوری شکسته استاندارد و قالبی:

در مواردی که شیشه های داخل پنجره ، داخل قالب ها و چهار چوبهای فلزی و یا چوبی شکسته می شوند راه جمع آوری آن است که پنجره یا قالب مذکور را از محل نصب جدا کرده با روش صحیح آنرا به آزمایشگاه منتقل کرد. چنانچه این کار قبلی نباشد میتوان با دقت و احتیاط قطعات شکسته را بدون آسیب دیده گی و با مشخص کردن محل و موقعیت آن ، از چهار چوب جدا کرده به آزمایشگاه انتقال داد. در صورتیکه شیشه شکسته مربوط به چراغ های خطر یا رهنما یا چراغهای جلو موتور یا موتور سیکلت باشد ، معمولاً قطعات شیشه (پلاستیک) پشت شیار چراغ دست نخورده باقی می ماند. قطعات و ذرات شکسته شیشه را که هنوز در ماشین یا موتور سیکلت باقی مانده ، باید با دقت تمام جدا کرد و برای بررسی های آزمایشگاهی بکار شناس مسؤل تحویل داد. 1

ارتباط ورود یابی: شیشه های مکشوفه شکسته در صحنه جنایت شاهد صادق و بی زبانی است که با شی شیشه های شکسته مکشوفه هم به عنوان دلیل مستقل و هم به عنوان دلیل مرتبط قابل استفاده است. در بسیاری از جنایات دیده شده که این اثر نا مرنی انگشتان یا قطرات خون یا ذرات گرد و خاک و مواد خارجی دیگر به رویشان ، سرخی برای کشف جنایات دیگر می شوند.

شناسایی شیشه:

پس از آنکه شیشه های شکسته شناسایی و جمع آوری شدند ، باید به کمال دقت علامت گذاری ، و به آزمایشگاه منتقل شوند. علامت گذاری و انتقال باید به نحو انجام گیرد که بار سازی وضعیت جنایی امکان پذیر باشد. تاکید میشود که قطعات کوچک شیشه های به طور جدا گانه در داخل کاغذ جمع آوری و بسته بندی شده در یک جعبه ضخیم به نحوی قرار داده شوند که از شکستگی مجدد آن ها جلوگیری شود. در صورتی که نخواهند شیشه شکسته را برای بررسی آثار باقی مانده بر روی آن به آزمایشگاه بفرستند نقل و انتقال باید به ترتیبی باشد که آثار فعلی محو نشود و آثار جدید بر روی آنها تشکیل نگردد (مامور در هنگام جمع آوری به اشتباه سطح شیشه ها را لمس نکنند). برای این منظور، شیشه های شکسته را باید از ناحیه لبه برداشت و در داخل کاغذ یا پاکت قرار داد. علاوه بر این لازم است بسته بندی چنین شیشه هایی به نحوی باشد که شیشه ها نه تکان بخورند و نه چنان سخت و محکم باهم بچسبند که اثر انگشت موجود بر آنها محو شود.

علامت گذاری شیشه:

علامت گذاری شیشه های شکسته مربوط به محل جنایت یکسان نیست و به درشتی و ریزی قطعات شیشه شکسته شده و نوع و جنس آن بسته گی دارد. اگر اندازه قطعات شکسته شیشه بزرگ باشد و سطح کافی داشته باشد، بهتر است مستقیماً روی سطح شیشه علامت گذاری شود، به شرط که این علامت روی محل که دلیل دیگر (اثر انگشت، لکه های خون و...) وجود دارد، نباشد. استفاده از الماس یا کربور اندام برای علامت گذاری مناسب است و کار شناسایی را آسان می کند. به طور موقت میتوان از مداد های روغن علامت گذاری بهره جست و یا ۲ اطلاعات لازم را روی نوار چسب نوشته ، به شیشه موضوع انتقال چسبانید. علامات گذاری ذرات شیشه پس از قرار دادن آنها در داخل ظرف، روی ظرف محتوی آنها انجام می گیرد. 1.

علائم رهنما (شناسایی):

از لحاظ کمک به امر جمع آوری و انتقال شیشه های شکسته و باز شناسایی آنها لازم است شیشه های پیدا شده در صحنه جرم، در همان محل علامت گذاری شود و چنانچه تعداد قطعات زیاد باشد، شماره و ترتیب نیز اضافه می شود. هنگام مقابله شماره ترتیب با یادداشتها، گزارشها، صورت مجلسها، کروکی و عکس های مربوط به قفسه محل استقرار شیشه مراجعه می شود. علائم رهنمای ذرات شیشه روی ظرف که ذرات شیشه های شکسته موضوع تحقیق در داخل آن است درج میشود.

1 احسان الله عالمی، طب عدلی سال 1387، ج 2 ص 22

و- کارشناسی و تشخیص انواع شکستگی شیشه ها :

آزمایش ساده مراحل شکستن شیشه بر اثر ضربه بایک آزمایش ساده می توان به مراحل شکسته گی شیشه و چگونگی شکستن آن پی برد؛ اگر یک قطعه مقوای ضخیم را به فشار دست خم کنیم خواهیم دید که مقوا ابتدا از سمت بدون ،ترک خورده ،می شکند ترک به ترکهای شعاعی که به شکل مثلث در می آیند فشار وارد کنیم از داخل به بیرون خواهند شکست. همین آزمایش در مورد شیشه نیز قابل انجام است. این آزمایش و آزمایشات مشابه موارد زیر را ثابت می کند.

نوع اول: شکستگیهای ساده (شکستگی پرده یی) خطوط این قبیل شکستگی ها به شکل

پره های دو چرخه است که از نقطه ورود ضربه شروع و به سمت مخالف ادامه می یابند و دوایر متحد المركز را قطع می کنند. شکستگیهای پرده یی شکل به ترک ها یا خطوط شعاعی معروف هستند. طول خطوط شکستگی شعاعی با گذشت زمان زیاد می شود. علت افزایش طول خطوط فوق فشار داخلی ناشی از ضربه اولیه ای است که موج گونه حرکت می کند و تا زمان که نیرو به پیمان نرسید ، به حرکت خود ادامه می دهد. به این دلیل است که دربر می موارد میتوان حرکت این نیرو را قطع کرد؛ لذا در موقع که شیشه موثر مقابل راننده بر اثر یک سنگ ریزه یا پریدن تکه سنگی شکسته می شود اگر شیشه از جنس شیشه مخصوص جدار دار بشد ،با الماس ؛ دایره یی را در اطراف ضربه ایجاد می کنند تا از پخش شدن ترک ها و شعاعهای حاصل از ضربه جلوگیری شود. در حال که نیروی شکننده اولیه در حال پیشرفت است ،نیروی دیگری در جهت مخالف ،موجب شکستگیهای ثانوی یا شکستگیهای متحدالمركز می شود. این شکستگیهای ثانوی ، دوایر یا قوسهای شکستگی را حول مرکز ورود ضربه تشکیل میدهد. خود شکستگیهای ثانوی متحد المركز از شکستگی پرده های نخستین به شکستگی های دیگر تبدیل می شود. بخوبی شکل و وضعیت شکستگی های ساده را نشان میدهد.

نوع دوم: (شکستگی با خطوط فشار توضیحات ، کلارنس رومینگ) خطوط منحنی شکل

و نسافی که در لبه های شیشه های شکسته وجود دارد خطوط فشار نامیده می شوند. خطوط فشار معمولاً موازی با یک سطح شیشه و عمود بر سطح دیگر آن هستند. این خطوط همواره بر آن سطح شیشه که در ابتدا شکسته میشود عمود هستند. خطوط فشار نشان دهند شدت ضربه و فشار هست که بر شیشه وارد می آید و پس از خم کردن و از بین بردن مقاومت ،آن را میشکند. وضعیت خطوط فشار نسبت به شکستگیهای متحد المركز ،یکسان نیست. 1.

1 مهدی نجابتی ، کشف علمی جرایم ج 3 ص 56 مرکز تحقیق وتوسعه علوم انسانی تهران سال 1390

در شکستگیهای متحد المركز، خطوط فشار عمود بر سطح ورود ضربه (نیرو و فشار) و در شکستگیهای شعاعی، عمود بر سطح مخالف ضربه هستند؛ بنا براین، در شکستگیهای شعاعی، خطوط فشار زاویه قائمه ای نسبت به سطح عقبی میسازند.

توضیحات سادرمن و اوکائل: اگر مقطع یکی از خرده های شیشه را نگاه کنیم می بینیم که رشته های برجسته های از خطوط مجعد بروی آن وجود دارد. این خطوط مجعد بعضی اوقات خیلی روشن و نمودار است ولی گاهی هم تشخیص آنها قدریمشکل است ولی به هر صورت با مختصر دقت میتوان آنها را پیدا کرد.

دقت مطالعه این خطوط معلوم خواهد کرد که آنها در همه قسمت های مقطع به یکطرف نیستند؛ مثلاً در یک تکه بخصوص از شیشه شکسته قسمت طرف چپ و بالای مقطع مکن است دارای روشنی باشد در حالیکه در قسمت طرف راست مقطع خطوط مذکور به زحمت دیده می شوند (در اینجا منظور از قسمت طرف چپ مقطع قسمت است نزدیک سمت ضربه به شیشه و طرف راست، قسمت مقابل است.)

حال اگر دو تکه شیشه شکسته را که یکی از قسمت شکستگی شعاعی و دیگر از قسمت خطوط متحد المركز هستند مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید که در مقطع تکه شیشه جدا شده از قسمت خطوط متحد المركز خطوط مجعد در سمت چپ (سمت ضربه) روشن و در سمت راست (سمت مقابل ضربه) روشن نیستند. ولی در تکه شیشه جدا شده از قسمت شکستگی شعاعی عیناً بر عکس است یعنی خطوط مجعد مقطع در سمت راست (سمت مقابل ضربه) روشن هستند و در سمت چپ (سمت ضربه) روشن نیستند. شکستگی بدون خطوط فشار (شکستگی بر اثر حرارت): به طور کلی شیشه های که به وسیله جسمی شکسته میشوند همواره دارای خطوط مخصوص شکستگی هستند که این خطوط بر ورود نیز و فشار دلالت میکنند به سخن دیگر، اصل آن است که شیشه ای که به وسیله ضربه شکسته میشود، دارای خطوط فشار است. به طوری که گاهی خطوط مذکور را به زاویه ای که با لبه شیشه میسازد میتوان به خوبی مشاهده کرد. اما مواردی نیز وجود دارد که شیشه شکسته شده ولی فاقد این آثار (خطوط فشار) است. شکستگیهای بدون خطوط فشار منحصر به موارد است که شیشه بر اثر گرمای زیاد شکسته میشود. علت این موضوع آن است که حرارت زیاد وارده بر شیشه، آن را منبسط و خم میکند و ذرات شیشه را به سمت و محل حرارت می راند (یا حرارت، ذرات شیشه را به سوی خود می کشاند) و شکل غیر عادی و فاقد خطی به شیشه میدهد و تکه های متراکم و مواجی را در اطراف نقطه حرارت به وجود می آورد.

1 مهدی نجابتی، کشف علمی جرایم ج 3 ص 56 مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی تهران سال 1390

بنا بر این اگر در یک شیشه شکسته هیچ اثر واضحی از ورود ضربه مشاهده نکنیم ، می توانیم چنین نتیجه بگیریم که شکستگی مذکور یاشی از گرمای بیش از حد وارده به شیشه است .

نوع چهارم: شکستگی شیشه های ایمنی موتر:

در حال حاضر به طور معمول از دو نوع شیشه ایمنی در موتر استفاده میشود. شیشه فشرده بدون لایه و شیشه دارای لایه شاف.

در نوع اول ، به محص ورود ضربه حتی ضربه ناشی از پرتاب یک سنگریزه ، تمام سطح شیشه دچار شکستگی می شود وکل شیشه به صورت تکه های کوچک و ذرات برق به پایین میریزد بی آن که سدمه های بر راننده بزند. شکستگی این قبیل شیشه ها به صدای شدید همراه است و همانند صدای انفجار، راننده و راکبین دیگر را دچار وحشت میکند. توضیح این نقطه لازم است که این قسم شکستگی های شیشه، محلی برای تعیین خطوط فشار یا تعیین سمت ورود ضربه باقی نمی گذارد ؛ اگر شیشه ای جرد و ریزه نشده باشد ، اثر خطوط فشار طبق قاعده کلی که گفتیم باقی می مانند و از روی این اثر میتوان سمت ورود ضربه را تعیین کرد.

نوع دوم: شیشه ایمنی موتر ، دارای یک لایه شفاف از جنس پلاستیک وینیل است که بین دو لایه شیشه معمولی تعبیه شده است. لایه میانی میتواند به هنگام ورود ضربه بعد از خرد شدن و ریزش قطعات و ذرات شیشه شده ، راننده و راکب جلو را از صدمه ناشی از شکستگی شیشه حفظ کند.

شایان ذکر است که به توجه به ساختمان شیشه های امنی ، شکستگی های این قبیل شیشه ها، غالباً کامل نیست؛ بنا بر این ،به خطوط شعاعی و یا خطوط متحد المركز هیچ یک در چنین شکستگی مشاهده نمی شود و شکستگی ناقص این قبیل شیشه ها به ما امکان میدهد که سمت ورود ضربه را با مشاهده و نوع شکستگی تشخیص دهیم.

طرز تشخیص نوع شکستگی چنین است: اگر شکستگی های متحد المركز در یک سمت شیشه بدون آن که در همین سمت شکستگی های شعاعی وجود داشته باشد دیده شود ، مسلماً همین سمت ، محل و جهت ورود ضربه است ؛ بل عکس ، چنانچه در یک سمت شیشه شکسته فقط خطوط شعاع مشهود باشد و خطوط متحدالمركزی مشاهد نشود ،در چنین حالتی ،طرف دیگر شیشه محل ورود ضربه خواهد بود.1

1 جرم شناسی، ج 2 ،تالیف مهدی کینا،تهران سال 78،ص88

همچنان : برای مشخص کردن دقیق شکستگیهای هر یک از دو طرف شیشه ، کافی است یک وسیله نوک تیز و یا حتی ناخن را روی سطح شیشه یا شکستگی بکشیم.

طرق دیگر تعیین سمت ورود ضربه آن است که سطح صاف خط کش یا شیء مشابه آن در یک طرف سطح مقعر و در طرف دیگر سطح محدب ایجاد کند ، می توان حکم کرد که سطح مقعر معرف سمت ورود ضربه است.

نوع سوم: شکستگی شیشه بر اثر ضربه مرمی بررسی این نوع شکستگی ها میتواند پاسخ های زیر را به سوالات ما بدهد:

1- سمت ورود مرمی

2- تقدیم و تاخر ورود مرمی ها؛

3- زاویه برخورد مرمی با شیشه و مقدار فاصله از محل شلیک مرمی.

اهمیت پاسخهای مربوط نه تنها در نقش ارزش اثباتی خود آنهاست که در مقایسه با سایر ادله و کنترل صحت شهادت شهود و اظهارات متهم و شاکی و گزارش ماموران، واجد اهمیت بسیار است.

۱ - سمت ورود مرمی: دو سمت ورود و خروج مرمی یکسان نبوده و تفاوت های زیر در آنها دیده میشود:

الف) دهانه سمت ورودی مرمی نسبتاً صاف و دهانه سمت خروج مرمی نا هموار و ددانه دار است.
ب) دهانه سوراخ ورودی مرمی بسیار کوچکتر از دهان خروجی آن دهانه خروجی معمولاً تعلبکی شکل است.

ج) خطوط فشار (شکستگیهای شعاع شکل لبه شیشه شکسته) بر سمت اصابت مرمی عمود هستند.

۲ - تقدیم یا تاخر ورود مرمی: موقعی که دو یا چند مرمی اول بنابر عوامل مختلف و موثر در شکستگی، ممکن است بلند یا کوتاه باشند. این خطوط تا جایکه نیروی وارده امان می دهد ، بدون محدودیت پیش میروند تا متوقف شود، اما خطوط شعاع ناشی از مرمی بعدی به محص برخورد با شکستگی قبلی متوقف می شود. بر پایه این استدلال تجربی ، چنانچه شکستگیهای حاصل از یک مرمی به وسیله شکستگیهای دیگر متوقف شود، می توان به این نتیجه رسید که شکستگیهای اخیر بعداً ایجاد شده اند.

۳- زاویه بر خورد مرمی: مرمی ای به طور مایل و با زاویه تنگ بر شیشه ای اصابت کند، دایره خروجی ذرات شیشه شکسته ای است که مرمی به طور عمودی و با زاویه قائمه با شیشه برخورد کرده است. بعلاوه، شکستگی های ناشی از شلیک مرمی به زاویه مایل و تنگ بیشتر متمایل به سمت زاویه ورود مرمی است. شلیک های آزمایشی به شیشه های موضوع جنایت با سلاح و فشنگ اصلی میتواند حس تشخیص و تمیز زاویه ورود مرمی را در مأموریت تقویت کند.

مقدار فاصله از محل شلیک مرمی: شلیک مرمی به شیشه از فاصله بسیار دور و بسیار نزدیک، آثاری مشابهی بر جای می گذارد. مرمی ای که از فاصله دور شلیک می شود، به علت کم شدن سرعت و قدرت در موقع اصابت به شیشه، شکستگیهای مشابه شکستگیهای ناشی از شلیک مرمی با فاصله نزدیک نیز مشابه تیر اندازی از فاصله دور است و میتوان همان نتایج را به بار آورد با این تفاوت مهم که باقی مانده گرد و خاک شیشه، همراه با فشار گاز باروت و هوای متراکم داخل لوله سلاح، آثار مخصوص را روی شیشه بر جای میگذارند احیاناً تبلوری در حول سوراخ مرمی ایجاد میکند در شیشه شکستگیهای ناشی از اصابت جسم سنگین به شیشه، طرح شکستگی در طول و عرض به صورت شعاع دوایر متحدالمرکز است.

ز- بررسی آزمایشگاهی شیشه های شکسته: در محل نخست، شیشه شکسته از لحاظ مشخصات ظاهری، رنگ علامات و دیگر مشخصه ها ورود بررسی قرار می گیرد. قطعات شکسته شیشه به قسمت های باقی مانده شیشه موثر تطبیق داده می شوند و از این بطریق نشان داد که قطعات به شیشه شکسته موثر تعلق دارند، عملیات دیگر انجام نمی گیرد. یکی دیگر از فعالیت های آزمایشگاهی، آزمایشگاهی میکروسکوپی است و بعد از آن آزمایش فیزیکی و نوری برای تعیین ضریب انکسار بروی شیشه انجام می شود؛ زیرا ضریب انکسار نور از اشعه با طول موج های مختلف استفاده می شود. آزمایش تعیین وزن مخصوص از دیگر فعالیت های آزمایشگاهی است. در صورتی که دو قطعه شیشه مورد آزمایش از لحاظ جنس و شکل ظاهری با هم تطبیق کند، از یک منبع بودن آن دو قطعه جدا از هم، ثابت و مسلم است. اگر آزمایش تعیین ضریب انکسار نور بر روی یک شیشه معمولی و یک شیشه یا شناخته امحا شود و این ضریب در مورد هر دو نوع قطعه یکسان باشد، نمونه های جمع آوری شده آزمایش، مشابه محسوب شده، امکان تعلق آنها به یک منبع واحد را به وجود می آورد. به توجه به این که شیشه ها دارای ضریب انکسار مختلف هستند، گاهی نمی توان به طوری قطع یک قطعه شیشه را تنها و منحصرأً به یک منبع مخصوص نسبت داد؛ زیرا ممکن است دو شیشه متعلق به دو منبع مختلف، دارای ضرایب انکسار مساوی باشد. 1

کارشناسان آزمایشگاه اداره تشخیص هویت ایلینوئیز ایالات متحده را عقیده بر این است که آزمایش آنها تنها جنبه تطبیقی داشته، در بعضی موارد همراه به محدودیت های است؛ چنانکه، آزمایشگاه مذکور نمی تواند نوع شیشه تحویلی را مشخص کند مگر آنکه شیشه دارای خواص منحصر به فردی باشد و یا نمونه های مقایسه ای، به وسیله کارشناسان بررسی دلیل جمع آوری شده همگی برای تطبیق و مقایسه به اداره ارسال شده باشد. شیشه های که در ارتباط با دلایل جرمی باشد، باید در یک جعبه محکم بسته بندی گردد تا از شکستگی مجدد و از بین رفتن آنها جلوگیری شود. شیشه هایی که در مکان هایی جدا بدست می آید، باید در بسته های جدا فرا گیرد. برای مثال، در سرقتی شبانه که یک پنجره، محل ورود سارق می باشد، خرده شیشه هایی که در داخل منزل جمع آوری می شوند با خرد شیشه هایی که در داخل منزل کشف میشود باید به طور جدا گانه بسته بندی کرد. از سوی دیگر لازم است که مامورین تحقیق و متخصصین صحنه جرم، واکنش های را که شیشه ها نسبت به نیروی وارده نشان می دهد، بدانند اغلب آگاهی نسبت به این علم برای تعیین اینکه آیا جرم واقع شده یا نه و یا آیا اظهارات که توسط اشخاص در صحن جرم بیان میشود صحت دارد یا خیر، بسیار لازم ضروری است. مورد ذیل نشانگر این مسله است:

پولیس پس از این که به یک خانه مسکونی وارد شد صاحب خانه اظهار داشت در زمانی که در اتاق نشیمن ایستاده بود، به سخنان خود چنین ادامه داد که پس از شلیک مرمی خود را فوراً کف اتاق انداخته است و کشان کشان به سوی یک میز که اسلحه ای را داخل کشوی آن نگهداری می کرده است می رساند. همین هنگام در مین و سومین مرمی نیز تز خارج ساختمان به داخل اتاق فیر می شود. او کم کم از جای خود بلند می شود تا خارج پنجره را مشاهده نماید. شاکی ادامه داد هنگامی کسی را که فیرنمده بود بوضوح میدید متعاقب آن مرمی ای رابه سوی او فیر کرد. پس از تحقیقا مقدماتی مرتکب که در همان حوالی نزدیک زنده گی میکرد، از سول شاکی مورد شناسایی قرار گرفت. در هنگام دست گیری توسط پولیس او در منزل مسکونین خود در حال استراحت بود. مرتکب در اظهارات خود چنین بیان نمود از کنار منزل شاکی که قبلاً به وی کدورت داشته است، عبود می کرد که ناگهان سه مرمی از داخل منزل به سوی او شلیک شده و او در جواب یک مرمی به سوی اتاق شلیک نموده است... پولیس سوراخهایی را که توسط مرمی در سطح شیشه ایجاد شده بود، مورد بررسی قرار داد. 1

بررسی پیرامون این تصویر نشان میدهد که سوراخ A دیرتر از سوراخ B ایجاد شده است؛ چرا که شکستگی های شعاعی اطراف سوراخ B شکستگی های ایجاد شده در اطراف سوراخ A را متوقف ساخته. لکن مامورین تحقیق هیچ ارتباطی از بررسی در خصوص سوراخ های C و D کشف نکردند. توضیح آن پس از اسابت مرمی به سطح شیشه در محل خروج مرمی، یک شکل مخروطی به وجود می آید.

در مورد فوق الذکر سوراخ های A، B، C در محل خروج مرمی دارای شکل مخروطی مشابه بودند که این مسئله اشاره دارد که این مرمی از خارج ساختمان به داخل اتاق شلیک شده اند، سوراخ C شکل مخروطی خود را در خارج اتاق یعنی در سطح بیرونی پنجره تشکیل داده بود. این امر، نمایانگر شلیک شدن مرمی از داخل اتاق به بیرون بوده است.

بدین ترتیب این دلایل، اظهارات شاکی را به اثبات می رساند قبل از اینکه شیشه های شکسته پنجره و یا امثال هم جابجا و یا برداشته شدند، باید برای مشخص شدن جزئیات زیر مکان دقیق خرده شیشه ها از صحنه جرم عکس برداری نموده جا به جایی دلایل بجای مانده از جرم مکن است مامور تحقیق را در ارزیابی خرده های شیشه دچار اشتباه سازد و در نتیجه استنتاجات و یا متخصصین صحنه جرم را دگرگون کند.

این اصل عمومی را میتوان پیرامون شکستگی های شیشه موثر نیز بکار برد؛ مخصوصاً در زمان که وسیله نقلیه توسط مرتکب جرم از صحنه دور شده باشد. در این قبیل موارد مامور تحقیق باید توجه بیشتر نسبت به آنچه که ممکن است بین "زمان ارتکاب" و "زمانیکه او به صحنه جرم رسیده است" روی داده باشد نشان دهد. با این وصف یک سوال کلیدی که مامور تحقیق باید به بررسی کلیه دلایل جرم جوابی برای آنان پیدا کند، این است که آیا به غیر از مرتکب جرم کس دیگری مانند یک شاهد و یا قربانی وی کار کنان آمبولانس شفاخانه و یا حتی افسر پولیس، شرایط اختصاصی دلایل جرم را بنا به دلایل تغییر داده اند یا خیر؟¹

1 کریمینالستیک (نجیب امین) ج 2 ص 59 سال 1380

مطلب چهارم: رنگ مشهود در صحنه جرم به عنوان دلیل:

معمولاً رنگ جزء صفات اختصاصی طبق میباید؛ گرچه برخی او تا شرایط ایجاب میکند که رنگ جزء صفات اختصاصی منحصر بفرد نیز قرار گیرد. رنگ در یکی از سه حالت زیر مشاهد و بررسی میشود:

الف: قطعات کوچک رنگ خشک شده لکه های تازه رنگ:

یا در یکی از دو حالت فوق بر روی اشیایی که در ارتباط به دلایل مادی جرم میباید. رنگ و دلایل مادی مربوط به آن را میتوان از طریق شیمیایی، اسپیکتروگرافی، میکروسکوپی و با در نظر گرفتن متغیر های قابل توجه مانند میزان در خشندگی، ترکیبات شیمیایی و تعداد لایه های رنگ مورد بررسی قرار داد البته در برخی موارد رنگ ها مانند لاک الکل مصنوعی که در آن هیچ نوع ترکیبات فلزی نقش ندارد، برای شناسایی بسیار مشکل میباشند اما بررسی شیمیایی تحت شرایط مناسب میتواند نتایج سود مندی را به بار آورد. رنگ ممکن است در انواع جرایم نقش داشته باشد، ولی در جرایم مربوط به تصادفات وسایل نقلیه متواری و یا جرم هتک حرز جبری به قصد ارتکاب جرایم دیگر، از اهمیت بسزایی برخوردار میباشند.

دلایل مادی با ارزش در ارتباط به رنگ شامل نمونه هایی که چندین لایه رنگ آنها را پوشانده باشد و دیگر این که وقتی قطعات کوچک رنگ به دست می آید، احتمال جفت بودن قطعات آن با وسیله جرم بسیار زیاد میباید FBI. در این خصوص بایگانی های ملی رنگ خود را تشکیل داد که این بایگانیها شامل مجموعه از نمونه رنگ های مورد استفاده کارخانه جات سازنده موتر میباید که نشان دهنده ترکیب انواع رنگ و روغن اصلی موتر در زمان ساخت آن می باشد بنابراین رنگ بدست آمده از قربانی و به صحنه تصادفات ممکن است در مراحل تحقیقا مفید می باشد و راننده موتر متواری را در مدت کوتاهی گرفتار نماید.

نمونه های رنگ در محل ورود جرایم هتک حرز بعنف به قصد ارتکاب جرم دیگر باید دقیقاً جمع آوری شود؛ چرا که احتمال اینکه رنگ کنده شده به ابزار و یا بوت و یا لباس مظنون چسبیده باشد بسیار زیاد است. در هیچ مورد نباید ذرات و یا خرده ریزه های رنگ با چسپ زخم و یا روی ورقه های شیشه ای شبیه به آن جمع آوری گردد. زیرا استفاده از این وسایل موجب می شود که در آزمایشگاه جنایی تفکیک رنگ از این مواد با خساراتی عمده باشد. 1

1 محمد عمر بیرک زی، کریمینالستیک، ج 1 ص 60 سال 1387

قطعات رنگی را که در ارتباط با جرم هستند باید در پاکتهای مخصوص قرار داده و پاکت رانیز در لفاف های نرم گذارد تا خساراتی به آن وارد نشود. نمونه های رنگ از یک وسیله نقلی و یا محل ورود در جرایم هتک حرز بعنف به قصد ارتکاب جرمی دیگر باید با کندن سطوح چوبی و یا فلزی جمع آوری شوند. تراشیدن نمونه های رنگ به منظور تفکیک و جداسازی تقریباً بی فایده است و حتی ممکن است موجب از بین رفتن آن گردد. بنابراین این در مکانهای که دستیابی به نمونه های رنگ با مشکلات عدیده ای همراه میباشد بهتر است آن بخش از سطح که رنگ به آن چسبیده است، بریده و یا کنده شود. و نیز رنگ ها داری یک سلسله خصوصیات کلی و نتایج آزمایشگاه می باشد.

ب- خصوصیات کلی و نتایج آزمایشگاه:

رنگ از جمله دلایل است که معمولاً در جرایم علیه اشخاص و اموال به دستمی آید. رنگ دارای جنبه تزیینی یا محافظتی بوده، روی بسیاری از اشیایی که هر شخص در طول روز با آن تماس نزدیک دارد یافت شود. به دلیل این که اغلب، در هنگام ارتکاب جرم رنگ یک شیء دیگری منتقل می شود، رنگ را می توان به عنوان یک حلقه قوی در زنجیر دلایل و قراین و یا به منظور مقایسه جهت یافتن دلایل حاکی از تماس میان دو شیء مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. رنگ به عنوان دلیل در هنگام تحقیق می تواند به صورت ترشه یا به صورت پوسته و لکه های رنگی تر یا خشک گچی و یا به صورت دست نخورده روی یک شیء ظاهری شود. اگر رنگ بدرستی کشف، جمع آوری، نگهداری و یا معاینه شود می تواند در جرم بسیار مفید واقع شود.

بند اول: نتایج حاصل از بررسیهای آزمایشگاهی رنگ. بررسیهای آزمایشگاهی رنگ نتایج ذیل را نشان می دهد. تراشه یا پوسته های رنگی یا سطحی که به رنگ آن لطمه وارد شده پیوند مادی مشخص داشته، شاهد مادی بی عرضی محسوب می شوند. 1

1 منشأ ترشه ها یا پوسته های رنگی چندشیء است که همان لایه رابه همان ترتیب تراشه ها دارا می باشد.

2 دو نمونه رنگمشابح ممکن است که از یک منشأ واحد نباشند.

بند دوم: جمع آوری رنگ به عنوان دلیل:

پس از ارتکاب جرم باید بدن و لباس تال یا مقتول مورد معاینه و بررسی کامل قرار گیرد؛ چرا که رنگ کشف شده در صحنه جرم، در لباس یا بدن مجنی علیه و یا روی ابزار یا وسایل نقلیه دلیل دارای ارزش بسیار است؛ بنا براین لازم است که همه نمونه های بدست آمده جمع آوری و به اداره ارسال شود.

جمع آوری تراشه ها و پسته ها به عنوان دلیل. هر گاه رنگ به عنوان دلیل مکشوفه در صحنه جرم به صورت پوسته یا تراشه واحد و یا به پوسته یا ترشه های دارای رنگ های مختلف وجود داشته باشد، این تراشه ها و رنگها باید به دقت کامل از هم جدا شود و در داخل ظروف منحنی، به منظور جلوگیری از شکنندگی مفقود شدن قرار گیرند اگر چندین تراشه ها به طور جداگانه داخل ظرف جداگانه قرار گیرند تا بعد امکان پیدا شده آنها وجود داشته باشد. تراشه های رنگ هر گز نباید به وسیله چسب اسکاچ کنده شود زیرا این روش رنگ را تقریباً غیر قابل استفاده میکند. استفاده از کیسه ها پلاستیکی نیز به علت دشواری انتقال برای پژوهشگر ایجاد کار اضافی میکند.

لکه یا رنگ لمس نشده: اگر رنگ بصورت لکه بر روی ابزار، یا یک شیء کوچک باشد شیء مذکور باید بدون لمس شدن، برای انتقال به آزمایشگاه برداشته شود تا در آزمایشگاه به همان شکلی که روی شیء پیداه شده، مورد معاینه قرار گیرد.

جمع آوری نمونه های شناخته شده: نمونه های رنگ از روی وسیله نقلیه، ابزار، ساختمان و یا شیء موضوع ارتکاب جنایت، به طریق زیر قابل جمع آوری است:

۱ نمونه های رنگ باید در جعبه های پلاستیکی دارای در متحرک، پاکت های کاغذی (مخصوص جمع آوری ادله) بدون سطح چسبیده روی قوطی های قات شده کاغذی جمع آوری شود.

۲ اگر از جعبه پلاستیکی استفاده میشود، میتوان یک لبه فوقانی آن را به سطح رنگی تماس کرد. نمونه رنگ پوسته دار، باید بدون خراشیدن از سطح کنده شده جدا شود تا مستقیماً به هنگام استفاده از پاکت، یک لبه قسمت باز را میتوان به سطح رنگ تماس کرده نمونه رنگ پوسته دار را بودن خراشیدن جدا کرده در داخل پاکت گذاشت. 1

نوع سوم: ظرف جمع آوری رنگ، تکه های کاغذی است که به شکل جیب تا شده است. لبه کاغذ قات شده رامیتوان به سطح رنگ تماس کرده رنگ را مستقیماً درون جیب مذبور وارد کرد.

پس از نمونه برداری میتوان لبه جیب را تا کرده، با نوار بست. به هنگام حمل و نقل برای حفاظت از نمونه های رنگ، باید بسته مذبور را بک ظرف بزرگتر قرار داد. بسته به شرکت سازنده، گاهی قسمت های مختلف یک موتر، دارای رنگ های متفاوت است. اگر قسمتهای از بدنه موتر تعمیر شده اند، ویژگی های ظاهری و نیز زمانی که نمونه های رنگ گرفته میشود،

رنگ اصلی موتر را از نزدیک ترین قسمت تکه رنگ شده نمونه برداری کرد. اگر بیش از یک قسمت رنگ شده است، نمونه ها باید از هر کدام از قسمت ها برداشته شده و به طور جداگانه قرار داده شود. هنگام گرد آوری نمونه از مجلا کردن رنگ خودداری کند. پوسته های موجود نباشد، با وسیله به قسمت صدمه دیده ضربه وارد آورید تا رنگ جدا شود. سپس با جدا کردن رنگ از طریق انتقال پوسته های شل شده رنگ به داخل یک ظرف کار خود را ادامه دهید در جمع آوری نمونه های مورد نیاز اطمینان حاصل کنید که تمام لایه رنگ با فلز زیر آن به دست آمده باشد. از طریق جمع آوری یک نمونه رنگ ترک خورده معمولاً میتوان اطمینان حاصل کرد که کلیه لایه ها برداشته شده است. اگر موتر تعمیر شده باز هم امکان مطابقت دادن رنگ موتر مظنون با رنگی که در صحنه جرم پیدا شده وجود دارد. بنابراین هرگاه امکان چنین تطابق فزینی وجود داشته باشد، رنگ تمام قسمت های نزدیک به قسمت صدمه دیده را جدا کرده، صحنه تصادف را هم برای یافتن ذره های رنگ کاملاً جستجو کنید. در کلیه تصادفات رانندگی که مرتکب متواری شده، باید سر تا سر صحنه وقوع حادثه را به منظور یافتن ذره های رنگ جستجو کرد. هر گاه بخواهیم نمونه رنگ را از چیزی برداریم که دارای علامت است، باید طوری رنگ را از قسمت نزدیک به علامت برداریم که علامت مذبور به هیچ وجه آسیب نیبند. نمونه های رنگ نباید در یک تکه کاغذ معمولی و یا پاکت پستی معمولی بسته بندی شود. نمونه های رنگ که جهت بررسی از یک وسیله نقلیه برای آزمایشگاه برداشته می شود، باید به اطلاعات کامل مربوط به سال، نوع مدل، رنگ موتر و هر نوع اطلاعات دیگری دال بر تعمیری بودن احتمال آن همراه باشد. 1

ج- حفظ رنگ به هنگام حمل و نقل و بسته بندی:

همان طور که پیشتر گفتیم، آنچه که در جمع آوری رنگ به دست آمده باید در ظروف جدا گانه نگهداری شود. لازم نیست که هر تکه رنگ علامت گذاری کرد. اگر ظرف مخصوص جمع آوری نمونه های رنگ استفاده شود. گاهی دیده می شود که کارشناسان صحنه جرم هنگام استفاده از بسته های کاغذی قات شده، اغلب پس از جمع آوری نمونه هر کدام از بسته ها را علامت گذاری میکنند. این کار باعث میشود که به کاغذ محتوی نمونه ها فشار وارد آمده نمونه رنگ ها خورد و به تکه های کوچکتری تبدیل شوند. مساله مهم دیگری این است که باید دقت کرد در صورت نبودن نوار بسته بندی، طوری کاغذ های قات شده حمل و نقل شوند که نمونه ها گم نشود. بروی بسته های نمونه های رنگ باید علامت (شکستگی است، با احتیاط حمل شود) درج گردد. گرچه نمونه های رنگ معمولاً با تغییرات درجه حرارت و رطوبت کمتر تحت تاثیر قرار گیرند، لیکن باید باید از آلوده شدن آنها با تاثیر دلایل و چسپیدن آنها به ظرف مخصوص نگهداری، جلوگیری کرد. پارچه تر یا هر شیء تر دیگری که قرار است برای بررسی از نظر رنگ به آزمایشگاه ارسال شود، باید قبل از بسته بندی جهت حمل و نقل، در درجه حرارت معمولی یک اتاق خشک شود. به هنگام خشک کردن این اشیاء باید کاغذی زیر لباس و یا شیء در حال خشک شدن قرار گیرند تا ذره های رنگی که بر روی آن میفتد جمع آوری شود. کاغذ مذبور باید به دقت لوله شده، برای معاینه، با لباس مذبور به آزمایشگاه تحویل داده شود. اشیاء مختلف هر چند که با هم به دست آیند، باید به طوری جداگانه برای انتقال به آزمایشگاه بسته می شوند. وقتی قرار است ابزار یا اشیاء بزرگ دارای لکه رنگی بسته بندی شود، قسمت لکه دار باید به طور جداگانه بسته بندی گردد تا لکه مذبور به طور مضاعف حفظ شده، درحین بسته بندی و انتقال به این طرف و آن طرف حرکت نکند. بدین منظور میتوان یک کیسه نمیز یا یک تکه کاغذ تمیز را قبل از بسته بندی در ناحیه لکه دار قرار داد. 1

بند چهارم: اطلاعات متفرقه در مورد رنگ مورد استفاده به عنوان دلیل تجزیه و تحلیل رنگ. نمونه های رنگی که جهت مقایسه به آزمایشگاه تحویل داده می شوند بعداً مورد معاینه واقع می شوند تا مشخص شود که آیا شباهتهایی در خصوصیات مادی نمونه های مورد بررسی وجود دارد یا خیر. این خصوصیات عبارتند از:

1 داکتر ولی الله انصاری کشف علمی جرایم ج 3 ص 68 سال 1388

ماهیت خود رنگ، ضخامت لایه و بود و نبود رگه های فلزی، در بعضی از موارد، آزمایشهای لکه های شیمیایی مشخص شد، رد یکی از طبقه بندی ها قرار داده شود. پس از این مرحله نمونه های رنگ با الکترون میکروسکوپ که عناصر شیمیایی موجود در رنگ ها را تعیین میکند مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

بهره گرفتن از وسایل مذکور، کارشناس را قادر میسازد هر زمان که اهمیت موضوع اقتضا کند، به اطلاعات کامل جهت شناسایی رنگ و عناصر هر یک از لایه ها دسترسی داشته باشد.¹

بررسی نتایج:

از آنجا که در ساخت تمام رنگ ها یک دسته عناصر و ترکیبات خاص و مشابه به کار میرود، بدیهی است که بسیار از اشیا با رنگ های همراه باشد که ترکیبات یکسان دارند. به همین جهت، وقتی دو نمونه رنگ به یک دیگر مقایسه و تطبیق داده میشوند، متخصصان در اظهار نظر قطعی نسبت به مشابهت نمونه مشخص به نمونه مجهول و تشخیص وحدت منشاء آنها محدودیت دارند. هر گاه از نظر آزمایشگر میتوان چنین استنباط کرد که رنگ های مذکور احتمالاً از یک منشاء گاهی آزمایشگران جهت تعیین قطعی نوع و مدل ماشینی که پوسته رنگ آن موجود است فرا خوانده میشوند برای اینکه آنها بتوانند این اطلاعات را فراهم کند باید شرایط ذیل موجود باشد:

۱- پوسته رنگ به دست آمده باید رنگ پوشش اصلی باشد که به وسیله کارخانه تولید کننده بر روی ماشین به کار رفته است.

۲- بسته رنگ باید اندازه ای بزرگ باشد که برای مقایسه از جهت رنگ کافی بوده، لایه به نمونه ای را در بر داشته باشد.

۳- در یک نوع و مدل موتر باید رنگ ویژه مورد استفاده قرار گرفته شده باشد؛ چنانکه معمول است که کارخانجات تولید کننده موتر رنگ مشهودی را که سالها بر روی موتر دوام می آورد، به کار می بندند و با بررسی دقیق رنگها از لحاظ کیفیت، میتوان روی چندین موتر رنگهای یکسانی یافته آنها را با هم مقایسه کرد. ولی ممکن است صفا کاران و تولید کننده گان موتر از هر نوع ترکیب رنگی در هنگام رنگ کاری مجدد و تعمیر موتر استفاده کنند.²

1- دکتر ولی الله انصاری کشف علمی جرایم ج 3 ص 70 سال 1388
2- جرم شناسی و سیاست جنای، دوکتور اسماعیل نژاد ج 2 ص 69 سال 1380

مطلب پنجم : لکه ها و ذرات غیر حیاتی:

بند اول : تقسیمات :

این ذرات عبارت اند از خاک و گرد و غبار ،محتویات زیر ناخنهای دست ،سنگ و

گل و لای ،ذرات چوب ،لاک ،ونی ،اقسام رنگ ها و ذرات ریز.

الف) خاک و گرد و غبار: این ذرات ریز به ساده گی در هوا منتشر میشوند .ذرات گرد و خاک که در درز لباس ها ،اطراف مو ها ،زیر ناخنها ،زیر پاها ،کف پاها ،اطراف ،اطراف کفش ها ،روی سلاح ها و سایر ابزار و وسایل دستی و یا وسایل کار متهم به دست می آید ،میتواند اطلاعات مفید به ما بدهند که هم این اطلاعات عبارت اند از:

اثبات حضور متهم در جا های مخصوص و معین و یا مشخص کردن اعمال معینین در این محل ها. تجزیه ذرات گرد و خاک موجود بر روی لباس و بدن متهم امکان پذیر است. گاهی ذرات گرد و خاک با ذرات دیگر مخلوط ،آلوده ویا ترکیب میشود(مانند خاک اره ،مو ،پر ،نباتات ،مواد مخرد ،خون ،تکه های مغز ،مواد سمی ،مواد منفجره و...)که با تجزیه این ذرات مرکب اطلاعات دیگری برای تحقیقا جنایی فراهم می شود.تشخیص صحت و سقم ادعا یا اظهارات متهم. جمع آوری و تجزیه میکروسکوپی ذرات خاک و گرد و غبار و تعیین مواد ترکیبی آن در آزمایشگاهای پولیسی جنایی به وسیله کارشناسان با تجزیه امکان پذیر است. این اطلاعات میتواند به تشخیص درستی ویا ندرستی ادعا های افراد در مورد حضور ویا عدم حضور آنها در محلی خاص کمک کند .

ب) محتویات زیر ناخنهای دست: در بسیاری از موارد با بازرسی زیر ناخنهای متهمان و افراد مظنون به کمک میله های شیشه ای مخصوص و جمع آوری مواد زیر آنها در داخل لوله های آزمایشگاهی میتوان به نتایج سود مندی دست یافت؛زیرا ممکن است ذرات چون الیاف ،موها ،داروها و مواد شیمیایی (مواد مسمومیت)، بافتهایی از غشاء ذرات مخاطی آلت تناسلی زن (در مورد جرایم جنسی)،ذرات خون ،گوشت و پوست(قتل جرح) را زیر ناخنهای اشخاص مظنون یا متهم به ارتکاب جرایم کشف کرد .1

1 داکتر مهرزاد کیانی پزشک قانونی ج 3 ص 20 سال 1384

ج) ذرات چوب: در مورد که به علت ارتکاب جرمی تکه ای از چوب در پنجره، میز، روک، چوکی، قاب عکس، تابلو نقاشی، چوب های تزئینی و... شکسته میشوند، گاه ذرات از این چوب ها در لباس ها مکتب، در ابزار و وسایل که او به کار برده و یا حتی زیر ناخنهای او باقی میماند. جمع آوری و بررسی آزمایشگاهی این قبیل ذرات میتواند نوع چوب، نوع درخت و محل آنها را مشخص کند. چنانکه در یک مورد ادعا شده بود ذرات چوب کشف شده متعلق به درخت آلبالو است به آزمایشات میکروسکوپی معلوم است که این ذرات بر خلاف ادعای متهم متعلق به درخت ناجو است و همین موضوع طی تحقیقات باعث کشف جنایت شد.¹

در مورد دیگری، از شکاف چاقوی جیبی یک سلمانی که مظنون به قتل زن خود بود مقدار ذرات چوب به دست آمد و در نتیجه آزمایشات دقیق معلوم شد که این ذرات مربوط به دسته چکش منزل اوست. تحقیقا مشخص کرد که مرد سلمانی با چکش زن خود را کشته و با آن چاقو آثار خونی را که در دسته چکش بوده، تراشیده است. بنا بر این همین ذرات کوچک و ریز چوب باعث اثبات جرم و محکومیت متهم شد.

د) سایر ذرات:

ذرات سنگ در مرمی. در یک دوسیه، مرد متهم به قتل مرد دیگری شده بود. متهم در باز جویی منکر قتل بود و ادعا می کرد به طرف زمین تیر اندازی کرده و تیر کمان کرده و مقتول اصابت نموده است. آزمایشات میکروسکوپی مرمی، صحت ادعای وی را ثابت کرد، زیرا یک تکه سنگ کوچک در بدنه مرمی جای گرفته و در آنجا باقی مانده بود.

ذرات ریز: خرد شدن جمجه سر به وسیله سنگ، تبر، چاقو، اسلحه، و مواد دیگر ممکن است باعث شود که ذراتی از مغز در محل وقوع جرم یا اطراف آن و یا محل دورتری که هیچ گونه ظنی بدان نمی رود دید شود. تکه های مغز به سهولت به مواد دیگر قابل اشتباه است، لذا امتحان مقدماتی باید به ذره بینهایی قوی به عمل آید.

مغز از دو نوع ماده جدا گانه سفید و خاکستری تشکیل شده است. قسمت سفید مغز در کشف جنایت اهمیت چندان ندارد، ولی قسمت خاکستری که همان کور تکس یا نمای خارجی مغز است از لحاظ پولیس علمی مهم است. رنگ قسمت خاکستری ممکن است بهر رنگ های دیگر چون زرد، سرخ، آبی و گاهی قهویی تند باشد.²

1 داکتر مهرزاد کیانی پزشک قانونی ج 5 ص 16 سال 1385
2 جرم شناسی متفکر، ترجمه ایوب اسلامیان، احسان صادقی، تهران، ج 1 ص 99 سال 1381

ه (اقسام رنگها: در موقع ارتکاب جرم ممکن است متهم یا مقتول با در پنجره، پرده و یا دیوار تازه رنگ شده تماس پیدا کند و اعضای بدن یا لباس وی به رنگ مذکور آلوده شود یا ابزار یا وسایل مجرمانه ای که در محل جنایت به کار میبرد آغشته به رنگ شود. تجزیه و امتحان رنگ به کمک میکروسکوپ و یا اسپیکتروگرافی می تواند نوع رنگ ها، ذرات کوچک رنگ و مواد آلوده به رنگ را مشخص کرده، ضریب احتمال کشف جرم را بالا ببرد. 1

همچنین تشخیص نوع وسیله نقلیه یا هر وسیله ای که رنگ بر آن زده میشود از روی رنگ جدا شده (اجزا و ذرات کوچک فاسفری شکل) و پیدا شده در محل وقوع جرم یا نزد متهم امکان پذیر است. برای این منظور در ادارات پولیس آرشیف از رنگ های موتر های مختلف که بر حسب سال تولید چیده شده اند وجود دارد.

در جرایم مربوط به تصادفات رانندگی و یا جرایم که در آنها از موتر یا موترسایکل استفاده شده و مرتکبان متوری شده اند میتوان به کشف رنگ به نتایجی دست یافت

مطلب ششم: دلایل مادی مربوط به سلاح:

دلایل مربوط به سلاح یکی از متداولترین دلایل است که مامورین تحقیق صحنه های جرمی آنم رو بر رو می شوند. از انواع سلاح ها و دلایل مربوط به آن، میتوان از رولور، پیستول، تفنگ های لوله بلند، تفنگ های شکاری دوميله، فشنگ، فشنگ های عمل نکرده، انواع مرمی، پوکه، بقایای باروت جعبه خزانه شانه فشنگ، ساچمه های مرمی و نمد فشنگ رانام برد. مامورین تحقیق به منظور پاسخگویی و برخی سوالات مطروحه باید به سلاح های مختلف آشنایی کامل داشته باشند. سوالات نظیر این که آیا سلاح به دست آمده از نوع رولور می باشد یا پیستول؟ سلاح به چه صورتی تیر اندزی می کند (به صورت تک تیر، تغذیه لوله ای نیمه خودکار، یاداری توپ چرخشی) سلاح گنجایش چقدر فشنگ دارد چگونه پوکه ها پس از تیر اندزی به چه صورتی باشد آیا سلاح دارای خشاب بوده و یا به وسیله جعبه خزانه و یا شانه تغذیه می شده است؟ آیا عمل طور آن سشلاح روفشنگ، از ریم فیر است یا سنتر فیر کالیبر سلاح مکشوفه شلیک شده است یا خیر و اگر شلیک صورت گرفته، گردش مرمی به کدام سمت چپ یا راست) بوده است؟ 2

1 انصاری، همان اثر، ج 3 ص 284. 288
2 ترجمه نجابتی شفیعی ج 1 ص 225. 227

همان گونه در مورد خون و دیگر دلایل جرم مطرح گردیده، از بررسی و آزمایش دلایل مربوط به سلاح نیز میتوان به نتایج سودمندی دست یافت. در این قسمت سعی شده تا پاسخ گویی به سوالات بالا بتواند راه گشای تحقیقات مامورین تحقیق باشد:

آیا مرمی از یک سلاح ویژه شلیک شده است؟

با این توضیحات در ابتدا باید بدانم کالیبر چیست و ویژه گیهای داخل اسلحه چه آثاری در سطح مرمی بجای میگذارد.

کالیبر اصطلاحی است که برای نشان دادن قطر داخلی لوله اسلحه به کار میرود. در داخل لوله سلاح های خانه دار میتوان به اندازه گیری دو برجسته گی و یا لبه های بر آمده مقابل هم، اندازه دقیق را به دست آورد. به همین دلیل وقتی مرمی داخل لوله عبور می کند بزرگتر از قطر داخلی لوله میباشد. به همین دلیل وقتی مرمی داخل لوله عبور می کند کاملاً به خانه ها تماس شده و این عمل باعث چرخش مرمی در جهت گردش خانه ها میشود ضمناً این حرکت، موجب ایجاد شیارها ها مجرا یکدیگر روی مرمی میگردد. به علاوه در سلاح های رولوری که به علل معیوب بودن، لوله و مرمی موجود در این سلاح ها، در یک ردیف قرار ندارد روی مرمی ای شلیک شده اثر عمودی بر جا میماند. به منظور تعیین اینکه آیا مرمی ای یک سلاح معینی شلیک شده یا خیر، لازم است که مرمی مکشوفه در صحنه ای جرم به مرمی ای که با سلاح مظنون به طور آزمایشی شلیک شده است، مورد مقایسه قرار گیرد. با توجه به قاعده فوق احتمال میرود که بدین وسیله با تطبیق شرایط مرمی مکشوفه و شرایط فنی که اسلحه در زمان شلیک داشته است شناسایی قطعی صورت گیرد.

به بررسی یک مرمی به چه نتایج میتوان دست یافت؟ با بررسی یک مرمی شلیک شده میتوان صفات اختصاصی طبقه اسلحه را که مرمی از آن شلیک شده با توجه به تعداد خانه ها کالیبر، عمق و عرض آن معین کرد. صفات اختصاصی طبقه یک اسلحه گرم مشخصات فنی طراهی شده ای میباشد که در این نوع سلاح ها به طور یکسان ایجاد شده اند.

سلاح هایی که یک نوع ساخت و مدل هستند، دارای صفات اختصاصی طبقه مشابهی میباشند. برای دست یابی به صفات اختصاصی منحصر به فرد یک سلاح، باید سطح مرمی مکشوفه در صحنه جرم را بررسی نمود تا وضعیت داخلی لوله اسلحه تعیین شود. و بررسی یک مرمی شلیک شده میوان نوع اسلحه و این که آیا مرمی فشننگ از جنس سخت است یا نرم همچنین شیب و جهت چرخیدن مرمی در داخل لوله اسلحه را معین نمود به علاوه اگر مرمی شلیک شده به صورت کامل به دست آید از طریق وزن و اندازه مرمی میتوان کالیبر آن را تعیین نمود. 1

اگر تعیین کالیبر یک مرمی امکان پذیر است، در این خصوص باید برخی احتیاطات لازم در تعیین قطر داخلی لوله رعایت گردد؛ چرا که امکان دارد مرمی ای با کالیبر کوچک با اسلحه ای با قطر داخلی لوله بزرگتر شلیک شده باشد.

معمولاً در سطح مرمی های مرمی شلیک شده، به دلیل اسابت آنها با احسام، صدماتی مشاهده می شود. همچنین در برخی اوتا احتمال می رود که آثار الیاف پارچه را روی بر آمده گی مرمی مشاهده گردد. این آثار در نتیجه عبور مرمی از لباس قربانی پدیده آمده اند. در این گونه موقع ممکن است آثار از خون، بافته های بدن، استخوان و یا موارد از این قبیل را نیز روی مرمی مشاهده کرد. مامور تحقیق باید توجه داشته باشد که این دلیل از بین نرود و یا موجب تغیر آن نشود. در موقع که مرمی از بدن شخص و یا بدن قربانی به دست می آید، مامور تحقیق باید دبانند که کارکنان شفاخانه ممکن است خسارات جبران ناپذیری به دلایل جرم به دست آمده، وارد سازند. به عبارت دیگر آنان ممکن است با بی دقتی و با استفاده از ابزار آلاتی همچون انبر جراحی و یا مانند آن در هنگام برداشتن مرمی از بدن قربانی موجب از بین رفتن دلایل جرم شوند. باید توجه داشت که در برخی موقع نمی توان به طور قطعی تشخیص داد که آیا مرمی از یک اسلحه مخصوص به ویژه شلیک شده یا خیر؟ با وجود این در مورد نادری که در ارتکاب جرم سلاحهای بدون خان مورد استفاده قرار گیرند، احتمال شناسایی منحصر به فردای روی نا همواری های ریزی که در قسمت داخلی لوله وجود دارد، امکان پذیر میباشد.

با بررسی پکه مرمی شلیک شده به چه نتایج میتوان دست یافت؟ در موقعی که بر اثر وجود خان در درون لوله موجب نقش بستن آثار در سطح مرمی شلیک شده می شود پوکه فشنگ نیز به وسیله چندین قسمت اسلحه در هنگام خشاب گذاری، شلیک کردن و جدا شدن مرمی، آثاری ایجاد میگردد. همچنین هنگامی که سوزان آتش به ته پکه فشنگ ضربه می زند، اثر آن باقی می ماند از سوی دیگر پس از اینکه سوزان آتش به چاشنی ضربه می زند. گاز های قابل اشتغال داخل پکه ازدیاد حجم پیدامی کند که در اثر تجمع گاز ها و انفجار آن، فشار هایی به دیواره و انتهای پوکه وارد می آید. این عمل موجب می شود که در سطح پوکه فرورفتگی های مشخصی به وجود آید. از موارد دیگری که پوکه را تحت تاثیر قرار می دهد، میتوان از پیشانی جنگی و جعبه خزانه نام برد و هر کدام از آنها اثر خاص روی آن دارند. همچنین در سلاحهای خودکار و نیمه خود کار، آثار فشنگ کش و پوکه پران را نیز می توان روی پوکه به دست آورد بعلاوه در پیستوله های نیمه خود کار، پوکه فشنگ به وسیله جعبه خزانه تحت تاثیر قرار می گیرد. 1

آثار دیگری ممکن است روی پوکه فشنگ موجود آید، ناشی از شیوه مخصوص عمل سلاح می باشد. با بررسی دلایل مادی مربوط به سلاح به چه نتایجی میتوان دست یافت؟ اگر مامورین تحقیق در صحنه جرم سلاحی را کشف کنند، در ابتدا باید مشخصات میکانیکی عمومی آن را مورد بررسی قرار دهند که بر این اساس صحت و سقم گفتار مظنون را که ادعا می کند سلاح بطور تصادفی شلیک کرده است مشخص می گردد. برای مثال، اگر کشیده شدن ماشه اسلحه مربوط به فیر دوم چخماق که مانند فنر گلکندن عمل می کند می باشد، در این موارد فقط لازم است فشار مختصری روی ماشه وارد آورد تا از این طریق مطمئن شد که عمل تیر اندازی بصورت تصادفی بوده یا خیر. با بررسی های آزمایشگاهی میتوان با چکانیدن چخماق اسلحه صحت و سقم تصادفی بودن شلیک اسلحه را تشخیص داد.

نزدیکی اسلحه به قربانی در هنگام تیر اندازی موجب نشستن مقادیری باروت روی لباس متوفی می گردد که این عمل زمانی اتفاق می افتد که اسلحه تقریباً در حدود ۲۴ اینچ لباس قربانی قرار گرفته باشد. تعیین نمودن این مسافت عامل مهمی است که بر اساس آن میتوان تعیین نمود.

که آیا تیر اندازی در نتیجه خود کشتی بوده و یا جنایت از سوی آزمایشگاه لباس متوفی مورد بررسی قرار گیرد. تعیین نمودن این مسافت عامل مهمی است که بر اساس آن میتوان تعیین نمود که آیا تیر اندازی در نتیجه خود کشتی بوده و یا جنایت از سوی آزمایشگاه لباس متوفی مورد بررسی قرار گیرد. با دستیابی به مقاریر ذرات باروتی که در لوله اسلحه وجود دارد این امکان بوجود دارد این امکان بوجود می آید که متخصصین بتوانند بر اساس آن تعیین نماید مرمی در چه زمانی شلیک شده است. معمولاً این مورد رافقط می توان اخیراً و یا خیلی وقت پیش نشان داد که عبارت اخیر از چندین هفته تا چندین هفته تا چندین سال معنی می دهد. 1

الف - جمع آوری دلایل مربوط به سلاح:

قاعده کلی در خصوص جابجای سلاحها در صحنه های جرم بدین صورت است که این سلاحها راتا زمانی که از آنها عکس برداری شده و همچنین در کروکی صحنه جرم مشخص نگردیده، نباید برداشت و یا حرکت داد. همچنانکه در مورد بسیاری از قواعد مربوط به تحقیقات جنایی ذکر گردیده، چندین استثنا بر این قاعده وجود دارد. 2

1 داکتر محمد ادیب پزشک قانونی ج 3 ص 67
2 مبانی جرم شناسی، ج 1 ص 50 تألیف مهدی کینا، تهران

اول: زمانی که اسلحه در خارج از اتاق و در هوای آزاد کشف گردد، اگر احتمال می‌رود که هوا طوفانی شد و سبب آن ممکن است آثار انگشت پنهانی روی اسلحه از بین رود، فوراً باید اسلحه را از آنجا به یک منطقه حفاظت شده منتقل نمود.

دوم: در صحنه های قتل و حملات شدید که احساسات مرتکب جرم طغیان می کند این خطر وجود دارد که وی دچار اختلالات هیجانی شده، به طور ناگهانی اسلحه را برداشته و به قسمت دیگر از صحنه جرم فیر نماید. 1

سوم: در زمانی که برای حفاظت امنیت جانی خود و دیگران لازم است برخی از نقاط ایمنی را بکار ببریم. به عنوان مثال زمانی که ماور تحقیق مجبور میشود اسلحه را دلیل نقص فنی از حالت مسلح به حالت ضامن در آورد. معمولاً اولین مسئله ای که مامور تحقیق باید مد نظر قرار دهد، وجود آثار انگشتان روی اسلحه می باشد. مامور تحقیق باید اسلحه را با دقت هر چه تمام از زمین بلند نماید. به دلیل خطرات که در هنگام برداشتن اسلحه روی زمین وجود دارد مامور تحقیق باید نهایت دقت را در این مورد بکار ببرد؛ چرا که هرگونه بی احتیاطی ممکن است همواره مامور تحقیق را به خطرات چون شلیک شهوه در اثر فشار انگشت روی ماشه روبرو سازد. در هیچ مورد نباید برای بلند کردن اسلحه قلم و یا اشیای مانند آن را داخل لوله فرو کرد. 2

این عمل موجب آسیب رساندن به دلیل احتمالی (مانند نسوج، خون، مو، آثار دیگری از این قبیل) که ممکن است درون لوله اسلحه وجود داشته باشد، میگردد. همچنین این عمل موجب آلودگی لوله اسلحه شده و بعد ها برای متخصصین آزمایشگاه مشکلات را به وجود می آورد. روش خاصی که در این خصوص برای داشتن سلاح های دستی (البته در زمانیکه فشننگ نداشته باشد) پیشنهاد میگردد این است باید اسلحه را با استفاده از حلقه فلزی که دور حافظ ماشه قرار گرفته، درون یک جعبه کوچک آویزان نمود. همچنانکه در خصوص مرمی هم اشاره شد پوکه ها و موارد از این قبیل را نیز که در مکانهای جدا به دست می آید باید جداگانه بسته بندی کرد باید توجه داشت که از گذراندن اسلحه در جیب کرتی یا پتلون برای این که بعد ها آن را دروان پاکت مخصوص قرار داده، شدیداً اجتناب گردد. 3

1 داکتر محمد ادیب پزشک قانونی، ص 39 ج 2

2 جرم شناسی کار بردی، محمد علی حاجی ده آبادی پژوهش گاه بین المللی المصطفی، ص 88 ج 1

3 جرم شناسی علی رضا درویش ص 25 ج 2

ب - علامت گذاری مربوط به سلاح:

برخی از مامورین تحقیق و یا متخصصین صحنه جرم در خصوص علامت گذاری روی مرمی توسعه می‌کند که این عمل در قسمت برآمده گی مرمی انجام می‌گیرد. لکن این عمل موقتاً نهی می‌شود؛ چرا که علامت گذاری در قسمت برآمده گی مرمی آثار مدرک جرم را در سطح آناز بین برده و موجب می‌شود که دلایل چون خون، موالیاف، نسوج، رنگ و یا موارد از این قبیل که ممکن است از نظر دلایل جرم از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار باشد، از محل خود جدا شود و بدین ترتیب آسیب جبران ناپذیری به دلیل جرم وارد آورند. محل ویژه برای علامت گذاری مرمی قسمت انتهایی آن می‌باشد. اگر مرمی بر اثر تیر اندازی به قطعات کوچک تبدیل شده است، پس از جمع آوری در یک پارچه پنبه ای پیچیده و پس از قرار دادن آن درون یک جعبه کوچک، با نوار مخصوص لاک و مهر نمود. همچنین میتوان روی نوار، اطلاعات مقتضی در خصوص مرمی را یادداشت نمود. توصیه می‌شود که برای علامت گذاری پوکه فشنگ، داخل دهنه آن مورد استفاده قرار می‌گیرد اگر وسایل لازم در جهت تحقق این امر وجود ندارد و یا مرمی، کالیبر کوچک مانند ۲۲ یا ۲۵ عنوان شد انجام گیرد. علامت گذاری آن به طریقه که در بالا در خصوص مرمی های تخریب شده عنوان شد انجام گیرد. علامت گذاری روی تفنگ ها باید در قسمت های ثابت سلاح انجام شود مانند اسلحه های خودکار و نیمه خودکار که علامت گذاری باید روی بدنه آنها باشد.

همچنین می‌توان علامت گذاری را روی شانه فشنگ یا خشاب نیز انجام داد. که سلاح علامت‌گذاری می‌شود، باید توجه نمود که لطمه ای به شکل ظاهری آن وارد نیاید. قسمتهای ثابت که میتوان روی این علامت گذاری نمود، عبارتند از قسمت اطراف توپی اسلحه رولور در زمانی که توپی آیرا باز می‌کنیم، روی خشاب سلاحها pump-action قسمت زیر قاب خشاب و قسمت داخلی قبضه پیستوله‌های نیمه خود کار. روش خاص علامت‌گذاری فشنگهای یک رولور شرح داده شده است. 1

مبحث چهارم : کشف جرایم بوسیله آثار و بقایای انسانی

مطلب اول : نقش آثار پل پا و عراده جات:

یکی از جمله با ارزشترین آثار، آثار پل پا است که مجروح در صحنه های جنایی از خود بجا میگذارد. دانشمندان پل شناسی از روی آثار پل پاها حالت روانی، طول قد و رفتار در روشنی و یا تاریکی، رفتار در حال حمل وزن و یا بدون وزن، رفتار ستر و اخفا، رفتار در حالت به عقب نگرستن، یا در اسنای رفتار با کس ملاتا کردن، داشتن مریضی در پاها و غیره خصوصیات یک رونده را از روی پل پاها خوب تشخیص میکنند.

الف اشکال تل پاپوش ها:

در تل های پاپوش هر کمپنی، رده ها، خطوط، نقوش نمبر پاپوش و یا بعضی آن اسم فابریکه را هم قالب ریخته و در برخی از کشور های که اتباع آن در فقر و ناداری در سر می برند روی تلی یا پاپوش های چرمی میخ های ضخیم آهنی، گزدمک و تل میزنند تا تلی های پاپوش در روی زمین زود ساییده نشود از جانبی بعضی اشخص در وقت پل گذاشتن بر روی زمین نوک پنجه، کری پاپوش یا یکی از دو طرف چپ و راست پاپوش را به فشار بر روی زمین کشانیده که این نقطه تماس تلی یا پاپوش ساییده میگردد، هر یکی از این تغییرات که در تلی پاپوش رخ می دهد یک وصف جدید را به نقش پل پا میدهد که از نظر پل شناسی برای ثبوت قضیه در صورتیکه پل صحنه با پل متهم و شخص مظنون تطبیق شود برای شناسایی مجرم و اثبات قضیه یکی از ادله مثبت غیر قابل انکار محسوب می گردد. 1

ب- شناخت خصوصیات یک عابر از روی پل پا:

پل شناسان با دریافت پل های پا در صحنه های جنایی به سوالات ذیل پاسخ می دهد.

- ۱- از روی پل پا میتوان تشخیص داد که پا پوش چند نمره است.
- ۲- پل پا از کجا آمده؟ و به کجا رفته؟ و طول کدام فاصله را تعیین کرده است؟
- ۳- از طول قدم میتوان قد راه رو را دانست، یعنی هر قدر قدم وسیع است به همان تناسب قد رونده بلند است، جزاز بعضی حالات استثنایی که در بعضی امراض، مریض قدم های وسیعتر می گذارد.
- ۴- از روی پل، رفتار عادی، رفتار تیز و رفتار دوش را میتوان تثبیت نمود.

1 قاموس اصطلاحات حقوقی ج 1 ص 55 اول سال 1387

۵- رونده در اثنای رفتار گاهی به طرف عقب نگاه کرده و روی خود را به طرف عقب گشانده است.

۶- از روی پل میتوان تشخیص نمود که عابر بارب را با خود حمل نموده است.

۷- رونده، کراچی دستی را به طرف پیشرو تپله کرده است.

۸- از روی پل میتوان گفت که رونده در جلو کراچی قرار دارد و آن را عقب خود گشانیده است.

۹- از روی پل میتوان گفت رونده در اثنای روشنی راه راپیموده و یا اینکه در تاریکه راه رفته است.

۱۰- رونده راه مستقیم را پیموده و یا اینکه در اثنای رفتار از سترواخفا استفاده نموده است.

۱۱- از روی پل میتوان تشخیص نمود که یک ویا هر دو پای آن تکلیف مریضی دارد.

۱۲- بعضی اشخاص به یک طرف پا فشار زیاد وارد می کنند و اکثراً همان طرف تلی بوت ساییده می گردد و هم بروی زمین آن حصه را میکشاند.

ج- انواع آثار پا:

• آثار پا (کفش) روی سطوح نرم و شکل پذیر و خمیری مانند خاک نرم، ریگ و گل، برف و غیره در این قبیل موارد، ابتدا باید از اثر عکس گرفته شود و پس از خشک شدن اثر و اسپری زدن محلول لاک روی آن، بر حسب مورد با یکی از مواد قالب گیری همانند گچ مخصوص قالب تهیه گیری، پا رفتن جامد (پس از نوب کردن) گوگرد مذاب، موم و غیره از آن قالب تهیه گردد تا بعداً با آثاری پای (کفش) شخص مظنون مقایسه شود. معمولاً برای تهیه قالب آثار پا (کفش) روی خاک نرم و گل و امثال آنها گچ مخصوص قالب گیری و برای آثار پا (کفش) روی برف از گوگرد مذاب استفاده میشود.

• آثار پا (کفش) روی سطوح سخت همانند میز، چوکی، سنگ فرش، و امثال آنها که معمولاً در اثر گرد و خاک یا گل کف گرفتن و احیاناً خون روی این قبیل سطوح ایجاد میشود و باید از آنها عکس گرفت و سپس با آثار (کفش) شخص مظنون مقایسه کرد.

• آثار پای با جوراب که ممکن است در اثر گرد و خاک یا خون چسبیده به کف جوراب بوجود آید. در این قبیل موثره نیز، عکس تهیه و با آثار پای با جوراب مظنون مقایسه میگردد. 1 در اینگونه آثار، نوع بافت جوراب و احیاناً پارگی وصله آن میتواند کمک موثری به تشخیص هویت صاحب آن بماند.

د) آثار پای برهنه. چون کف پا مانند کف دست درای خطوط برجسته پوستی است چنانچه آثار این قبیل خطوط در صحنه جرم به جای بماند باید آنها را مانند آنچه در مورد آثاری نامرئی انگشت گفته شد، ظاهر و ضبط کرد.

نکته اول: باید توجه داشت که معمولاً آثار پا (کفش) قدر از اندازه واقعی پای (کفش) مربوط بزرگتر به نظر می رسد که امری طبیعی است. در مقایسه آثار پا با کفش مظنون بیشتر باید به ویژگی های فردی کف کفش، با آثار مشهود در قالب یا عکس از قبیل ساییدگی، پارگی کف کفش و سایر علایم اختصاصی توجه کرد و تنها اختلاف جزئی اندازه را نمیتوان به عنوان اختلاف واقعی کفش و اثر تلفی نمود.

نکته دوم: در مواقع ضروری، از اثر لاستیک موتو و موتورسایکل روی زمین نیز مانند کفش عکس برداری شده عندالاقضاء قالب گیری به عمل می آید تا بعداً بتوان بالاستیک موتو یا موتورسایکل مظنون مقایسه کرد.

نکته سوم: بعضاً از مقایسه نمونه خاک گل چسبیده به کفش مظنون با خاک و گلاژ پا (کفش) به جای مانده در محل وقوع جرم به کمک اشعه x، میتوان پی برد که اثر پای به جای مانده میتواند مربوط به کفش مظنون باشد یا خیر. بدیهی است از مقایسه گل ولای به جای مانده بالای لاستیک موتو و موتورسایکل و مقایسه با جنس گل و لای محل وقوع جرم نیز میتوان نتیجه مشابهی گرفت.

وقوع جرم نیز میتوان نتیجه مشابهی گرفت. 1

ه- خط استقامت، سمت رفتار، طول قدم و زاویه قدم:

۱: **خط استقامت:** عبارت از یک جهتی فرضی است که بین نقطه حرکت و انجام رفتار ترمیم میگردد.

۲: **سمت رفتار:** عبارت از جهتی است که رونده به آن طرف میرود.

۳: طول قدم: عبارت از فاصله است که مرکز دو کروی رونده راباهم وصل میکند، از روی فاصله قدم، رفتار عادی، رفتار آهسته، رفتار تیز و رفتار دویدن بخوبی معلوم میگردد. همچنان از روی طول قدم میتوان طول قدم رونده را هم تشخیص نمود، و از روی طول قدم میتوان طرز رفتار اشخاصی را که تکلیف مریضی در یک پوآیادر هر دوپا دارند تثبیت نمود.

در رفتار آهسته طول قدم اشخاص که قد متوسط دارند در حدود ۴۱ سانتی متر تخمین شده. در رفتار عادی طول قدم اشخاص که قد متوسط دارد در حدود ۵۰ سانتی متر اندازه گیری شده. قدم های تیز بین ۷۰ تا ۸۰ سانتی متر اندازه گردیده. قدم های تیز که از ۸۵ سانتی متر و ۹۰ سانتی متر تجاوز کند رفتار دوش را نشان میدهد.

4: زاویه قدم: اگر یک خط محوری جهت پا از نوک پنجه به طرف کروی پا امتداد داده شود تا خط فرض استقامت را قطع کند، زاویه که از انقطاع دوخط مذکور تشکیل میشود زاویه قدم است. در رفتار عادی زاویه قدم بین ۳۰ تا ۳۲ درجه است در حالات رفتار های متفاوت این زاویه هم در حال تغیر است. ولی اگر شخص به یک رفتار عادی راه میرود این زاویه تغیر نمیکند.

۵: تفاوت رفتار: معمولاً اشخاص به سه شکل ذیل راه میروند.

الف: مرکز کروی بوت بالای خط فرضی استقامت:

در صورتیکه مرکز کروی بوت رونده بالای خط فرضی استقامت قرار گیرد در این صورت خط طول قدم بالای خط استقامت فرضی منطبق میگردد، در این حالت از لحاظ رفتار و کرکتر رونده خوب و توصیف گردیده، و فاصله ای راکه یک رونده طی میکند از نظر رفتار و مقدار انرژی که ضایع نموده مساوی به فاصله است که راه رو آنرا طی میکند، طور مثال اگر طول قدم ۶۰ سانتی متر باشد رونده یک هزار قدم راه برود در حقیقت رونده ۶۰۰۰۰ سانتی متر فاصله را پیموده است و انرژی را که برای شصت هزار سانتی متر ضایع به همان تناسب فاصله ۶۰۰۰۰ سانتی متر راه را پیموده است.

ب: مرکز کروی بوت بالای خط فرضیتی استقامت:

در این حالت پل های رونده از خط فرضیتی استقامت دورتر موقعیت دارد، از لحاظ رفتار و کرکتر شناسی این طرز رفتار را غیر نورمال توصیف میکند.

ما در اینجا از لحاظ روانی رونده صحبت نمی‌کنیم، مگر فاصله را که رونده طی نموده توسط یک مثال وضاحت می‌دهیم. اگر طول قدم یک رونده ۶۰ سانتی متر باشد در این صورت خط طول قدم بالای خط فرضی استقامت منطبق نمی‌گردد. از جانی مقدار انرژی را که در اثنای رفتار ضایع ساخته است مساوی به فاصله نیست که رونده آنرا باید طی مینمود.

اگر شخص رونده یک هزار قدم فاصله را برود دیده میشود که بر روی خط فرضی استقامت در طول هر قدم فاصله ۵۵ سانتی متر را پیموده است و اگر هزار قدم راه میرود در حقیقت ۵۵۰۰ سانتی متر راه را پیموده است، اگر این رفتار بشکل نورمال می بود باید ۶۰۰۰۰ سانتی متر راه را می پیمود، در این صورت در حدود ۵۰۰۰ سانتی متر فاصله را کم پیموده است و رونده انرژی هزار سانتی متر راه را ضایع ساخته است. 1

ج : پنجه بوت بالای خط استقامت:

این شکل رفتار عبارت از رفتاریست که پنجه های رونده به خط استقامت در تماس است، این طرز رفتار از نظر

کرکتر شناسایی و شکل رفتار، روش عادی نبوده آن را خوب توصیف نمیکند، و در این جا صرف فاصله را که رونده طی میکند و انرژی را که برای این ضایع ساخته از لحاظ عدم مساوات آن ذیلاً توسط یک مثال توضیح می نماییم.

اگر طول قدم رونده ۶۰ سانتی متر باشد و راه رو ۱۰۰۰ قدم فاصله راه میرود و انرژی ۶۰۰۰۰ سانتی متر فاصله را ضایع می سازد و نظر به میخنیکی رفتار ۵۵۰۰۰ سانتی متر فاصله را طی نمده که درحقیقت ۵۰۰۰ سانتی متر راه رفته انرژی او ضایع گردیده است. 2

1- بررسی جنایی و آثار بجا مانده مولف ویلیام بودزیک ج 1 ص 85 سال 1391
2- حقوق جزا و جرم شناسی، حسن مرادی، سال 1390، ص، 70، 43 ج 2

مطلب دوم: جستجو و حفظ نقش پل پا:

پولیس تخنیک در صحنه های جنایی اول به سرعت تام خود را می رساند و تمام ساحه را از ورود اقارب مجنی علیه، شاهدان، عابرین به صورت کلی مسدود می نماید، خود پولیس تخنیک در پا های خود ریشمه را بسته می کند تا پل های او شناسایی گردد.

پولیس هر اثر پا را که دریافت نمود آنرا بدقت شناسایی نموده راه ورود به صحنه جنایی و راه خروج از صحنه جنایی را تشخیص می نماید، ارتباط آن به جرم و مجرم طور دقیق بررسی گردیده چیزی که بسیار مهم است آنرا بعد از شناسایی به اشکال ذیل نشانی و حفاظت می کند.

1. در نزدیک هر پل پا یک یک چوبک را در زمین نصب می کند.

2. برای این که روی پل اثر جدید گرد و خاک، خس و خاشاک نریزد آن را توسط قطعی های خاص پلاستیکی، چوبی می پوشاند.

3. از جمله پل های یافت شده هر پل پا که به صورت دقیق و کامل در روی زمین نقش گردیده آن را به طریقه های ذیل بر می دارد.

الف:- طریقه عکاسی : توسط طریقه عکاسی که لنز دقیق و قوی دارد طور عمودی از بالای پل پا عکاسی میگردد.

نوت: اگر در بین پل پا توسط شمال خس و خاشاک انتقال گردیده به بسیار دقت توست پنس طوری برداشته میشود که در روی نقش پل پا اثر جدید وارد نگردد.

اگر در پل پا باران باریده و آب ایستاده باشد توسط بمبه های خاص آن آنرا بدقت تخلیه می کند.

ب:- طریقه رسامی: یک چوکات چوبی را که قدری از نقش پل پا بزرگ و دارای یک سانتی متر ارتفاع است آهسته بر روی نقش پا می گذاریم بعداً یک شیشه نازک که از چوکات چوب قدری کلان تر باشد روی چوکات می گذاریم، همچنان نقوش و خصوصیات تخنیکی نقش قدم معلوم گردد، و توسط نوک پنسل به بسیار دقت نقش پل پا را در روی کاغذ شفاف رسم می نماییم. 1

ج:- **طریقه قالب گرفتن:** طریقه سوم شکل قالب گرفتن از پل پا است، قالب گرفتن از نقش پل پا به خصوصیات عراضی و خصوصیات موادی که به منظور قال گیری استعمال میشود فرق می کند، اگر اثر پل پا در زمین گل مانند داغ فرو رفته داشته باشد در این صورت توسط کچ نفیس اعلی قالب گیری صورت میگیرد، اولاً کچ را به مقدار معینه آب آهسته آهسته انداخته شود و محلول را شور داده تا همه مقدار کچ در آب ریخته شده خوب مخلوط گردد، این عملیه مخلوط البته تا پنج دقیقه دوام دارد تا کچ با ریختن در قالب پل پا زود جامد نگردد، وقتی مخلوط کچ مایع آماده گردید، اطراف پل توسط یک قالب که به همین منظور نزد پولیس تخنیک موجود است گذاشته بعداً مخلوط مایع کچ را به احتیاط تام و آهسته روی داغ پل پا را سر تا سر بیوشاند و هم تا کنار قالب برسد.

بعداً انتظار برده شود تا کچ سخت گردد متعاقباً قالب کچ از داغ پل پا برداشته شود و اگر کناره های داغ پل پا به آسانی از روی زمین جدا نمی گردد باید آهسته آهسته اطراف قالب را کند تا قالب ریخته شود طور سالم از زمین برداشته شود بعداً خاک و گل آن را پاک نموده قالب حقیقی پل پا رابه دست می آورد، البته این پل پای اخذ شده با پل پای متهم مقایسه میگردد.

در صورت که از نظر تخنیکی که قبلاً تذکر دادیم اثر پل پای اخذ شده با پل پای متهم یکسان تطبیق گردید این یک ادله اثبات در جرم است که متهم نمی تواند از عملیه ارتکاب جرمش انکار کند.

برای گرفتن یک اثر پل پا از سه طریقه مذکور یعنی عکاسی، رسامی و قالب گیری استفاده صورت می گیرد، در صورتیکه در پل پا اوصاف خاص وجود داشته باشد طوری که فوقاً تذکر یافت این اوصاف مخصوصه به پل پا یک ارزش خاص را می دهد که عیناً شبیه اثر انگشتان بوده که متهم نمی تواند از آن انکار ورزد. 1

مطلب سوم: آثار تایر عراده جات :

از قبیل آثار تایر عراده جات، موتو، موتو سایکل، بایسیکل، گادی، کراچی که توسط حیوانات کشانیده میشود و گراچی های دستی، هر کدام در صحنه های جنایی مثل پل پا از خود اثری بسیار با ارزش را به جا میگذرد. 2

1 مهدی پولیس علمی، کشف جرم، ص 50 ج 1 سال 1383
2 دانش کشف جرایم مولف غلام رضا فدایی ج 5 ص 57 سال 1398

خصوصاً تایر های عراده جات مذکور اگر پینه شده باشد(گیس دار) و یا اکثر تایر های کهنه که در عراده جات نصب میگردد که دندانهای بعضی تایر ها به اثر تصادم سنگها کنده شده یا اثر تایر خورده که یک طرف آن ساییده میگردد، و یا تایر های جدید که همه رده ها و نقوش تایر ثابت و برجسته می باشد، تمام تغییرات که روی نقوش و رده های تایر ها وارد میشود به حیث یک اثر قابل وصف در پل عراده که روی زمین نقش و از عراده به جا میماند، به حیث یک ادله مثبت در ثبوت وقایع جنایی محسوب میگردد، خصوصاً مواد که در داخل خطوط تایر ها بچسپد و این مواد به صحنه های جنایی مربوط باشد در اثبات قضایای جنایی نقش موثر را دارد.

الف - نقش تایر های موتر روی عراضی:

به اثر رفتار عراده جات به طرف جلو و یا عقب و یا در حال دور خوردن پل تایر ها به صورت واضیح در روی زمین نقش میگردد.

۱ : در صورتیکه عراده به طرف جلو میرود در این حالت تایر های عقبی عراده به صورت واضیح روی زمین نقش میگردد ، نقش تایر های پیشروی عراده از طرف تایر های عقبی محو و عرض آن تایر های عقبی روی زمین چاپ میگردد.

۲ : در صورتیکه عراده به طرف عقب میرود در این صورت بالای چاپ تایر ها عقبی در یک قسمت به اندازه تایر پیشروی عراده نقوش تایر پیشروی به شکل کامل روی زمین نقش میگردد

آن قسمت از نقش تایر های عقبی که زیر فشار تایر پیشروی قرار نگیرد نقش آن هم روی زمین باقی می ماند. در صورت که عراده دور خورده به سمتی حرکت کند در محل که عراده دور خورده هر چهار تایر عراده روی عراضی نقش میگردند ، گادی ها و کراچیکه توسط حیوانات کش میگردد در جلو نقش پل حیوانات و در عقب آن چاپ تایر های گادی، کراچی در روی زمین نقش میگردد. همچنان کراچی دستی که به طرف پیشروی تیله میگردد اول چاپ تایر بعداً چاپ پل پای تیله کننده آن در روی زمین نقش میگردد ، اگر کراچی دستی که شخص در جلو

قرار داشته و آنرا به طرف عقب می کشاند اول چاپ پای کش کننده و بعداً تایر کراچی در روی اراضی نقش میگردد. موتر سایکل و بایسیکل در وقتی رفتار پل تایر عقبی آن به صورت واضیح به روی زمین نقش میگردد و در حالتی دورانی هر دو پل دو تیر به روی اراضی چاپ میگردد. 1

بعضی آثار که از یک عراده روی سرک و یا اراضی میماند در مورد خصوصیات عراده، نوعیت عراده، سمت حرکت عراده، ظرفیت عراده و حتی جنس که در عراده بار گردیده میتوان دانست.

۱. عراده که در روی سرک از اسفلت حرکت دارد و قطرات تیل، سیائیل، مبلائیل و در صورت تصادم به اشخاص قطرات خون در روی سرک به شکل ناک مانند آفتاده که راس ناک جهت و سمت عراده را نشان میدهد، در جاهای که عراده از بین گل ولادی و آب گل آلود گذشته به عین شکل قطرات و پارچه های گل به هر طرف آفتاده و قطرات به شکل ناک مانند معلومی شود که راس آن سمت حرکت عراده را نشان می دهد.

۲. عراده ای که از بین سیزه ها عبور کرده طرفیکه نوک های سیزه به زمین خوابده نشان دهنده سمت و جهت رفتار عراده می باشند.

۳. موتر های بار دار که حبوبات از قبیل گندم، جواری، جو، جغل، ریگ و چونه بار گردید امکان ریختن آن روی جاده موجود بوده که از ملاحظه آن میتوان در مورد نوعیت بار آگاهی به دست آورد.

۴. در اراضی خامه اندازه تایر هایی که در زمین عادی داغ فرو رفته گی را از خود به جا مانده میتوان از مقدار وزنی که عراده بالای زمین فشار آورده دانست.

۵. از روی نقش تایر ها در روی اراضی میتوان از نوعیت عراده از قبیل بایسیکل، موتر سایکلی، موتر ها جیب، موتر های لاری به ظرفیت های مختلف و هم عراده های چین دار دانست.

مثال : در واقعه جنایی در امریکا از یک شهرک کوچک زن و شوهری مفقود گردیدند، مردم شهرک از نا پدید شدن زن و شوهر به پولیس اطلاع دادند، پسر این زن و شوهر در شهرک دور تر زنده گی داشت، پولیس بالای پسر آن مشکوک گردیده تمام منزل پسر را تلاشی نمود، همچنان موتر آن را هم به دقت تلاشی و ملاحظه کرد، در تایر های موتر در بین دندانان های تایر یک نوع گل سفید به نظر می رسید، پولیس گل سفید رنگ را از دندانان تایر ها جدا و به لابراتوار جنایی ارسال نمود، لابراتوار در بین خاک پارچه های برگ خاص را مشاهده نمود که این پارچه برگ مربوط درختی بود که صرف در جنگل نزدیک شهرک موقیعت داشت، پولیسبه جنگل رفته دید که یک حصه خاک این جنگل رنگ سفید دارد بعد از تلاشی، پل عراده موتر را دریافت. 1

که بلاخره در انجام تیر های موتر اجساد زن وشوهر یافت گردید که زیر شاخه ها و برگ های درختان مدفون گردیده بود ، و نقش تایر عراده موتر و هم نوعیت گل سفید خصوصاً پارچه برگ همان درخت که صرف در این جنگل می روید از جمله دلایل قاطع و مثبت بود که پسر به دیدن آن جز از اقرار به جرمش چاره دیگر نداشت.

پس از اثر تایر عراده جات و مواد که به آن چسبیده از لحاظ عناصر مادی اثبات این قضیه ارزش خاص خود را در اثبات وقایع جنایی دارد.

کراچی های دستی که یک تایر در وسط پیشروی خود دارد ، معمولاً به طرف پیشرو کشانیده می شود ، تایر کراچی دستی به حیث یک خط فرضی استقامت قرار میگیرد ، کسان کراچی دستی را پیشرو میکشانند پل های پای ایشاندر سه حالت ذیل قرار می گیرد.

ب- اثر تایر کراچی دستی و پل پا:

۱- مرکز کری بوت تماس با خط تایرکراچی دستی:

در حرکت اول مراکز کری پای راننده کراچی روی خط استقامت فرضیه عبارت از تایر کراچی است قرار دارد ، در این حالت طول قدم راننده کراچی بالای خط استقامت یعنی پل تایر کراچی منطبق میگردد.

۳- مرکز کری بوت دورتر از خط تایر کراچی دستی:

در حالت دوم پل های راننده کراچی از پل تایر کراچی دستی که در حقیقت خط فرضی استقامت را ترسیم می سازد دورتر واقع شده ، که طول قدم راننده بالای خط تایر کراچی منطبق نمی گردد.

تصادم دو عراده به یک عابر:

در صورت که دو عراده موتر بعد از یک وقفه در روی جاده به شخصی تصادم میکند و آن را به هلاکت میرساند کدام یکی از این دو عراده سبب قتل حقیقی گردیده است؟

۱. در صورت که عراده اولی به پا های عابر تصادم نموده و تایر عراده بالای پاهای آن میگذارد ، در این حالت مجنی علیه زنده است و در ناحیه ماوفه تمام عکس العمل های حیاتی بوضاحت به نظر میرسد.

۲. اگر عراده دوم بسرعت از جاده میگذارد و به شخصی زخمی که در روی جاده افتاده طوری تصادم نماید که تابر عراده از بالاییه مجنی علیه گذاشته و آنرا به هلاکت میرساند، در دو تصادم فوق که تاپر های عراده جات به خون و گوشت مجنی علیه آلوده بوده، هر اثرچاپ تاپر موترها با خصوصیات علایم خاص آن در روی جاده اسفلت بوضاحت معلوم میگردد. عراده اولی که از ناحیه پایهای مجنی علیه گذشته چاپ خون تاپر های موتر در روی جاده واضح است. در چنین تصادمات اکثراً مجنی علیه حیات مییابد، اگر شخص زخمی با کمک های اولیه در یکپاز مراکز صحی نزدیک انتقال گردد چانس صحت یابی زیاد دارد، در این حالت عراده اولی مسئولیت تصادم و زخمی ساختن راه رورا دارد. عراده دوم به سینه مجنی علیه تصادم نموده و از بالای سینه آن تاپر موتر میگذارد، اثر تاپر پر خون در روی جاده به وضاحت چاپ و معلوم می گردد، عراده دومی اکثر مراکز حیاتی از قبیل قلب، شش ها و جیگر را از هم متلاشی ساخته و سبب مرگ حقیقی مقتول شده و در قضیه مسئولیت قتل آنرا به دوش دارد.

۳. حالت سوم طوری است که عراده اولی در روی جاده به عابر تصادم نموده و تاپر های موتر از بالای سینه مجنی علیه گذشته تمامی مراکز حیاتی آنرا از هم متلاشی نموده و شخص را به قتل میرساند، تاپر های پر خون و پارچه کوچک گوشت که روی تاپر های عراده چسپیده یک اثر با ارزش را روی تاپر اسفلت از خود بجا میماند، این عراده که به اثر تصادم شخص را به قتل رسانیده تال حقیقی مجنی علیه است.

و تمام عکس العمل های حیاتی به اثر تصادم در وجود مقتول بوضاحت بنظر میرسد در صورتی که بعداز گذشت یک وقفه زمانی موتر دوم که به سرعت جاده را عبور میکند با اندازه گیری قطر موها و شکل آنها و مراجعه به جداول تهیه شده در این زمینه میتوان به محل رویش آنها پی برد. معمولاً موهای اصلاح شده که به وسیله قیچی یا تیغ قطع می شوند.

مربوط مردان هستند و اگر قطر آنها کمتر از ۸۰ میکرون باشد موی سر مردان و اگر ۱۰۰ میکرون بیشتر باشد، موی ریش است. از مو های قطع نشده مربوط به قسمت های پنهان بدن و یا مربوط ابرو یا مژگان است. از آنجا که موها مدت مدیدی پمن از انهدام جنازه باقی می مانند استفاده از آنها میتواند به تعیین جنسیت جسد کمک کند اگر از فرد گمشده مورد نظر مویی در البسه یا اشیای منزلش باقی مانده باشد با مقایسه موی به دست آمده از جسد با آن و استفاده از DNA میتوان هویت جسدر را معلوم کرد. در مورد آلات قتاله هم با جستجوی دقیق شاید بتوان ماهها بعد، از آنها تار موی بدست آورد و ضمن مقایسه با موهای مقتول آلت را کشف و متهم را شناسی کرد. 1

مطلب چهارم: آزمایش موها و ناخن ها

ناخنها رنگ شده و بلند اغلب بهزنان تعلق دارند. ریشه ناخنها به بیاریهای گوناگون و اختلالات عمومی بدن احساس اند و در این مورد ناخنها ضعیف و شکسته میشوند. اگر اختلالات مذکور موقتی باشند شکاری که به « بو » موسوم است به صورت عرضی در ناخن مشاهده می شود که عمق و شدت آن متناسب با شدت و مدت اختلال است. این شیار در ناخنها شصت دست و پا مشخص تر است. شیار مذکور همزمان با رویش ناخن به سمت انتهای آن حرکت میکند. میزان رشد ناخن دستان $1/2$ میلی لیتر در دست راست و $1/1$ میلی لیتر در دست چپ در هر ۱۰ روز است. سرعت رشد ناخنها در پاها ۳ تا ۴ بار کمتر از دستها است. معمولاً در دست ها بار کمتر از دستها است. معمولاً در دست ها ۳ تا ۴ ماه و در پاها حدوداً ۱۲ ماه طول میکشد تا شیار بوبه انتهای ناخن برسد. این شیار برای موارد نیاز مفید است:

1. برای تعیین اینکه از بیماری فرد چه مدت می گذرد.
2. برای تعیین اینکه فرد چند بار و هر بار تقریباً چه مدتی دچار بیماری بوده است.
3. برای تشخیص اینکه افراد دچار اختلالات روانی که مرتکب جنایت یا جرم می شد اند هنگام وقوع جرم بیمار بوده اند یا نه؟

-برای تعیین هویت افرادی که میدانیم مدتی قبل دچار بیماری جدی بوده اند.

برای تعیین اینکه آیا کودکان قربانی بدرفتار و سوء تغذی بوده اند یاخیر؟

ضربات میکانیکی ناشی از برخی حرفه ها نیز می تواند علایمی به صورت ساییده گی، سوراخ شده گی یا بریده گی در ناخن به جا بگذارند؛ مانند فرسودگی کناره ناخن شصت دست در جواهر

سازان. 1

مطلب پنجم: آزمایش DNA

بررسی ملکول DNA را برخی انگشت نگاری DNA هم می گویند. اولین بار یک دانشمند انگلیسی به نام دکتر آلک جفری موضوع استفاده از آن را برای تشخیص هویت ، مطرح وسیع در تحقیقات قانونی مورد استفاده قرار گرفت. میدانیم که کروموزومها که حامل اطلاعات وراثتی اند در هسته سلولها قرار دارند DNA. که مخفف دزاکسی ریبونو کلینک اسید است، داخل کروموزومها قرار دارد و ژن هم بخشی از ملکول DNA است.

ژن ها در ملکول DNA هر فرد با نظم خاصی قرار گرفته اند که مختص همان فرد است. ترتیب توالی اجزاء تشکیل دهنده ژن ها از فردی به فرد دیگری متفاوت و در هر فرد خاص خود اوست. بنابر این صورت شناسایی و مطالعه قسمتهای خاصی از ملکول DNA و ژن های موجود در آن و نظر به اینکه فرمول ژنتیکی و طرز قرار گرفتن اجزا تشکیل دهنده ژن ها در هر فرد از الگوی خاصی تبعیت میکند، امکان شناخت هویت یک اثر انگشت دست فرد است DNA هم خاص خود او خواهد بود. 1

یاد آور میشود که ملکول DNA دارای دو رشته است که مانند میله های زینه کنار هم قرار گرفته اند. ملکول DNA دارای طول زیادی است. در مجموعه این ملکول نواحی خاصی وجود دارد که توالیهای ویژه ای از اجزا تشکیل دهنده ملکول DNA در آنها وجود دارد. این توالی و نظم اجزا تشکیل دهنده مالکول DNA است که ژنها و تبع آن خصوصیات ارثی و ژنتیکی هر فرد را شکل میدهد.

روش تعیین توالی اجزا تشکیل دهنده DNA یا اصطلاحاً انگشت نگاری DNA کار سخت و پیچیده است چرا که شمار این اجزا بسیار زیاد است و مزید بر آن کروموزومها و DNA در هسته یا درون سایر اجزا سلولی و در ابعاد بسیار ریزه میکروسکوپی قرار گرفته اند. بنابر این چند مرحله برای مطالعه آنها لازم است.

در این زمینه پس از تکثیر DNA با روش های مورد نظر را استخراج کرده با روش های خاصی تفکیک و نشاندار میکنند و از آنها عکس تهیه می نمایند. حاصل نهایی مراحل مذکور تهیه نوارهایی است که بر روی آنها ستون های موازی با اندازه قطر های گوناگون وجود دارد و میتوان آن را با نمونه تهیه شده قبلی مقایسه کرد. 2

1 پولیس علمی و دانش کشف جرایم ،مؤلف غلام رضا فدای شهید، ج 5 ص 98 سال 1398
2 حقوق تحقیقات جنای، (مطالعات تطبیقی) ولی الله انصاری ، ج 1 ص 45 سال 1380

نکته مهم آن است که نتیجه آزمایش DNA را باید نمونه دیگری که قبلاً موجود بوده یا بعداً تهیه میشود مقایسه کرد و تطابق این دو باهم است که ما را به هدف تشخیص هویت میرساند.

دقت آزمایش DNA برای تشخیص هویت آن قدر بالاست که در صورت انجام دقیق و علمی آن میتوان نتایج به دست آمده را به صورت کاملاً قابل اعتمادی مورد استناد قرار داد. امروزه از DNA برای شناسایی لکه ها و باقی مانده های بافته های آدمی مانند خون، لعاب، ترشح جنسی زنان و مردان (مثلاً در تجاوز های جنسی و جنایت به کمک لکه های موجود در بدن قربانی) یا اشیاء اطراف جسد میتواند DNA مجرم را ثابت کرد. در صورت دستگیری متهم با مقایسه DNA به دست آمده از لکه و ترشحات بدن قربانی، تجاوز و قتل، با DNA متهم و تطابق آن میتوان مجرم را شناسایی کرد. همچنین میتوان خون موجود بر روی اسلحه فردمظنون را با نمونه خون قربانی مقایسه کرد یا تار موی پیدا شده در صحنه جرم را از جهت DNA تحت بررسی قرار داد. کاربرد بسیار مهم دیگری DNA در پزشکی قانونی برای بررسی رابطه خویشاوندی و نسبیت و ابوت است.

خصیصه جالب آزمایش DNA این است که، بر خلاف سایر آزمایشهای گروه خون و سایر پروتئهای خونی و آنزیمی، کاربرد آن برای اثبات ابوت است. آزمایش DNA در تشخیص هویت و تعیین رابطه ابوت اثباتی دارد و ابوت را اثبات مینماید. دقت آزمایش مذکور برای تعیین رابطه ابوت با توجه به شرح فوق مبنی بر شکل گرفتن مولکول DNA است.

استفاده بسیار مهم دیگر از DNA بهره گیری از آن برای تشخیص هویت در گذشته گان در فجایع جمعی است. که گاه این حوادث باعث تکه تکه شدن اجساد گردیده و تشخیص هویت و باز سازی اجساد را بسیار مشکل می نماید. با کمک گرفتن از نمونه های DNA با دقت و صحت بالا، هویت را تشخیص می دهند. نمونه های که از آنها میتوان DNA را استخراج کرد عبارت از مایعات زیستی بدن (مانند خون، لعاب، ادرار، منی، ترشح جنسی زنان، مدفوع و) بافته های به جامانده از پوست و ناخن، دندان، مو و عضلات و نظایر آن است

مثال های برای تثبیت گروپ خون از روی افرازات:-

الف: افرازات لعاب دهن:- لعاب دهن از لحاظ سلول های غشای مخاطی جوف دهن بسیار غنی بوده، توسط معاینات لابرتواری، گروپ های خون، شخص تشخیص می گردد، اکثراً جانپان در صحنه های جنایی اگر عمل سگرت کشیدن دارند، سوخته های سگرت را می اندازد که در روی سوخته سگرت آثار انگشت و همچنان لعاب دهن آثار خود را می گذارد،¹

1 پژوهش جرم شناسی، مولف لین لرو، ج 1 ص 82، سال 1395

آثار افرازات دهن در برس دندان و مسواک که جانی دندان های خود را شسته باقی میماند و کسیکه از لب پیاله چای نوشیده و یا از لب گیلان آب و یا مشروبی نوشیده آثار افرازات لعاب دهن بر لب پیاله و گیلان باقی میماند. که بعد از معاینات پیشرفته میتوان گروپ خون آنرا تعیین نمود.

ب: افرازات بینی: افرازات بینی که گاهی به موهای داخل بینی نیز همراه بوده و در آن سلولهای بیشماری از جهاز شامه موجود میباشند، در صورت دریافت لکه های افرازات بینی در محل واقعه با اثر معاینات لابراتوری گروی خون شخص تعیین میگردد.

ج: افرازات منی: اکثراً در جرایم هتک حرمت افرازات منی خصوصاً در واقعات قتل در مهبل، معقد، البسه، بستر و گاهی قطرات آن زمین دیده میشود، با دریافت لکه منی آنرا در آب مقطر حل نموده در بوتل تعقیب شده انداخته شده، و برای معاینات لابراتوری ارسال میشود که با معاینه آن گروپ خون شخص تشخیص میگردد.

همچنان در افرازات منی موجودیت اسپرماتوزوئید در معاینات لابراتوری قابل درخشش و تشخیص است. همچنان با کمک تکنالوژی پیشرفته اگر بالای مواد منی حتی سال ها هم سپری شده باشد DNA آن قابل تثبیت است و از معاینات آن مجرم و تال به صورت دقیق تشخیص میگردد. چنانچه در انگلستان جوان مجرمی هتک حرمت را مرتکب گردیده و بعداً دختری را به قتل میرساند و یک سال بعد عین عمل را انجام داده دختری دیگری را هم بقتل میرساند، پولیس جنایی قبر های دختران را باز نموده از ناحیه حوصله برای معاینات DNA مواد را گرفته با تثبیت DNA مجرم اصل شناسایی، و از طرف پولیس لندن گرفتار میگردد که به جرمش اعتراف و برای محکمه به میز عدالت قضا کشانیده می شود.

د: افرازات عرق: عرق مایع مفر است که با ریختن آن بر زمین و اجسام، زود خشک میگردد و لکه آن به آسانی قابل دید نیست، لذا آثار عرق صرف در دستمال، روی دستکش، کلاه و جوراب موجود بوده که گاهی از مجرمین در محل واقعه جنایی به جا میماند، در صورت دریافت آن در یک کاغذ پاک بسته بندی گردیده جهت معاینات تثبیت گروپ خون به لابراتوار ارسال میگردد.

ه: مواد مدفوع: در بسیاری وقایع جنایی از طرف شب بعد از ارتکاب جرم، مجرمین مدفوع خود را در محل واقعه میگذارد. بعضی از تحلیلگران دلیل این عمل را راحت ساختن حالت روانی مجرم می دانند و برخی دیگر آن را تسکین فشار می دانند که بر مجرم وارد میگردد به هر حال از روی این مواد میتوان گروپ خون مجرم را کشف نمود، و از کاغذ استبراء میتوان نشان انگشت مجرم را تشخیص نمود 1.

ب - خون شناسی و کشف جرم:

ویلسون مینویسد: «تاریخ تحقیقات مربوط به خون همزمان با تاریخ تحقیقات قرون ۱۹ و ۲۰ مربوط به آثار انگلستان است به نظر وی، دکتر کارل، آسیب شناس و سرم شناس دانشگاه وین در ۱۹۰۱ فکر انتقال عوامل وراثتی و قابلیت شناخت هویت اطراف از طریق آزمایشات خونی را توسعه داده آن را به شناسایی هویت مجرمان تسری داده. او در سال ۱۹۳۰ به دلیل این کشف خود برنده جایزه نوبل شد علمای علوم جزایی و جرم یابی با استفاده از کشف دکتر کارل، آزمایشات خون را به عنوان یکی از راه های قطعی تعیین هویت اشخاص در قضا یای حقوقی جزایی به کار بردند.

الف: طرز انجام دادن معاینات محلی

پولیس در معاینات محلی باید به این نکات دقیقاً توجه کرد، جواب آنها را در صورت مجلس ثبت کرد.

۱. رنگ خون: سرخ روشن است یا قهوه ای یا سیاه؟

۲. عمر خون: آیا خون هنوز تر است؟ آیا فقط کناره های لکه خون خشک شده یا همه آن؟

۳: در صورتیکه که خون هنوز تر است اگر با نوک پینسل روی آن خط بکشیم اثر خط روی خون باقی میماند یا پس از رسم خط، مجدداً به حال اولیه خود درآمده خط محو میشود؟

حال که به اهمیت لکه خون در کشف جنایت، کشف هویت متهم و یا برئت اوپی بردیم، باید ببینیم که پولیس مامور کشف جرم چه وظیفه ای برعهده دارد؟ باید دانست که لکه های خون اثر مهمی برای کشف جنایت محسوب میشود بنابراین پولیس باید این اثر را به دست آورده، در نگهداری آن توجه خاصی مبذول دارد و ضمناً ملاحظات پولیسی را هم از نظر دور نداشته باشد.

لکه های خون را در کجا میتوان پیدا کرد؟ باید گفت که اغلب لکه ها را در جاهایی باید جستجو کرد که معمولاً به طور مستقیم دیده نمیشود. این مکانها عبارتند از:

۱. زیر لبه های میز که معمولاً مجرم دستهای خون آلوده را بدن می کشد تا آنها را پاک کند.

۲. زیر میز و گنجه ای که مجرم در جستجوی پول به سراغ آنها رفته است و بروی شیر آب دستشویی که مجرم برای شستن دستهای خود ناگزیر آنها را باز کرده است؛¹

1 پیشگیری از جرایم، مولف اکبر عزیزی ج 7 ص 60، سال 1395

۳. خون داخل روشویی و یا آب سیفون که با آب مخلوط شده باشد(اگر سیفون کشیده شده پولیس خیلی زود و بموقع رسیده باشد، در این صورت پولیس موظف است با باز کردن سیفون مقداری از خون با آب را در یک ظرف تمیز ریخته و به لابراتوار بفرستد).

4. بر روی کاغذ یا در اجاق یا فر آشپزخانه یا مستراح یا سبد مخصوص کاغذ پاره ها و....

وجود لکه های خون بر روی بدن شخص مظنون از نظر پولیس دارای اهمیت بسیار است. پولیس باید دقت زیر ناخن مظنون را بازرسی کرده، به موهای سر، ریش و روی وی بسیار دقیق شود و حتی برای این معاینه ذره بین مخصوص خود را به کار برد. جیب هایمتهم را باید به دقت بررسی کرد. چه، بسیار از آنان عادت دارند دست های خونین و آلوده خود را به آستر جیب ها مخصوصاً جیب پتلون پاک کنند. اگر لباس مظنون به تازه گی شسته شده ظن پولیس باید قوی تر شود؛ زیرا با شکافتن جا های دوخته شده، از میان درز های لباس ممکن است بقایای خونی که به علت خشکیدگی از بدن نرفته بدست آید. در بعضی موارد بر روی اشترنگ موتر لکه خونی را که شخصی مظنون به دقت و رسواس فراونی سعی در تمیز کردن و اخفای آن داشته، پیدا کرد. گاه نیز سطح زیرین موتر به خون قربانی آلوده شده است. کف اطاق که به تازگی پاک شده باید بیشتر مورد سوء ظن واقع شود. مابین درز های تخته های کف اطاق را باید به دقت باز رسی نمود، مخصوصاً اگر ماور متوجه شود که کف اطاق با مواد از قبیل آهک زنده، اسید سولفوریک اسید و... شسته شده است.

به طور کلی تمام مواد مواضع بدن مجانی علیه و کلیه لباس های او باید بدقت بارسی شود. دستگیر های در وکلکین و زینه ها، هر نوع سلاح و آلات جرم آنچه در اطراف محل وقوع جرم یافت شود باید برای تجسس خون مورد بازرسی دقیق واقع شود.

ج- وضع، اندازه و شکل لکه ها: این نکات باید با دقت تعیین و در محضر مشاهدات قید شود. از منظره لکه های خون میتوان اطلاعات مهم در باره اوضاع و احوال جنایت به دست آورد. قطرات خون و تراشحات خونی بر حسب ارتفاع و یا زاویه سکوت منظره های مختلف ایجاد میکند.

اگر ارتفاع سکوت چندان زیاد نباشد و سطح که قطرات خون بر روی آن می افتد صاف و مسطح باشد، قطرات خون گر به نظر میرسد. اگر ارتفاع سقوط نسبتاً زیاد باشد، قطرات خون بر سطحی که می افتد و اطراف آنها مضرس خواهد بود و تضاریس متناسب با ارتفاع سقوط است. 1

اگر قطره خون ارتفاع دو یا سه متری سقوط کند در اینصورت یک قطره خون با چندین لکه کوچک تجزیه میشود. این ملاحظات مربوط به قطرات خونی است که به طور قائم و از شی ثابت سقوط میکنند. اگر قطره خون از شخص متحرک سقوط کند شکل خون کاملاً متفاوت خواهد بود. حرکت قطره خون در نتیجه مولفه های دو حرکت است:

۱ - حرکت قائم یا اثر قوه ثقل ،

حرکت افقی یا اثر پیشروی شخصی که خون از وی می چکد. تضاریس قطرات خون نتیجه دو حرکت مذکور است. وقتی اولین قسمت قطره خون با زمین تماس پیدا میکند بقیه آن هنوز در حرکت افقی است. در نتیجه تمام قسمتهای یک قطره خون بروی هم منطبق نبوده، شکل گردی ندارد و در اثر حرکت ثانویه، در آن شکستگی پیدا شده، به شکل دندان در می آید.

جهت این دندانها جهتی را که صاحب خون در حرکت بوده است نشان میدهد. اما باید به خاطر داشت که این منظره ممکن است تحت تاثیر اوضاع و احوال دیگرین نیز ایجاد شود. مثلاً هنگامی که قتلی اتفاق می افتد، تال تبر خون آلوده را برای نواختن ضربت دوم بلند میکند و ممکن است قطرات خون هنگام بالا رفتن و پایین آمدن سلاح مذکور از آن بر زمین بچکد و منظره بالا را ایجاد کند. در این صورت تمام لکه های خون باید بدقت در محلهای مختلفی که افتاده اند بازرسی می شود تا از اوضاع نسبی آنها اطلاعات مفیدی به دست آید. در باره جهت دندانهای قطرات خون نیز نباید عجولانه قضاوت کرد و به سرعت نتیجه گرفت حرکت صاحب خون در همان جهت دندانهای قطره های خون بوده؛ زیرا ممکن است فردی دست خون آلود خود را در جهت عکس حرکت خود تکان داد باشد و یا اینکه ممکن است در یک مکان بدون حرکت مانده فقط عضو خونین خود را حرکت می داده است. اگر یک قطره خون، تحت زاویه ای، بسرعت به روی چیزی ترشح کند شکلی که ایجاد میشود شکل خاصی است (ترشح به شکل بیضی باریک با یک خط نازک خونی در انتهای قطر ۱ طول بیضی و در جهت زاویه سقوط است.) به عبارت دیگر بر اثر سرعت سقوط، ترشح به شکل علامت ندایه در می آید که نقطه ندایه جهت حرکت را نشان خواهد داد.

ضخیمی و تازکی علامت ندایه به زاویه برخورد قطره خون با سطحی که بر آن می افتد بستگی دارد. اگر زاویه برخورد منفرجه باشد شکل علامت ضخیم و اگر زاویه حاده باشد شکل علامت نازک و کشیده میشود. این موارد زمانی درست است که فاصله منشا خون تا سطح برخورد بسیار زیاد نباشد. 1

اگر خون از فاصله دور و به طور مورب بر یک دیوار قائم برخورد کند، جهت نقطه ندایه با آنچه که در بالا گفته شد یکی نیست ممکن است ما را به اشتباه اندازد.

منشا ترشحات خون ممکن است متفاوت باشد. منشا خون گاه یک شریان مجروح است، گاه جرحات سطحی، گاه نیز حرکات تند و متوالی سلاح به اطراف، خون قربانی را به اطراف می پاشد. از روی تعداد، وضع نسبی و ظاهر لکه ها در اغلب موارد میتوان منشا خون را حدس زد.

در بسیاری از موارد از بررسی شکل لکه های خون میتوان جهت و وضع تال را نسبت به مقتول بیان کرد. سطحی که لکه خون بر روی آن پیدا میشود نیز از این نظر که ممکن است شکل اولیه خون را تغییر دهد دارای اهمیت بسیار است اگر سطح صاف و یکنواخت باشد (فلزی، جام بلوری، چوب سخت، شیشه، چینی و...) لکه خون شکل خود را حفظ میکند. اگر سطحی که خون بر آن می چکد دارای خلل و فرج باشد (پنبه، پشم، آبخشک کن، مو، خشت، چوب نرم) در اثر جذب شدن، شکل اولیه خون تغییر میکند، حدس زدن و به دست آوردن نتیجه صحی از روی شکل لکه ها خونی مستلزم تجربه فراوان است. به هر حال پولیس باید قبل از نمونه برداری از روی شکا و اوضاع تثبیتی خون از آن عکسبرداری کرده، خود نیز طرح دقیقی از آن ترسیم کند.

شکل لکه های خونی روی لباس متهم نیز اهمیت بسیار دارد، زیرا از روی آن میتوان صحت و عدم صحت اظهارات او را مشخص کرد. مثلاً اگر ترشحات خونی بر روی لباس متهم دیده شود و او راجع به منشا آن ادعا کند که دستهای خون آلود خودش را بر روی لباس مالیده باید بلافاصله دریافت که متهم دروغ میگوید، زیرا منظره خونی که در اثر تماس بر جای مانده با ترشح خونی تفاوت کلی خواهد داشت. در اینجا باید این نکته را اضافه کنیم که حتماً باید بالای پتلون متهم را معاینه کرد، زیرا بعد از ارتکاب جنایت از تال، اغلب بدون اراده اش ادرار دفع میشود.

د-طرز نمونه برداری از خون های ریخته شده و ارسال آنها به لابراتوار:

از مهمترین وظایف پولیس حفظ آثار لکه های خون است. آزمایش خون هم که از عمر خون بگذرد امکان پذیر است ولی اگر لکه خون با آب یا مواد دیگر مخلوط شود دیگر به نتیجه آزمایش نمیتوان اطمینان داشت. 1

پولیس موظف است که لکه های خونی را روی هر چیزی که باشد عیناً به لابراتوار بفرستد و به هیچ وجه حق ندارد آن را با چاقو، سوزان و... بترشد، چراکه در این صورت مواد خارجی از قبیل رنگ، زنگ و..... با آن مخلوط میشود و نتیجه آزمایش را دستخوش تغییر میکنند. اگر لکه کف پوش نایلونی و مشمی اتاق یا قسمتهای چوبی و غیر قابل حمل باشد، باید آن قسمت را با اره یا هر وسیله دیگر جدا کرده، در داخل جعبه ای به لابراتوار فرستاد.

در صورتی که لکه هایی روی لباس، پارچه، لحاف، پتو، بالش، و باشد نباید قسمتهای لکه دار را برید بلکه بهتر است عین آنها را به لابراتوار فرستاد.

اگر لکه ها روی گلگیر یا چراغ موتور باشد باید بدون دست زدن به لکه های خون آن قسمت را از موتور جدا کرده، به لابراتوار حمل کرد (اگر موتور سالم بوده و هوا بارانی نباشد خود موتور را بهتر است به لابراتوار فرستاد) در جستجوی آثار خون روی موتور، نباید به معاینه قسمت خارجی موتور اکتفا کرد بلکه باید قسمت داخلی موتور نیز بدقت تفتیش شود. اگر احتمال می رود که موتور با شخصی تصادف کرده و او را کشته است، حتماً باید آنرا روی جک بلند کرد و زیرا آن را بدقت معاینه نمود، زیرا در صورتی که موتور از روی جنازه رد شده باشد به احتمال قوی آثار خون در انتهای میل لنگ و سایر جاها دیده خواهد شد که با معاینه سطحی، کشف این آثار خونی امکان پذیر نیست.

اگر لکه های خون در محلی است که جدا کردن و حمل آن غیر ممکن است، باید متخصص لابراتواری را به محل برد تا خود وی نسبت به برداشتن لکه ها اقدام کند. 1

اگر لکه بر روی کاغذ دیواری افتاده باشد باید آن را با دقت دیوار جدا کرد و به لابراتواری حمل نمود. اسلحه گرم یا سرد آغشته به خون علاوه بر آزمایشهای خون برای یافتن آثار انگشت نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

۵- اهم اطلاعات قابل باز یافت از لکه های خون:

اهم اطلاعاتی که مامورین کشف جرم میتوانند از آزمایش و بررسی خون به دست آورند عبارتند از:

- ۱- اثبات اینکه آیا خون مربوط به تال، مقتول، مضروب و مجروح است یا شخص دیگر.
- ۲- تجزیه شیمیایی خون میتواند نشان بدهد که آیا مرتکب جنایت یا سوء قصد کننده هنگام ارتکاب جرم تحت تاثیر مواد مخادر، دارو های مختلف منواکسید کربن یا الکل قرار داشته یاخیر؟

۳- اثبات محل جنایت، وضعیت قربانی یا حمله کننده.

۴- زمان وقوع جنایت.

۵- اثبات تعلق و یا عدم تعلق فرزند(با آزمایش خونی میتوان نفی ولد و رد نسبت را اثبات کند)

۶. قرینه جنایت مقرون به حمله و اینکه موضوع جرح منتهی به قتل است یا خیر؟

اگر خون زیادی در اطراف جنازه ای که زخمهای نسبتاً ریزه دارد جمع شده باشد دلیل بر این است که مقتول مورد حمله واقع شده و مدتی بعد از حمله نیز بوده و علت فوت ای خونریزی بوده است.

۷- در بسیاری از موارد با آزمایش لکه های خون به وسیله میکروسکوپ میتوان منشا خونریزی را شناسایی کرده، مشخص نمود که خون پیدا شده مربوط به کدام قسمت از بدن است؛ چنانکه خون بینی معمولاً حاوی ذرات از آب بینی، سلولها اپی تللیال بینی با مژده تناسلی زن تفاوت دارد.

خونکيه از مجاری تناسلی، تنفسی، یا مغزی جاری شده باشد دارای عناصر مشخصه خود آنها است. چنانکه خون حاصل از پرده بکارت دارای سلولهای این پرده است.

۸- سن، عمر یا دوام خون (تازگی و کهنگی) و نیز تقدم و تاخر تاریخی جاری شدن آن، اطلاعات ارزشمند دیگری است که در کشف علمی جرایم تاثیر دارد. لکه های خونی که بیشتر از شش ماه عمر داشته باشد در آب مقطر حل نمیشود، ولی این لکه بعد از شش ما تا یکسال در پتاس سه درصد حل میشود و از بین میرود. عمر خون تاز کوتاه و احتمال از دست دادن خاصیت لایراتواری آن زیاد است لذا سرعت عمل در حفظ و انتقال آن به لایراتوار ضرورت دارد. علاوه بر این احتمال همولیزه شدن خون در اثر بسته بندی نا مناسب و عوامل دیگر نیز زیاد است. بنابر این مامورین کشف جرم باید در نگهداری صحیح خون به لایراتوار اطلاعات و آگاهی مطلوب را داشته باشند. شسته شدن خون و یا حتی استفاده از آب نمک زیادی برای نمونه برداری و نیز انتقال به شیوه نا درست، امکاندستیابی به نتیجه مطلوب را از بین میبرد. معمولاً لکه های آب میوه، شراب، داروها، زنگ آهن و دیگر مواد شیمیایی معدنی و آلی فضولات حشراتی که بروی اشیا صحنه جرم پیدا میشوند با لکه خون اشتباه گرفته میشوند. آزمایشها مخصوص میتواند این لکه هارا از یکدیگر متمایز سازند. 1

بزرگترین و مهمترین وظیفه مامور تحقیقا جنایی در فرایند کشف جرم، پیدا کرده و جمع آوری لکه های مظنون به خون، انتقال صحیح آنها با لایراتوار و سپردن آنها به متخصصیان کار آزموده مجهز به وسایل پیشرفته و مخصوص است. و- ارسال خون ولکه ها به لایراتوار (دستورات فنی)

1 دانش علمی جرایم، مؤلف غلام رضا فدای شهیدی ج 4 ص 67، سال 1398

اول) ارسال سریع خون: برای ارسال لکه های خونی کشف شده از صحنه جنایت تا لابراتوار جنایی، باید از سریع ترین وسیله (هوا پیمای، هلی کوپتر، موتر) استفاده کنید. خون از سال در فصل تابستان نباید بیشتر از ۴۸ ساعت بین راه بماند، زیرا عمر خون کوتاه می باشد و احترازی، تجزیه، ترکیب غیر قابل استفاده شده آن زیاد است.

دوم) خودداری از بسته بندی نا درست: قطرات خون یا البسه آغشته به خون را مچاله و یا تا نکنید و هرگز آن را در داخل کیسه پلاستیکی و نایلونی قرار ندهید، زیرا احتمال همولیزه و ضایع شدن خون در اثر بسته بندی زیاد است. و لابراتوار نمیتواند به چنین آزمایش خونی جواب مناسب و درستی بدهد.

سوم) چگونه گی بسته بندی: اگر خون خشک نشده باشد بهترین روش آن است که خون های نمونه برداری شده و در یک ظرف محتوی یخ و نمک به لابراتوار بفرستید. اگر لکه های خونی خشک شده باشد و با لکه های دیگر مانند منی مخلوط شده باشد و روی لباس یا آلات و ادوات جرموجود داشته باشد حتماً اشیا و البسه حامل لکه را بدون دخل و تصرف در لکه های آنها به لابراتوار ارسال کنید. اگر لکه های خون روی وسایل غیره نقول بوده، ارسال آن به این نحو ممکن نباشد در این صورت از کار شناس مخصوص خون در لابراتوار پولیس جنایی کمک بخواهد. اگر دسترسی به کار شناس مذکور امکان نداشت خود شما میتوانید کار های زیر را برای نمونه برداری انجام دهید:

۱. لکه های خون را طوری بتراشید که مواد خارجی و یا جنس حامل لکه داخل آن نشود .
۲. اگر لکه خون روی پارچه است همان قسمت از پارچه ببرید و به لابراتوار بفرستید.
- ۳ به وسیله کمی پنبه آغشته با آب نمک رقیق لکه را پاک نموده پنبه را به آزمایشگاه ارسال کنید. توصیه میشود که مقدار پنبه مصرفی کم باشد و پنبه با آب و نمک زیاد آغشته نشود، زیرا آب زیاد باعث شسته شدن خون شده آنرا به هدر میدهد. به علاوه مقدار آب و نمک پنبه نباید آنقدر کم باشد که نتواند لکه را به خوبی پاک کند.

برخی توصیه های ساده در مورد خون:

چند توصیه ساده در مورد خون عبارت است از:

- ۱ : نباید تصور کرد که هر لکه سرخ رنگی خون است اما همین تصور خون بودن لکه نیز باید با بررسی به تصدیق و یقین تبدیل شود.

۲. نباید تصور کرد هر لکه از رنگ سرخ خون نیست بلکه لکه های قهوای، خاکستری، سیاه و زرد رنگ نیز به احتمال زیاد میتواند خون باشند و باید با آزمایش های مقدماتی و سپس لابراتواری، درمورد خون بودن یا خون نبودن آنها اطمینان حاصل کرد.

۳. بسته بندی لکه های خون برای انتقال به لابراتوار جانیی تابع قاعده مخصوص به خوداست که قبلاً بیان شد. بنابراین این مجاله کردن لباس یا پارچه محتوی لکه های خونی و قرار دادن آن در داخل کیسه نایلون و ارسال آن به لابراتوار به همین نحو اشتباه و خطای شغلی مهمی محسوب میشود.

ز- کار برد های عملی خون در کشف جنایت:

چند مثال در مورد کشف جنایات به وسیله خون:

مورد اول: تشخیص مجروحیت مجرم از ناحیه دست چپ: سارقی پس از کشتن و به سرقت بردن اموال یک پیر زن متواری شد. پولیس بر روی در خروجی خانه مقتول که به کوچه باز میشد چندین قطره خون مشاهده کرد. ولی پولیس بازرسی کننده صحنه جنایت، طی آزمایشهای معمول و قراین و طرز ریختن خونها اظهار داشت که خون مذبور از شخص مقتول نریخته است.

فرض پولیس این بود که جانی بعد از ارتکاب جنایت، چند بار به در مذبور نزدیک شده، پرده آن را کنار و از پشت شیشه به کوچه نگاه می کرده تا اطمینان حاصل کند کسی از کوچه عبور نمیکند و هر دفعه که این کار را میکرد، قطرات خون از دست او که مجروح بود به زمین می ریخته است. اما اتفاق محل ارتکاب جنایت دارای در خروجی دیگری نیز بوده که به حیاط گشوده میشد و در قسمت سمت چپ این در میز درازی که روی آن رومیز بلند انداخته شده بود قرار داشت. در ادامه بازرسی محل یک قطره خون بر روی زمین و زیرومیزی چسبیده به زمین محلی مخفی بود به دست آمد. ماموران تحقیق نتوانستند بفهمد که قطره خون مذبور چگونه در چنین محل قرار گرفته است ولی از حسب اتفاق کشف کردند که این قطره خون پس از گشودن دری که بعد به حیاط باز میشد و میز و رومیزی نزدیک آن قرار داشته روی میزی که روی میزی آن بر اثر جریان هوا عقب زده شده بود ریخته و قطره خون او پس زیر روی میزی متصل به کف اتاق مخفی شده است. پولیس از بررسی و تجزیه و تحلیل محل نتیجه گرفت که جانی در مذبور را با دست راست خود گشوده و قطره خون او پس از باز کردن آن دلیل اینکه رومیزی به واسله جریان هوا عقب رفته بود، از دست چپ او به روی میز چکیده است. ماموران تحقیق به واسطه کشف قطره خون مذبور به این امر مهم پی بردند که مرتکب جنایت از دست چپ مجروح شده بوده است. 1

1 تحقیقات پزشکی قانونی، مولف علی سلمانپور، ج 1 ص 70 سال 1391

مورد دوم: تشخیص بی وجه بودن دفاع مجرم در استناد به دفاع مشروع. شبی یکی از نگهبانان زندانی در برلین را در تخت خواب خود مقتول یافتند. تال که بعداً معلوم شد یکی از زندانیان بوده ادعا میکرد که قصد فرار داشته و در دالان زندان با نگهبانان مقتول برخورد نمود و چون نگهبان مانع فرار زندانی شد و درصدد کشتن او بر آمده وی نیز برای حفظ جان و دفاع از خود، نگهبان زندان را کشته و جنازه اش را به تخت خواب او منتقل کرده است.¹

پی از بازرسی تختخواب مذکور، ماموران در زیر سر مقتول مقداری خون که آلوده به ذرات مغز بود کشف کردند و معلوم شد که زندانی مذکور، نگهبان زندانی را در حالی که روی تختخواب خود خوابیده بود، کشته است و استناد او به جهات مسروعی (دفاع مشروع) بی وجه است.

مورد سوم) تشخیص تال به وسیله لکه های خون به جای مانده. چند سال قبل یک مرد نظامی ورزشکار در آشپزخانه منزل مورد حمله دو نفر قرار گرفت و حین دفاع به وسیله کارد آشپزخانه از پای درآمد.

تالان فرار کرده بودند و آثاری از آنان نبود و هویت شان بر دستگاه کشف جرم مجهول مانده بود. بررسی دقیق منزل مقتول چند قطره

خون پیدا شده بود، در لابراتوار این با خون مقتول مقایسه شده، اظهار گردیده که خون پیدا شده متعلق به مقتول نیست بر اثر تجسسه‌های پولیس یک نفر که دیتش بریده شده بود مشکوک اعلام شده. مقایسه قطرات خون مکشوله با خون این شخص معلوم کرد که مشخصات آنها تطبیق می کند. گرچه صرف این پاسخ دلیل قطعی بر ارتکاب جنایت نبود ولی ظن ضعیف به ظن معتبر تبدیل شد و یا کمک قرائن و اقرار بعدی، راز جنایت آشکار شده معلوم شد که تال همان شخص است.

ج- خون و شبهات قضایی:

دلیل خون، ارتباط آن به جرایم جنسی و مساله اطفال نا مشروع:

این موضوع یکی از مسایل مهم جوامع غربی و به ویژه ایالات متحده امریکا است و مساله آنگاه پیچیده تر می شود که اطفال بیگناهی که به طور نا مشروع به دنیا می آید، مطابق بعضی قوانین از نظامات حقوقی، حتی الساق به پدر و بردن ارث محرم می شود. در ذیل مثالهای چند از این قبیل دعاوی را می خوانید.²

1 تحقیقات پزشکی قانونی، مولف علی سلمانپور، ج 1 ص 79 سال 1391
2 جرم شناسی دوکتور علی نجفی توانا ج 3 ص 65، سال 1370 تهران

مثال اول : در ایالات کلفرونیای امریکا خانم به نام جون بری بالای چارلی چاپلن هنر پیشه کومیدیک سینمایی در محکمه عارض گردید که چارلی چاپلن پدر طفل او است و خواهان حقوق طفلش گردید، قاضی محکمه امر معاینات خون مادر، طفل و چارلی چاپلن را داد در اثر معاینات گروپ خون مادر A تثبیت شد و گروپ خون طفل B ثابت شد، پدر طفل باید گروپ خون AB ویا گروپ خون B می داشت، در حالیکه گروپ خون چارلی O به اثبات رسید، به ملاحظه معاینات خون، چارلی چاپلن برائت گرفت.

مثال دوم: یک هنر پیشه هالیود امریکا به یک کمپنی در بدل پول هنگفت عقد قرار داد نمود یک زنی بالای هنر پیشه مذکور ادعا کرد که پدر طفل او است، هنر پیشه از ترس این که قرار داد او فسخ نگردد و مفاد بزرگ را از دست ندهد، در بدل ادعای این خانم ماهانه حاضر به پرداخت شش صد دالر امریکایی طور خفیه گردید، در حقیقت این یک نوع باج گیری است.

مثال سوم: در امریکا زنی بالای شخصی ادعا نمود که پدر طفل او می باشد، شخص مذکور بالای این که به حیثیت او صدمه نرسد مخفیانه یک مقدار پول را برای زن ماهوار تادیه میشود، بعد از گذشت مدتی خانم ادعای پول بیشتر را نمود مرد از تادیه آن انکار کرد، خانم در محکمه عارض گردید، قاضی محکمه شخص را احضار و در زمینه توضیحات خواست، شخص در برابر این ادعای خانم در دفاعیه خود به محکمه اظهار نمود که او عقیم است، قاضی محکمه به اجرای معاینات شخص حکم نمود، در نتیجه معاینات معلوم گردید که آن شخص از مدت هشت سال عقیم می باشد، قاضی به برائت او حکم کرد:

و: لکه های مشکوک به خون. چه اطلاعاتی برای کشف جرم یا حقیقت در اختیار مان میگذارد؟

از آنجا که اثبات وقوع جرم از طریق جمع آوری دلایل به عهده نهادهای تعقیبی و تحقیقی صلاحیتدار است، آنها موظف اند قطره خون یافته شده مرتبط با صحنه جرم و جنایتکاران را به صورت در اختیار کار شناسان ذیربط قرار دهند.¹

اهم اطلاعاتی که خون در خدمت عدالت قرار میدهد عبارتند از:

(اول) اثبات خون بودن لکه مشکوک: آزمایشهای که راجع به لکه های مشکوک خونی ساده یا پیچیده است میتواند نشان دهنده این موضوع باشد که آیا آنچه در صحنه جرم پیدا شده خون است یا چیز دیگر؟

1 تحقیقات طب عدلی، مولف ابراهیم رجبی تاج امیر ج 2 ص 65، سال 1397

دوم) اثبات اینکه خون مطلق به انسان است: در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا لکه خون از جانی به جای مانده است یا مقتول و یا مضروب و مجروح؟

سوم) مشخص کردن صاحب خون: آزمایش های شیمیایی روی لکه های خونی پیدا شده در محل ارتکاب جنایت میتواند هویت جانی یا مجانی علیه راهم مشخص کند، هر چند که احتمال دارد لکه های خون مربوط به شخص دیگری از همان گروه خونی هم باشد.

چهارم) اثبات این که فرد صاحب لکه خون در وضع عادی بوده یا غیر عادی: تجزیه شیمیایی خون می تواند نشان دهد که آیا مرتکب جنیت یا سوء قصد کننده، به هنگام ارتکاب جرم تحت تاثیر مواد مخدر یا دارو های منواکسید کاربن یا الکل قرار داشته یا خیر.

پنجم) اثبات اینکه جنایت چگونه اتفاق افتاده است (وضیعت های افقی، عمودی و مایل بدن): اندازه، وسعت و شکل ظاهری لکه خون می تواند بیان کند ارتفاع سقوط خون باشد. چه، قطرات خونی از ارتفاع کمتر از دو فوت (۱۵ تا ۳۰ سانتی متر) به زمین بریزد لکه های دایره ای شکل یا به لبه های کاملاً مشخص و کنگره دارد ایجاد می

کنند. اگر لکه به اندازه یک فوت به اطراف پخش شده باشد نشان می دهد که قطره خون مذبور از ارتفاع چهار فوت یا بیشتر (۳۰ تا ۱۵۰ سانتی متر) و تحت زاویه قائمه به زمین ریخته شده است. با افزایش ارتفاع سکوت، دندانان های لکه بزرگتر می شود.

اندازه و شکا ظاهری خون می تواند نشان دهنده سمت حرکت و جهت ریزش خون نیز باشد. اگر شکل قطرات خون ریخته شده میخی و نوک تیز باشد تیزی نوک، سمت برش و جهش خون را نشان می دهد.

ششم) قرینه تعداد مداخله کننده گان و روابط آنها: تعداد و محل لکه های خون می تواند اطلاعاتی چون محل جنایت و وضیعت قربانی یا حمله کننده را در اختیار ماموران تحقیق قرار دهد. چنان چه سلاحی به کار گرفته باشد، این سلاح می تواند وجود اسلحه در صحنه جنایت و نیز روش را که طبق آن اسلحه مورد استفاده قرار گرفته آشکار سازد.¹

هفتم) زمانی تقریبی وقوع جرم: رطوبت یا خشکی لکه خون می تواند معرف زمان تقریبی وقوع جنایت باشد.

هشتم) اثبات تعلق و یا عدم تعلق فرزند: با آزمایشات خونی می تواند نفی ولد و رد نسب را اثبات کرد.

1 تحقیقات طب عدلی، مولف ابراهیم رجبی تاج امیر ج 2 ص 70، سال 1397

نهم) قرینه جنایت مقرون به حمله و این که موضوع جرح منتهی به قتل است یا خیر:

اگر خون زیادی در اطراف جنازه ای که زخم های نسبتاً ریزه دارد جمع شده باشد دلیل بر این است که مقتول مورد حمله واقع شده و مدت بعد از حمله نیز دزنده بوده و علت مرگ خون ریزی بوده است.¹

دهم) کنترل درستی ادعا یا اظهار: به آزمایش لکه های خونی به وسیله مایکروسکوپ در بسیار از مواد می توان منشا خون ریزی را شناسایی کرده، مشخص کرد که خون پیدا شده مربوط به کدام قسمت از بدن است، زیرا به عنوان مثال خون بینی معمولاً حاوی ذراتی از آب بینی و موهای ریزه داخل بینی است و یا خون آغشته به غشای آلت تناسلی زن تفاوت دارد. به طور کلی اگر خون به ذرات ریزه قسمت های مختلف آغشته باشد در سنجش گفتار گوینده می تواند دلیل بر صحت یا عدم صحت گفتار وی باشد اما عدم آنها می تواند دلیل کذب گفتار وی شود.

یازدهم) تعیین منشا خونریزی: تعیین منشا خونریزی منحصر به مورد بالا نیست، چرا که در خون جاری شده از زخم عناصر دیگری هم پیدا می شود مثلاً خونی که از مجاری تناسلی یا تنفسی یا مغزی جاری شده دارای عناصر مشخصه خود آنها است چنانکه خون حاصل از پاره گی پرده بکرات دارای سلول های این پرده و خون محتوی ذرات مغز یا مو دارای عناصری از این مواد است.

دوازدهم) تقدم و تاخر تاریخ جاری شدن خون: سن خون (تازگی و کهنگی) و نیز تقدم و تاخر تاریخ جاری شدن خون اطلاعات ارزشمند دیگری است که در کشف جرائم تاثیر دارد. لکه خونی که بیشتر از شش ماه عمر داشته باشد در آب مقطر حل نمی شود و اگر لکه خونی با آب مقطر شسته شود معلوم می شود که کمتر از یک تا شش ماه عمر دارد. بعد از شش ماه تا یکسال، لکه خون در پتاس سه در صد حل میشود.

توجه به ترشحات غیر خونی بدن آدمی.

مامورن کشف جرم باید توجه کند اگر در مواردی ترشحات بدنی غیر خونی مانند ترشح بزاق، منی و مدفوع که معمولاً که روی اشیایی چون دستمال پارچه ای یا کاغذی مصرف شده یا فلتر سیگار یا البسه یا بدن متهم، مقتول و مجروح باقی میمانند برخورد کردند، آنها را هم برای آزمایشات خونی به لابراتوار بفرستند.²

1 رموز باز پرسی

2 جرم یابی، تالیف دوکتور اسماعیل رحیمی، ج 2 ص 80 سال 1382 تهران

مطلب ششم: امتحان لکه ها و بقایای انسانی و DNA

آزمایش لکه ها، موها و بقایای بافتهای انسان و استفاده از DNA از روشهای تشخیص هویت پزشکی قانونی است و شامل روشهای دقیق و پیشرفته ای است که در صحنه جرم یا آزمایشگاه به تشخیص هویت کمک مینماید. بدین سان، با لکه برداری دقیق از صحنه های حوادث مرگبار، جنایت ها یا همه موارد که تعیین هویت صاحبان این لکه ها مورد در خواست مقامات قضایی یا انتظامی است (از جمله تجاوز های جنسی و سرقت ها) آزمایش کردن آنها میتواند کمکی شایان به تشخیص هویت مجرمان یا قربانیان آنها نمود. در این موارد باید ابتدا منشا انسانی لکه ها و بقایای بدست آمده را اثبات کرد و اگر مربوط به انسان بود به ادامه آزمایش ها پرداخت. سوال مهمی که در اینجا مطرح میشود این است که آیا لکه های بدست آمده و بقایای جسد منشا انسانی دارد؟ اگر این ابهام وجود دارد که عضو به دست آمده متعلق به انسان است یا خیر، می توان با استفاده از دانش اناتومی تشریح مقایسه ای پاسخ این سوال را داد. ولی اگر مقدار نسوج به دست آمده کمتر از این بود که از نظر تشریحی مورد استفاده قرار گیرد، از روش های لابراتواری استفاده می شود و با افزودن ترکیبات خاص شیمیایی به نمونه بافتی و ملاحظه عکس العمل های شیمیایی و ترکیبات حاصل، معلوم می شود که بافت به دست آمده منشا انسانی دارد یا خیر.

اگر نمونه بدست آمده یکی از استخوان های دراز بدن یا حتی تکه ای از انتهای یکی از استخوانهای دراز باشد که نسبتاً سالم بتقی مانده، با اندازه گیری شاخص مغز استخوان میتوان اظهار نظر کرد که استخوان مربوط به انسان است یا حیوان.

این شاخص در انسان بالغ حدود ۴۵٪، در چنین بیشتر و به هر حال کمتر از ۵۰٪ و در جانوران همیشه بیش از ۵۰٪ است. در صورتیکه اندازه گیریشاخص مغز استخوان مقدور نبود، با آزمایش بافتی و اندازه گیری قطر مجاری خاصی که در استخوان وجود دارد و تعداد آنها در هر میلی متری مربع میتوان استخوان های انسانی و حیوانی را از هم جدا کرد. بررسی قطر و تعداد مجاری توسط میکروسکوپ صورت می پذیرد ضمناً آزمایش قبلی که شامل افزودن ترکیبات شیمیایی خاص به بافته ها و ملاحظه عکس العمل شیمیایی حاصل بود برای استخوان ها هم قابل استفاده است.¹

1 تحقیقات طب عدلی، داکتر مهرزار کیانی، پزشک قانونی، ج 3 ص 99 سال 1384

امتحان لکه ها:

همان گونه که ذکر شد یکی از کار های مهم تشخیص هویت در صحنه جرم و جنایت بررسی آثار و لکه های بر جا مانده است.

- آیا ممکن است لکه ها خون باشد؟

اگر لکه اصولاً خون نباشد آیا می توان گفت که مربوط به ترشحات بدن آدمی است؟

لکه های آب میوه، برخی دارو ها زنگ آهن، شراب، فضولات، حشرات و برخی ترکیبات کیمیاوی و مواد غذایی امکان دارد در صورت ملاحظه بر روی اشیا با لکه های خون اشتباه گرفته شود که در مرحله اول با انجام آزمایش های خاصی مشخص می شود که لکه ایجاد شده خون است یا خیر. از روی خلط و ترشح لعاب یا خروج منی با وجود مدفوع روی اشیا موجود در صحنه جرم در موارد متعددی میتوان با آزمایش از نظر گروه های خونی و ترکیبات خاص! 1

فصل سوم

تحقیق جرایم

مبحث اول: تحقیق جرایم

مطلب اول: مرحله تحقیق جرایم

مطلب دوم: آغاز تحقیق جرایم

مطلب سوم: استنتاج در تحقیق

مطلب چهارم: تحقیق من حیث وظیفه خارنوال ختم آن

مطلب پنجم: مکلفیت های خارنوال هنگام نظارت بر قانونیت

مبحث دوم: کشف جرم

مطلب اول: اهمیت و آغاز کشف جرایم

مطلب دوم: کشف جرم توسط پولیس

مطلب سوم: چگونگی کشف در محل واقعه

مطلب چهارم: نقش جمع آوری دلایل، مدارک و اشیا

1 تحقیقات طب عدلی، داکتر مهرزار کیانی، پزشک قانونی، ج 1 ص 102 سال 1384

مطلب پنجم: مدارک اثباتیه غیر بیولوژیکی در کشف جرایم

مطلب ششم: اثر نشان انگشتان برای دریافت جرم

مطلب هفتم: آثار و علایم پا پوش

مبحث سوم: مدارک اثباتیه بیولوژیکی در کشف جرایم

مطلب اول: آثار و علایم دندان ها

مطلب دوم: کشف ولکه های خون

مطلب سوم: موی به عنوان ادله مادی

مبحث چهارم: مشاهده حالات روانی متهم

مطلب اول: تعریف هویت

مطلب دوم: شباهت خطوط انگشتان در وراثت

مطلب سوم: آثار انگشتان روی اجسام جاذب

مطلب چهارم: طریقه گرفتن نشان انگشتان

مبحث پنجم: بررسی محل واقعه

مطلب اول: بررسی منزل

مطلب دوم: بررسی اشیا و اجناس

مطلب سوم: ترتیب و تنظیم وقت و محل اجرا

نتیجه گیری و پیشنهادات

فهرست آیات قرآن کریم

فهرست احادیث نبوی و آثار

فهرست اعلام

فصل سوم

تحقیق جرایم

مبحث اول : تحقیق جرایم

اساساً یکی از اسباب نهایتاً مهم در عرصه یک قضیه که خارنوال را به حقیقت نزدیک میسازد همانا کشف و به تعقیب آن تحقیق است. چنانچه، یک قضیه جنائی که در یک محل رخ میدهد دقیقاً در نخست باید کشف شود و بعداً زمانیکه ارتکاب عمل جرمی تثبیت می شود نیاز به تعقیب و تحقیق دارد. قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم در مورد پیگیری و تعقیب جرایم چنین صراحت دارد: خارنوال ابتدائیه مکلف است در صورت آگاهی یا دریافت راپور از وقوع جرایم در حوزه تحت صلاحیت خویش به تحریک دعوی جزائی جهت تعقیب تمام جرایم آغاز نماید، مگر اینکه قانون صراحتاً طور دیگری حکم نموده باشد. در نتیجی کشف و تحقیق جرایم مسؤلین واقعی قضیه دریافت میشوند و بعداً آنچه که عدالت حکم می کند اجراءات قانونی علیه آنها باید صورت گیرد که در نتیجه آن نظم مختل شده اعاده میشود و متضرر و یا بازمانده گان وی آسایش روحی میآید و یا به عباره دیگر همان پنج هدف جزا بر آورده میشود. بناً آنچه که گفته آمدیم میتوان گفت که بر اساس قانون اساسی نافذه کشور تحقیق از جمله صلاحیت های قانونی خارنوالی میباشد چنانچه قانون اساسی در مورد آن چنین صراحت دارد. کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوی علیه متهم در محکمه، از طرف خارنوالی مطابق به احکام قانون صورت میگیرد. 1

خارنوالی جز قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می باشد. روی همرفته بر اساس ماده بیستم قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خارنوالی بر تطبیق قانونیت آن خارنوالی از جمله ارگان تحقیق است. در مورد اینکه تحقیق از جمله صلاحیت کدام ارگان است دانستیم حالا میپردازیم به انواع و تعاریف تحقیق. در قاموس اصطلاحات حقوقی که به زبان دری میباشد و از طریق پوهنهی حقوق و علوم ساییسی پوهنتون کابل در سال 1387 به چاپ رسیده در مورد انواع تحقیق و تعاریف آن چنین نوشته است: 2

1 محمد عظیم فارابی، اساسات علمی کشف و تحقیق جرایم، ج 1، ص 24 سال 1387
2 قاموس اصطلاحات حقوقی 1387

انواع تحقیق :

تعریف تحقیق: تحقیق عبارت از جریان تثبیت حقایق، به منظور اصدار حکم محکمه نیصلاح میباشد.

تحقیق ابتدائی: مناقشه دلایل جمع آوری شده از طرف خرنوال با مظنون.

تحقیق حتمی: حالاتی که در آن تحقیق از طرف خرنوال در مطابقت به احکام قانون حتمی باشد.

تحقیق در مرحله محاکماتی:

گفتگوی شفوی، که در جریان محاکمه در پیشگاه قضا صورت میگیرد و به اصدار حکم می انجامد.

تحقیق روشن: تحقیق خالی از هر نوع ابهام، شامل مسایل کاملاً روشن.

تحقیق عینی: تحقیق که متکی بر واقعیات و حقایق عینی و ملموس باشد.

تحقیق قضائی: تحقیقی که از طرف قاضی غرض کشف حقایق قضیه صورت میگیرد.

تحقیق محلی: تحقیقاتی که مسئولین تحقیق جرم در محل ارتکاب و یا محل دریافت مدارک آن، انجام میدهند.

در پهلوی تمام تعاریف فوق الذکر قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خرنوالی بر تطبیق قانونیت آن چنین صراحت دارد: تحقیق عبارت از بررسی همه جانبه اوضاع واقعی قضیه توسط خرنوال که به اساس دلایل جمع آوری و آزمایش شده امکان اتخاذ تصمیم در باره موجودیت یا عدم موجودیت اسباب احاله دوسیه متهم را به محکمه میسر گرداند است. به خاطر تحقیق خوب یک قضیه جنائی و داشتن نتیجه مؤثر از آن، تحقیق جرم در حوزه قضائی محل وقوع آن صورت میگیرد مگر اینکه خرنوال ولایت و یا لوی خرنوالی به مقصد تأمین عدالت طوری دیگری تجویز اتخاذ نماید.¹

ناگفته نباید گذاشت که هدف تحقیق کشف واقعیت و حقایق جرمی بوده البته در مورد یک عمل که خلاف قانون صورت گرفته و یا به طور کل جرم که صورت گرفته باشد میباشد و نتیجه تحقیق احاله دوسیه به محکمه میباشد. چون دانستیم که تحقیق از جمله صلاحیت های قانونی ارگان خرنوالی است بنا بی مورد نخواهد بود که در مورد چگونگی اجراءات خرنوال در جریان تحقیق به موضوعات بپردازیم:

1 محمد عمر بیرکزی، کرمنالستیک، انتشارات میوند، ج 1 ص 2 سال 1387

مطلب اول : مرحله تحقیق جرایم

زمانیکه یک عمل جرمی در قدم اول توسط پولیس عدلی و یا ارگان های کشفی کشف شود و یک سلسله اقدامات کشفی که از آغاز محل واقعه شروع میشود صورت بگیرد یعنی آثار، علایم و مدارک اثباتیه از محل واقعه و یا محل دریافت که ناشی از جرم باشد جمع آوری شود و همه آنها را به دقت کامل به خرنوال مؤظف رسما تسلیم دهد اینجاست که خرنوال شروع به تحقیقات همه جانبه قضیه مینماید اگرچه از آغاز بررسی محل واقعه تحقیق نیز آغاز میگردد ولی در این مرحله خرنوال قضیه را طور مطالعه مینماید که الزامیت و عدم الزامیت شخص مظنون را ثابت نماید. قابل تذکر است که در نخست خرنوال باید مطابق معیارهای مسلکی و بی طرفی تام عمل نماید و یا تمام مواد اصولنامه مکلفیت های اخلاقی خرنوالان را رعایت کند و مطابق آن رفتار نمایند. پس همانگونی که خرنوال در عرصه تحقیق و تعقیب جرم و مجرم مکلفیت قانونی دارد باید تمام مدارک اثباتیه را مطالعه ، تحلیل و تجزیه نموده، آیا عمل ارتکاب یافته ایجاب تحقیق را مینماید یا خیر اگر ایجاب تحقیق را میکرد خرنوال مطابق قانون اجراءات خود را مرعی مینماید اگر ایجاب تحقیق را نمی کرد خرنوال در مورد آن قرار حفظ دوسیه را صادر مینماید ناگفته نباید گذاشت زمانی یک قضیه ایجاب آغاز تحقیق را میکند که شواهد و مدارک دال بر جرم باشد. در نهایت یگانه هدف تحقیق جرایم کشف واقعیت و حقایق جرمی میباشد و برای تحقق این هدف بزرگ خرنوال نکات ذیل را باید در نظر داشته باشد:

الف: ارزیابی همه جوانب قضیه

ب: آگاهی از ارتکاب و یا عدم ارتکاب جرم

د: کشف شخص و اشخاص مسؤل

زمانیکه تحقیق آغاز میشود خرنوال به خاطر رسیدن به حقیقت و واقعیت جرمی تابع کدام شکلیات و قیودات خاص نیست البته این به آن معنی نیست که خرنوال باید از هر نوع شرایط میرا باشد در عرصه تحقیق مطابق قانون رفتار نکند بلکه خرنوال قانونمند حرکت نماید و از شیوه های بسیار مؤثر باید استفاده کند تا زودتر به واقعیت ها و حقایق برسد و در عرصه شیوه های تحقیق دست آزاد دارند. 1

1 مبانی جرم شناسی ، ج 2 ، مؤلف دوکتور مهدی کی نیا ، ص 58 سال 1375

مطلب دوم : آغاز تحقیق جرایم

تحقیق زمانی آغاز میشود که شواهد و مدارک دال بر جرم و مجرمیت نماید. در نحوی آغاز و چگونگی تحقیق خرنوال تابع کدام شکلیات خاص نیست در واقع چگونگی تحقیق مربوط به درایت و ابتکار عمل خود محقق یا خرنوال میباشد که چی گونه میتواند به حقیقت و واقعیت خود را نزدیک ساخته و بلاخره مجرم را به محاکمه معرفی نماید. اساساً برای اینکه یک شخص از مظنونیت و مشکوک بودن به حالت متهم بودن تبدیل گردد و مسؤل و یا غیر مسؤل بودن آن ثابت گردد خرنوالان از مدارک اثباتیه استفاده مینمایند که عبارت اند از شهود، مقابله شهود، شناسائی مظنون طور بالمواجه در صف، تفتیش محل، تلاشی، ضبط اشیا، ارزیابی و معاینات (اخذ نظر اهل خبره) و استنتاج میباشند. اینها از جمله وظایف خرنوال نیز میباشد که یکی پی هم آنرا انجام میدهند.

در کسب حقیقت و واقعیت یک قضیه جنائی خرنوال در دریافت پاسخ به سوالات طلائی می پردازند، پس برای دریافت جوابات این سوالات طلائی و سایر ارزیابی های همه جانبه قضیه خرنوالان از ترتیب پلان تحقیقاتی شروع الی سایر اجراءات مانند اصدار قرارها، استنتاج از مظنون، متضرر، شهود و غیره میباشد را انجام میدهند. در قدم اول خرنوال یک پلان تحقیقاتی را ترتیب مینماید که عبارت است رونویسی تمام اجراءات که بعدا روی یک قضیه انجام میابد. پس زمانیکه پلان تحقیقاتی آماده شد مطابق به آن اجراءات مینمایند و اجراءات که بعدا انجام میدهند و اوراق را که در اثر تحقیق بدست می آورند برای آن یک فهرست ترتیب میدهند برای اینکه معلوم باشد در این دوسیه چی چیز ها شامل است. بالترتیب اجراءات خرنوال در عرصه تحقیق اصدار یک سلسله قرار ها میباشد. 1

مانند: قرار مبنی بر تحریف دعوی جزائی، قرار جلب و احضاد مظنون، قرار مبنی برگرفتاری، قرار مبنی بر تحت توقیف قرار دادن مظنون و امثال آن. علاوه به قرارهای فوق الذکر خرنوالان میتوانند در جریان تحقیق بعضی قرار های دیگر را نیز صادر نمایند. چون خرنوالان در آغاز تحقیق استعلام های را ترتیب میدهند که در آن سوالات مطرح میباشد و در طلب پاسخ آن از مظنون و مشکوک میباشدند. به همان گونیکه تذکر داده شد خرنوالان در تحقیق از شیوه های مختلف استفاده میکنند یکی از شیوه های آن عبارت از استنتاج میباشد. چون استنتاج در مرحله تحقیق بسیار رول مهم و اساسی را دارد پس میخواهم در جز دوم به استنتاج پردازم:

1 مبانی جرم شناسی، ج 2 ص 105، مولف داکتر مهدی کی نیا

مطلب سوم: استنتاج در تحقیق:

یکی از مباحث بسیار مهم و دلچسپ تحقیقاتی جنائی است و بدون شک مستلزم فهم و دانش عمیق و همه جانبه می باشد ولی باید دانست که یک سیستم معین و ثابت از لحاظ تخنیک و تکنیکی استنتاج وجود ندارد که در مورد تمام کتکوری های مجرمین قابل تطبیق باشد. از طرفی هم باید متذکر شد اینکه فکر استفاده از چال و نیرنگ های مختلف موفقیت های خوبی بدست میدهد و در کشف جرایم و جنایات مؤثر است یک راه نادرست و فکر باطل خواهد بود. چه نکته مهم عبارت از فهم و درک شخص محقق و شخصیت او و همچنان ظرفیت او را درک و m اندوختن تجارب و معلومات از حیات روزمره می باشد. و این موضوعات دست باهم داده یکجا با دانش منطق او را در راه ربط دادن عملی و منطقی اظهارات متهم و بالاخره اثبات یک جرم بر او کمک می نماید. در این قسمت ناگزیریم تعریف برای این اصطلاح ارائه نمایم.

تعریف - استنتاج به معنی طلب نطق است که اصطلاح انگلیس آن:

(Interrogation Investigation) می باشد نباید این اصطلاح را با تحقیقات که موضوع آن عام تر و وسیع است مغالطه نموده از جانبی هم بعضا این اصطلاح با استجواب که یک نوع سوال و جواب شفاهی است مغالطه میشود که برای اعتراض از این اختلاط اصل معنی هر سه اصطلاح را متذکر شدیم امیدواریم در روشن شدن موضوع به ما کمک کرده بتواند.

استنتاج اصطلاحی است که میتوان آنرا در مورد مباحثه و پرسش تحریری از متهم و سایر شاملین قضایای جنائی استعمال کرد. یعنی وقتی که در برابر سوالهای تحقیق کننده جواب ارائه شده روی ورق مخصوص یاد داشت گردد مفهوم استنتاج را دارد. ولی تحقیقات شامل مفهوم وسیعتر میشود و معنی آن دریافت حقیقت است (حقایق) و شامل تمام فعالیت محقق میشود که در یک قضیه جرمی عملی میشود و تحقیقات علاوه بر خود استنتاج اجراء دیگری را از قبیل مشاهدات محل واقعه موضوعات مربوط به تلاشی، گرفتاری اکسپرتیز عدلی و غیره را احتوا مینماید. 1

استجواب عبارت از اصطلاح است که دربرگیرنده مراحل ابتدائی تحقیقات می باشد و به معنی طلب جواب است از مظنون و یا شهود یعنی از اشخاص اخیرالذکر سوالاتی در خصوص قضیه به عمل می آید و معمولا بشکل شفاهی و تقریری می باشد یعنی استجواب تقریبا یک سوال و جواب غیر رسمی برای دریافت حقیقت است. پس اینرا دانستیم که استنتاج، استجواب و مصاحبه چی هستند و از هم چی تفاوت های داشتند لازم به ذکر است که خود مستنطق را نیز تعریف نمایم:

1 محمد عظیم فارابی، کشف جرایم، ج 2 ص 18 سال 1387

مستنطق: عبارت از تحقیق کننده جنائی است که در جریان بررسی عمل جرمی به استنطاق و استجواب اشخاص معلومات شهود اهل خبره و متهم مؤظف بوده که هدف آن وضاحت دادن و بررسی همه جانبه قضیه جرمی میباشد. و در نهایت جهت احاله دوسیه جزائی به محکمه تصمیم اتخاذ میکنند. در واقع در مورد استنطاق موضوعات نهایتا بسیار زیاد وجود دارد که نمیوانیم در این جز کوچک تیزس به آن پیرادزیم بنا در ادامه این جز بهتر خواهد بود در مورد پرنسیپ های اساسی تحقیق قضایای جنائی بپردازیم:

اصطلاح پرنسیپ های اساسی به روش و میتود های مستنطق اطلاق میگردد. که با مطالعه شرایط و حالت خاص یک عمل جرمی به وقوع پیوسته. بر مبنای تجارب مسلکی، طرح یک پلان کاری، رعایت اصول فرضیه های جنائی که در حقیقت منحصیث یک اصل در قضایای جنائی پذیرفته شده و با در نظر داشت تمامی موازین حقوقی و موازین و طور مشخص قانون اجراءات جزائی (مؤقت) به منظور کشف حقیقت تشخیص، تثبیت، گرفتاری و استنطاق متهم، مظنون بکار میرود و هم لازم به یادآوری است که دراین مورد نمی توانیم یک قاعده و فورمول خاصی را بخرد هم مسکان دهیم تا آنرا معیار قرار داده و تمامی اجراءات تکتیکی را به اساس آن در همه جرایم در معرض عملی قرار دهیم. ولی میشود به صورت اجمالی در رابطه به این موضوع نکات عمده و اساسی را ممباب مساعدت کننده با هم ردیف و در عرصه کشف به موقع قضایا، دریافت فاعلین آن خاطر نشان ساخت.

الف: طرح، ارایه و مطالعه فرضیه ها.

ب: طرح پلان پیشبرد امورات

ج: توصیه و رهنمائی های خاص مسلکی که در جریان و عملیه های تحقیقاتی؛ مانند بررسی و مشاهده محل واقعه، تمثیل دوباره محل واقعه، تلاشی، تحقیقات ابتدائی، و اقدامات اوپراتیفی و کشفیاتی به منظور دریافت علایم جرم و گرفتاری متهم و مظنون استفاده نمود. البته در قدم نخست منبع که تمامی اجراءات مستنطق را معین و تنظیم می نماید و یا به عباره دیگر مستنطق را در اجرای امورات رهنمائی مینماید همانا قانون اجراءات جزائی است که آنرا به مثابه یک اصل باید پذیرفت. در اجراءات تکتیکی بخش استنطاق رول اساسی را تجارب عملی کاری، دانش کافی مسلکی، پشت کار، لیاقت، داشتن یک معلومات عمومی وسیع به درجه اول حایز اهمیت میباشد تا با کاربرد اندوخته های عملی و تجربه مسلکی خود و با اسفاده از تکتیک های متنوع به دریافت حقایق و کشف جرم نایل آید. 1

1 جرم شناسی پیشگیری، ج 1 ،مؤلف شهرام ابراهمی، ص 55 سال 1396

هكذا در زمره فعالیت های قابل محاسبه و با ارزش مستنطق یکی هم دانستن و داشتن معلومات کافی در رشته علم روانشناسی و کاربرد اصول منطقی در پروسه استنتاج است که این موضوع مرتبط میگردد به سطح دانش، علمیت، کرکتر، موشگافی، عکس العمل سریع، زودرس بودن، و توانائی آمیزش سریع مستنطق. کاربرد روانشناسی در پروسه استنتاج به شکل یک طرفه نبوده بلکه مستنطق خصوصیت روانی کلیه اطراف و شاملین قضیه مانند: متضرر، مظنون، متهم، شهود، و اهل خبره و سایر اشخاص ذیربط رادر نظر داشته باشد.

مستنطق باید به صورت بسیار دقیق بوضیحات شخص طرف استنتاج را تجزیه و تحلیل نماید و از نقطه نظر منطقی خودش به آن نتیجه نای آید که آیا توضیحات شخص طرف استنتاج قرین به واقعیت است و یا چطور؟ که البته یک چنین حالت به مستنطق موقع میدهد تا تناقضات را در توضیحات شخص طرف استنتاج جمع بندی نموده و اعتراف کاذب را از حقیقی تفریق نماید. استفاده از قواعد معقول و منطقی امکانات و مطالعه و طرح فرضیه های جنائی این را میسر می سازد تا از طریق روش های اصلی و فرعی پیرامون اثبات قضایا اجراتی به عمل آید. 1.

فرضیه های جنائی: اگر قرار باشد تعریفی به آن قایل شویم آن عبارت از توضیح تقریبی حوادث و وقایع به وقوع پیوسته که به کمک و مساعدت اصول منطق، رعایت اساسات قوانین و حقوق و طور اخص قانون اجرات جزائی مستنطق را به سرمنزل مقصود یعنی دریافت حقایق میرساند فرضیه های که ارایه میگردد باید یکایک مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و از بین آنها فرضیه قریب به یقین را بیشتر مورد تعمق قرار داده و بیشتر روی جوانب منطقی آن اتکا شود. البته روش های منطقی بهمستنطق موقع می دهد از کدام نوع میتودها به منظور اثبات قضایا استفاده به عمل آرد.

میتود اصلی: به آن روش و طریقه اطلاق میگردد که مستنطق درپروسه بررسی قضایا از حالت کلیات به جزو جزئیات بیشتر تقرب مینماید. البته از این میتود عموماً در مراحل ابتدائی و یا آغاز استنتاج به منظور تحلیل و تجزیه مدارک اثباتیه استفاده به عمل میآید. 2.

1 محمد عظیم فارابی، کشف علمی جرایم ج 11، ص 89، سال 1387
2 جرم شناسی پیشگیری ج 1 ص 34 سال 1370

میتود فرعی: این طریقه اثبات به آن وصول و روش مستنطق اطلاق میگردد که مستنطق به منظور اثبات قضایا و دریافت حقایق از جزئیات کار خود را آغاز مینماید تا به کلیات رسیده و به نتیجه دلخواه یعنی کشف حقایق نایل آید. استفاده از این و یا آن میتود در جریان پروسه استنطاق در جریان کار عملی مستنطق وابسته میگردد به انتخاب شخص مستنطق. البته کاربرد میتود ها بخاطر آن توصیه میگردد تا اجراءات و فعالیت های مستنطق معین شده و سهولت در کار وی رونما گردد.

مطلب چهارم : تحقیق منحیث وظیفه خارنوال و ختم آن

خارنوال در عرصه تحقیق و نظارت یک سلسله صلاحیت ها و مکلفیت ها دارد، بنا اینک میپردازیم به صلاحیت های خارنوال، و مکلفیت های خارنوال هنگام نظارت بر قانونیت و بعدا در جزاؤل به وظایف خارنوال در عرصه تحقیق و در جز دوم به ختم تحقیق میپردازیم:

صلاحیت های قانونی خارنوال:

به خاطر اینکه يك خارنوال نتواند از صلاحیت های خویش سوي استفاده کند و یا اینکه از وظایف خود زیادی روی کند باید برای خارنوال يك سلسله صلاحیت های قانونی پیشبینی شده باشد از جانب هم خارنوال به خاطر اجرای وظایف خود دچار مغالطه صلاحیت نگردد لذا روی همین موارد قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خارنوالی بر قانونیت تطبیق آن صلاحیت های خارنوال را مشخص نموده است. بنا خارنوال دارای صلاحیت های ذیل است:

1. مطالبه اسناد، مواد لازم و دیگر حقایق مربوط به جرم از اورگانهای کشف و تحقیق جرایم به منظور بررسی دوسیه.
2. اصدار هدایات در باره اجراءات کشف و تحقیق جرم راجع به تعین، تغیر یا الغای اقدام اتخاذ شده نسبت به شخص مظنون یا متهم مبني بر جلب متهم ، تعین ماهیت جرم، حجم اتهام، جریان تحقیق و اتخاذ اجراءات کشف و تحقیق جرایم به منظور دریافت مجرمین مخفی شده.
3. اشتراك در کشف و تحقیق جرم و در صورت لزوم پیشبرد تحقیق یا برخی از اجراءات تحقیق در تمام جرایم.

4. اعاده دوسیه های جزائی به اورگانهای کشف و تحقیق جرایم و اعطای امر کتبی برای اجرای کشف جرم و تحقیق اضافی.
 5. الغای قرار های غیر قانونی و غیر مدلل اورگانهای کشف و تحقیق جرایم و الغای هدایات غیر قانونی و غیر مدلل آمرین ادارات و شعبات اورگان های مذکور.
 6. سلب صلاحیت کشف و تحقیق از شخص مؤظف در صورت نقض احکام قانون.
 7. گرفتن دوسیه از اورگانهای کشف جرم و تفویض آن به مستنطق یا گرفتن آن از یک مستنطق و تفویض آن به مستنطق دیگر به مقصد انجام تحقیق بطور مکمل و عینی.
 8. تفویض نمودن برخی از اجراءات تحقیقی و اکتشافی درمورد دوسیه هائیکه نزد مستنطق تحت اجرا میباشد.
 9. تفویض نمودن برخی از اجراءات تحقیقی و اکتشافی در مورد دوسیه هائیکه نزد مستنطق تحت اجرا میباشد.
 10. حفظ دوسیه جزائی در صورت موجودیت دلایل قانونی
 11. تائید اتهام نامه و احاله دوسیه به محکمه مربوط.
- موضوعات فوق الذکر از جمله صلاحیت های است که قانون آنرا به یک خارنوال اعطا نموده است بنا آ لازم است که در پهلوی صلاحیت ها وظایف خارنوال را حین تحقیق نیز بیان داشت. 1

مطلب پنجم : مکلفیت های خرنوال هنگام نظارت بر قانونیت:

خرنوال هنگام اجرای نظارت بر قانونیت دارای مکلفیت های ذیل میباشد:

1. جلب متهم در صورت لزوم قانونی.
2. اتخاذ تدابیر در مورد اینکه هیچ جرمی پنهان نشده و مجرم از تعقیب عدلی باز نماند.
3. مراقبت جدی مبنی بر جلوگیری از جلب بدون دلیل اشخاص و وضع محدودیت غیر قانونی بر حقوق آنها.
4. مراقبت از تطبیق قانون در اجراءات کشف و تحقیق جرم.
5. مراقبت متداوم و جلوگیری از توقیف و نظارت اشخاص بر خلاف قانون ، بدون حکم محکمه یا بدون اجازه خرنوال.
6. مراقبت از تطبیق قانون در تعقیب دعوی جزائی و حمایه حقوق طرفین دعوی.
7. مراقبت از تطبیق قانون هنگام گرفتاری مظنون.

جز اول: وظایف خرنوال در عرصه تحقیق:

چنانچه هدف تحقیق کشف حقایق بوده بناً یکی از وظایف بسیار عمده و مهم خرنوال همانا تحقیق میباشد که معیاد تحقیق دو ماه میباشد یعنی يك خرنوال باید تحقیق را در مدت دو ماه تکمیل نموده و الزامیت و عدم الزامیت را تثبیت نماید. البته قابل تذکر است که قانون در مورد حتمی بودن تحقیق تأکید میکند و چنین میگوید: تحقیق در تمام جرایم با رعایت حکم ماده 476 قانون جزا حتمی بوده و مطابق احکام این فصل اجراً میگردد. پس خرنوال در پیگرد کشف حقیقت میباشد که البته در جریان تحقیق خرنوال باید موارد ذیل را در نظر داشته باشد. 1

الف: ارزیابی همه جوانب قضیه

ب: آگاهی از ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم

ج: کشف شخص و یا اشخاص مسؤل

1 اصول جرم شناسی، مترجم روح الله صدیق، مولف مورس کسن ج 3، ص 18 سال 1376

براي يك څارنوال لازم نښت كه تابع كدام قيودات و شرايط خاص در حين تحقيق باشد البته وابسته گي تحقيق مربوط به دراييت و ابتكار عمل خود څارنوال دارد كه چگونه ميتواند حقيقت كتمان شده را دريافت نمايد. 1

لذا به خاطر رسيدن به حقيقت څارنوال بايد در يك قضيه مشخص پيش خود سوالات را مطرح كرده باشد كه قضيه منكور را به طور واقعي آن روشن بسازد. معمولاً اين سوالات كه نزد څارنوال مطرح ميشود بايد آنرا در چهارجوب سوالات طلائي به شكل سيستماتيک مطرح كند و اين سوالات طلائي قرارذيل ميباشد:

1. كي؟

2. چي وقت؟

3. چه چيز را؟

4. چطور؟

5. در كجا؟

6. توسط چي؟

7. چرا؟

پس پرسيدن اين سوالات حين تحقيق از جمله وظيفه څارنوال ميباشد. علاوه بر آن څارنوال خيلى وظيفه ديگري هم دارد مثلاً دست رسي به مدارك اثباتيه كه مزنون را بيگناه و يا مسؤل مي پندارد كه بعداً ميتواند در مورد مزنون تصميم گرفت. اين مدارك قرار ذيل ميباشند:

1. شهود

2. مقابله شهود

3. شناسائي مزنون طور بالمواجه در صف

4. تفتيش محل

5. تلاشي

6. ضبط اشياء

7. ارزيابي و معاينات (اخذ نظر اهل خبره و فن)

استنتاج:

خارنوال باید پلان تحقیقاتی نیز داشته باشد که از کجا تحقیق را آغاز و در کجا ختم نماید. ضمناً از وظایف دیگر خارنوال ترتیب قرارها میباید که تعمیم این قرارها حتمی میباید چنانچه قانون کشف و تحقیق در مورد آن چنین صراحت دارد: تعمیم قرار خارنوال که مطابق به احکام قانون صورت گرفته باشد از طرف تمام مؤسسات، سازمانها، ادارات، اشخاص با صلاحیت و مردم حتمی میباید. قرارهای عملی خارنوال عبارت اند از:

1. قرار تحریک دعوی جزائی

تعریف تحریک دعوی جزائی:

تصمیمی که در باره بررسی دعوی جزائی در صورت موجودیت حادثه حاوی علایم جرم توسط اورگانهای صلاحیت دار مطابق احکام قانون اتخاذ گردد. 1

1. قرار جلب و احضار مظنون

2. قرار مبنی بر گرفتاری

3. قرار مبنی بر تحت توقیف قرار دادن مظنون

4. قرار مبنی بر تمدید توقیف

5. قرار مبنی بر لغو توقیفی

6. قرار مبنی بر متهم شمرد

7. قرار مبنی بر تلاشی منزل مظنون

10. قرار مبنی بر حصول نظر اهل خبره و فن

11. قرار مبنی بر کنترول و تعطیل مراسلات پستی، تلیگرافی و تیلیفونی (نسبت اختلاف آن با

اعلامیه حقوق جهانی حقوق بشر و قانون حذف شده است)

1 شناخت جرم شناسی، مولف داکتر حمید رضا ملک محمدی، ج 2، ص 88

12. قرار مبنی بر قبول شخص به حیث متضرر (نسبت عدم استفاده حذف شده است)

13. قرار مبنی بر تمدید تحقیق توقیف (که فعلا حذف گردیده است)

14. قرار مبنی بر ختم تحقیق

15. قرار مبنی بر حفظ دوسیه جزائی

16. قرار مبنی بر رد درخواست مظنون

17. اتهام نام (از دو قسمت تشکیل می‌گردد: قسمت اول آن تشریحی و قسمت دوم آن نتیجه می‌باشد)

جز دوم: ختم تحقیق جرایم:

خارنوال نمی‌تواند هر زمانیکه میل اش باشد تحقیق را خاتمه دهد چون تحقیق یکی از وظایف مهم و اساسی خارنوال است که در پراگراف های قبل مطرح نمودیم. خارنوال نسبت به سایر اسخاص دیگر باید قانونمندتر باشد. بنا در اثر تحقیق خارنوال به یکی از دو نتایج ذیل نایل می‌گردد:

1. در اثر تحقیق شخص مظنون نزد خارنوال مسؤل تلقی می‌گردد. 1

در این موارد قانون ایجاب میکند که خارنوال مکلف است علیه شخص مظنون اتهام نامه ترتیب نماید و موصوف را تعقیب عدلی نموده و بلاخره آن شخص محاکمه شده که نتیجه آن مجازات مطابق قانون و جرم اثبات شده علیه شخص می‌باشد. یا نتیجه تحقیق عکس آن ثابت می‌گردد که قرار ذیل می‌باشد:

2. در اثر تحقیق شخص مظنون نزد خارنوال غیر مسؤل یا بی گناه ثابت می‌گردد در این صورت خارنوال تدابیر در مورد رهائی شخص گرفته و شخص آزاد میشود. باید خاطر نشان ساخت که تحقیق جرایم بعد از ترتیب اتهام نامه یا صدور قرار مبنی بر حفظ دوسیه خاتمه می‌آید. لذا ایجاب میکند که در مورد اتهام نامه نیز معلومات ارائه نمایم:

اتهام نامه: اتهام نامه عبارت از قرار خارنوال مبني بر الزاميت مظنون بوده که با ترتیب آن شخص از حالت مظنونیت خارج و به عنوان متهم شناخته میشود.

اتهام نامه از دو قسمت تشکیل میگردد که قسمت اول آن تشریح و قسمت دومی آن نتیجه است.

قسمت تشریحی اتهام نامه: قسمت تشریحی بر علاوه اصل موضوع مشتمل بر مطالب ذیل میباشد:

1. محل و تاریخ ارتکاب جرم

2. طریق ارتکاب جرم و انگیزه آن

3. عواقب و چگونگی واقعه با ذکر دلایل مشدده یا مخففه

4. معلومات راجع به متضرر

5. مدارک اثبات جرم و نوع مسؤلیت متهم

6. دلایل دفاع متهم و نتایج مرتب بر آن

قسمت نتیجه اتهام نامه: متشمل است بر:

1. معلومات در باره شخصیت متهم

2. نوع اتهام

3. حکم قانونی که این جرم را پیشبینی کرده است و توسط مستنطق و خارنوال و آمرین شعبات

تحقیق امضا می شود. 1

بعد از اینکه اتهام نامه ترتیب و امضا گردید بعضی جزئیات دیگر نیز باید ضمیمه آن شود که آنرا

بنام اجزای اتهام نامه یاد میکند. اجزای اتهام نامه عبارت اند از:

1. نام نویس اشخاصیکه باید در جلسه قضائی حاضر شوند.

2. تصدیق مدت که متهم تحت تحقیق، نظارت و تقیف بوده است.

3. تصدیق مدارک اثبات جرم.

1 ادله اثبات دعوا، تهران، ج 1 ص 78، 1382

همچنان : بعد از اینکه تمام موارد اتهام نامه در نظر گرفته ترتیب و امضا شد دوسیه به خارنوال تعقیب تقدیم میشود یا به عباره دیگر مستنطق بعد از امضای اتهام نامه دوسیه را به خارنوال تقدیم میکند اولاً زمانیکه دوسیه به خارنوال محول گردید اینجاست که تحقیق مظنون خاتمه می آید و از این به بعد مظنون نزد خارنوال به عنوان متهم شناخته می شود. ثانیاً بر اساس حکم محکمه جرم متهم ثابت شده و از این به بعد مجرم تلقی گردیده. بنا به اساس حکم محکمه مجرم مجازات قانونی خویش را میبیند اینجاست که عدالت تأمین میشود.

ختم دعوی جزائی:

دعوی جزائی در احوال آتی خاتمه می یابد:

1. در صورت که جرم واقع نگردیده باشد.
2. در صورتیکه عمل ارتکاب شده فاقد عنصر جرمی باشد.
3. در صورت مرور زمان.
4. در احوال عفو عمومی و عفو خصوصی
5. در صورتیکه شخص هنگام ارتکاب جرم از لحاظ سن فاقد مسؤلیت جزائی باشد.
6. در صورت مصالحه متهم و متضرر در احوالیکه قانون پیشبینی مینماید.
7. در احوالیکه تحریک دعوی جزائی منوط به مطالبه متضرر باشد.
8. در صورت مرگ متهم. احوالیکه جهت اعاده حیثیت شخص متوفی یا تعقیب عدلی دیگر اشخاص در روشنی دلایل جدید تحریک دعوی جزائی حتمی باشد ازین حکم مستثنی است.
9. در مورد شخصیکه قبلاً به اتهام عین جرم حکم محکمه صادر و نافذ گردیده باشد.
10. در صورتیکه دلایل کافی الزام علیه متهم موجود نباشد.
11. در احوال مندرج ماده 476 قانون جزا.12. در موردیکه قصور فاعل و نتیجه فعل جزئی و علاقه عامه به تعقیب عدلی آن متصور نباشد. حفظ دوسیه و انصراف از تعقیب آن تنها توسط خارنوال عملی میبشود. 1

قرار مستنطق در مورد حفظ دوسیه:

در مورد حفظ دوسیه مستنطق قرار مدلیکه حاوی مطالب ذیل باشد ترتیب میدهد:

1. موضوع و مدارك اثبات جرم.
2. الغاي اقداماتیکه سبب محدودیت حقوق متهم گردیده.
3. چگونگی اوضاع که توسط مستنطق تعین شده است.
4. وقت و محل ترتیب قرار.

و بلاخره قرار به امضاء مستنطق رسیده نسخه اصلی آن به څارنوال تقدیم میگردد.

چنانچه در فصل دوم در مورد تشکیلات لوی څارنوالی جمهوری اسلامی افغانستان یاد آور شدیم بناً مبحث دوم این فصل را به شناخت تشکیلات لوی څارنوالی و وظایف آن اختصاص داده آغاز به تحریر مینمائیم. 1

همچنان میتوان یاد آور شویم که :

از آنجاییکه موضوع مورد بحث کشف و تحقیق جرایم بود یقیناً دانستیم که کشف و تحقیق از چی اهمیت بسزائی برخوردار است که ارگان های عدلی و قضائی و پولیس را در تطبیق قوانین و مجازات کردن مجرم و برآورده ساختن اهداف جرم معاونت میکند. اگر تخطی، تخلف، جرایم به شکل درست آن کشف شود و از خاطی هم به شکل درست آن تحقیق صورت بگیرد مسلماً که نظم خصوصی و عمومی افراد و جامعه حفظ شده و از سوی دیگر حقوق مسلم افراد نیز برایشان داده میشود.

نا گفته نباید گذاشت که چگونگی تطبیق عدالت در محاکم از همین جا آغاز میشود یعنی در مرحله اول پولیس صلاحیت رسیده گی به جرایم را دارد که در بخش کشف مطالعه نمودیم ، اگر پولیس واقعاً طبق اصول وظیفوی و مسلکی و با رعایت قوانین قضیه را کشف نماید و بعد از معیاد معینه آن که 72 ساعت است تمام اجرائات قانونی خویش را به څارنوالی مربوطه محول نماید.

1 شناخت جرم شناسی، مولف حمید رضا محمدی ج 1 ص 60 سال 1380 تهران

خارنوالی مربوطه نیز با رعایت قوانین و اصولی مسلکی و به شکل همه جانبه در مورد قضیه تحقیق نماید و بعداً دوسیه را به محکمه مربوطه محول سازد اینجاست که عدالت برقرار میشود.

اصل سوال اینجا است که آیا محکمه مربوطه حکم را که صادر نموده واقعاً عادلانه است یا خیر؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که اگر اجرائات پولیس و خارنوالی قانونی بوده و در اجرائات ایشان تخطی، سوی استفاده، سهل انگاری، پیش برد قضیه خلاف حقیقت، و سایر تخطی های دیگر صورت نگرفته باشد دقیقاً که حکم محکمه عادلانه است. و اگر در نزد ارگانهای دیگر بررسی کننده اعمال پولیس و خارنوال و یا به عباره دیگر از ریاست کشف و تحقیق خارنوالی و محاکم تخطی های ارگان پولیسی خارنوالی مربوطه پنهان بماند و طوری وانمود شود هر آنچه که در کشف و تحقیق صورت گرفته دقیق و درست است و با آن هم خلاف حقیقت باشد محکمه مربوطه حکم مبنی بر مجرم بودن وی را با در نظر داشت دوسیه که در مورد اتهام است صادر مینماید. بنا در مورد حکم این محکمه باید گفت که عادلانه است یا غیر عادلانه؟ باز هم برمیگردیم به هر آنچه در دوسیه شخص متهم است یعنی محکمه حکم خود را از درک اجرائات پولیس و خارنوالی که صورت گرفته و در دوسیه وی گذاشته صادر می نماید مثلاً شخص که واقعاً مجرم است را برائت میدهد و یا شخص غیر مجرم را مجرم تلقی نموده و حکم جزای آنرا صادر مینماید، چون در دوسیه و اجرائات پولیس و خارنوال همین طور بوده است. بناً شخص غیر مسؤل بنابر اجرائات غیر مؤجه پولیس و خارنوال مجازات می شود. حکم محکمه از نظر شکلیات و ماهیت حقوقی درست است اما از لحاظ ماهوی حقیقت و واقعیت حکم محکمه غیر عادلانه است.

مبحث دوم: کشف جرم

از اینکه علوم اجتماعی غیر مثبت است روی این اساس پدیده های اجتماعی که در این علوم مورد بحث قرار میگیرند و یا به یک پدیده اجتماعی تعریف ارائه میگردند نیز واحد نبوده بلکه از نظر دانشمندان تعاریف مختلف داشته و یا به عباره دیگر هر دانشمند تعریف یک پدیده اجتماعی را از دید و اندیشه خود ارائه مینماید. چون کشف نیز یک پدیده اجتماعی است دانشمندان و متفکرین تعاریف مختلف برای آن ارائه نموده است بناً از اینکه در این مطلب نمیتوانیم تمام تعاریف کشف را مورد مطالعه قرار بدهیم روی این اساس تنها روی دو تعریف اکتفا نموده و ثانیاً به موضوعات که مربوط به کشف جرم است میپردازیم. 1

تعریف کشف جرم: 2

1- محمد عظیم فارابی، اساسات علمی کشف و تحقیق جرایم، ج 1 ص 102، سال 1388
2 - پوهنهی حقوق و علوم سیاسی قاموس اصطلاحات حقوقی ج 1 سال 1387 ص 202

کشف جرم عبارت است از مجموع فعالیت ها و اجراءات تخنیک، که به منظور دریافت واقعیت ها یا حقایق جرمی، توسط ارگان های کشف در مطابقت به احکام قانون صورت گرفته و منتج به تداوم کار تحقیقاتی و قضائی میگردد. اما از نظر قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خرنوالی بر تطبیق قانونیت آن کشف به گونه ذیل تعریف میشود:

کشف جرم: 3 عبارت است از آغاز مرحله بررسی دعوی جزائی که در اثنای آن آثار جرم تشخیص و اقدامات عاجل به منظور تثبیت وقوع جرم و یافتن و دستگیری مجرم اجرا گردد. بناً از تعریف فوق الذکر بررسی دعوی جزائی از آغاز وقوع جرم آغاز می شود و یا به عباره دیگر به مجرد وقوع جرم مرحله بررسی دعوی جزائی آغاز می گردد و درین مرحله آثار و مدارک جرم که در محل واقعه یا محل دریافت حصول میگردد آنرا باید موظفین کشف و مامورین بررسی تشخیص دهند اما قبل از آن باید به خاطر تثبیت وقوع جرم اقدامات عاجل صورت گرفته و باید به زودترین فرصت مرتکب عمل جرمی دریافت شود و توسط موظفین کشف که پولیس می باشد دستگیر شده و در ظرف 72 ساعت اجراءات قانونی خود را تکمیل نمایند. بعد از تکمیلی اجراءات قانونی در ظرف 72 ساعت که عبارت اند از اخذ راپور، بررسی محل واقعه، ترتیب کروکی، شاهدات، تهیه گزارش محل واقعه، جمع آوری مدارک اثباتیه، انتقال آن به لابراتوار های مربوط و اهل خبره، استجواب متضرر، مظنون و شهود محل واقعه، گرفتاری مظنون، تلاشی بدنی و منزل که از جمله موضوعات نهایتاً مهم در عرصه کشف می باشد صورت می گیرد. چنانچه قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در مورد صلاحیت کشف چنین مشعر است :

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوی علیه متهم در محکمه، از طرف خرنوالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد خرنوالی جز قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می باشد. از این ماده چنین استنباط می گردد که کشف جرایم از جمله صلاحیت های پولیس میباشد. بناً اینجا ایجاب می کند که در مورد چگونگی و اهداف کشف جرایم معلومات ارائه نمایم.

مطلب اول : اهمیت و آغاز کشف در جرایم

هر عمل و اقدام در عرصه دریافت مجرم از اهداف ویژه برخوردار است از جمله کشف نیز دارای اهمیت و اهداف خاص برخوردار است. هرگاه یک عمل که آنرا در قانون جرم میدانند واقع گردد نیاز است برای بررسی و رسیده گی آن اقدامات همه جانبه صورت گیرد.

3- وزارت عدلیه رسمی جریده، قانون کشف تحقیق جرایم و نظارت خرنوالی بر تطبیق قانونیت 1358 فقره سوم ماده دوم

در تعریف کشف چند موضوع را میتوان مورد بحث گرفت که اهمیت و هدف کشف از آن ناشی میشود. در نخست کشف آغاز مرحله بررسی دعوی جزائی است و ثانیاً آثار جرم و اقدامات عاجل به منظور تثبیت وقوع جرم و یافتن و دستگیری مجرم اجرا میگردد یعنی به وسیله کشف اولاً میتوانیم که در مورد وقوع و یا عدم وقوع جرم اطلاع حاصل نمایم در کشف معلوم میگردد که عمل ارتکاب شده در قدم اول جرم است یا خیر و ثانیاً در اثر جمع آوری آثار و مدارک که در محل واقعه و یا محل دریافت به دست آمده تثبیت جرم و چگونگی و وقوع آنرا نیز مورد بررسی قرار میدهد.

و ثالثاً اقدامات عاجل صورت میگیرد تا مجرم نیز دریافت شده و به خارنوالی و محاکم به خاطر رسیده گی قانونی و عدلی سپرده شده و بعداً خارنوالی و محاکم در مورد مجرم تصامیم قانونی اتخاذ مینمایند.¹

اساساً کشف مرحله است که قضیه را برای تحقیق روشن میسازد و مرحله ابتدائی برای رسیده گی جرم است. در واقع کشف است که خارنوال را مکلف به بررسی همه جانبه قضیه میسازد روی این اساس کشف برای تحقیق و اتخاذ تصامیم خارنوالی و محاکم دارای اهمیت و هدف ویژه برخوردار است. از اینکه کشف از جمله صلاحیت های پولیس است بناً در جز اول به کشف جرم توسط پولیس میپردازیم و بالترتیب مسائل مربوط به کشف را مطالعه مینمایم.

مطلب دوم: کشف جرم توسط پولیس

زمانیکه یک عمل خلاف قانون و یا به عباره دیگر جرم صورت میگیرد پولیس یک سلسله اقدامات را روی کار گرفته که این اقدامات را به طور عموم کشف یاد میکنند که از اخذ راپور شروع الی بررسی محل واقعه، (ترکیب کروکی، مشاهدات، تهیه گزارش محل واقعه، جمع آوری مدارک اثباتیه، انتقال آن به لابرتوارهای مربوط و اهل خبره، استجواب متضرر، مظنون و شهود محل واقعه، گرفتاری مظنون، تلاشی بدنی و منزل وی را احتوا میکند). علاوهً بعضی موارد دیگری نیز وجود دارد که باید رعایت شوند مانند طرز رفتار مامورین پولیس در محل واقعه، عدم وارد نمودن تغییرات در محل واقعه، اقدامات مساعدتی، یادداشت های مشاهدات گونه مامورین در محل واقعه، انجام بعضی اقدامات ضروری و ارزنده مؤظفین پولیس در محل واقعه و بلاخره ترک محل واقعه و ختم بررسی آن میباشد. نخست آغاز میکنیم از اخذ راپور الی سایر موارد ذکر شده:

1 کشف علمی جرایم، مهدی نجابتی، ج 2 ص 67، سال 1390

اخذ راپور:

از اینکه پولس اولین افراد اند که با مردم سروکار داشته روی این اساس اولین اطلاع از وقوع جرم از طرف مردم به پولیس داده میشود. معمولاً این اطلاعات وقوع جرایم مربوط به نوعیت جرم بود که چگونه و به چی شکل اطلاع داده شود به همه حال اطلاع به شکل تیلیفونی و یا بعضاً هم به شکل کتبی به پولیس داده میشود. بعد از اینکه اطلاع به پولیس داده شد در قدم اول پولیس در مورد صحت و عدم صحت واقعه خود را مطمئن ساخته، تدقیق معلومات مینمایند و سوالات کلیدی و یا طلائی را از اطلاع دهنده پرسان میکند روی این دلیل شهرت راپوردهنده، شهرت راپور گیرنده و نوعیت راپور را مثلاً شفاهی، تیلیفونی، اطلاع تیلیفونی داخلی و یا خارجی و همچنان تاریخ ساعت و محل واقعه را در یک فورم که بنام اخذ اطلاع یاد میشود ثبت میکنند و ثانیاً به شیوه و میتود کاری، ترتیب و تنظیم پلان و سنجش خطر آن پرداخته و به اقدامات میپردازند و حین رسیدن به محل واقعه در گام اول کمک عاجل به متضرر را روی کار میگیرند و بعداً به بررسی و اقدامات مسکلی محل واقعه میپردازند. 1

مطلب سوم: چگونگی کشف در محل واقعه:

قبل از اینکه در مورد کشف جرم و جرایم حین بررسی محل واقعه پبردازیم در نخستیت محل واقعه را تعریف مینمایم: محل واقعه را بنام صحنه جرم نیز یاد میکنند بناً صحنه جرم یا محل واقعه 1 عبارت از: محلی است که مجرم اقدامات خلاف قانون خود را برای ارتکاب جرم در آنجا انجام داده است و یا به عباره دیگر محل واقعه 2 عبارت از جایست که در آن یک عمل جرمی بوقوع پیوسته و یا عواقب آن به میان آمده باشد. قابل تذکر است که محل واقعه را به محل دریافت مغالطه نکنیم محل دریافت را بنام محل ثانوی نیز یاد میکنند. محل دریافت عبارت از محل است که جرم در یک محل دیگری واقع گردیده اما آثار مادی آن از یک محل دیگری دریافت میشود یعنی به استثنای محل واقعه در محل که آثار مادی جرم دریافت میشود بنام محل دریافت یاد میشود. مثلاً احمد یک شخص را در داخل یک اتاق اپارتمان به قتل میرساند و بعداً جسد وی را دور از اپارتمان به یک محل دیگر انتقال میدهد و در آنجا پرتاب میکند پس محلی که قتل در آنجا صورت گرفته محل واقعه است و جسد که از آنجا پیدا میشود محل دریافت است.

1 مهدی نجابتی، کشف جرایم، ج 2 ص 105 سال 1378

فراموش نباید کرد که صحنه های دریافت در یک فعل جرم میتواند متعدد باشد مثلاً امکان دارد قتل در محل x صورت گرفته باشد، چاقو که توسط آن قتل صورت گرفته در محل y انداخته شده باشد، و همچنان کلاه قاتل از اثر استعجالیت فرار و ترس از پولیس در یک محل دیگری افتاده باشد. بناً در مثال فوق الذکر دانستیم که محل دریافت میتواند متعدد باشد. زمانیکه یک جرم واقع میشود و پولیس بعد از یک سلسله اقدامات به محل واقعه آمده شروع به کشف مینمایند البته مؤظفین در بررسی محل واقعه موارد ذیل را انجام میدهند:

1. طرز رفتار مامورین پولیس حین بررسی محل واقعه
2. اقدامات عاجل پولیس
3. ثبت محل واقعه
4. جمع آوری شواهد و مدارک اثباتیه
5. ترتیب کروکی و سکیچ محل واقعه

پس پولیس و مؤظفین کارکرد های فوق الذکر را بالترتیب انجام میدهند. البته اولین کار که پولیس در عرصه کشف در محل واقعه انجام میدهند ساحه را انسداد میکنند که اشخاص غیر مسؤل داخل محل واقعه نشده تا آثار و علایم جرم از بین نروند ثانیاً به بررسی محل واقعه میپردازند. 3 مؤظفین کشف جرایم با مساعی پولیس یونیفورم دار که در مرحله نسخت وارد محل واقعه میشوند بطور سیستماتیک با در نظر داشت حالت مشروعیت و اقدام به صورت فوری اجراءات خود را به حالت خون سردی تام انجام میدهند.

الف: با استفاده از آثار داغ محل واقعه در مورد تشخیص و گرفتاری مظنون قضیه اقدامات لازمی را مرعی دارند.

ب: از متضرر قضیه راجع به هویت فاعل شرح چهره، علایم فارقه و سایر خصوصیات و البسه که فاعل حین ارتکاب فعل به تن داشته با استفاده از آن به منظور دریافت فاعل به اقدامات کشفی توصل ورزد.

ج: هر گاه در محل واقعه ظن معقول پولیس بر آن شود که در میان تماشاچیان مجرمین نیز وجود دارد آنها را تحت نظر قرار دهند به منظور اینکه بعضاً مجرمین بعد از اجرای عمل جرمی شان به محل واقعه حاضر گردیده می خواهند بدانند که اجراءات پولیس از چه قرار است.

1 مهدی نجابتی، کشف علمی جرایم ج 2، ص 143
2 نجیب امین، لکچرنوت کریمینالسنتیک، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون کابل، ج 3 ص 2 1385
3 مبانی جرم شناسی، ج 2، تالیف دوکتور مهدی کینا، جامعه شناسی جنای ج 3، ص 77، سال 1372

به ویژه در قضایای حریق عمدی به محل حریق حاضر شده و نمی توانند خوشحال و شادمانی خود را کتمان نمایند. و همچنان پیروان ها نیز از لحاظ توجه به حرکات آنها از نظر دور نشود ازین رو سعی شود تا افراد و اشخاصیکه خود را به محل نزدیک ساخته دلچسپی بیشتر از خود تبارز میدهد تحت مراقبت و تحت نظر قرار داده و به مؤظفین گروپ اوپراتیوی گزارش داده شود. در مورد محل واقعه مقوله وجود دارد و آن اینست که محل واقعه کلید واقعه است روی این اساس بررسی آن برای کشف جرم و مجرم بسیار ارزنده و مهم است. لذا برای اینکه بررسی محل واقعه به شکل فنی و مسلکی صورت گرفته باشد به طور عموم بررسی آن به دو شکل صورت میگیرد. 1- یکی به شکل ساکن یا استاتیک که در این شکل بررسی همه آثار و علایم بدون تغییر مکان آن به همان شکل که است مشاهده میشود.

- دوم به شکل متحرک یا دینامیک صورت میگیرد که این شکل بررسی محل واقعه نسبت به شیوه اولی فعالیت مییابد. در این شکل بررسی محل واقعه آثار و علایم را از جای خود به شکل فنی و مسلکی برداشته و آنرا دقیق واری می نمایند مثلاً چاقو را گرفته و آنرا واری میکنند که توسط آن عمل جرم صورت گرفته یا خیر. اگر فعل صورت گرفته بود معلوم است که کشف جرم به شکل اتوماتیک صورت گرفت یعنی کشف شد که جرم صورت گرفته و به خاطر دریافت مجرم آثار و علایم نامرئی که در چاقو وجود دارد که عبارت از اثر انگشتان وی است را نیز در لابروتور ها انتقال داده و مورد مطالعه قرار داده و می بینند که اثر انگشتان دریافت شده با مظنون مطابقت دارد یا خیر اگر مطابقت داشت پس شخص مظنون نزد پولیس و خرنوال متهم واقع میشود و خرنوال شروع به تحقیق همه جانبه مینماید که تحقیق آن در فصل دیگر مورد مطالعه قرار میگیرد. 2

مطلب چهارم: نقش جمع آوری دلایل و مدارک اثباتیه در کشف جرایم

به همان گونیکه در تعریف کشف مجموع فعالیت ها و اجراءات تخنیک ذکر شده که به منظور دریافت واقعات ها یا حقایق جرمی انجام میآید و آن هم منتج به تداوم کار تحقیقاتی و قضائی شود، پس اجراءات تخنیک که صورت میگیرد عبارت از نکات مانند؛ اخذ راپور، طرز رفتار مامورین پولیس حین بررسی محل واقعه، اقدامات عاجل پولیس، ثبت محل واقعه، جمع آوری شواهد و مدارک اثباتیه اند که هر یک از آنها در عرصه کشف نقش ویژه خود را دارند.

1 محمد عظیم فارابی اساسات علمی کشف جرایم و تحقیق جرایم، ریاست نشرات لوی خرنوالی ج 11 1387 ص 37
2 مبانی جرم شناسی، ج 2، تالیف دوکتور مهدی کینا، جامعه شناسی جنای ج 3، ص 79، سال 1372

از جمله اجراءات تخنیکي فوق الذکر جمع آوری مدارک اثباتیه به طور خاص اهمیت بسزای در کشف مجرم دارد. مسلم است که اساس تحقیق را شواهد و مدارک تشکیل میدهد بناً جمع آوری مدارک اثباتیه از آغار بررسی محل واقعه آغاز میشود. بعد از اینکه محل واقعه به خاطر ممانعت از اشخاص غیر مسؤل و خوف بطلان یا از بین رفتن آثار و یا مدارک اثباتیه انسداد شد عملاً اجراءات قانونی توسط افراد مسلکی که بنام ساکو یاد میشوند شروع به جمع آوری مدارک اثباتیه مینمایند. جمع آوری مدارک اثباتیه طوری صورت میگیرد که مؤظفین با خود لوازم و مواد دارند که از آن در جمع آوری مدارک اثباتیه، انتقال و غرض تحفظ آن استفاده میکنند مانند فولیه ها، مواد برای برداشت نشان انگشت، کج برای علامه گذاری ها، بوتل ها و خریطه ها خاص و یا پلاستیک ها برای حفظ آثار و انتقال آن وغیره. همچنان کار های صورت میگیرد مانند سکیج محل واقعه، کروکی، معاینه و جستجوی آثار اثباتیه و مصونیت آنها در صورت ریزش برف و باران، نمره گذاری، عکاسی نمای عمومی محل و واقعه و نماهای خصوصی شواهد، مظنونین، خسارات وارده، مجروحین و اجساد که همه اینها را منحصیث وظایف خویش بالترتیب انجام میدهند. در نتیجه جمع آوری شواهد و مدارک اثباتیه تصمیم بر آن میشود که آیا تحقیق صورت بگیرد یا خیر بناً گفته میتوانیم که تحقیق زمانی آغاز میگردد که شواهد و مدارک دال بر جرم و مجرم نماید. جمع آوری شواهد و مدارک سیر تحقیق را روشن ساخته و بلاخره در تصمیم محاکم نیز اثر گذار است و در نهایت الزامیت و عدم الزامیت ناشی از آن است. از اینکه درمورد نقش شواهد و مدارک اثباتیه به شکل اجمالی دانستیم لازمی است که آنرا به معنی خاص شناخته و در جز اول و دوم این مبحث مطالعه نمایم: اولاً شواهد و مدارک اثباتیه را تعریف و بعداً درمورد نقش و انواع آن به جزیات میپردازیم: 1

شواهد و مدارک اثباتیه: عبارت از هر آنچه که در محل واقعه و یا دریافت واقعه و یا در جریان تحقیق بدست میآید و دال بر جرم و مجرمیت نماید میباشد و یا به عباره دیگر مدارک اثباتیه عبارت از آثار مادی جرم میباشد که توسط آنها میتوان وقوع جرم را اثبات جرم و طرز اجرای آنرا دریافت نمود. از این جهت در دعاوی جزائی نقش و اهمیت بسزای را دارد. 2.

مطلب پنجم: مدارک اثباتیه غیر بیولوژیکی در کشف جرایم

مدارک اثباتیه که منشه غیر بیولوژیکی دارد عبارت از آلات و اشیای اند که توسط آن جرم صورت گرفته و یا در مورد واقعه و چگونگی واقعه معلومات میدهد و آثار جرم را در خود حفظ مینمایند.

1 جرم شناسی عمومی، هوشنگ شامبیانی، ج 2 ص 91 سال 2007
2 احسان الله عالمی، لکچر نوت طب عدلی برای ستاژ لوی خرنوالی، دبپارتمنت طب عدلی ج 3، 1387، ص 1

مانند: آلات جارحه (چاقو، قیچی، میخ، تبر، تیشه و غیره). سلاح های مختلف (سلاح های خفیه مانند موش کش، تفنگچه، تفنگچه قلمی و غیره و ناریه مانند سلاح های دارای قطر 5.6 ملی متر، 6.30 ملی متر و امثال آن) میباشند. قانون اجراءات جزائی مؤقت درمورد مدارک اثباتیه و یا ادله مادی چنین میگوید: اثبات آثار جرمی آتی با رعایت درجه اهمیت درمعاینات تخنیکیه به صفت ادله مادی محسوب میگردد:1

1. آثار رده های انگشتان دست، کف دست و کف پاه.
2. آثار بالسنتیکیه بالای مرمی و خول کارتوس.
3. آثار آلات و افزار فلزی بالای فلزات و سایر مواد سخت.
4. پارچه های شیشه.
5. آثار خون
6. آثار و علایم پاپوش.
7. آثار و علایم نوشته جات.
8. آثار و علایم دندان.
9. آثار و علایم موی.
10. آثار و علایم نسجی .
11. سایر آثاریکه به نظر اهل خبره و علما تثبیت شده بتواند.

زماینکه این نوع آلات و اشیا و ادله مادی در مرحله کشف بدست آمدند آنها را به شکل فنی و علمی مطالعه و بررسی نموده و در مورد نحوی اجرای جرم و افشای مجرم و بلاخره دستگیری مجرم مساعدت زیاد مینماید. اینک درسه موارد ذیل به عنوان نمونه اکتفا مینمایم:2

1 جریده رسمی وزارت عدلیه، قانون اجراءات جزایی، 1344، ج 26 ماده 76
2 جرم شناسی عمومی، هوشنگ شامیانی، ج 2 ص 96 سال 2007

مطلب ششم: اثر نشان انگشت برای دریافت مجرم:

یکی از شیوه های دریافت مجرم توسط علم دکتلوسکوپی است. مجرم که در هر مکان جرم را مرتکب میشود به شکل حتمی از خود آثار و علائم در صحنه جرم میگذارد. یکی از همین آثار که در محل واقعه دریافت میشود آثار نشان انگشتان هستند. این آثار توسط اشخاص فنی و مسلکی از صحنه جرم حفظ و برداشته و عکاسی آن نیز صورت میگیرد و بعداً این آثار و علائم نشان انگشت را به دقت با نشان انگشت اشخاص متهم، مظنون و مشکوک مقایسه میکنند. در صورتیکه بین نشان انگشت اشخاص متهم، مظنون و مشکوک و آثار انگشت که از محل واقعه برداشته شده 12 علامه یکسان وانمود گردد یا 12 علائم آن مطابقت پیدا کند برای مجرم بودن متهم، مظنون و مشکوک کفایت میکند. اما اگر خطوط مرکب و پیچیده نشان انگشت 5 الی 6 علامه یکسان تطبیق گردد باز هم میتوان به مجرم بودن اش حکم نمود. اگر آثار انگشت که از محل واقعه دریافت شده و با آثار نشان انگشت متهم و مظنون و مشکوک مطابقت نکند به تبرئه آن حکم می گردد و ناگفته نباید گذاشت که اثر نشان انگشت دریافت شده در آرشیف جنائی مرکزی به دو علت ارسال میگردد:

الف: این اثر انگشت دریافت شده را با نشان انگشتان تمام مجرمین که در آرشیف بوده و قبلاً اعمال جنائی را مرتکب شده اند مقایسه نموده زیرا بعضی مجرمین مکرر به شکل حرفوی اعمال جنائی را مکرراً انجام میدهند.

ب: این اثر انگشت دریافت شده را در آرشیف ثبت و راجستر مینمایند تا مجرم آن اگر در آینده شناسائی گردد و به حیث یک مجرم مکرر از ظروف مخففه و ارفاق قضائی استفاده کرده نتواند. قابل ذکر است گذاشتن شصت در تمام اسناد مهم از قبیل قبالة ها، اسناد قرضه، قرارداد ها و مقولات اهم حقوقی برای سهل قضای آینده لازمی و ضروری است. 1

مطلب هفتم: آثار و علائم پاپوش:

این آثار و علائم مانند سایر و علائم دیگر که در صحنه جرم از مجرم باقی میماند برای ارگان های کشف و تحقیق بسیار مهم و ارزنده میباشد. مثلاً گاهی واقع میشود که مجرم با بوت ها و با داشتن مثلاً چاقو یا تبر، سلاح و غیره داخل اتاق شده و شخص را مورد حمله قرار داده و به قتل میرساند.

بعداً از اینکه تیم بررسی محل واقعه را بررسی و معاینه نمودند آثار پاپوش را از محل واقعه به شکل فنی و مسلکی برداشته و آنرا برای شناسائی مجرم استفاده میکنند یعنی از اثر سعی و تلاش مؤظفین یک تعداد اشخاص متهم، مظنون و مشکوک که در مورد قضیه همین قتل دستگیر شده و تحت حراست قانونی قرار دراند پاپوش آنها را نیز مورد ارزیابی قرار داده. در اثر اریابی و تحقیق، آثار پاپوش که از محل واقعه برداشته شده با علایم و آثار پاپوش یکی از اشخاص مشکوک مطابقت میکند مثلاً شماره بوت وی، علایم و رده های بوت که و چگونگی برداشتن گام های وی با آثار و علایم که از محل واقعه کشف شده مطابقت میکند در جریان تحقیق معلوم میشود که همین شخص مشکوک مرتکب فعل قتل شده است و این آثار و علایم دال بر مجرمیت وی میکند.¹

3. شیشه ها شکسته: در مواقعی که در اثر تصادف، تیر اندازی، نزاع، سرقت و غیره شیشه ای بشکند، از روی قطعات شکسته شیشه بعضاً می توان اطلاعات باارزشی را در زمینه فاصله، سمت و زاویه اصابت و نوع وسیله ای که شیشه را شکسته به دست آورد. همچنین، شیشه های شکسته در تشخیص اینکه صحنه جرمی ساختگی اس یا واقعی، نقش مؤثری دارند، ممکن است شخص ادعای کند سارق با شکستن شیشه پنجره از بیرون و باز کردن آن وارد منزل شده و اشیائی را به سرقت برده است، ولی کار شناس با بررسی شیشه های شکسته تشخیص می دهد که ضربه وارده به شیشه از داخل اتاق بوده نه خارج آن و سرقت ساختگی است یا در یک تصادف رانندگی که راننده یا موتر از محل تصادف متوار شده باشد ممک است راننده بعداً نزد پولیس ادعا نماید که شخص با شکستن شیشه کوچک موتر، آن را به سرقت برده و با آن تصادف کرده و سپس متواری شده است، ولی کارشناس با بررسی آثار شکستگی شیشه مذکور تشخیص میدهد شیشه از داخل شکسته شده نه از خارج و در ادامه تحقیقات معلوم می گردد که راننده اصلی خودش تصادف کرده است و برای فرار از مجازات، شیشه موتر را خودش شکسته و نزد پولیس ادعا کرده سارق آن را شکست است. بناً شیشه های شکسته به عنوان ادله مادی در کشف جرایم و مجرم نیز رول مهم داشت است.²

1 لکچر نوت طب عدلی، ستاز لوی خارنوالی، همان مصدر، ج 4 ص 3
2 جرم شناسی، هوشنگ شامیانی تهران ج 2 ص 99 سال 1380

مبحث سوم : مدارک اثباتیه بیولوژیکی در کشف جرایم

مدارک اثباتیه بیولوژیکی عبارت از مدارک اند که منشا بیولوژیکی دارند مانند: خون، اسپرم، موها، لعاب دهن، پوستک جلد رأس (Dandruff)، ادرار، مواد غایطه، شیر، مایع امنیوتیک، لوخیا، پارچه های نسجی و سایر افرازات عضویت انسان. این نوع مدارک اثباتیه در عرصه کشف یعنی چگونگی دریافت مجرم، نوعیت جرم، زمان وقوع جرم نیز نهایتاً مهم و ارزنده میباشد. پس قرار ذیل میپردازیم به چند نمونه آن 1

مطلب اول : آثار و علایم دندان:

مانند سایر ادله مادی آثار دندان نیز در کشف جرایم اهمیت خاص دارید. هر انسان دندان های مخصوص به خود را دارد و علاوه بر آن هر کدام از دندان ها خصوصیت، شکل و کارکرد مخصوص خود را دارد که از یکی دیگر متمایز میشوند. ناگفته نباید گذاشت که دندان کشیده گی، کرم زده گی، پر شده، نبود دندان و دندان ها ساخته گی در کشف جرایم اهمیت ویژه را دارد. اگر به تاریخ امریکا توجه کنیم احتمالاً اولین داکتریکه که دندان های نقره ئی که برای دوست اش داکتر جوزف ساخت داکتر پل رور بود. بعدها داکتر جوزف در جنگ با انگلیس کشته شد که جسد اش در گودال مدفون شد. پس از چندین سال سعی و تلاش بر آن میشود که داکتر جوزف را پیدا کنند اما دوست اش داکتر پل رور یک جسد را از همان گودال پیدا میکند و زمانیکه داکتر پل رور دندان های آن جسد را معاینه میکند میبیند که این همان دندان های است که خودش برای دوست اش داکتر جوزف ساخته بود پس به شکل بسیار فنی و علمی جسد را شناخت که جسد دوست اش 2

داکتر جوزف است. اما تقریباً صد سال بعد از این حادثه قاتل همان جسد که اسمش جان یلکن بوث بود توسط دندان طلایی اش که در قسمت راست الاشه اش بود شناسائی شد. به همین شکل جسد یک شخص دیگری در سال 1978 را دریافتند که توسط قاتل دندان چک زده شده بود که در جریان تحقیقات و محاکم به ملاحظه علایم دندان قاتل شناسائی شد. بناً آثار و علایم دندان در کشف اشخاص مجهول الهویه، دریافت مجرم و شناسائی مجروح علیه یا مقتول نقش ارزنده دارد.

1 محمد عمر ببرک زی، کرمناستیک، بنگاه انتشارات میوند، ج 1 1387 ص 71
2 جرم شناسی، هوشنگ شامیانی تهران، سال 1372 ج 2 ص 56

مطلب دوم: کشف و تشریح لکه های خون

کشف و پیدا نمودن آثار خون یا از سبب رنگ اشیای که خون بالای آن قرار گرفته و یا اینکه مجرم تدابیر اتخاذ نموده که آثار خون را محو نماید (که برای محو نمودن آن از شستن مفرشات و اشیاء شروع والی تعویض رنگ دیوارهای اتاق، صحن اتاق و سایر بخش های اتاق و مفرشات مبادرت میورزند) دشوار میگردد. جهت کشف آثار خون تمام اشیاییکه در محل واقعه موجود است دقیقاً معاینه گردیده و همچنان البسه و خود اشخاص که در واقعه نیدخل بوده اند معاینه گردند. البسته نه تنها از طرف خارج معاینه گردد بلکه باید قسمت های داخلی نیز معاینه گردد. حین معاینه البسه باید بیشتر نواحی درزهای البسه که از آنها خون به آسانی پاک شده نمیتواند داخل جیب ها و اطراف آن پالیده شود بصورت دستگیر های دروازه، الماری ها، قسمت های تحتانی میزها، شیردهن ها و غیره معاینه گردد. حین معاینه اشیاء و آلات نه تنها سطوح آنها معاینه گردد بلکه درزها و فرورفتگی ها آنها دقیقاً معاینه گردد. زیرا خون در این درزها و فرورفتگی ها داخل میشوند حین معاینه متهم توجه بیشتر را دست ها معطوف نموده و محتود زیر ناخن ها جهت معاینات بعدی اخذ گردد در مواردیکه محل واقعه دشت، جنگل، کوه و امثال آن باشد باید سبزه ها، درختان و غیره تحت معاینه قرار گیرد. نسبت به نوع ضربه لکه های خون میتوانند در قسمت های مختلف محل واقعه، آلات و اشیای مختلف توضع داشته باشد. مثلاً جنایات جنسی اکثراً لکه ها و آثار خون را میتوان در زنجیر و دکمه بطون و یا در البسه تحتانی متهم را دریافت نمود. در صورت که لکه ها، رده ها، چتکه ها، قطره ها شبه خون باشد نباید هیچگاه بدون تحقیقات لابراتواری در مورد نظر مثبت یا منفی داد. زیرا لکه ها خون نسبت به تغییرات هموگلوبین میتواند رنگ های مختلف را به خود بگیرد. و هموگلوبین با گذشت زمان، خشک شدن، تاثیرات رطوبت، تاثیرات روشنی و غیره تخریب گردیده و کریات جدیدی از آن تغییرات به وجود میآید که دارای رنگ های مختلف بوده میتواند. 1

مطلب سوم: موی به عنوان ادله مادی:

موی یکی از جمله مدارک و شواهد اثباتیه مهم جرم بوده که در کشف جرم و تحقیقات جنائی (قتل، جنایات جنسی، سرقت و حادثات ترافیکی) اهمیت تشخیص زیاد دارد. امروز در بخش تحقیقات جنائی از موی به منظور تشخیص هویت مجرم و همکاران آن استفاده بعمل می آید. در کشمکش های بین قاتل و مقتول و یا در جرایم جنسی به اثر تماس فاعل و مفعول بعضاً اتفاق می افتد که چند تار موی از مظلوم به لباس و یا سلاح قاتل چسپیده باشد. مخصوصاً در جرایم جنسی باید ناخن ها و نواحی تناسلی به دقت از نظر موجودیت موی بازرسی گردد.

1 نظریه پردازی جرم شناسی، دوکتور غلام رضا محمد نسل، ج 1، ص 70 سال 1380

بر مؤظفین کشف و دکتور طب عدلی لازم است تا جهت پالیدن موی حتی از ذره بین استفاده به عمل آورند، چه باشد تارهای موی که روی لحاف، روی جایی، دوشک، صحن اطاق، البسه مربوط، شانه و برس موی و غیره وجود داشته باشد برای تحقیقات بعدی مؤثر واقع شود. حتی سفارش میشود که غرض دریافت موی از درزهای داخل سنگ های فرش ها از اشخاص موظف موها تحری و جستجو گردد زیرا معاینات آن ها ممکن است مشکلات را حل کند و بسیاری از قضایا را روشن سازد.¹

تأکید میشود که برای تأمین دلایل از جمع آوری موها نباید غافل بود و از نظر تیزبین محققین نباید کوچکترین مدارک اثباتیه جرم برکنار بماند. در مورد اهمیت آن در یک مثال میتوان گفت که قتل زنی بنام German در سال 1909 در پاریس بیش از پیش اهمیت آزمایش موی را در تحقیقات جنائی و معرفت متهم نشان داده است، در این حادثه چند تار موی قاتلان در مشتم مقتول مانده بود و این امر حاکی از آن بود که متضرر با قاتل دست و یخن شده و موهای سرش را کنده است. موهای مذکور بعد از تحقیقات لابراتواری معلوم شد که مربوط به زن میباشد و سؤظن متوجه زنان که در اطراف آن قرار داشت گردیده و دو نفر از ایشان بازداشت شدند. بعد از آزمایش دقیق موی متعلق به یکی از دو نفر مذکور بود و آن متهم که موی وی با تمام خصوصیات مربوط بود یکی از دلایل مهم محکومیت او محسوب گردید و زن دومی فوراً آزاد شد.²

مبحث چهارم : مشاهده حالات روانی متهم:

- متهم را در داخل موتر قرار داده به دو طرف آن پولیس نشسته از متهم سوال میکند که تمام داستان دوره مکتب، رویه او با همصنفانش، معلمینش، اداره مکتبش، خواندن دروس و رویه باهم قطاران خود را بلاقطع صحبت نماید، در اثنای قصه حالات روانی متهم جداً تحت مراقبت دقیق قرار دارد.
- پولیس به گشتاندن متهم در کوچه های شهر بعد از نیم الی یک ساعت وی را طور آهسته وارد محل جنایی می سازد.
- اگر متهم در واقعه جنایی دست داشته بادیدن صحنه جنایی در حالات روانی متهم تغییرات عمیق و قابل ملاحظه رخ میدهد، رنگ از رخ وی پریده ضربان قلبش بلند میرود، دهان او خشک گردیده برای صحبت مجبوراً لبان خود را توسط زبان زود زود تر مینماید، اینهمه حالاتی روانی است که پولیس مداند شخص متهم در قضیه جنایی دست دارد.¹

1 کرمنالستیک جرم شناسی، محمد عمر بیرکزی ج 2 ص 120 سال 1389

آثار مادی جرم:

- آثار محل واقعات جنایی: نشان انگشت، پل پا، قطرات خون، پل عراده جات، پارچه های پوست انسان، پارچه های گوشت، پارچه های ناخن، موها، پارچه های البسه، دکمه ها، تارها انساج،
- آثار بالستیکی: مرمی های فیرشده، پوچک های فیرشده مربوط به سلاح های ناریه:
- سلاح ناریه: تفنگچه، ماشنیدار، تفنگ
- قاطعه و ضاربه" کارد، چاقو، شمشیر، تیر، شیشه های شکسته، ساطور، پنجه بکس، چکش، گردم

و ...

- افرازات: لعاب دهن، افرازات بینی، عرق، انواع خون، افرازات سینه، شیر، خون ریزی سقط جنین، استفراغات، ادرار، مواد مدفوع، مواد منویه... .
- افرازات اعمال جرمی: پلاس، امبور، اسکنه، جبل، چکش، کلیدهای ساختگی، اره های فلزبری، شیشه برها، محلول کیمیاوی برای ذوب قفل های سیف، دروازه ها...
- آثار تصادم: عراده جات، عکاسی صحنه جنایی، همچنان جمع آوری تمام حادثات که به جنایی مربوط و برای اثبات جرم مجرم موثریت داشته باشد.

- قانون اجرات جزایی افغانستان ماده 76:

1. آثار رده های انگشتان دست، کف دست و پا.
2. آثار بالستیکی بالای مرمی و خول کارتوس.
3. آثار آلات و افراز فلزی بالای فلزات و سایر مواد سخت
4. پارچه های شیشه.
5. آثار خون.
6. آثار و علائم پاپوش.
7. آثار و علائم نوشته جات
8. آثار و علائم دندان.
9. آثار و علائم موی.
10. آثار و علائم نسجی.
11. سایر آثاریکه به نظر اهل خبره علماً تثبیت شده بتواند.

علوم معاونه:

1- طب عدلی

- 2- انگشت شناسی
- 3- خون شناسی
- 4- زهر (سم) شناسی
- 5- پل شناسی
- 6- کریمالوژی
- 7- کریمالوژی پسی کولوژی
- 8- کریمنال بیالوژی
- 9- کریمنال پولیتیک
- 10- بالستیک شناسی
- 11- فرینولوژی
- 12- لابراتوار های جنایی
- 13- رادیو لوژی
- 14- هسته لوژی

نقش نشان انگشت در واقعات جنایی و اسناد

تعریف انگشت شناسی

- انگشت شناسی عبارت از علمی است که خطوط و نقوش انگشتان را از نظر علمی طبقه بندی نموده، برای تثبیت هویت اشخاص و کشف مجرمین بکار برده میشود. انگشت شناسی حتی قبل از میلاد تا حال در ادوار مختلف به شکلی از اشکال طرف علاقه مندی، مطالعه، تحقیق، علامه منحصر به فرد و تثبیت هویت توجه دانشمندان را بخوبی معطوف نموده است. علما انگشت شناسی بعد از تحمل زحمات زیاد و تحقیقات علمی به 6 اصل ذیل راه یافتند:

1. نشان انگشت انسان قبل از تولد در سن 3 تا 4 ماهه گی در جنین بروی انگشتان نقش می‌گردد.
2. نشان انگشت بعد از تولد حتی تا زمان قبل از پوسیدگی هیچ تغییر نمیکند. نشان انگشتان فراعنه مومیایی شده تا هنوز تغییر نکرده.
3. تمام نشانان انگشتان روی زمین از گذشته تا آینده یکسان نخواهد بود.
4. هر صدمه که به طبقه خطوط انگشتان میرسد دوباره به شکلی اولی بعد از صحت یاب می‌گردد.

5. تماس انگشتان بروی تمام اجسام خصوصاً اجسام صیقل یک اثر انگشت غیر مریی را بجا میگذارد، که این اثر قابلیت ظاهر ساختن، رنگ دادن، برداشتن، و به نشان اصل انگشت که اثر فوق از آن بجا مانده قابلیت تطبیق را دارد.

6. خطوط انگشتان خاصیت مهم فارمول بندی را دارد، که توسط فارمول های مرتبه میتوان جنایتکاران را از اثر انگشت صحنه جنایی در بین تمام اتباع یک کشور تشخیص نمود. تاریخچه انگشت شناسی

- تاریخ واقعی آن طور دقیق معلوم نیست.

- مگر مشاهده، ملاحظه، تحقیق، و بررسی در خصوص انگشت شناسی تاریخچه طولانی دارد. در دامنه های کوه های پیرانه در هسپانیه در دیوار های سنگی که مغاره کشف گردید، صدها سال قبل از آثار خطوط دست انسان در وری آن حکاکی گردیده. صد ها سال قبل یک لوحه سنگی در کنار دریا واقع شکور کانادا بدست آمده که در آن آثار انگشت و کف دست، حکاکی گردیده و شبیه آن آثار با ارزش روی سنگ ها در کشور بریتانیا و فرانسه نیز بدست آمده است. در دوره های تاریخ گاهی بشر از این مهر حک شده الهی در انگشتان انسان تحت عنوان امضاء استفاده نموده است، در موزیم لندن از عصر بابلی ها در یک کتاب که صفحات سفالی دارد در تحت صفحات یکی از سران نامور بابلی ها شرح فتوحات خود را نگاشته و در ذیل آن عوض امضاء نشان شصت خود را گذاشته است. 1 در قرن اول میلادی یک جوان نابینا به جرم قتل پدرش زندانی گردید وکیل مدافع متهم از روی نقش انگشتان خون آلود روی دیوار تحقیقاتی را آغاز نمود، بلاخره دریافت که مجرم اصلی مادراندر این نابینا بوده چینیایی ها حتی قبل از میلاد از اثر انگشت استفاده نموده اند. در 700 م چینیایی ها در عصر تای هو، شوهری که خانمش را به یکی از دلایل هفتگانه: عدم ناز و تمکینف لطافت، هرزه گی، حسد، جذام، پرحرفی و سرقت طلاق میداد، مکلف بود در ذیل طلاق نامه شصت انگشت خود را بگذارد. در 800 م چینیایی ها در معاملات تجاری خصوصاً دادن قرضه ها در ذیل سند قرضه، نشان شصت قرض گیرنده و شاهدان را میگرفتند.

- در زمان حضرت موسی ع وقتی که احکام الهی را به قوم خود یهودیان می آورد یهودیان در زمان که از موصفات الله ج آگاهی خوب نداشتند برای اعتبار احکام الهی د ذیل احکام توقع نشان شصت الله ج را انتظار داشتند. یعنی در ان زمان یهودیان نشان انگشت را میشناختند. در صدر اسلام اعراب و جهان غرب از اهمیت خلقت این نقوش با ارزش روی انگشتان هیچ آگاهی نداشتند. - سوره قیامت آیه های 3 و 4 چنین ارشاد فرموده است:

- آیا می‌پندارد انسان که جمع نخواهیم کرد استخوانهای او را.
- بلکه [جمع میکنیم] در حالیکه تواناییم بر اینکه درست کنیم سرانگشتان او را.
- طنطاوی مفسر مصری: وقتی از یک دانشمند آلمانی در خصوص مشرف شدن وی بدین مبین اسلام سوال شد، در جواب گفت: از اینکه نقوش انگشتان هر شخص مربوط به خود فرد است، زیرا انگشت‌شناسی از کشفیات قرن 19 است، در حالیکه قرآن کریم قرن‌ها قبل از اهمیت این نقوش ارشاد فرموده که در آن زمان نه اروپایی‌ها و نه عرب دوره جاهلیت خبر بودند. که این یک حقیقت مبرهن است و سبب و قرآن کتاب الله است و سبب شرف یابی من به دین اسلام شده است.
- جابر بن عبدالله انصاری (رح) در مورد شناخت میت پدرش عبدالله که در جنگ اُحد به شهادت رسیده بود می‌فرماید: من نتوانستم که او را بشناسم مگر از روی سرانگشتانش...

جرم‌شناسی، مقالات تیموری

- در سال 1684م داکتر نهیما گرتو در انگلستان 1686 داکتر مارسلو مالپیگی ایتالوی انگشتان را از نظر طبی مطالعه نمودند، مگر متوجه ارزش این خطوط با اهمیت نشدند.

- در سال 1823 یک استاد پوهنتون برسلو المان بنا جان پرکنج چند علامه نقوش سر انگشتان را مشخص ساخت. 1

- سر ویلم هرشل گورنر بنگال در 1808م متوجه اثر انگشتان گردیده و مدت 25 سال تجاری را بالای انگشتان خود انجام داد هر سال طور منظم نشان انگشت خود را گرفته با سال‌های قبل مقایسه میکرد که تغییر کرده یا خیرولی هیچ تغییر را نیافت همین‌طور از چندین اشخاص دیگر را همچنان و هیچ شباهتی را بین انگشتان مردم بنگال هم نیافت، گورنر بنگال دریافت که در طول عمر انسان نشان انگشت انسان تغییر نمیکند و و بعد امر نمود که بعد از این در تمامی اوراق مستخدمین و متقاعدین و در معاملات تجاری در پهلوی امضاء نشان انگشت را هم بگیرد. همچنان نشان انگشت جانیانو محبوسین را لازمی دانست. در 1880م یک داکتر طب اسکاتلند بنا داکتر هنری فولدز که در یک شفاخانه توکیو وظیفه طبابت را ایفاء می‌نمود در پهلوی طبابت تحقیقات علمی را در خصوص نشان انگشت انجام داد، نخست داکتر موصوف روی ظروف سفالی به نقش انگشتان متوجه گردید و رابطه آنرا با صانع ظروف گلی مطالعه نمود، دریافت که نقش خطوط انگشت برای تثبیت هویت انسانها بهترین علامه فارقه محسوب میگردد. بعد در مجله طبی نیچر علام نمود که من کاشف نشان انشگناتم وقتی گورنر بنگال خبر شد فوراً نامه به مجله نیچر فرستاد که 25 سال میشه بالای این تحقیق دارم!

- لذا هر دو دانشمندان 3 اصل انگشت شناسی ذیل را یافتند:

1. اصل عدم تغییر خطوط انگشت در طول حیات.
 2. اصل عدم یکسان بودن دو نشان انگشت در اشخاص.
 3. دریافت اثر انگشت در روی اجسام و ارتباط آن به فاعل اثر انگشت که از دو باقی مانده. در سال 1888م سر فرانسس گالتون ریاضی دان انگلستان تحقیقات گورنر بنگال سرویل هرشل را جمع آوری و آنرا فارمول بندی نمود، متعاقباً سر ادوارد ریچارد هنری رئیس پولیس شهر لندن نظریات علمای مذکور را به اصول جدید طبقه بندی و تکمیل نمود که بنام سیستم هانری گالتون یاد میشود. در اخیر قرن 19 جان و ستیش استاد جرم شناسی تبعه آرژانتین در خصوص تثبیت هویت جانیان در زندان از انگشت شناسی استفاده نمود. در سال 1819 بار اول طبقه بندی انگشتان به اصول علمی در کشورهای امریکای لاتین صورت گرفت اگر چه این روش فارمول بندی ساده بود ولی با آن هم رد آنوقت مؤثریت زیاد داشت.
- تعریف نشان انگشت نشان انگشت برای تثبیت هویت اشخاص عبارت از یک علامه فارقه، ممیزه و منحصر به هر فرد از افراد جامعه بشری جهان است. 1
- از نظر قرآن کریم نشان انگشت یک مهر خاص الهی است.

مطلب اول : تعریف هویت

- تثبیت هویت عبارت از علامه فارقه یک شخص از شخص دیگر است، که توسط آن هویت هر شخص تثبیت میگردد.
- در طول تاریخ برای تثبیت هویت اشخاص طریقه های مختلف بکار برده شده است:
- در بین سالهای 1880-1883 برتیلون فرانسوی برای تثبیت هویت انسانان به اصول تن پیمایی یعنی اندازه گیری اعضای ظاهری اشخاص اقدام نمود. بعد این هم ناکام شد، طریقه سوم ثبت چهره بود که این هم نواقص خود را داشت.

خواص نشان انگشت

الف- خاصیت عدم تغییر:

1. نشان انگشتان انسان از سن 3-4 ماهه گی جنین شروع تابه پوسیدن جسد از بین نمیرود.
2. حوادث خارجی از قبیل ضربات، سوختگی، جروحات و شاریده گی بالای خطوط انگشتان تاثیر نداشتند چه بعد از صحت یا بی بحالت اولی بر میگردد.

1 نظریه های جرم شناسی، دوکتور حمید رضا محمدی ملک، ج 6 ص 202، سال 1394، تهران

3. گاهی در حوادث خارجی به شکل عمیق سبب تاسیس یک داغ بروی خطوط انگشت میگردد، این داغ در پهلوی نشان اصلی انگشت بحیث یک علامه زاید الوصف در داخل نشان انگشت حک گردیده و در تثبیت هویت یک علامه جدید در نشان انگشت اضافه میشود.

4. بعضی مشاغل و حرفه ها طوری دوامدار بالای نقوش انگشتان اثرات خود را دارد. که هر کدام از خود صفات و علائم جداگانه دارد. لذا از روی یک اثر انگشت میتوان حرفه شخص را تعیین نمود و تشخیص نمود. ولی اگر این اشخاص این وظیفه را کنار بگذارند نشان انگشت به حالت اولی بر میگردد.

5. در صنف بندی خطوط انگشتان در ابتدای مرحله صرف انتهای بند اول خطوط انگشتانرا طبقه بندی و ثبت آرشیف های نشان انگشت میساخت و خطوط بند های دوم و سوم ارزش علمی فارمول بندی را نداشت، مگر امروز در نظام کامپیوتریز تمام خطوط بند های اول- دوم- سوم انگشتان، کف دست و همچنان خطوط انگشتان و کف پای هر شخص منحصر به خودش بوده و هر روزی که به تحقیق این علم افزود میوشد ارزش منحصر به فرد بودن آن بالا میرود، و هم هیچ نوع تغییر در این خطوط به شکل طبیعی رخ نمی دهد.

6. در خطوط انگشتان از سنین طفولیت تا سن پیری صرف یک فرقی رونما میگردد که در

طفولیت خط ها باریک و نفیس میباشد در پیری درشت و روشن میباشد. 1

7. از نظر پرنسیپ حقوقی مجرمین متکرر نمی توانند از ظروف مخففه و ارفاق فضایی مستفید گردند. روی این اصل مجرمین متکرر میخواهند تا هویت خود را تغییر دهند و به ارتکاب اعمال جنایی خود دوام دهند،

خاصیت عدم یکسان بودن نشان انگشت.

1- نظریه سرفرانس گالتون: اگر نشان انگشت 64 میلیارد اشخاص را باهم مقایسه نمایم، دو نشان انگشت از نظر، نقوش- خطوط و علائم فارقه باهم یکسان نخواهد بود.

2- نظریه ادوارد هانری: اگر 17 علامه یکسان بودن را انتخاب نمایم، این چانس یکسان بودن 2 نشان انگشت 17 میلیارد اشخاص ممکن است. در حالیکه یک نشان انگشت طور دقیق با تمام ابعاد آن بیش از صد ها علامه فارقه دارد، هر قدر این نقاط مشترک یکسان بودن را در دو نشان انگشت بالا ببریم به همان تناسب یک سان بودن نشان انگشت نفوس جهان بالا میرود.

3- نظریه یک دانشمند برازیلی: اگر از جمله انگشتان هر دو دست از هر انگشت صرف 20 علامه فارقه را تثبیت نماییم، با موجودیت نفوس جهان در آن وقت 46633700 سال لازم است تا نشان انگشت دو نفر با داشتن علام فارقه مذکور یکسان پیدا شود.

مطلب دوم: شباهت خطوط انگشتان در وراثت

- خطوط بند اول انگشتان در بین والدین، برادران، خواهران، فامیل حتی نوزادان که باهم چسبیده باشند یکسان نیستند، در مسایل وراثت البته در بین خطوط انگشتان نزدیکی و شباهت هایی وجود دارد، ولی از نظر علمی نشان انگشتان ایشان یکسان نیستند.

خاصیت ترمیم و التیام:

- نشان انگشت با داشتن 2 خاصیت متذکره نظریه ساختمان خود خصوصیت و ممیزه دیگری هم دارد، در مقابل حوادث خارجی از قبیل حرارت، پرودت، ضربه و جرحه تمام خطوط آن به شکل اصلی و اولی ترمیم و التیام میگردد. 1

خاصیت علامه گذاری نشان انگشت روی اجسام.

- ساختمان خطوط انگشتان دست، کف دست، انگشتان پا و کف پا هریک در تحت جلد غدوات ترشح کننده دارد، که در حقیقت همیشه با ترشح مایعات، روی این خطوط مرطوب و آلوده می باشند، در این ماده، مایع تقریباً 98.8 تا 99.5 % آب و متباقی آن نمکیات، اسیدها، البومین، ویتامین هابوده و از چربی مرکب گردیده که در روی اجسام وقتی میچسبند همین مایعات ترشح نموده و اثر خود را بجا میماند. در بعضی عوامل از قبیل حرارت، برودت، رطوبت، گردو غبار و غیره روی آثار انگشت که رد سطح اجسام به شکل نامرئی موجود است اثری دارد. در بعضی حالات این آثار نا مریی در وری اجسام محفوظ بوده تا مدت یک سال و یا چند ماه میتوان آنرا مریی ساخت، آثار نا مریی روی کاغذ که مایعات آن فوراً به شکل عمیق جذب میگردد، حتی تا مدت 9 سال میتوان آنرا مریی ساخت چیزی که در این رابطه زیادتیر قابل دقت است خصوصاً در طول عمر این آثار نامریی ترکیبات عرق است که رول خود را بازی میکند.

مطلب سوم: آثار انگشت روی اجسام جاذب رطوبت:

برای ظاهر ساختن آثار انگشتان از چند طریقه ذیل استفاده میشود.
الف- در صورتی که دست بروی اجسام جاذب رطوبت مثل کاغذ لمس نموده باشد برای مری ساختن آثار انگشت از دانه های بلور یود استفاده میشود،

1 شناخت جرم شناسی، دوکتور محمد علی بایانی، نشر دانشگاه امام حسین ج 1 ص 50 سال 1380

دانه بلوری یود را در ظرفی روی حرارت ملایم گذاشته و کاغذ را روی آن قرار می‌دهیم، در صورتی که صفحه کاغذ را انگشتان لمس نموده باشد بعد از لحظه ای آثار انگشت با ترکیب نمکیات که دارد به بخار یود معامله کیمیای را انجام می‌دهد و خطوط انگشتان به رنگ زرد و متمایل به قهوه بی رنگ روی صفحه کاغذ ظاهر می‌گردد.

ب- در اوراق، اسناد و اجسام جاذب رطوبت که احتمال اثر انگشت موجود باشد ترکیب پودر ناین هیدروجن ($C_9 H_6 O_4$) در هلكول حل کرده محلول مذکور را به شکل اسپری روی صفحه جاذب می‌پاشیم، در صورت موجودیت اثر انگشت فوراً روی صفحه ظاهر می‌گردد.

ج- در صورتی که روی اوراق، اسناد و اجسام جاذب رطوبت احتمال اثر انگشتان موجود باشد، جسم مذکور را به محلول نیتريت نقره که مقداری آب مقطر و اسید استیک به آن افزود گردد، اغشته ساخته و در تاریکی خشک می‌نماییم. بعداً جسم مذکور را در روشنی مستقیم آفتاب قرار می‌دهیم فوراً اثر نامرئی انگشتان روی جسم ظاهر می‌گردد. 1

مطلب چهارم: آثار انگشت روی اجسام غیر جاذب رطوبت.

در صورتیکه احتمال موجودیت آثار انگشت روی اجسام غیر جاذب رطوبت موجود باشد، آثار انگشت توسط ترکیب کیمیای که با عرق دست مرکب شده و به شکل پودر نگهداری میشود ظاهر می‌گردد.

3. آثار انگشت روی بدن انسان

آثار انگشت را روی بدن انسان به سهولت نمی‌توان ظاهر ساخت، ولی با آمدن تخنیک پیشرفته این امکانات میسر گردیده است.

یکی از میتود های تخنیک جدید تکنالوژی پروتولیزر است که توسط آن میتوان آثار غیر مرئی روی بدن انسان ار مرئی ساخت.

مقداری عرقی که از خطوط انگشتان انسان ترشح می‌گردد در آن مقدار زیاد آب، کمی از نمکیات شحمیات و ویتامین ها موجود است، ویتامین ها سبب درخشش می‌گردد، در شرایط عادی نمی‌توان ویتامین ها درخشش داد، مگر با ساتفاده از اشعه X یا پروتولیزر در آن یک روشنی نور می درخشد که سبب ظاهر شدن خطوط انگشت میشود.

4. آثار انگشت آلوده روی اجسام.

4.1. دست که خون آلود باشد به روی دیوار گذاشته شده باشد.

4.2. دست که به دیوار تازه رنگ شده گذاشته شده باشد.

1 جلوه های جرم شناسی، احمد رضا، انتشارات خرسندی ج 4 ص 69 تهران سال 1382

4.3 دست که با پودر و چونه آلوده شده بعد به دیوار گذاشته شده باشد به دو حالت باید عکاسی گردد.

الف- توسط کمره از نزدیک طوری عمودی از اثر انگشت عکاسی گردد.

ب- در مرحله بعدی از یک فاصله دور تر ساحه اثر انگشت برای وضاحت صحنه عکاسی شود.

خاصیت فارمول بندی خطوط انگشتان

- خاصیت فرمول بندی یکی از خصوصیات علم انگشت شناسی را تشکیل میدهد.

- بعضی از کشور ها از میتود هانری استفاده میکند که بطور ذیل است:

طبقه بندی 1. هانری در طبقه بندی روی خطوط و نقوش گردابی هریک از انگشتان دست راست و چپ را روی یک خط کسری فارمول بندی میکند.

طبقه بندی 2. نقش خطوط انگشتان شهادت دست راست و چپ را فارمول بندی میکند. 1

طبقه بندی 3. به اساس خصوصیات نقوش انگشتان شهادت، وسطی و انگشتان چله هر دو دست رافارمول بندی میکند.

طبقه بندی 4. روی نقوش خطوط انگشتان کوچک دست را و دست چپ فارمول بندی میشود.

طبقه بندی 5. طبق محاسبه تعداد خطوط بین دلتا و مرکز اولین خطوط حلقه وی بدون دو انگشت کوچک از سایر انگشتان فارمول بندی میگردد، اگر در خطوط هشت انگشت دو دست نقوش حلقه وی موجود نباشد شامل طبقه بندی 5 نمیشود.

طبقه بندی 6. این طبقه بندی با در نظر داشت خصوصیات نقوش انگشتان شصت هر دو دست مشخص میگردد، نوع نقوش از طبقه خطوط قوسی، خطوط حلقه وی یا گردابی می باشند که از طرف مامور فنی از دست راست در صورت کسر و از دست چپ در مخرج کسر فارمول بندی میشود.

طبقه بندی 7. به اساس محاسبه، در خطوطی که در بین دلتا و مرکز خطوط حلقه وی انگشتان شهادت، وسطی و انگشتان چله هر دودست تثبیت میشود فارمول بندی صورت میگیرد.

طبقه بندی خطوط انگشتان

در سال 1888 سر فرانسس گالتون برای اولین بار خطوط انگشتان را صنف بندی نمود موصوف خطوط انگشتان را از روی فارمول های ریاضی به 3 طبقه تقسیم نمود.

1- اشکال قوسی

2- اشکال حلقه وی

3- اشکال گردابی

اکثر ممالک جهان از سیستم چهارگانه استفاده میکند.

متخصص انگشت شناسی دکتی لوسکوپ در خطوط بند اول انگشتان دو شکل را بسیار مهم میداند، یکی شکل دلتا و دیگری شکل ترمینوس یا مرکز.

1. دلتا: شکل مثلث نمار آگویند که غیر اشکال قوسی در سایر اشکال وجود دارد.

2. ترمینوس یا مرکزی: در لغت قلب است و در اصطلاح نشان انگشت شناسی نقطه مرکزی

خطوط را گویند که در وقت تثبیت علایم در طبقه بندی خطوط ارزش خوبی را دارد.

3. قوسی یا کمانی: خطوطی است که اشکال یک قوس را دارد.

4. نعل مانند: خطوطی را گویند که یک خط مسیر خود را تغییر داده دوباره بروی خود برمیگردد و شکل نعل را میگیرد. 1

5. گردابی یا فنری: عبارت از خطوطی است که به شکل مارپیچ به اطراف خود می چرخد.

6. خط نا منظم: خطوطی است که مستقیم نبوده به منحنی یا منکسر متمایل میباشند.

7. دوشاخه: خطی است که یک خط به دوشاخ تقسیم گردیده باشد.

8. سه شاخه: عبارت از خطی است که در مسیر خود سرانجام به سه خط تقسیم میشود.

9. خط موازی: شکل خط موازی که در بین آن یک نقطه قرار گرفته باشد.

10. خط منشعب: شکلی از خط است که یک خط در مسیر خود منشعب گردیده در داخل خود با تشکیل نمودن یک جزیره دوباره با هم پیوسته گردد.

11. محوطه خطوط: محیطی است اشکال را در داخل احاطه خود جا میدهد.

12. خطوط سرحدی: عبارت از خطوطی است که در مرحله اول به شکل موازی شروع گردیده بعد از یک انعنا متفرق و یا دوباره موازی میشوند که سرحد خطوط را تشکیل میدهند.

تمام این اشکال در طبقه بندی چهار گانه نقش گردیده که ذیلاً در طبقه بندی چهار گانه توضیح میگردد.

خطوط اشکال قوسی یا کمانی 5%

- **خطوط قوسی ساده A:** عبارت از خطوطی است که یک یا چند خط از یک کنار انگشت آغاز گردیده در مسیر راه به شکل یک قوس یا کمان بدون تغییر سیر بکنار مقابل انگشت میرسد.

- **خطوط قوسی خیمه بی T:** عبارت از خطوطی است که از یک کنار انگشت آغاز گردیده، در مسیر راه به طرف بالا سیر نموده و بعداً دوباره به طرف پایین خط سیر خود را تغییر داده، شکل یک خیمه را بخود بگیرد. خطوط قوسی در بند اول انگشتان از مجموع خطوط 5 فیصد اشکال را تشکیل میدهد.

خطوط حلقوی 65%

در بند اول انگشتان خطوط حلقه وی مجموعه 65 فیصد اشکال را تشکیل میدهد.

عبارت از اشکالی است که یک یا چند خط به شکل موازی از یک کنار انگشت شروع شده، قبل از اینکه بکنار مقابل انگشت برسد، مسیر خود را تغییر داده دوباره به طرف اولی بروی خود دور خورده که این حرکت یک حلقه را تشکیل میدهد. 1

- خطوط حلقه وی رادیال R :

الف: خطوط حلقه وی رادیال در دست راست عبارت از خطوطی است که شکل دلتا به طرف راست قرار دارد، افتادگی خطوط حلقه وی به طرف راست انگشت افتاده است.

ب: خطوط حلقه وی رادیال در دست چپ عبارت از خطوط حلقه وی است که: شکل دلتا به طرف چپ قرار دارد، افتادگی خطوط حلقه وی شصت چپ به طرف انگشت کوچک افتاده است.

- خطوط حلقه وی اولنار U:

الف: در دست راست عبارت از خطوطی است که شکل دلتا در مقابل آن به طرف چپ قرار دارد، و هم افتاده گی خطوط حلقه وی به طرف چپ افتاده است.

ب: در دست چپ عبارت از خطوطی است که دلتا به طرف راست موقعیت دراد، همچنان افتاده گی خطوط حلقه وی به طرف راست افتاده است.

- **خطوط حلقه وی دبل:** عبارت از خطوطی است که دو شکل حلقه وی به شکل مکمل یکی در مقابل دیگری به شکل یک جوره موقعیت دارند و گاهی آنرا به نام دوگانه گی هم یا میکنند، خطوط حلقه وی دبل دارای دو دلتا دو حلقه مکمل و دو مرکز میباشند.

1 جرم شناسی پیشگیری، تالیف شهرام ابراهمی، ج 3، ص 89 سال 1394

خطوط گردابی 30%: عبارت از اشکالی است که یک خط یا خطوط از یک نقطه مرکزی طور انفرادی و یا به شکل مجموعی بدور خوردن شروع می نماید که حد اقل یک حلقه دورانی و یا چندین حلقه متحد المركز حلقات دورانی خود را تکمیل می نمایند، این خطوط ظاهراً به شکل گرداب جلوه کرده بنام خطوط گردابی یاد میگردند.

- **خطوط گردابی دایره وی:** عبارت از خطوطی است که به طرف یک نقطه یا یک دایره کوچک یک خط دایروی تشکیل میشود، و یا چندین خطوط دایره وی متحد المركز به اطراف آن تشکیل میگردند. حد اقل 2 شکل دلتا واقع میگردند.

- **خطوط گردابی بیضه وی:** عبارت از خطوطی است که یک خط به اطراف یک بیضوی کوچک یا یک نقطه به شکل بیضوی حلقه بسته و یا چندین خط بیضوی متحد المركز به اطراف آن خطوط بیضوی را تشکیل دهند، در اشکال خطوط بیضوی حد اقل 2 تا دلتا واقع میگردند.

- **خطوط گردابی فنری:** عبارت از خطوطی است که یک خط یا خطوط از یک نقطه مرکزی بدور خوردن شروع نموده، چندین بار به اطراف خود می پیچد که بنام خطوط گردابی فنری یاد میشود، در برابر خطوط گردابی حد اقل 2 دلتا واقع میگردند. 1

خطوط مرکب: عبارت از نقوشی است که از ترکیب خطوط مختلف بدون قوسی ساده ترکیب شده باشد. اگر چه خطوط گردابی نقوش پیچیده دارد و زیاد تر شکل تخصص انگشت شناسان را تشکیل میدهد،

خطوط مرکب از ترکیبات ذیل است:

1. خطوط مرکب که ترکیب شده از خطوط خیمه یی- قوسی- گردابی و دایروی.
2. خطوط مرکب که ترکیب شده از خطوط حلقه وی- گردابی بیضوی.
3. خطوط مرکب که ترکیب شده از خطوط قوسی خیمه یی و حلقه وی.

تطبیق آثار انگشت محل واقعه با انشان انگشت متهم.

- 1- در تمام اسناد مهم از قبیل قباله ها، اسناد قرضه، قرار دادها و مقولات حقوقی در پهلوی امضاء گرفتن نشان انگشت ضروری و حتمی است. 2

1 جرم شناسی پیشگیری،تالیف شهرام ابراهمی ، ج 3،ص89 سال1394
2 کشف جرم ، تالیف جلال بهادری ،سال1381 ج 1، ص 230 تهران،مجمع علمی وفرهنگی هبه

2- بسیاری از اوقات کسانی که رد ذیل اسناد نشان شصت را گذاشته، نسبت نداشتن سود تحت اسم شخص دیگری شصت خود را میگذارند، در صورت انکار از شصت ذیل در سند 10 باید مقایسه شود.

3- در صورت اختلاف دعوی روی سند که یکی از طرفین در ذیل سند شصت خود را گذاشته و بعد فوت کرده امکان اخذ نشان انگشت وی موجود نباشد، تلاش شود که تا یک نقل از اسناد رسمی که متوفا در زمان حیات خویش شخص گذاشته باهم مقایسه شود اگر 12 علایم همسان بود درست است.

مطلب پنجم: طریقه گرفتن نشان انگشت

گرفتن نشان انگشت

نشان انگشت مهر الهی انسان است.

برای اعتبار سند: قباله ملکیت، نکاح نامه، عقد قرار داد، و غیره گرفته میشود.

1. موجودیت یک میز مامور مؤظف طور دقیق و راحت در کنار آن نشان انگشت شخص طرف علاقه را میگیرد.

2. قبل از گرفتن دست ها با آب و صابون شسته شود بعد خشک گردد.

3. برای نشان انگشت از رنگ های خاص که در داخل تیوب ها جا دارد استفاده میشود، روی یک شیشه هموار انداخته و انگشت و انگشت را بالای آن به طور میگذاریم که تمام سطح انگشت پر رنگ گردد، بعد روی کاغذ میگذاریم. 1

. در نشان انگشت در روی اسناد به نکات ذیل دقت شود.

الف: نخست کاغذ در روی میز طوری باشد که در وقت گرفتن نشان انگشت سند نلغزد.

ب: در صورتی که نشان انگشت در روی فورمه ها گرفته میشود هر انگشت در محل تعیین شده آن گرفته شود.

ج: اگر نشان انگشت در ذیل اسناد گرفته میشود باید در ختم تحریر سند نشان انگشت گرفته شود، تا بعداً چیزی به آن ازود نگردد.

5. شخصی که نشان انگشت را او گرفته میشود باید در پهلوی راست مامور اگر نشان انگشت چپ او گرفته میشود باید به طرف چپ مامور مؤظف در کنار میز اخذ موقعیت نماید.

1 جرم شناسی، شهرام ابراهیمی سال 1379 ج 3 ص 58 محل چاپ تهران

6. در کشور ما معمولاً نشان انگشت چپ را میگیرد زیرا با دست راست بیشترین کار های یومیه صورت میگیرد که سبب ساییدن و کم رنگ شدن نشان انگشت راست میشود.
7. کسی که نشان انگشتانش اخذ میگردد، باید انگشت خود را در وقت گذاشتن روی کاغذ کاملاً به اختیار مامور مؤظف قرار دهد.
8. مامور مؤظف گرفتن نشان انگشت باید آموزش نظری و عملی دیده باشد.
- ماده 322 قانون جزای افغانستان: در تطبیق احکام این فصل نشان انگشت مانند امضاء اعتبار دارد. همچنان بر طبق فقره 3 ماده 2 قانون اجرات جزایی موقت اگر شخصی توانایی امضاء را نداشته باشد میتواند شصت بگذارد.

طریقه گرفتن نشان انگشت اشخاص سالم، مریض و میت:

1- گرفتن نشان انگشت اشخاص سالم:

- 1.1. مامور مؤظف در وقت گرفتن نشان انگشت بعد از تمیز و پاکی، بند اول انگشتان را کاملاً بند دوم انگشت را از 3 تا 4 ملی متر برنگ آلوده سازد، بعداً کسی که را که نشان انگشت او را میگیرد به طرف چپ خود در کنار میز قرار داده، انگشت آنرا کاملاً در اختیار خود داشته باشد، اخیراً انگشت مطلوبه را آهسته از یک کنار بروی صفحه کاغذ گذاشته به شکل دورانی تا کنار دیگر انگشت که دارای خطوط رنگ آلود است بچرخاند، حسب طریقه مذکور تمام خطوط و نقوش که رد سطح انگشت قرار دارد کاملاً روی صفحه کاغذ نقش میگردد.
- نشان شصت راست به شکل متذکره از یک کنار تا کنار دیگر بطور مکمل.
 - به ترتیب اخذ نشان انگشت شهادت (سبابه) دست راست به شکل دورانی از یک کنار انگشت تا کنار دیگر آن. 1
 - نشان انگشت میانه (مهین) به شکل دورانی به طور مکمل.
 - نشان انگشت چله. (انگشتی)
 - نشان کوچک (کهن، خنصر) به ترتیب ذکر شده
 - طبق طرز العمل دست راست، اخذنشان شصت دست چپ.
 - نشان انگشت شهادت (سبابه) چپ به شکل دورانی بطور مکمل.
 - نشان انگشت چپ میانه (مهین) حسب فوق به طور مکمل
 - نشان انگشت چله انگشتی (ینصر)

- نشان انگشت چپ کوچک (کهن - خنصر)

1.2. در فورمه هیا مرتبه برای هریک از انگشتان دست راست و دست چپ اسم هر انگشت و شماره آن درج شود.

1.3. در صحنه های جنایی خصوصاً در منازل برای باز کردن دروازه ها روی دستگیر آن آثار انگشت به شکل غیر مرئی باقی می ماند.

1.4. در کارت سو: در شعبات پولیس جنایی درکشور ما یک فورمه تمام دست به شمول انگشتان و کف دست به رنگ آلوده گردیده بروی صفحه کارت گذاشته میشود و از عقب دست قدری فشار وارد میگردد تا تمام نقوش و خطوط رویش دست در صفحه کارت نقش گردد.

1.5. کسانیکه دارای شش انگشت و یا طور استثناء بیشتر از آن باشد، نخست روی فورمه های مرتبه که برای هر انگشت محل آن تعیین گردیده نشان انگشت پنجگانه را میگیرند. دستی که انگشت ششم دارد آنرا در کنار انگشت کوچک میگیرد

1.6. نوزادان که در اثنای ولادت بدون دست ها به دنیا میآیند و یا هم کسانیکه در اثر حوادث هر دو دست شان قطع شده، این ها میتواند هر دو پاها هر انگشت پاها را جدا جدا شصت گذاری کند. گرفتن نشان انگشت به طریقه های ذیل صحت ندرد.

1-ج- نوعیت رنگ: نوع رنگ باید خاص باشد.

2- چرخانیدن انگشت: انگشت نباید بچرخد یا چرخانیده شود یا به طرف راست و چپ برده شود.

3- لغزانیدن انگشت: انگشت نبا لغزید که فاقد اعتبار است.

4- گذاشتن تکراری: انگشت را دوبار دریک محل نگذارید که اعتبار ندارد. 1

- گرفتن نشان انگشت اشخاص مریض

- انگشتان بعضی اشخاص فلج بوده قادر به نیستند تا به شکل عادی نشان انگشت ایشان گرفته شود.

الف: انگشت بعضی مریضان به طرف کف دست قات گردیده نشان انگشت این نوع اشخاص به شکل معمول گرفته نمیشود.

ب: بعضی انگشتان با هم چسپیده اند که نمیتوان تمام اشکال خطوط آنرا روی صفحه کاغذ گرفت. در حالات فوق مامور مسلکی توسط یک قاشقک خاص که در داخل آن کاغذ سفید تثبیت میباشد انگشت را بعد از آلوده رنگ در داخل قاشقک به شکل دورانی از یک کنا رانگشت تا کنار دیگر آن تمام خطوط نشان انگشت را میگیرد.

2- اشخاص بند اول انگشت شان قطع شده در فورمه خاص معینه برای بند اول هر انگشت محل تعیین گردیده، لذا در خانه انگشت قطع شده علامه AMP که مخفف کلمه (قطع عضو) است نوشته میشود. اگر در بند اول انگشتان تا چند ملی متری باقی ماند از همان اندازه شروع شود. در هر دو حالت قطع انگشت و تاریخ آنرا باید نوشت.

3- کسانی که انگشتان شان در اثر حادثه شکسته و در پلاستر گچ قرار دارند باید انتظار کشید تا صحت یاب شوند.

4- کسانی که انگشتان شان سوخته و یا هم جراحی برداشته تا وقت صحت یاب شدن انتظار کشید.

5- کسانی که در فابریکه کیمیاوی با تیزاب تماس دارند و یا گلکاری که دست آن رد سمنت و چونه خطوط انگشتان شان ساییده و صیقل می باشند، این اشخاص هر شب انگشتان خود را توسط گلیسرین یا روغن زیتون پالش دهند در ظرف 10 تا 15 یوم تمام خطوط آن به شکل برجسته و واضح ظاهر میگردد، اشخاص مذکور در این مدت از اجرای وظیفه خود داری کند. 1

مبحث پنجم: بررسی محل واقعه

مطلب اول: بررسی منزل

به استثنای محل واقعه و بررسی محل، بررسی منزل نیز به شکل مستقل فعالیتهای تحقیقاتی در مواقع معین انجام یافته و تحت رسیدگی قرار میگیرد بطور مثال به منظور درک شرایط زندگی افراد در حال مراهق بررسی منازل صورت گرفته میتواند تا باشد به شرایط زیست مادی چنین اشخاص آشنا شد که مرتکب جرایم میگردند چه میتواند عوامل جرمی اینگونه افراد را فضایی نامساعد خانوادگی تشکیل داده باشد. غرض پیشبرد چنین بررسی گرفتن اجازه مالک منزل، سرای، گاراج، امر ادارات و موسسات و سازمانهای اجتماعی شرط است که صلاحیت املاک مذکور را در وقت بررسی دارند در صورت عدم موجودیت اجازه آنها بررسی به شکل بخشی از قسمت های تلاشی انجام مییابد. همچنان بررسی به منظور جمع آوری دلایل اثباتیه مادی، آثار جرمی سرقت شده از قبیل اشیای قیمتی محل زیست شخص فاعل جرم، تفتیش شواهد، مظنون، متهم، متضرر و شهود بررسی منزل می تواند انجام یاب

مطلب دوم : بررسی اشیا و اجناس:

تحت عنوان اشیا و اجناس که می‌شود مورد بررسی قرار گیرد چنین تفهیم گردیده که موضوعات مادی ایکه ارتباط به دوسیه جزایی داشته و به آن اشیاى مختلف بهادر، اجناسی که قبلاً موضع عمل جرمی، از قبیل اسلحه جرمی البسه مظنون، متهم، متضرر، و یا قسمتی از پارچه‌های البسه و یا متعلقات آن از قبیل دکمه آثار و غیره شامل بوده که بررسی آنها در بدست آوردن اطلاعات مورد نیاز غرض برقراری حقیقت به ارتباط دوسیه را مساعدت می‌نماید. اجناس بدست آمده در اثنای تلاشی و بدست آوردن جنس مشخص از محل مشخص در هنگام بررسی محل واقعه، در اثنای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی مذکور عمیقاً مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته در مواقع ضرورت مستنطق در حدود صلاحیت خود میتواند بررسی اجناس را در محل اجرای تحقیق انجام دهد. اجناسی که منحیث مدارک اثباتیه از طرف اشتراک کنندگان جریان قضیه پیشکش گردیده یا اینکه از محلات متذکره فوق بدست آمده بطور حتمی مورد بررسی قرار میدهد. بطور مثال احمد نام متهم اطلاع داد که کارد قصابی که ذریعه آن بر متضرر ضربه وارده کرده است آنرا در اتاقی پنهان نموده که در آنجا دستگیر شده است. همزمان با بدست آوردن کارد مورد نظر از اتاق متذکره مشاهده می‌شود که کارد بدست آمده با خون آلوده و آثار مو در آن به مشاهده میرسد با وجودیکه خون و مو هر دو میرساندکه آله جارحه همان است . 1

که متهم خود گفته مگر بهتر است در زمینه نظر اهل فن گرفته شود تا مبدا خون و مو از حیوانات بوده باشد. و هیئت تحقیق در این راستا به اشتباه رفته باشد. همین که خون و مو هر دو از طرف اهل فن تثبیت گردید که متعلق به انسان و بالاخص به متضرر است در آن صورت مسؤولیت احمد نام در قبال قضیه انکار ناپذیر و ثابت میگردد.

2- بررسی اسناد در قضایای جرمی :

اسناد از جمله مدارک اثباتیه بشمار رفته هر گاه اوضاع و حالات و حقایق از سوی ادارات، مؤسسات، سازمانها، اشخاص و افراد با صلاحیت و یا اتباع تشریح، تقریر و تحریر گردیده و به دوسیه جزایی تحت بررسی ارتباط و اهمیتی داشته باشد از همه اولتر بررسی چنین اسناد به منظور تشخیص، اکمال و محافظت آنها از طریق بررسی این یا آن مدارک که در نتیجه انطباق معلومات احتوا شده یا سایر اسناد میتوان در برقراری و تشخیص آن پی برد.

1 محمد اعظیم فاریابی، اساسات علمی کشف جرایم ج 11 ص 105 سال 1378

بطور مثال به ارتباط قضیه رشوت مستنطق بررسی کننده اصل ورقه احکام توزیع قطعه زمین قابل اعمار سرپناه که از طرف شاروالی داده شده و مدارک بدست آمده تطبیق شده با فیصله کمیسیون توزیع زمین چنین استنتاج می‌شود که بر حسب حقایق توزیع زمین به شکل غیر قانونی بدون احکام و دستور صورت گرفته و در اثناي بررسی اسناد توجه به مصادره آن‌ها معطوف گردیده که برای کدام شخص چه وقت زمین داده شده، چطور و کدام شخص اسناد را ترتیب نموده آیا شخص امضا کننده احکام صلاحیت آنرا داشته یا چطور؟

متن اسناد توزیع شده و همچنان محتوای اسناد مذکور اصلاح، قلم خورده‌گی، تراش یا کدام علایم مشخص دیگر گذاشته شده یاخیر هر کدام توضیح می‌گردد.

بررسی یا مطالعه ظاهری جسد: این نوع بررسی یکی از فعالیتهای تحقیقاتی مستقل بوده که معمولاً در مواقعی که الی رسیدن مستنطق، جسد از محل دریافت و انتقال می‌گردد. بطور مثال جسد از محل دریافت جرم و یا محل ارتکاب جرم به مرده خانه انتقال گردیده و یا از اصل محل به جای دیگری منتقل شده چنین بررسی صورت می‌گیرد، همچنان این طور عملیه بعد از تدقیق نیز میتواند انجام گیرد در سایر حالات بررسی ظاهری جسد یکی از بخش‌های اساسی محل واقعه می‌باشد. در اثناي مطالعه جسد توجه جدی به موقعیت، البسه موجوده و حالات آن و هم موجودیت یا عدم موجودیت خصوصیت جرح و اندازه آن و همچنان علایم شیخ ماندگی جسد معطوف می‌گردد بررسی جسد حتمی در حضور داکتر و یا افراد متخصص طب عدلی و یا سایر دوکتوران مستند به هدایت و احکام قوانین انجام می‌گردد. 1

مطلب سوم: ترتیب و تنظیم وقت و محل اجرای فعالیت‌های تحقیقات

پروتوکول فعالیتهای تحقیقاتی تجربی ماهیت و شکل خیلی متداول دارد. ثبت مدارک اثباتیه در آن صورت می‌گیرد. که فعالیتهای تحقیقاتی تجربی درج پروتوکول نگردیده باشد. پروتوکول معمولاً از سه بخش، مقدماتی، تشریحی و اختتامی متشکل بوده، محتوی پروتوکول متعلق به خصوصیت و طرز اكمال فعالیتهای تحقیقاتی تجربی میباشد. طوریکه قانون اجراءات جزایی حتمی بودن پروتوکول را در تمام فعالیت های تحقیقاتی بنام های پروتوکول سوالات، پروتوکول تلاشی و غیره یاد نموده محل و تاریخ پیشبرد وقت آغاز و انجام، مقام و رتبه، نام، تخلص و نام خانوادگی شخص مستنطق، نام، تخلص و نام خانوادگی هر یک از اشتراک کننده‌گان را پیش بینی نموده

1 مهدی نجابتی کشف علمی جرایم، ج 3 ص 83 سال 1390

و در مواقع ضرورت آدرس اشتراك كننده‌گان، ناظرين اجراءات مستنطق، ترجمان و سايرين را درج پروتوكول نموده، همچنان به استثناي آدرس اشخاص فوق در صورتيكه كارمندان پوليس و موظفين خارنوالی در اثناي انجام فعاليت هاي تحقيقاتي اشتراك نموده باشند نيز يادداشت و ثبت ميگردد.

هكذا فعاليتهاي تحقيقاتي اوضاع و حالات بدست آمده از اثر راهكارهاي عمليات كه داراي اهميت بخصوص به ارتباط قضيه ميباشد، درج و ثبت پروتوكول ميگردد هرگاه در بدست آوردن مدارك اثباتيه به ارتباط جريان قضيه از وسايل تخنيكي از قبيل وسايل عكاسي، فلمبرداري، ثبت آواز وغيره استفاده صورت گيرد، علت استفاده از آن، اسماي شان، علت وانگيزه بكار بستن آن، شرايط و طرق استعمال آنها بدون كم و كاست همراه با نتيجه حاصله جريان تحقيق، ثبت پروتوكول ميگردد. به طور مثال در اثناي بررسي محل واقعه استفاده از وسايل به منظور آماده ساختن نقش ها و الحاق آثار لازم در پروتوكول انعكاس يافته، چنانچه در نتيجه گراف تجربي پودر هائي كه بالاي نشان انگشت نامعلوم استفاده ميگردد نيز در پروتوكول تسجيل ميشود. عموم اشخاص اشتراك كننده در فعاليتها و همچنان حضور داشته گان در جريان پيشبرد اجراءات و استعمال وسايل تخنيكي به ارتباط موضوع در جريان قرار داده شده و اين مطلب ثبت پروتوكول ميگردد پروتوكول مذكور براي عموم اشخاص اشتراك كننده فعاليتهاي تحقيقاتي تجربي ابلاغ شده و حقوق ايشان از طرف مستنطق براي آنها تفهيم ميگردد. هرگاه ايرادي در زمينه از سوي مشمولين قضيه عرض وجود نمايد درج پروتوكول ميگردد. هرگاه ايراد و يا نظر خاصي در جريان اجراءات بمنظور اكمال وتصحيح پروتوكول از سوي مشمولين فعاليتها بوجود آيد همرديف پيشنهاديه اوشان بتاسي از اجراءات سالم مستنطق در ختم پروتوكول انعكاس داده ميشود. 1

مجموعه تغييرات، اصلاحات، افزايش و پيرايش كه از جانب اشخاص صورت ميگيرد باييست قيد و ثبت پروتوكول گردد و امضای هر كدام از اشتراك كننده گان بمنظور تاييد و تصديق اين مطلب اخذ گردد. هرگاه ايرادي در زمينه بوجود نيايد موضوع لزوماً در پروتوكول اشاره شده و بعداً ابلاغ پروتوكول و صحت تحرير آن خاطر نشان شده هر كدام از اشخاص اشتراك كننده فعاليتها شخصاً با پروتوكول آشنائي حاصل مينمايند و پروتوكول مورد بحث از طرف هر يك از اشخاص شامل فعاليت امضا ميگردد كه مراعات نوبت در اثناي امضا از روي پرنسيپ اهميتي ندارد

1 كشف علمي جرايم محمد عمر ببركزي ج 1، ص 49، سال 1380

امکان وقایعی موجود است که گهگاهی متهم، مظنون، شهود و سایر اشخاص از امضا نمودن پروتوکول مرتبه تحقیقاتی امتناع ورزند. مستنطق جریان را در پروتوکول درج و با امضای خود آنرا تأیید می‌نماید. لازم است برای شخصیکه از امضا نمودن پروتوکول امتناع می‌ورزد، وقت و امکانات میسر گردد تا علت امتناع و سرپیچی خود را توضیح و البته آنچه بمثابة دلایل اظهار میدارد درج پروتوکول گردد هرگاه یکی از اشخاص فوق الذکر به سبب موجودیت کمبودات فیزیکی (جسمانی) از امضا نمودن ابا می‌ورزد، از جریان در پروتوکول اشاره بعمل آمده و توسط امضای مستنطق و دو نفر ناظر اجراءات مستنطق تصدیق و تأیید می‌گردد.

هرگاه متهم، مظنون، شهود و متضرر نظر به علل فوق نتوانند استعلامیه سوالات را امضا نمایند مستنطق شخص دیگری را دعوت و بالآخر موافقه شخص معلول (تحت بازپرس) توسط امضا شخص دعوت شده صحت تحریر، شهادت و یا استجواب مذکور را تأیید و تصدیق مینماید

فوتوهای عکاسی شده و فلم های شان با فلم های سینمایی و یا پوزتیف، فونوگرام‌ها ارائه شده، پلانها، نقشه‌ها، جداول اندازه‌گیری، نقش‌های چسبیده آثار، نمونه‌های اشیا و اسناد هرکدام ضمیمه پروتوکول گردیده و از انضمام اشیاي فوق نیز به طور مستقیم در پروتوکول توضیحات داده می‌شود.

بعضی از فعالیت‌های تحقیقاتی که اساساً به منافع حقوقی و قانونی ادارات، دستگاه‌ها و اتباع تصادم نماید و یابر بیکر آنها صدمه وارد آورد زمانی انجام یافته می‌تواند که به ارتباط موضوع فقط پیشنهاد مشخص ترتیب گردیده باشد، بطور مثال قبل از انجام مطالعه بدن شخص، ضرورت به پیشنهاد مستنطق احساس می‌گردد و به ارتباط هر يك از مشمولین این فعالیتها این اجراءات حتمی پنداشته می‌شود پیشنهاد مستنطق به ارتباط انجام بعضی از فعالیتها از قبیل توقیف اسناد پُستی و تلگرافی و بدست آمدن آنها بعد از هدایت خرنوال قوت قانونی یافته در احوال اضطراری مستنطق حق اجرایی تلاشی را بر مبنای پیشنهاد خود بدون هدایت خرنوال داشته.¹

1 کشف علمی جرایم، مهدی نجابتی، ج 1 ص 102، سال 1379

اما در مدت سه شبانه روز از صورت اجراءات و نتایج حاصله آن، **خارنوال** را در جریان گذاشته صحت اقدام خود را از محکمه حاصل نماید پیشنهادیه های اجراءات فعالیت‌های تحقیقات تجربی بایست مدلل بوده و محتوی هدف آنرا خاطر نشان سازد، اما در پیشنهاد لازم نیست از اوضاع و حالاتی تذکر داده شود که اهمیت دلایل اثباتیه دوسیه جزایی را در دقایق فعلی تحقیقات افشا نماید. به طور مثال در پیشنهاد مبني بر توقیف اسناد پستی و تلگرافی اسناد یا اجناس مشخص از محل مشخص استدلال بعمل آمده تا اسناد ارسال شده به اسم متهم و یا ارسال شده از سوی وی که اهمیتی بدوسیه جزایی داشته و هم اگر دارای اهمیت مشخص اثباتیه باشد درج پیشنهاد نمیگردد .

در مجموع اوضاع و احوال هرگاه غرض پیشبرد فعالیت‌های تحقیقاتی به پیشنهاد و احکام **خارنوال** که در قانون اجراءات جزایی تذکر رفته احساس شود. پیشنهادیه مذکور را مستنطق امضا نموده در انثای ترتیب پیشنهاد و تنظیم پرتوکول متناسب به استفاده از اوراق معینی که در هر یک از ارگان های تحقیق موجود است بعمل می آید. موثریت اجراءات تحقیق و فعالیت‌های مستنطق اکثراً متعلق به شرایط پذیرش اطلاعات و دلایل اثباتیه دارد که وی در نتیجه فعالیت ها بدست می آورد .

مهمتر از همه به همین ارتباط در قانون، وقت و محل اجرای فعالیتها بیشتر در نظر گرفته شده است. به طور مثال فعالیتها در محلاتی میتواند انجام یابد که آنجا را مستنطق برای پیشبرد امور خود مناسب پندارد. قبل از انجام هر نوع فعالیت، مستنطق با در نظر داشت مفکوره خود و روش ها و اسلوب های تکتیکی خویش با دقت عمیق منافع سایر اشتراک کنندگان فعالیت ها را در نظر داشته و نمی تواند مسایل اقتصادی را از نظر بدور داشته باشد. یعنی کمترین هزینه بایست در امر انجام فعالیت به مصرف برسد رفتن در محل اجرای فعالیت‌های تحقیقاتی شخصاً برای مستنطق مناسب بوده تا اینکه سایر اشتراک کنندگان جریان را بخصوص از حوزه‌ها و مناطق مختلف درحافظه بسپارند .

اکثراً عموم فعالیت‌های یادشده در دفتر مستنطق اکمال میگردد که در آنجا دوسیه جزایی و سایر اوراق مورد نیاز از قبیل فورمه ها تحت نظر مستنطق محافظه و نگهداری میگردند. بعضی از فعالیتها نمیتواند در دفتر انجام پذیرد، مثلاً در بررسی محل واقعه، مطالعه جسد، تلاشی و بدست آوردن اجناس مشخص از محلات مشخص وغیره. باید تذکر داد که فورمه ها حیثیت نمونه های رهنما را دارا می باشند. 1

1 احسان الله عالمی ، جرم شناسی ج 4 ص 58 سال 1387

در بعضی موارد با وجود آنکه پیشبرد عده ای از فعالیتها برای مستنطق در دفتر خودش راحت می باشد اما بنابر معاذیری مستنطق آنرا در محلات دیگری از روی ناگزیری انجام میدهد. مثلاً از متضرر لزوماً در شفاخانه استفسار می نماید یا اینکه متهم را در اداره توقیف مورد بازپرس قرار می دهد در مواقع عاجل آغاز فعالیتهای تحقیقاتی در يك محل و انجام آن در محل دیگری صورت میگیرد. مثلاً به منظور تفتیش شواهد و مدارك مستنطق از يك محل به محل دیگری، از يك ولايت به ولايت دیگری رفته و یا اینکه بالاثرفشارش يك مستنطق، مستنطق دیگری در پیشبرد فعالیتهای تحقیقاتی در محلات مختلف از ارگانهای ضبط قضایی سهم میگیرد .

قانون اجراءات جزایی پیشبرد هر يك از فعالیتها را در هنگام روز پیشبینی نموده و در هنگام شب فعالیتهای تحقیقاتی در حالاتی میتواند انجام یابد که درنگ و تاخیر، عواقب ناگوار و منفي دیگری را در مجموع ببار بیاورد از قبیل از بین رفتن مدارك اثباتیه، ادامه یافتن عمل جرمی، مخفی شدن مجرم و غیره گهگاهی در اثنای انجام فعالیتهای تجربی مستنطق را اجراءات قبلی اش مساعدت نموده مثلاً مستنطق سوالات خود را بدون معطلی حداقل در ظرف 24 ساعت از دقایق گرفتاری مظنون آغاز نموده و داخل اقدام گردد در صورت تعلل نتایج اجراءات مستنطق دگرگون خواهد شد که این اجراءات بموقع وی را مساعدت مینماید .

چون مستنطق بر وفق مواد احکام قانون مکلف است متهم را هر چه عاجل بعد از ابلاغ اتهام مورد بازپرس قرار بدهد و فعالیت های سفارش شده را در ظرف ده روز انجام دهد، بناءً سرعت عمل سیر دوسیه و نتایج آنرا گرانتی خواهد نمود. اجراءات تحقیقاتی به ارتباط قضایا میتواند در ظرف مدت تحقیقات ابتدایی انجام یابد. ختم دوسیه یا متوقف شدن آن حق انجام هرگونه فعالیت تحقیقاتی مستنطق را منتفی می نماید .

ادامه فعالیتهای تحقیقاتی را قانون اجراءات جزایی مقید ساخته، در مجموع ماهیت اساسی فعالیت های مذکور و شرایطی که آنها از طرف مستنطق تقسیم بندی و سازماندهی میگردند انجام مییابد. در صورت دوام انجام يك یا چند فعالیت تحقیقاتی بالاثرفشارش مشترك مستنطق اولی لازم است وقت کافی و مواد غذایی زمينه استراحت برای موصوف میسر گردد. 1

استعمال وسایل تخنیکي در قضایای جنایی و اهمیت آن

در اثنای تحقیقات عملی عموماً از وسایل تخنیکي 2+1 که از یکسو به منظور بدست آوردن و استحکام مدارک اثباتیه مادی و از جانبی در ساده ساختن کار، بالا بردن کیفیت اجراءات و سرعت بخشیدن فعالیتهاي تحقیقاتي مستنطق نقش به سزایی را بازی مینماید استفاده بعمل می آید. تعیین و سایل تخنیکي که در اختیار مستنطق بوده بدو قسمت تقسیم میگردد .

1- وسایل به منظور پیدا نمودن و تثبیت مدارک اثبات جرم .

2- وسایل تخنیکي ایکه متضمن اجراءات و پیشبرد امورات مستنطق میباشد .

به طور مثال مستنطق بالوسیله کمره عکاسی از محل واقعه عکس برداری و در تحقیقات عملی از فلم اخذ شده استفاده اعظمی بعمل می آید که بعد از انجام اجراءات فوراً شسته می شود و انعکاس مثبت را بازگو می دارد بدین معنی که چیزهاي مختلفی که قابلیت رجعت و انعکاس و عبور در پرده سالون محکمه قضایی را دارد به نمایش گذاشته می شود. عکس برداری در اثنای بررسی محل واقعه، تمثیل مکرر واقعه و سایر اجراءات تحقیقاتي بعمل آمده، اوراق عکاسی محل واقعه یا اجناس علیحده، مدارک اثباتیه مادی هر کدام درج پروتوکول گردیده که يك منظره قابل ملاحظه از فعالیتهاي تحقیقاتي را ترسیم و به نمایش میگذارد در مواقع لزوم غرض پیشبرد فعالیتهاي تحقیقاتي امکان استعمال وسایل ثبت آواز موجود بوده که شرایط و طریقه استعمال آن در صورت امکان توضیح میگردد .

از جمله وسایل تخنیکي یکی هم بکس مستنطق بوده که حاوی کارد، قیچی، انواع پیچ تاب ها، ذره بین، مقناطیس، موم، گچ، پلاستیک هاي اخذ نشان انگشت و سایر وسایل ممد می باشد که در اثنای بررسی محل، تلاشی، و بدست آوردن اجناس مشخص از محلات مشخص نهایت سهولت بار می آورند. از جمله وسایل تخنیکي ایکه کار مستنطق را بیشتر سهل میسازد یکی دیگر ماشین تایپ تحریر، دیکته فون و دستگاه ها برای دوخت دوسیه هاي جزایی میباشد .

ماشین تایپ تحریر از جمله وسایل ضروري بشمار رفته، زیرا تحریر توسط آن به حد قابل ملاحظه ای کار را سرعت بخشیده و سطح کیفیت تنظیم دوسیه جزایی را بلند برده، هرگاه اسناد داخل دوسیه به طور مکمل یا بطور قسمی اکثریت قسمت هاي آن ذریعه ماشین تایپ، تحریر گردد، اسناد مذکور به ساده گی مطالعه شده، پروتوکول ها و پیشنهادات مستنطق به آسانی قابل فهم بوده می تواند. 1

این اجراءات می‌تواند در موقع آشنایی متهم با اوراق دوسیه پس از ختم تحقیق در تمام حالات مفید ثابت شود. لازم می‌افتد تا مستنطق به طور مسلکی استعداد تحریر را در ماشین تایپ داشته باشد

از دیکته فون به قسم وسیله تخنیکي به منظور ثبت اطلاعات بدست آمده از مشمولین قضیه استفاده بعمل می‌آید. که زمینه سرعت انجام وظایف تحریری را به ارتباط تحریر پروتوکول مساعد می‌سازد.

در چنین حالات دیکته فون غرض ثبت مدارك استفاده نگردیده اگر به طور مثال شواهد بدست آمده را در اثنای بررسی محل واقعه، مستنطق ذریعه دیکته فون تحریر نماید، پروتوکول ممکن است بلااثر ثبت مجدد

بعداً به شکل دقیق تحریر و اکمال گردد. تقدم طریقۀ هذا حاوي آن است که محتوي دیکته شده پروتوکول می‌تواند چار الي پنج مراتبه سریعتر از آن که مطلب در کاغذ رونویس گردد، صورت گیرد، البته زمانیکه پروتوکول وقت زیادی نسبت به ترتیب و اکمال پروتوکول فوری در محل واقعه تکمیل می‌گردد در بر گیرد، به طور

ضمنی دیکته فون برای مستنطق موقتاً اجازه يك مانور را می‌هد تا زمانیکه ضرورت ترتیب پروتوکول در اثنای پیشبرد فعالیت تحقیقات تجربی دیده نشود. موثریت بیش از حد آن از برکت پیوند و اتصال دیکته فون و ماشین تایپ تحریر بوجود آمده و آنگاه وظیفه مستنطق تنها دیکته نمودن بوده و ثبت مجدد آواز و تحریر اسناد در ماشین تایپ بدوش شخصی میباشد که گوش را درگوش و مصروفیت تایپ نمودن را عهده دار است.

وسایل مخصوص به منظور دوختن و صحافت دوسیه جزایی در هر يك از ارگانهای تحقیق وجود داشته، گذشته از وسایل مذکور، درفش، برمه، سوزن و تارهای مستحکم نیز موجود می‌باشد. پشتی و صحافت ذریعه وسایل، دوسیه جزایی را با سلیقه جلوه داده، اسناد و اوراق بداخل آن محفوظ نگهداری می‌گردد. وسایل تخنیکي را شخص مستنطق میتواند بخودی خود مورد استفاده قرار بدهد و بلااثر كمك و مساعدت کریمناست از آن استفاده نماید. 1

1 عبدالحمید شورابی الاثبات الجنایی ج 2 ص 82 سال 1378

نتیجه گیری

خداوند را سپاسگزارم که بنده را توفیق داد تا این رساله را ترتیب و آماده نمایم. طوریکه هویدا است جرم و مجرمیت از پیدایش بشر وجود داشته و با این فرق که در زمان قدیم این پدیده شوم همواره جامعه بشری را به شکل ابتدایی به نظر انداخته اما با گذشت زمان و با پیشرفت علوم و تکنالوژی شکل پیشرفته را بخود گرفته است ولی همگام با آن با استفاده از تکنالوژی و علوم، جهت کشف و دریافت مدارک اثبات جرم و دستگیری مجرمین و سپردن آنها به چنگ قانون پیشرفت های قابل ملاحظه ای صورت گرفته است. مثلاً برداشت نشان انگشت از صحنه جرم کمک شایانی در کشف و شناسایی مجرم میکند و به همین ترتیب در جرایم قتل آثاری چون نشان انگشت، پل پا، چاقو، خون، پوچک، و مرمی که در صحنه جرم، مجرم از خود بجا میگذارد هر کدام از این مدارک کمک شایانی در شناسایی مجرمین واقعی میکند. پدیده جرم در تمام جوامع وجود داشته و کشورها برای جلوگیری این پدیده شوم مساعی زیاد به خرج داده اند و با استفاده از تکنالوژی عصری میزان جرایم را در کشور های شان کاهش داده اند اما در کشور عزیز ما افغانستان که سه دهه جنگ و بدبختی تمام زیربناها را از بین برده است، دستگاههای قضایی و عدلی نیز دستخوش این ناملایمات گردیده، که مجرمین از این خلاها استفاده نموده و میزان جرایم به اوج خود رسیده است، و جامعه را از کاروان تمدن باز داشته و سد راه ها پیشرفت و ترقی گردیده است، طبیعی است که نظم و امنیت نقش اساسی را در رشد و پیشرفت جامعه دارد زمانی که امنیت در یک جامعه وجود داشته باشد تمام عرصه های کشور پیشرفت مینماید که کشورهای همسایه مثال خوب از آن میباشد. و امروز ما وارث افغانستان ویران از هرنگاه عقب مانده و دارای اقتصاد ضعیف هستیم مردم ما از اثر نبودن صلح و امنیت نمیتواند به خاطر آرام به زندگی خود ادامه دهند و جوانان که نیرو و قدرت جامعه محسوب میگردند نمیتواند که از نعمت سواد برخوردار گردند و تحصیل نمایند کشور ما که امروز به اثر نداشتن وسایل عصری کشف جرم به مشکلات و چالش ها روبرو است، دستگاه قضا و خرنوالی باید با احساس وطن دوستی، ابتکار و مسولیت خویش در قبال مردم رنج دیده جرایم را بگیرند و عاملین به چنگ قانون بسپاریم و در تحکیم حاکمیت قانون جد و جهد نماییم، این پایان نامه که حاوی سه فصل میباشد، فصل اول آن اصل دلایل اثبات و در فصل دوم قرائین و دلایل استثنایی در فصل سوم تحقیق جرایم گنجانیده شده است.

این پایان نامه که از لحاظ نوشتاری خالی از اشتباه نیست امید است خواننده گان محترم بنده را عفو نمایند. این اثر منبع خوبی برای محصلان پوهنهی شرعیات و قانون به خصوص آن عده

محصلینی که در رشته فقه و قانون مشغول تحصیل میباشد که با مطالعه این اثر به اندوخته های علمی شان بیفزایند.

شایان ذکر است تا از تمام اساتید محترم پوهنهی شرعیات پوهنتون سلام تشکر کنم که طی مدت دو سال با وجود مشکلات که وجود داشت با هدایات نیک و رهنمود هایشان ما را تا این مرحله رسانده است. از ایشات سپاس شکران میکنم به خصوص از محترم استاد (وزیر محمد سعیدی) استاد رهنمایم که بنده را در ترتیب این اثر کمک و یاری نموده تشکر میکنم.

با احترام

کامله "موحد یوسفزی"

پیشنهادات

منحیث یک فرد این جامعه پیشنهادم برای نهاد های عدلی و قضایی اینست که:

- 1) در قدم اول باید در قضایایی جرمی به طور بسیار دقیق و طبق دستورات شرعی عمل صورت بگیرد تا اینکه حق از باطل تمیز شود .
- 2) باید در قدم نخست جلوگیری از جرم جنایات صورت گیرد . کوشش و تلاش زیاد شود تا اینکه جرم جنایات خلق شود و راه هایکه جرم جنایات از آن بروز میکند محدود شود یک مقوله مشهور است که وقایه بهتر از معالجه!
- 3) از طریق رسانه ها به مردم اطلاع رسانی شود تا اینکه اذهان عامه از عواقب ناگوار جرایم باخبر شوند و برای شان رهنمایی طبق دستورات دین مقدس اسلام صورت بگیرد . اگر افراد یک جامعه از افراد و عواقب جنایات باخبر باشد از دستورات الهی و منکرات آگاه باشند و از قوانین وضعی کشور آگاه باشند در این صورت دست به جرم جنایات نمی زنند . از طریق رسانه ها به مردم فهمانده شود از طریق اعلانات ، اخبار ، مدیا و منبر .
- 4) جرم جنایات از ابتدای خلقت بشر ادامه و الی ختم بشر بنا یک پدیده است که همزمان با انسان ها در حرکت است و یک پدیده غیر نابود شرعی و در هر زمان و هر مکان قابل وقوع میباشد و یک جامعه و مردم را به هلاکت و نیایی می کشاند . پس لازم ملزم است که در این باره سعی و کوشش بی نهایت دقیق صورت بگیرد تا اینکه سطح جرایم کاهش پیدا کند .
- 5) همچنانکه پشرفت سریع در علوم و تکنالوژی در اواخر نوزدهم صورت گرفته و افزار های جدید کشف جرم در کنار دلایل اثبات جرم کلاسیک [اقرار و شهادت] به تدریج در جوامع بشری معمول شده پیشنهاد میکنم و امیدوار هستیم که در کشور عزیز ما افغانستان از این شیوه های جدید که جرم یابی به عنوان یک علم در کشف و تشخیص و شناخت پدیده های مجرماند و حفظ آثار و دلایل مادی جرم به سرعت توأم با دقت در رسیدگی های جزایی را افزایش میدهداز بروز اشتباهات قضایی وبی اعتبار ساختن دستگاه عدالت کشور به نحو قابل توجه به عمل آورده شود .
- 6) در اخیر باید یادآور شوم که پیشنهادات بنده به دستگاه های قضایی و ثارنوالی اینست که با احساس وطن دوستی ابتکار و مسؤلیت خویش را طبق هدایت شرایع الهی خود را در قبال

مردم ربع دیده ادا نمایند و جلو جرایم را بگیرند و عاملین را به جنگ قانون بسیار اندو در تحکیم شرایع الهی و حاکمیت قانون جدوجهد بی نهایت نمایند.

فهرست آیات قرآن کریم

شماره	آیات قرآن کریم	شماره آیه	صفحه
سوره بقره			
33	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ آجَلٍ مَّسْمُومٍ فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ...﴾	282	33
37	﴿وَلَا يَأْبَ الشَّهَادَةُ إِذَا مَا دُعُوا﴾	282	37
38	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾	183	38
سوره مائده			
42	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَدَةٌ بَيْنَكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذُوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ﴾	106	42
99	«...و ان حکمت فا حکم بینهم بالقسط ان الله يحب المقسطين»	42	99
سوره النساء			
20	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ﴾	135	20
34	﴿فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾	6	34

99	58	«...و إذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل».	
سوره يونس			
41	71	اجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ	
سوره يوسف			
93	18	﴿وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ	
98	26	:«...و شهد شاهد من اهلها ان كان قميصه قد من قبل فصدقت....»	
98	18	«و جاؤوا على قميصه بدم كذب قال بل سولت لكم انفسكم امرا....»	
سوره النحل			
21	106	مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ	
سوره ص			
99	26	«يا داود انا جعلناك خليفه في الارض فاحكم بين الناس بالحق....»	
سوره طلاق			
27	2	﴿وَأَشْهِدُوا ذُوِي عَدْلٍ مِّنكُمْ﴾	

فهرست احادیث نبوی و آثار:

شماره	احادیث نبوی و آثار	نام کتاب	صفحه
-------	--------------------	----------	------

	<p>صحیح البخاری</p>	<p>35 «كانت بينى و بين رجل خصومه فى بئر فاخصمنا الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال رسول الله شاهداك او يمينه»</p> <p>39 «عن عبدالرحمن بن ابى بكره عن ابيه رضى الله عنه قال قال النبى صلى الله عليه وسلم الا انبئكم ...»</p> <p>39 «ذكر رسول الله صلى الله عليه وسلم الكبائر او سل عن الكبائر فقال الشرك بالله وقتل النفس و عقوق الوالدين فقال الا انبئكم با كبر الكبائر قال قول الزور او قال ...»</p> <p>40 «كان بينى و بين رجل خصومه فى شىء، فاخصمنا الى رسول الله صلى الله عليه وسلم- فقال شاهداك او يمينه»</p>	<p>1</p>
	<p>صحیح مسلم</p>	<p>71 «اتحلفون و تستحقون قاتلكم، او صاحبكم قالوا و كيف نحلف ولم نشهد و لم نر قال فتيريكم يهود ...»</p> <p>36 «عن علقمه بن اوئل عن ابيه قال جاء رجل من حضرموت ورجل من كنده الى النبى صلى الله عليه وسلم فقال الحضرمى يا رسول الله»</p> <p>40 «على مثلها فاشهد اودع»</p> <p>40 «عن علقمه بن وائل عن ابيه قال جاء رجل من حضر موت و رجل من كنده الى النبى صلى الله عليه وسلم فقال الحضرمى يا رسول الله ان هذا قد غلبنى....»</p> <p>102 «(اعرف و كاءها و عفاصها، ثم عرفها سنة، فان لم تعرف فاستنفقها، ولتكن و دبعة عندك، فان جاء صاحبهاها، و كاءها فاعطها آياه)</p>	<p>2</p>

103	صحيح مسلم	(ايكما قتله؟فقال كل واحد منهما:انا قتله.فقال صلى الله عليه وسلم هل مسحتما سيفيكما قال:لا، فنظر في السيفين، فقال:كلاكما قتله و سلبه لمعاذ بن عمرو بن الجموح)	3
37	سنن ترمذى	«والعمل عليه عند اهل العلم من اصحاب النبى صلى الله عليه وسلم و من بعدهم»	
41		«والعمل على هذا عند بعض اهل العلم من اصحاب النبى- صلى الله عليه وسلم- و غيرهم»	
41		«لا صيام لمن لم يجمع الصيام من اليل»	

فهرست منابع و ماخذ

1. قرآن کریم
2. آیت الله سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، سال ۱۴۱۱
3. ابوبکر بن مسعود کاسانی کتاب بدایع الصنایع فی ترتیب الشرایع بیروت سال ۱۹۸۲
4. ابو عبدالله محمد ابن اسماعیل بخاری صحیح البخاری کتاب بدء الوحی سال ۱۸۸۵
5. ابو حسن بن فارس الفقه سال ۱۳۷۵
6. ابو حسان محمد، احکام الجرمه والعقوبته فی الشریفه الرزقاء مکتبه المنار، الطبعة الاولى سال ۱۹۸۷
7. ابو قاسم پاینده، نهجالفصاحه، بیجا، انتشارات جاویدان سال ۱۳۴۴
8. احرار محمد استماع شهادت در دعوی جزایی سال ۱۳۸۶
9. اسماعیل بن حماد الجوهری الصحاح چاپ دارالعلم للملا بین بیروت سال ۱۴۴۳
10. الشیخ مقنع الصدوق باب القضاء و الاحکام سال ۱۳۸۶
11. اسکینی ربیعا حقوق تجارت انتشارات سمت سال ۱۳۸۵
12. ابو منصور جمالالدین حسن الامه العلی، قواعد الاحکام سال ۱۴۱۳
13. ابن رشد اندلسی، بدایه المجتهد سال ۱۴۱۶
14. ابو القاسم پاینده نهج الفصاحه بی حاج سال ۱۳۴۴
15. امام ابی حسین مسلم بن احجاج القشیری نیشاپور صحیح مسلم
16. الفوزان محمد بن براك التنظيم القضاى فى الفقه الاسلامى دمشق دار الفكر الطبعة الثانى سال ۱۴۲۷
17. ایمان الحطمی پیشگیری از جرایم و تخلفات سال ۱۳۹۵
18. ابوبکر نصر فارابی، اساسات علمی کشف جرایم سال ۱۳۸۰
19. احسان الله عالمی، طب عدلی، سال ۱۳۸۷
20. ابراهیم رجبی تاج امیر، پژوهش های حقوق و جرح شناسی سال ۱۳۹۹
21. اکبر عزیری، پولیس علمی پیشگیری از جرایم سال ۱۳۹۵
22. ابراهیم رجبی تاج امیر، تحقیقات طب عدلی سال ۱۳۹۷
23. اسماعیل رحیمی، جرح یابی سال ۱۳۸۲ تهران
24. احسان الله عالمی، لکچرنوت طب عدلی سال ۱۳۸۷
25. احمد رضا، جلوه های جرم شناسی، انتشارات خرسندی سال ۱۳۸۲ تهران

26. ابی الحسن مسلم، صحیح مسلم، چاپ اول بیروت نشر دار المعرفه سال ۱۴۲۹
27. ابی داود سلیمان سنن ابی داود چاپ اول بیروت نشر دار الفکر سال ۱۴۲۴
28. الماوردی الاحکام السلطانیه چاپ کتابخانه نور بیروت لبنان
29. ابی بکر بن نجیم ابن ابراهیم بن محمد بحر الایق شرح کننده دقایق دار المعرفه بیروت
30. جعفر کوشا بررسی حقوقی کیفری سال ۱۳۹۳
31. جرحانی محمد بن علی کتاب التعریفات سال ۶۳۸ تهران
32. جلال بهادری کشف جرم سال ۱۳۸۱ تهران
33. جعفر لنگروردی دایره المعارف عمومی حقوقی موسوم به الفاروق سال ۱۳۸۵
34. جریده رسمی افغانستان استمتاع در دعوی جز این سال ۱۳۸۶
35. جریده رسمی وزارت عدلیه کود جز نمبر مسلسل ۱۲۶۰ سال ۱۳۹۶
36. جواد افتخاری حقوق تجارت انتشارات ققنوس سال ۱۳۸۰ تهران
37. حسن ستوده تهران دادگری حقوقی چاپ ۱۲ سال ۱۳۸۱ { حسین خزاعی حقوق تجارت سال ۱۳۸۵ تهران }
38. حمید رضا محمدی شناخت جرم شناسی سال ۱۳۸۰ تهران
39. داد محمد نذیر حقوق جزای اختصاصی اسلام سال ۱۳۹۱
40. روبرت سی سالرج بررسی قانونی صحنه جرم سال ۱۳۸۸
41. سید محمود هاشمی شاهوردی فرهنگ فقه سال ۱۳۸۲
42. سید کاظم طباطبایی یزدی العروه الوشقی تکمله سال ۱۳۳۷
43. سید محد شیرزاد الفقه سال ۱۳۸۰
44. سید مرتضی حسینی زبیدی بیتاج
45. سید حسن فیروز آبادی الوجوب سال ۱۳۶۴ مشهد
46. سجادی جعفری فرهنگ معارف اسلامی سال ۱۳۷۳
47. شیخ محمد رضا مظفری ، اصول فقه سال ۱۳۸۳ بیروت
48. شیخ کامل عویضه ، فقه جامع بانوان سال ۱۳۹۰
49. شهید الثانی الروقته البهیمه ۱۳۹۸
50. شبیر احمد عثمانی و شیخ النصر حضرت مولانا محمودالحسن و جمع از علمای افغانستان تفسیر کابلی
51. شیخ محمد رضا مظفری اصول فقه سال ۱۳۸۳ بیروت
52. عبدالقادر هوشمند، اصول محاکمات جزایی افغانستان سال ۱۳۹۴

53. عبدالمجید شودابی الاثبات الجنایی فی فودالقفاد و الفقه اسکندریه مشاه المعارف
54. عبدالقادر عوده، التشريع الجنایی، الاسلامی له متعارفا بالقانون اوصفی ۱۳۷۴ بیروت
55. عبدالله بن محسن الترمکی موسسه الرساله، الطبعة الثالث عشر سنته ۱۴۱۵
56. عبدالعلیم عوض، العلی العباد سال ۱۳۸۴
57. عبدالکریم زیدان، الوجیز در اصول فقه سال ۱۳۸۶
58. عبدالقادر نایل، اساسات حقوق اسلام سال ۲۰۰۴
59. عثمان بن ابی، صحیح بخاری
60. عابدین مومنی سلمان احمد، حقوق جزای اختصاصی اسلام سال ۱۳۹۷ تهران
61. علی سلمان پوری، تحقیقات پزشکی قانونی سال ۱۳۹۲ تهران
62. علی حسن نجفی، شناخت جرم شناسی سال ۱۳۹۰ تهران
63. علی سلیمی، جرم و جرم شناسی، سال ۱۳۷۹ تهران
64. عبدالحمید شورابی، الاثبات الجنایی سال ۱۳۷۸
65. عبدالحمید اخی زاده، حقوق جزا و جرم شناسی سال ۱۳۸۹ تهران
66. غلام رضا فدایی شهیدی، پولیس علمی و دانش کشف علمی جرایم سال ۱۳۹۸ تهران
67. فتحی بهسنی احمد، نظریه اثبات فقه
68. فرهنگ نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی [فرامز گودرزی، پزشکی قانونی سال ۱۳۷۴]
69. قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان وزارت عدلیه سال ۱۳۹۷
70. قوانین اجرات جزایی
71. قاموس اصلاحات حقوقی افغانستان سال ۱۳۸۷
72. محمد بن مکی شهید اول، الروس الشریعه سال ۱۳۷۶
73. مبارک بن محمد بن عبدالواحد شیبانی معروف به ابن اثیر جزری، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر زیل جنی چاپ طاهر احمدزای و محمود طنحی سال ۱۳۸۳
74. محمد طوسی بین حسن، تهذیب الاحکام، دارالافتوای سنت ۱۴۱۳
75. مسال الکافهم ۱۳۱۴
76. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی سال ۱۳۷۸ تهران
77. مجلت الاحکام عدلیه، مجموعه قواعد مسایل فقهی، مطبع فضل سال ۲۰۰۲
78. محمد عیسی ترمزی، سنین الترمزی سال ۱۴۲۸
79. محمد رضا مظفر، المنطق، دارالمتعارف لعل مطبوعات سال ۱۴۰۲

80. محود آخونری آیین دادرسی کیفری چاپ سوم سال ۱۳۶۸ تهران
81. مجدالدین الفیروز آبادی، قاموس المحيط داحیا التراث القربی سال ۱۳۸۰
82. محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق سال ۱۳۸۸ تهران
83. محمد رشاد، اصول فقه سال ۱۳۶۶
84. محمد ابوالحسن، احکام الجرمه والعقوبت الشریعه الزرقات مکتب المنار الطبه الولی السنه سال ۱۳۶۸
85. محمد الحبيب، نظریه العامه الفقا و الاثبات فی الشریه الاسلامی، بغداد
86. محمد رضا پورا احمدی، همان اثر رمز پازرسی سال ۱۳۹۸
87. محمد ادیب محمد حسن، پزشک قانونی سال ۱۳۷۷ تهران
88. مهدی نجابتی، حقوق جرم شناسی سال ۱۳۹۱ تهران
89. محمد آشوی، آیین دادرسی سال ۱۳۹۵ تهران
90. مسعود بسامی، اعتیاد جرم در رویه قضایی سال ۱۳۹۴ تهران
91. مهرزاد کیانی، پزشک قانونی سال ۱۳۸۴ تهران
92. محمد عظیم فارابی، اساسات علمی کشف جرایم ریاست نشرات لوی ثارنوالی ۱۳۸۷
93. محمد عمری ببرک زی، کرایمینالستیک سال ۱۳۸۴ کابل
94. محسن شفعی نیک آبادی، هما اثر سال ۱۳۸۰
95. محمد علی حاجی ده آبادی، جرم شناسی کاربردی، پژوهش‌گاه بین المللی المصطفی ۱۳۹۹
96. مهرزاد کیانی، تحقیقات طب عدلی سال ۱۳۸۴ تهران
97. مهدی کینا، مبانی جرم شناسی سال ۱۳۷۵ تهران
98. مورسن کنی، اصول جرم شناسی، ترجمه روح‌الله صدیق سال ۱۳۷۶ تهران
99. محمد علی بایانی، شناخت جرم شناسی، نشر دانشگاه امام حسین سال ۱۳۸۰ تهران
100. مجدالدین الفیروز آبادی قاموس المهوا دار احیا التراث العربی سال ۱۳۸۰
101. نجیب امین، لکچرنوت کریمنالستیک سال ۱۳۸۵ کابل
102. ولی الله انصاری، کشف علمی جرایم سال ۱۳۸۸
103. ولی الله انصاری، حقوق تحقیقات جنایی مطالعات تطبیقی، سال ۱۳۸۰
104. وهبه محمد زحیلی، الوجیز در اصول فقه سال ۱۳۹۶
105. وهبه محمد زحیلی، وسایل الاثبات، الرياضی الموبدالطبعه الثانيه ۱۴۱۴ ق
106. هوشنگ شامیاتی، جرم شناسی عمومی سال ۲۰۰۷ تهران

فهرست اعلام:

شماره	اسماء اعلام	صفحه
1.	محمد بن ادريس شافعي	22
2.	مالك بن انس	23
3.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	28
4.	مالك بن انس	29
5.	محمد بن ادريس شافعي	29
6.	احمد بن حنبل	29
7.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	32
8.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	42
9.	احمد بن عبدالحكيم معروف به ابن تيمه	42
10.	احمد بن حنبل	42
11.	محمد بن ابى بكر ابن قيم الجوزى	42
12.	مالك بن انس	42
13.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	43
14.	مالك بن انس	43
15.	محمد بن ادريس شافعي	43
16.	احمد بن عبدالحكيم معروف به ابن تيمه	43
17.	محمد بن ابى بكر ابن قيم الجوزى	43
18.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	44
19.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	45
20.	جمهور علماء	45
21.	مالك بن انس	46
22.	اهل ظواهر	46
23.	احمد بن حنبل	46
24.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	69
25.	اهل سنت	70
26.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	72
27.	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	73
28.	مالك بن انس	73
29.	محمد بن ادريس شافعي	73
30.	احمد بن حنبل	73
31.	محمد بن محمد معروف به مفيد	73
32.	شيخ طوسى	76
33.	ابو جعفر محمد بن على معروف به شيخ صدوق	76
34.	امام مالك بن انس	77
35.	امام شافعي محمد بن ادريس	77
36.	احمد بن حنبل	77
37.	امام محمد غزالى	77
38.	ابن ابى ليلى	78

78	ظاهريه	.39
85	ولى شهيد	.40
89	شيخ جواهرى	.41
90	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	.42
90	احمد بن حنبل	.43
104	محمد زحيلي	.44
68	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	.45
68	محمد ابن ادريس شافعى	.46
90	احمد بن حنبل	.47
90	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	.48
90	ابو حنيفه نعمان بن ثابت	.47
93	دوكتور عبدالعال عطوه	.48
94	امام عبدالسميع	.49

Conclusion

I thank God for helping me to prepare and ready this treatise. As it is obvious, crime and criminality have existed since the creation of human beings, and with this difference that in ancient times, this ominous phenomenon has always considered human society as primitive, but with the passage of time and with the advancement of science and technology, it has taken on an advanced form. With the use of technology and science, considerable progress has been made in discovering and receiving evidence of crime and arresting criminals and handing them over to the law. For example, removing a fingerprint from a crime scene helps a lot in discovering and identifying the perpetrator, and similarly, in murder cases, works such as a fingerprint, a footbridge, a knife, blood, a pen and a bullet that the perpetrator leaves behind at the crime scene each of these documents help to identify the real culprits.

The phenomenon of crime has existed in all societies and countries have made great efforts to prevent this ominous phenomenon and have reduced the amount of crime in their countries by using modern technology, but in our country Afghanistan, where three decades of war and misery all infrastructure The judiciary and the judicial have also been affected by these misfortunes, where criminals have used these gaps and the crime rate has reached its peak, and society has been deprived of the caravan of civilization and the path of progress and progress has been blocked. Order and security play an essential role in the growth and development of society. When there is security in a society, all areas of the country develop, of which neighboring countries are a good example. And today, we are the heirs of a devastated Afghanistan, backward in every way, and we have a weak economy. Educate our country, which today faces problems and challenges due to lack of modern means of crime detection, the judiciary and the prosecutor's office must take the initiative of responsibility for crimes against the suffering people with a sense of patriotism and leave the perpetrators in the hands of the law and strengthen the rule of law Let's make an effort This dissertation contains three chapters, the first chapter of which is evidence and in the second chapter of evidence and exceptional reasons is included in the third chapter of crime investigation. This dissertation, which is not technically flawless, hopes that my esteemed readers will forgive me. This work is a good source for students of the Faculty of Sharia and Law, especially those students who are studying in the field of jurisprudence and law, to increase their scientific savings by studying this work.

It is worth mentioning that I would like to thank all the esteemed professors of the Faculty of Sharia of Salam University who, despite the problems that have existed for two years, have brought us to this stage with their kind guidance and instruction, especially Dr. Wazir Mohammad Saeedi. I thank my mentor for helping me in arranging this work.

With respect

Kamila "Mowaheed Yousufzai"



Salam University

Faculty of Sharia Faculty and law

Master program in jurisprudence & law



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of academic Affairs

**Reasons for proving criminal lawsuits from the perspective of
jurisprudence and laws**

A Master's Thesis

Student: Kamila Movahid "Yousofzai"

Supervisor: wazir Mohammad "Sayeed"

Hijri Year: 1398



Sabaa University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
IQE of Academic Affairs

Reasons for proving criminal lawsuits from the perspective of jurisprudence and laws

A Master's thesis

Student: Kamila Mawahid "Yousaf"

Supervisor: Wazir Mohammad "Sayeed"

High Year: one